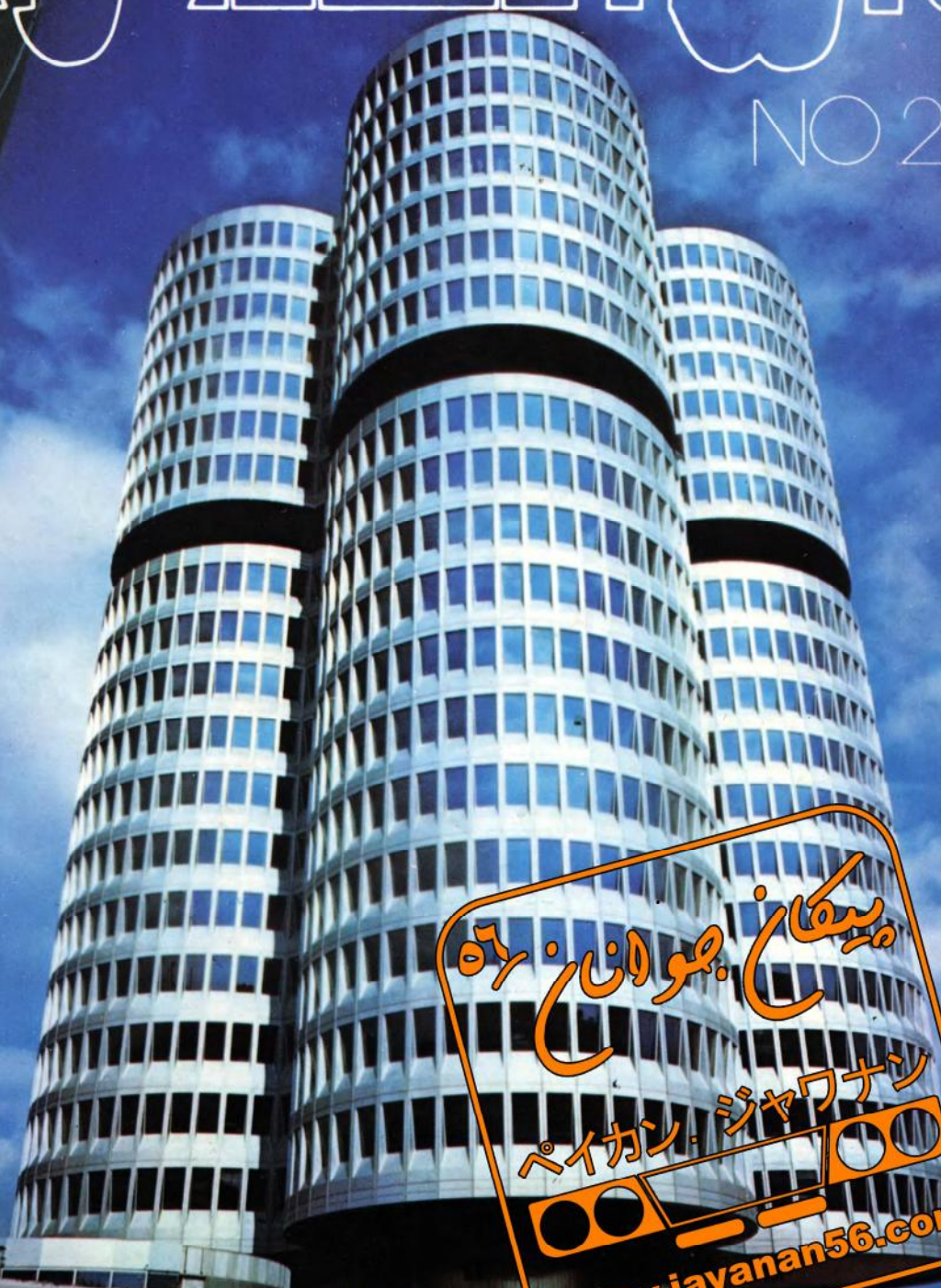


ART ARCHITECTURE

NO 29_30



میکان جوانان ۵۶

پیکان - جیرونان



www.javanan56.com

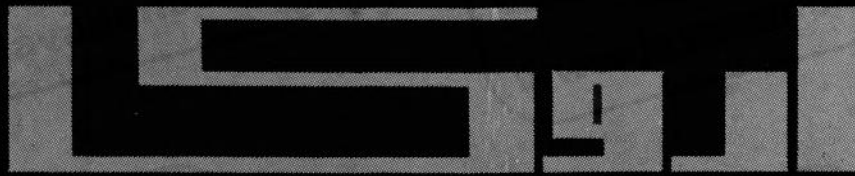
AROKA

HEATING & COOLING AIRCONDITIONING SYSTEM

هوای خنک و مطبوع در تابستان
و گرم و دلپذیر در زمستان

برای تمام اطاقها خانه شما

سیستم تهویه مطبوع (سرد و گرم)



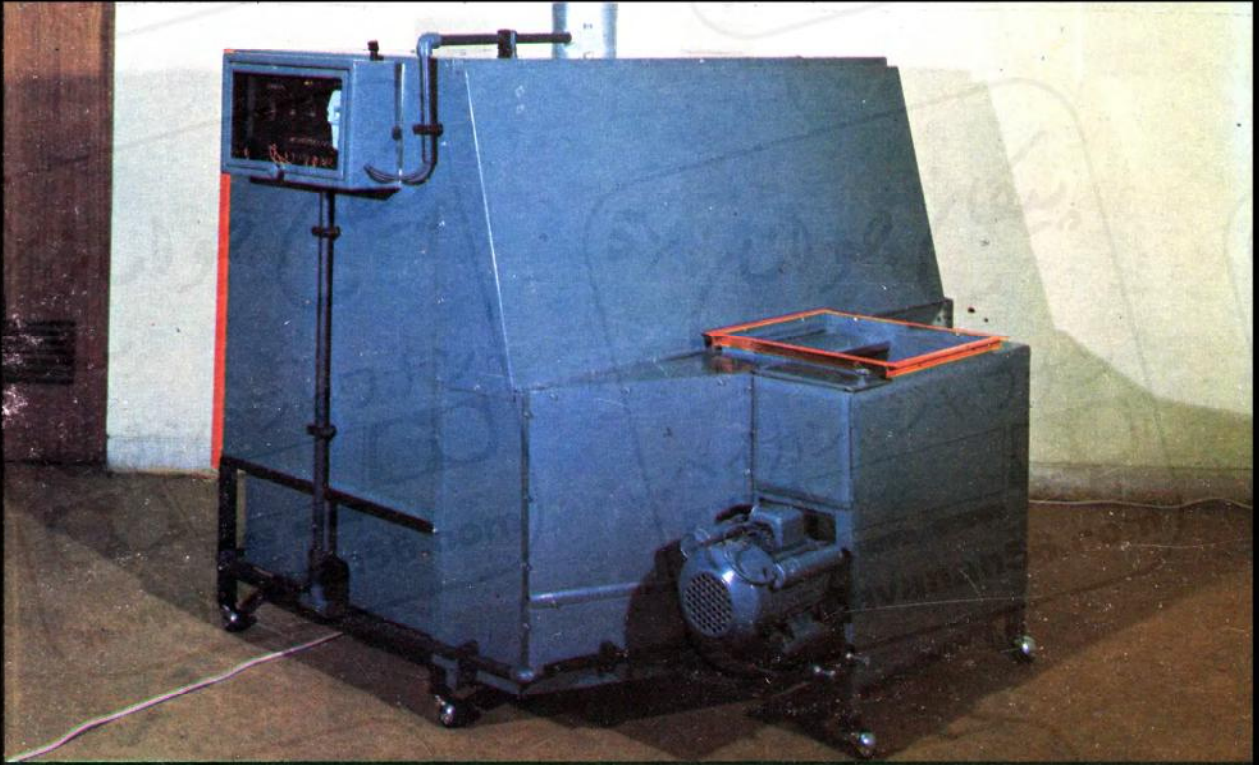
داینس بهترین، کامترین و لائقترین سیستم تهویه سرد و گرم در دنیاست که
به همراه خنک تابستان و گرم زمستان و رطوبت نسبی در ارض شما خنک و مطبوع
را تواناییست تأمین و تنظیم میکند.

شرکت سهامی صنعتی اروکا؛ خیابان کاخ - بین بزرگمهر و تخت جمشید - شماره ۱۵۱ - تلفن ۶۴۶۶۴۸

زیب و لاکشیر برادر ختمش

باتهویه مطبوع مرکز اروکا

(خسک و مطبوع در تابستان، گرم و دلپذیر در زمستان)



چند مزیت عمده سیستم اروکا

- ۷- هوای سرد و گرم این سیستم تمیز، بهداشتی، بیک و راحتی بخش است
- ۸- درجه حرارت زمستانی و پروت تابستانی در تمام قسمتهای ساختمان یکنواخت است
- ۹- بعلت تهویه توام با رطوبت نسبی تنظیم شده علاوه بر مزایای بهداشتی و تنفس راحت، مبلمان و اثاثیه چوبی منزل سالم و از ترك خوردن مصون میماند.
- ۱۰- عمر و دوام دستگاه بسیار طولانی است و در طراحی آن نکات فنی بسیار جالبی وجود دارد. طوریکه بعد از سالها کار قطعات فرسوده آن براحتی عوض میشود و بیکدستگاه نو تبدیل میگردد.
- ۱۱- بعلت حذف لوله کشی و تبدیل آن به کانال هوا خطر پوسیدگی و تركیدن لوله و در نتیجه خطر نفوذ آب بداخل ساختمان وجود ندارد.

- ۱- قیمت آن بالنسبه ارزان است
- ۲- مصرف سوخت و برق آن خیلی کمتر از سیستمهای دیگر است
- ۳- سیستم کاملا اتوماتیک است
- ۴- از نظر ایمنی کاملا مطمئن است
- ۵- به موتورخانه بزرگی احتیاج ندارد
- ۶- در داخل اتاقها به جز درجه هوا که بر روی دیوارها نصب میشود به دستگاه دیگری احتیاج نیست و در نتیجه قسمتی از فضای اتاقها یا وسایل مبدل های کرما و سرما اشغال نمیشود و به زیبایی داخل ساختمان لطمه نمیزند

با کمکهای ارزنده و تشویق‌آمیز
والاحضرت شاهدخت اشرف‌پهلوی

With the benevolent help
and encouragement of
Her Royal Highness
Princess Ashraf Pahlavi

ناشر افکار مهندسان و معماران

شماره ۲۹-۳۰ ۵۵ آرشیوتکت
امرداد - آبان ۱۳۵۴ - سال هفتم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

عبدالحمید اشراق

هیئت تحریریه:

دکتر مهدی امانی - مهندس محمد کریم
پیرنیا - پرویز تناولی - مهندس نادر خلیلی -
دکتر بیژن دفتری - مهندس منوچهر
سلیمانی‌پور - دکتر رضا کسائی - دکتر زاره
گریگوریان - مهندس محمدرضا مقتدر - دکتر
منوچهر مزینی - دکتر کاظم ودیع - دکتر پرویز
ورجاند

اداره بختیاب:

صمد ذواشتیاق

روابط عمومی و آگهی:

علی‌اکبر خرشاهی

طرح:

مهدی پشوتن - حسن هاشمی

ترجمه انگلیسی:

آزاده بیداریخت

ترجمه فرانسه

مهرداد تائب

بخش اشتراك:

شبناز هوشمند

تک‌شماره ۲۰۰ ریال

شماره مخصوص ۴۰۰ ریال

بهای اشتراك در ایران:

یکسال (۶ شماره) ۱۲۰۰ ریال

دو سال (۱۲ شماره) ۲۲۰۰ ریال

سه سال (۱۸ شماره) ۳۲۰۰ ریال

بهای اشتراك در خارج:

یکسال (۶ شماره) ۲۳ دلار آمریکا

دو سال (۱۲ شماره) ۴۴ دلار آمریکا

سه سال (۱۸ شماره) ۶۵ دلار آمریکا

نشانی اداره مجله: شاه‌رضا، روی‌روی

دانشگاه تهران، شماره ۲۵۶، طبقه سوم

صندوق پستی: ۱۴۱۸

تلفن ۶۴۱۴۱۷

روی جلد: ساختمان ب - او - و مویخ
آرشیوتکت: کارل شوانتزر «فقد»

ART AND ARCHITECTURE

International edition

No. 29 - 30 Seventh year

Sep. Dec. 1975

Special Edition "5Architects"

Director and Founder:

Abdol Hamid Eshragh

Board of Editors:

Dr. M. Amani - Eng. M. Pirnia -

P. Tanavoli - Eng. N. Khalili -

Dr. B. Daftari - Eng. M. Soleymani-

pour - Dr. R. Kassaei - Dr. Z.

Grigorian - Eng. M.P. Moghtader -

Dr. M. Mozayeni - Dr. K. Vadi'i -

Dr. P. Varjavand.

Executive Manager

Samad Zou Eshtiaagh

Public relation and advertisement:

Ali-Akbar Khorramshahi

Press Reporter

Roosbeh Khossravi

French Translator

Mehrdad Taeib

Design:

Mehdy Pashotan

English Translator:

Aazadeh Bidarbakht

Subscription

Shahnaz Hooshmand

Single copy: 200 Rials

This edition (2 issues): 400 Rials

Subscription Rates (in Iran)

One year (six issues) 1200 Rials

Two years (12 issues) 2200 Rials

Three years (18 issues) 3200 Rials

Subscription Rates (Abroad)

One year (6 issues) 23 US\$

Two years (12 issues) 44 US\$

Three years (18 issues) 65 US\$

Address: 256, Shahreza Avenue,

Tehran, Iran. P.O.Box 1418

TEL: 641417

جاب و صحافی شرکت است - سهامی خاص -
جایگاه بیست و پنجم شهرویر

Typesetting by Kashmiri

فهرست مطالب

صفحه ۵	۱- سرمقاله
صفحه ۶	۲- اخبار
صفحه ۲۲	۳- معماری از کانادا (چارلز اریکسون)
صفحه ۲۴	۴- مفاهیم طراحی شهر (جامعه جدید سدار ریورساید)
صفحه ۲۶	۵- جامعه جدید (در سدار ریورساید - میناپولیس - مینه‌زوتا)
صفحه ۲۹	۶- الفبای معماری منطقه‌ای ایران
صفحه ۳۲	۷- کارل شوانتزر - مرگ یک معمار
	۸- مؤسسه گسترش اقتصادی در اتریش سفلی (کارل شوانتزر)
صفحه ۳۳	۹- موزه ب - ام - و (کارل شوانتزر)
صفحه ۳۴	۱۰- برنامه‌ریزی در سطح ملی (آلن بوتول)
صفحه ۴۱	۱۱- ضرورت همزیستی بشر (آلن بوتول)
صفحه ۴۳	۱۲- خانه‌های سیار خودمختار
صفحه ۴۵	۱۳- کنزوتانگه
صفحه ۴۸	۱۴- بنای شهرداری توکیو (کنزوتانگه)
صفحه ۵۲	۱۵- هال تجمعات در ماتسویاما (کنزوتانگه)
صفحه ۵۵	۱۶- باشگاه گلف توتسوکا (کنزوتانگه)
صفحه ۵۶	۱۷- طرح جایگاه مسکونی (کنزوتانگه)
صفحه ۵۹	۱۸- کودکستان توکیو (کنزوتانگه)
صفحه ۶۱	۱۹- کلیسای سنت‌ماری (کنزوتانگه)
صفحه ۶۳	۲۰- موشه سفدی
صفحه ۶۴	۲۱- طرح سکونتگاه‌های کارخانه‌ای (موشه سفدی)
صفحه ۶۸	۲۲- بازسازی خانه‌های کارمندی (موشه سفدی)
صفحه ۷۰	۲۳- شهر کمی با خانه‌های خوشه‌ای (موشه سفدی)
صفحه ۷۲	۲۴- میشل آکوشار
	نوسازی مرکز شهر دمشق
صفحه ۷۵	۲۵- ساکنان شهر جدید کارگری در کینه (میشل آکوشار)
صفحه ۷۶	۲۷- خوزه لوئیس سرت
	معماری مدیترانه در آمریکای جنوبی
صفحه ۷۸	۲۸- طراحی مترکم برای ساختمان دوره لیسانس علوم
صفحه ۸۰	دانشگاه هاروارد (خوزه لوئیس سرت)
صفحه ۸۲	دانشگاه هاروارد (خوزه لوئیس سرت)
صفحه ۸۵	۳۰- مقدمه مصاحبات با چند آرشیتکت
	۳۱- آنقدر گل نجینیم که قادر به تک‌هدایت نباشیم (دکتر فلامکی)
صفحه ۸۶	۳۲- مصاحبه با خوزه لوئیس سرت
صفحه ۸۹	۳۳- مصاحبه با میشل آکوشار
صفحه ۹۵	۳۴- مصاحبه با کارل شوانتزر
صفحه ۹۹	۳۵- مصاحبه با کنزوتانگه
صفحه ۱۰۳	۳۶- بخش انگلیسی
صفحات انگلیسی	

لیورپول در ساحل راست رود مرسی واقع شده و سه میل از دریای ایرلند فاصله و در ۱۹۴ میل شمال غرب لندن قرار دارد. این شهر یکی از بزرگترین مراکز تجاری جهان است. سطح شهر شامل ۴۳ میل مربع، از جمله رود مرسی میشود. جمعیت برآوردی در سال ۱۹۶۷ برابر ۷۰۵۳۱۰ نفر بوده است.



بندرگاههای دوسوی رود هرکدام حدود ۳۸ میل طول دارد و بارانداز کلاستون میتواند بزرگترین کشتیها را بپذیرد.

ظرفیت کشتی‌هایی که سالانه به این بندر وارد یا از آن خارج میشوند بیش از ۶۲ میلیون تن است. واردات عمده، نفت، غلات، مواد معدنی، شکر، چوب، میوه و پنبه میباشد.

در عکس چراغ دریائی سنت‌جان از یکی از خیابانهای باریک بخش قدیمی لیورپول دیده میشود. این ستون سیمانی جالب، ۴۰۰ پا ارتفاع دارد و بلندترین ساختمان لیورپول است. در بالای آن یک رستوران مدور با کانه‌های شیشه‌ای قرار گرفته است.



مسجد جامع جدید و مرکز فرهنگ اسلامی در لندن که کمی بیش از یکسال طول خواهد کشید، گنبد طلائی ۷۰ پائی و مناره ۱۱۴ پائی آن در زمره بناهای معروف لندن قرار گیرند. در عکس ماکت نهائی این مسجد که توسط سرفردریک گیبرد معمار انگلیسی طرح شده، نمایش داده شده است.

طرح معمار مزبور که در سال ۱۹۶۹ در یک مسابقه بین‌المللی برنده شد، پذیرفته شده و طرح ۱/۵ میلیون لیره‌ای آن بزودی در زمینی که شاه جورج ششم برای این منظور هدیه کرده، آغاز خواهد شد.

گنبد مسجد از آلومینیم آب‌بلا داده شده است و ارتفاعش از زمین ۸۲ پا خواهد بود. این مسجد دارای یک توقفگاه زیرزمینی خواهد بود و کتابخانه بزرگ آن مرکز فرهنگ اسلامی کنونی خواهد بود.

مسجد در پارک «رجنت» که یکی از مناطق زیبای لندن است احداث خواهد گردید. بنای آن قابل توسعه خواهد بود و شست‌شش برای ۲۰۰۰ نفر جا دارد. همچنین میتوان با کنار زدن پنجره‌های کثوفی دو تراس طرفین راهم به شست‌شش وصل کرد و با زدن چادر در بالای آنها ظرفیت را دو برابر کرد. در حیاط جلوی مسجد ۱۰۰۰۰ نفر میتوانند در روزهای مهم مذهبی گرد آیند.

هیئت مسئول مسجد جامع لندن، که ۲۵ سفیر انگلستان در کشورهای اسلامی در آن شرکت دارند، در مورد نقشه و محل مسجد با معماران همکاری کرده ۱ میلیون لیره از مخارج آنرا نیز تقبل کرده‌اند. بعلاوه، برخی از کشورها در تهیه کاشی‌کاری‌ها و دیگر عملیات بنای مسجد همکاری خواهند کرد.



پارتمان کارمندان ارشد -

عکس‌نمای خارجی آپارتمانی است که برای سکونت کارمندان ارشد نیروگاه پاسیرینجانگ در سنگاپور ساخته شده است. دو پیمانکار انگلیسی طرح و ساختمان خانه‌های کارمندی را در نزدیکی نیروگاه جدید پاسیرینجانگ بعهده گرفتند. این خانه‌ها قسمتی از طرح ۱۰۰۰۰۰۰ لیره‌ای برای توسعه نیروگاه جدید این مستعمره در زمان بعد از جنگ و بازسازی یک نیروگاه فرعی است، که رویهم نیاز صنایع رو برشد و خانه‌ها و مغازه‌های سنگاپور را بر-آورده می‌سازند.

در سال ۱۹۵۶، ارزش کارهای مهندسی ساختمانی مؤسسات انگلیسی در بیش از شصت کشور مشترک المنافع و کشورهای خارجی ۸۷ میلیون لیره بود. و سال بعد از ۲۱ میلیون به ۱۰۸ میلیون رسید. و از لحاظ ارزش دلاری از ۴ درصد کل به ۲۰ درصد رسید.



بچاد مسجد جامع جدید در لندن گمان می‌رود پس از بنای

نیجا لیورپول است -

NEWS

آزمایشی مهندسی ارتش هم خواهند رفت. همچنین فرصت خواهند یافت از نمایشگاه تجارتي خودروها که در همان موقع در لندن برگزار ميشود ديدن کند. مجمع مورد اشاره از ۱۸ تا ۲۴ سپتامبر سال جاری تشکیل شد.



دنیای برنامه، برای بی برنامه‌ترین شهر

يك ساختمان بلندبالا در منطقه سنت پاول (باريكن). توسعه اين منطقه بر اساس نقشه بزرگ گسترش شهر لندن می‌باشد. شهری که بعنوان بی برنامه‌ترین شهر دنیا توصیف شده است. اینک با برنامه‌هایی ویژه، کلیساهایی که توسط سر کریستوفر رن سنت پاول طرح شده و دیگر ساختمانهای تاریخی که از حمله شدید ۱۹۴۰ جان سالم بدر برده‌اند بادیگر مناطق پیشرفته در هم می‌آمیزند.

شم‌اندازی از لندن

چشم‌انداز عجیبی از لندن که از بالای ستون یادبود ۱۸۷ پائی-نلسون در میدان ترافالگار برداشته شده است. ستون مورد بحث در سال

جمعیت تخمینی آن در سال ۱۹۶۷ ۲۸۲۸۰۰ نفر بوده است.

صنایع عمده این شهر زیر-جامه‌دوزی و کفش‌دوزی و صنایع سبک‌است. گسترش صنعت زیرجامه بافی در لی‌سستر بیشتر به علت بنای کارخانه جوراب‌بافی در سال ۱۹۶۷ در این شهر بود. امروزه صنعت زیرجامه‌بافی در این شهر با بزرگ‌ترین کارخانه‌های زیرجامه‌بافی جهان برابری می‌کند. در عکس دانشکده صنعتی لی‌سستر دیده می‌شود.



جماع جهانی اتحادیه‌های بین‌المللی جاده‌ها

بل‌جاده فورت، که بزرگ‌ترین دهانه پلهای معلق اروپا را دارد، در پنجمین اجتماع جهانی اتحادیه بین‌المللی جاده‌ها مورد بازدید نمایندگان شرکت‌کننده قرار خواهد گرفت. چهار گردش تحقیقاتی ترتیب داده شده، تا نمایندگان بتوانند جاده‌ها و شاهراه‌ها و گسترش برنامه‌ریزی شهرک‌ها را در انگلستان بازدید کنند.

چهار هزار نماینده از بیش از ۸۰ کشور در این مجمع شرکت خواهند کرد. این مجمع را اتحادیه جاده‌های انگلستان از طرف اتحادیه بین‌المللی جاده‌ها برپا میکنند.

برنامه مجمع شامل جلساتی است که در آنها مقالات و خطابه‌های مقامات جهانی طراز اول ارائه خواهد شد. نمایندگان همچنین به تماشای فیلم و بازدید تأسیسات

حادث پل جدید «تی» - پل

جدید «تی» که اخیراً گشوده شد بر فراز مصب رود تی قرار گرفته و به شهر دوندی اسکاتلند می‌پیوندد. در عکس هنوز پل موقت در بین پایه‌های بتونی پل اصلی دیده میشود.

طول این پل ۷/۳۵۶ پا میباشد و ۴۲ پایه دارد که فاصله آنها از هم ۱۸۰ پا و در دو مجرای وسط برای عبور کشتی‌ها ۲۵۰ تا است.

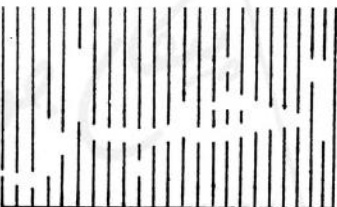
پس از سه سال تحقیقات اولیه ساختمان پل در ۱۹۶۳ شروع شد. برای نخستین بار در انگلستان این پل را بطور برقی مساحی کردند و دانشگاه‌های آپردین و گلاسکو در مورد مسائل تأثیرات جریان رود در شسته شدن پایه‌های پل و طرح ستون‌ها همکاری کردند.

یک گردشگاه طولیل به عرض ۱۰ پا بین دو خیابان پل واقع است و دو برج دیده‌بانی روی پل بنا شده.



شنائی با يك شهر - شهر

«لی‌سستر» از لحاظ جغرافیائی در مرکز انگلستان واقع شده و در صد میلی شمال لندن است. تاریخ آن مربوط به قبل از دوران رومی-هاست و یکی از پنج شهر دانمارکی‌ها بود. در سال ۱۵۸۹ ملکه الیزابت اول فرمانی در مورد این شهر داد و نام باستانی آن در ۱۹۱۹ ابقا شد.



۱۹۶۸ برای اولین بار پس از بنای آن در سال ۱۸۴۴ نظافت شد و عکاسان توانستند چهره لندن را از دیدگاه نلسون ضبط کنند. در منتهی‌الیه چپ عکس میتوان



برج ویکتوریا را بر فراز پارلمان دید.



ل جدید «سورن»
پل جاده جدیدی که از فراز رود «سورن» میگذرد از جمله حلقه‌های مهم ارتباطی راه موقوری ۴۰۰ است که لندن را به ویلز جنوبی متصل میکنند. این پل از لحاظ اندازه عرض پل ۹۸۷/۵ متر است، ارتفاع آن ۳۶/۶ متر بالای آب است و از دو برج به ارتفاع ۱۲۱/۹ متر بوسیله دو رشته بقطر ۵۰/۸ سانتیمتر آویزان است. این پل هشت میلیون لیره خرج برداشته است.



خریب کاخ «آلی‌پالی» -

ساختمانی که در عکس مشاهده می‌کنید یکی از بناهای قدیمی لندن است که قرار است تخریب شود. نام آن کاخ آلکساندرا یا «آلی‌پالی» است و از بناهای معروف دوره ویکتوریا در شمال لندن می‌باشد که بیش از صد سال از عمر آن میگذرد. با خراب کردن این کاخ زمینش مبدل به یک پارک ۱۹۰ جریسی میشود. این طرح همچنین شامل ساختن یک مرکز ورزشی و تفریحی خواهد بود.
در حال حاضر این ساختمان برای برگزاری نمایشگاه‌ها و امتحانات مورد استفاده قرار میگیرد. بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی) در این کاخ یک شعبه خبری، انبار نمایشی و یک دکل فرستنده دارد.



اسیسات جدید فرودگاه -

تأسیسات پشتیبانی که در عکس دیده میشود ساختمان پایانه (ترمینال) شماره یک فرودگاه بزرگ هیترو

لندن (سمت چپ) را به ساختمان کوئین (سمت راست) وصل میکند. درون این تأسیسات راهبای کشویی قرار گرفته که در صورت لزوم تا در هواپیما میرسد و مسافران میتوانند یکراست از پایانه (ترمینال) به هواپیما بروند.

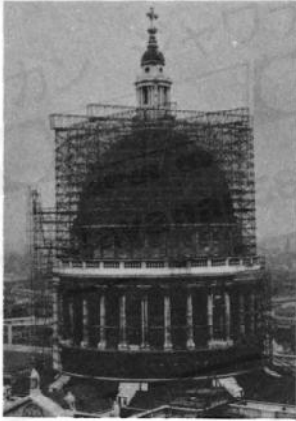


ساختمانهای برای راه آهن بایکال - آمو

مؤسسه پژوهش و طرح مدل طراحی تجربی ساختمانهای مسکونی و اجتماعی لنینگراد مجموعه خانه‌هایی برای شهرک‌ها و سکنا-گاههایی که بایستی در منطقه راه آهن بایکال آمو ساخته شود طرح کرده است. این خانه‌ها اکنون در قسمت شرقی شوروی در دست ساختمان میباشد.
امکانات ایمنی و مجهز در مقابل آب و هوای سخت، زمین یخزده، محوطه‌سازی پیچیده و لرزش زیاد زمین ناحیه در ساختمان خانه‌های این منطقه مورد نظر قرار گرفته است. این خانه‌ها با آنچه که قبلا در این کشور ساخته شده تفاوت دارد.



مجمع‌های مذکور علاوه بر ساختمان‌های مسکونی شامل مغازه، مدرسه، کودکان هستند. ضمناً لازم نیست



تخریب سنگهای روبنا جدی شد. افزایش این مسأله بستگی مستقیم به فزونی آلودگی صنعتی مانند اسید و دوده و غیره داشت. در این آلودگی دوده به سنگها میچسبد، سپس به درون سنگ خلیده میشود و تجزیه شیمیائی را سبب میگردد. از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۵ آلودگی هوا که مخلوطی از گاز و دوده بود، تقریباً شصت میلیون لیتره برای انگلستان ضرر ببار آورد. امروزه موفق شده اند که این آلودگی را بزدایند. در ۱۹۶۴ پنچ شرکت بزرگ روی ۵۰ طرح پاکسازی در انگلستان کار کردند که دست کم هزینه آن نیم میلیون لیتره برآورد شد.

آنچه در عکس آمده داربست پیچیده‌ای است که بدور گنبد کلیسای «سنت پل» در لندن برپا شده تا کار پاکسازی و بازسازی آن انجام شود. کار بازسازی شامل جبران خسارتهائی است که در جنگ جهانی دوم به گنبد مشهور «رن» وارد آمده است.

د **وندی، گل سرسید اسکانلد** - عکس، چشم‌انداز جدیدی از یکی از قدیمی‌ترین شهرهای اسکانلد به نام «وندی» است. خانه‌هایی که در تصویر ملاحظه می‌کنید گوشه‌ای

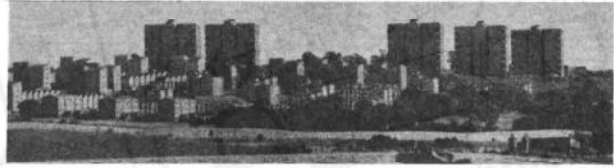
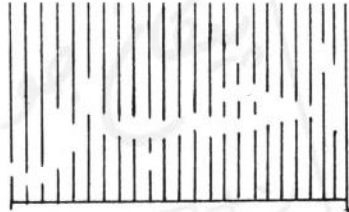
خواهد شد. بنای آن که در سال جاری شروع میشود، آزمونی خواهد بود برای اصول جدید معماری و برنامه ریزی. کاربرد این اصول در شمال دور اهمیت تام دارد. دو ساختمان چند طبقه، که بطور دل‌پذیری با ویژگی‌های محیطی محل همساز شده‌اند، توسط یک مرکز عمومی در وسط به هم متصل خواهند شد. دهلیزی بطول نیم کیلومتر در سطح طبقه سوم، ساختمانها را به هم وصل خواهد کرد. مستأجران بدون اینکه پا به خیابان بگذارند میتوانند از یک ساختمان به ساختمان دیگر و نیز به مرکز عمومی بروند. این مجتمع از آپارتمانهای دواشکوبه تشکیل شده است. اتاق نشیمن چهارمتر ارتفاع دارد و دارای پنجره محدب بزرگی است که رو به جنوب واقع است. برای مردمی که در شمال زندگی می‌کنند و غالب اوقات را مجبورند در منزل بگذرانند، داشتن اتاقهای جادار و پر نور خیلی مهم است. این مجتمع مسکونی ۱۱۰۰ آپارتمان خواهد داشت، بعلاوه دارای یک ورزشگاه، یک تالار برای کارهای مختلف، باغ زمستانی، کافه و یک فروشگاه بزرگ خواهد بود. در نظر است که روی سقف‌های این ساختمان دستگاہهای خورشیدگیر نصب شود. این دستگاہها دارای شیشه‌های مخصوص هستند که اشعه ماورابنفش را از خود عبور میدهد.

د **ست پاک به چهره‌ی دودگر فته لندن** پس از تصویب «قانون هوای پاک» در پارلمان انگلستان در ۱۹۵۶ که برای از بین بردن دوده در مناطق مختلف طرح شده بود، تقاضا برای پاکسازی بناهای انگلستان هم با آن کام به کام پیش میرفت. در سال ۱۹۷۰ پاکسازی نمای بناهای انگلستان قدم بزرگی در مساعدت به «سال حفاظت محیط زیست» در اروپا بود. در سال ۱۹۵۷ بود که مسأله

برای رفتن از خانه به مدرسه یا فروشگاه، از خیابان گذر کرد. برای این کار فقط کافی است که به طبقه همکف رفت تا همه جا در دسترس باشد. ساختمانهای این مجتمع ۲، ۴، ۵، ۹، طبقه‌اند. قسمت‌های ساختمان طوری طرح شده که روی بی‌ها به آسانی سوار میشوند. طراحان مؤسسه، هنگام طرح ریزی شهرک‌ها و سکناگاههای پایکال - آمورهم به یخزدگی زمین و هم به لرزش آن توجه داشته‌اند. این امر اشکالی در کار آنان بوجود آورد، زیرا ساختمانهای ضد زلزله بایستی انعطاف‌پذیر باشند در حالی که در زمین‌های یخزده باید ساختمانهای محکم بنا کرد. طراحان مؤسسه لنینگراد این کار را با طرح کاملاً جدیدی به پایان رساندند و موفق شدند که از پس زمین‌لرزه و زمین یخزده برآیند. ساختمان این خانه‌ها در منطقه پایکال - آمور در سال جاری شروع شده است.



د **انه آپارتمانی برای شمال دور** یکی از مؤسسه‌های طراحی تجربی لنینگراد، طرح‌های جدید بمنظور ایجاد خانه‌های آپارتمانی در «ورکوتا» ریخته است. این طرح - های مسکونی ورای «دایره شمالگان» و در شمال قسمت اروپائی شوروی قرار گرفته است. بنای این طرح‌های شهری با قابهای استاندارد پیش‌ساخته و چهار-چوب‌های آلومینیومی ساخته میشود. و بین این قطعات باخشو (Filler) کم وزن و شیشه‌های مخصوص پسر



از ۱۰۰۰۰ خانه سازمانی و ۳۵۰۰ خانه خصوصی هستند که در دست ساختمان میباشند.

«دوندی» دومین شهر صنعتی اسکاتلند است و بر طبق نقشه ویژه ای گسترش مییابد که سبب جلب صنایع سبک گوناگون شده است. این شهر روزی به علت کف، مربا و فعالیت های روزنامه نگاری معروف بود و امروزه با گشایش پل جاده رود «تی» لقب شایسته «گل سرسبد اسکاتلند» را یافته است.



ساختمانهای چتر مانند -

موضوع عکس چهره ی متحول لندن است. نزدیک تقاطع خیابان لیدن هال و سنت ماری آکس در شهر لندن، این ساختمانها طبق قاعده «چتر» ساخته میشوند. در این نظام، نخست یک هسته مرکزی شامل آسانسور و پلکان و خدمات برپا میشود. در بالای این هسته طبقات «چتر مانند» برپا میشود. ساختمان کوچکی که در زمینه عکس دیده میشود کلیسای «سنت آندرو» متعلق به قرن شانزدهم است.

سه

ننه

هری برای معدنچیان بیکار و مجسمه خانواده

آنچه در عکس آمده مجسمه نمادین گروه خانواده در خارج از مرکز شهرک جدید «گلن روتز» در فایف اسکاتلند واقع است. مرکز شهرک مذکور یک محل بدون آمد



و شد است که در اطراف آن تسهیلات رفت و آمد و توقفگاههای کافی برای اتومبیلها فراهم شده است. گلن روتز یکی از چهار شهرک جدید اسکاتلند است. علت احداث آن، تدارک کارهای صنعتی سبک برای معدنچینی است که بر اثر کسادی صنعت ذغالسنگ این منطقه از کار بیکار شده اند.

ولی با توسعه کلی صنایع، این شهرک شکوفان گردیده است. از علل عمده گسترش این شهرک جدید گشایش پلهای فور و تی بوده است.

سابقاً رودهای فور و تی ناحیه فایف را از شمال و جنوب اسکاتلند جدا نگاهداشته بودند. این شهرک دارای فرودگاهی نیز میباشد.

ک

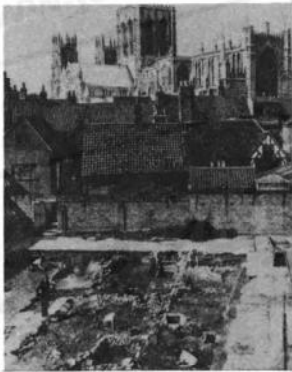
لیسانی که بدون وقفه ساخته شد آنچه در عکس آمده ایوان یا ورودی اصلی کلیسای جدید کاونتری است. در وسط عکس مجسمه مفرغی میکائیل و شیطان

دیده می شود که توسط گروه مرخوم سرژا کوب اپشتاین (به ارتفاع ۲۵ پا) برپا شده است. در سمت راست پنجره تعمیرگاه است که تقریباً ۲۰۰ روزن دارد.

برای انتخاب طرح کلیسای جدید کاونتری مسابقه ای بین معماران کشورهای مشترک المنافع برگزار شد. آنگاه اعلام شد که برنده مسابقه باسیل اسپنسی بوده است. در ۱۹۵۴ عملیات ساختمانی آغاز شد و در ۱۹۵۶ ملکه الیزابت دوم سنگ بنای آنرا کار گذاشت، در نیمه سال ۱۹۶۰ دیوارها افراشته و سقف کامل شد. تالار کلیسا ۲۷۰ پا طول و ۸۰ پا عرض دارد و تا ۲۰۰۰ نفر را در خود می پذیرد. نمای خارجی از سنگ شنی صورتی - خاکستری ساخته شده و در داخل آن گچ جاذب صدا بکار رفته است. دیوارهای جانبی دارای برآمدگی هایی نسبت به ساختمان است. پنجره های رنگارنگ که نور را به درون پرستشگاه میاندازد بین برجستگی ها قرار گرفته و از زمین تا سقف را میپوشاند، مساعدت هایی که برای ساختمان این کلیسا شده از نقاط مختلف جهان بعمل آمده است. کف مرمری سفید و سیاه آن دارای علامت برگی است که نشان ملی کانادا محسوب میشود. این نشان بمنظور سپاسگزاری از کشور کانادا که ۳۰۰۰۰۰ لیره از مخارج احداث کلیسا را تأمین کرده بکار رفته است. این کلیسا با کار هنرمندان بسیاری ترقین



سطح زمین ارتفاع دارد. ناقوس کلیسا که پل بزرگ نام دارد و در برج جنوب غربی نصب شده دارای ۱۷ تن وزن است.



طالع‌زندگی در شهری دوازده ساله

نوشته اوونز روزنامه‌نگار لندن. براساس تحقیقاتی در مورد حیات و توسعه شهر قدیمی «یورک» در شمال انگلستان، که دارای سابقه ۲۰۰۰ سال سکونت مداوم است شکردهای نو باستانشناسی به چشم می‌خورد.

برنامه پژوهشی سامان یافته هیئت باستانشناسی یورک، بیش از حفاری‌های معمولی ثمربخش بوده است. با خاکبرداری توانسته‌اند اطلاعات مفصلی از طرز زندگی مردم گذشته این منطقه که تحت حکومت‌های مختلف می‌زیسته‌اند، بدست آورند.

ساختمان حومه

در عهد اشغال انگلستان بوسیله رومی‌ها، یورک از سکونت گاه‌های عمده بود. در دورانهای متوالی آنکولوساکسون، وایکینگ، و قرون وسطا هم یورک مهمترین شهر شمال انگلستان بود. در شعاع سه میلی دیوارهای این شهر، مجموعه حومه شهری عمارت‌های قرون وسطائی قرار دارد.

ذخائر غنی باستانشناختی، در اثنا معموربودن این شهر در آن انباشته شده که مقداری از آنها

امریکائی برپا شده دارای مجتمع نمایشی جدیدی خواهد بود که کنار رود مسکوا در سطحی در حدود ۹۰ هکتار بنا میشود. وسعت و تجهیزات این مجتمع بهترین شرایط را برای نمایندگان فعلی و آینده شرکت‌ها و سازمانها در مسکو فراهم خواهد کرد. همچنین این مرکز دارای يك ساختمان‌اداری چند طبقه، دو هتل، تالار کنگره ۲۰۰۰ نفره، يك گردشگاه با گارازی برای ۶۰۰ خودرو، تسهیلات ارتباطی، دستگاه ترجمه همزمان به زبانهای گوناگون، وسایل نمایش فیلم و اسلاید و دستگاههای سریع تحریر و چاپ خواهد بود.



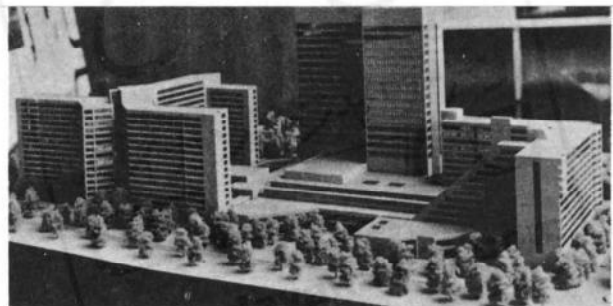
نظره جدید کلیسای جامع سنت پل -

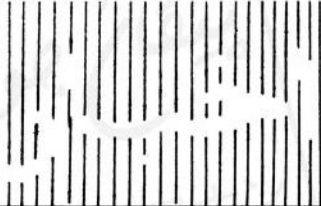
سمت راست آن، مدرسه مذهبی سنت‌پل قرار گرفته است. این کلیسا در شهر لندن قرار دارد و بزرگترین دستاورد معمار بزرگ، سرکرستوفر رن است. و بین سالهای ۱۶۷۵ و ۱۷۱۰ ساخته شده است. صلیب بالای گنبد ۳۶۵ پا از

میشود. از آن جمله گراهام سوترلند است که پرده بافته او - که بزرگترین پرده دنیاست - دیوار محراب کلیسا را میپوشاند. این نخستین کلیسای انگلستان در سیمصد سال اخیرست که ساختمان آن بدون وقفه به‌انجام رسیده است.

شروع کار مرکز تجارت جهانی در مسکو

ساختمان مرکز تجارت جهانی و تماسهای علمی و فنی بین‌المللی در مسکو در سال جاری آغاز بکار کرد. شروع این فعالیت با توجه به سرعت رشد همکاری‌های تجاری، اقتصادی، علمی و فنی شوروی با دیگر کشورها، اتخاذ شده است. چرخش تجارت خارجی شوروی دست‌کم با نرخ ۲۰ درصد در سال بالا رفته است، و در سال ۱۹۷۳ به ۳۱۳۰۰ میلیون روبل رسید. که بمیزان پیش‌بینی شده نزدیک است. این مرکز دارای يك نظام مرجع کامپیوتری خواهد بود. گمان می‌رود این نظام به نظام بایگانی بین‌المللی وصل شود که کارش گزینش و انتقال و انتشار اطلاعات بازرگانی و اقتصادی است. نظام مزبور خیلی گسترده است و مراکز تجارت بین‌المللی لندن، توکیو و نیویورک را به هم مرتبط میکند. با استفاده از شیوه خاص رمز گذاری، تمام مراکز تجاری میتوانند بر مابین زبان فائق آیند. مرکز تجارت بین‌المللی مسکو که با همکاری مؤسسات





اکنون باقیست. طبق یک طرح حفاظت شهر، که شامل تخلیه مناطق وسیعی در قلب شهر است، موقعیت بی نظیری برای حفاری و مطالعه این ذخایر فراهم آمده است. هیئت باستانشناسی که به این منظور تشکیل شده است، یک گروه سرنفری حفار، متخصص و کارکنان آزمایشگاهی را در اختیار دارد. این آزمایشگاه در نوع خود نخستین آزمایشگاه میباشد که به طرح میدان ویژه‌ای اختصاص یافته است.

ذخایر خیس خورده

«یورک» در کنار رودخانه بزرگی قرار گرفته و آبگیر مرفعی دارد. بسیاری از ذخایر گاه تا عمق ۹ متر در زمین خیس هستند. این امر سبب حفظ بازمانده‌های آلی و اشیای باستانی معمولی میشود.

مثلاً نزدیک مرکز شهر، ساختمانهایی از الوار یافت شده است، همچنین مقادیری مواد آلی، مانند چرم، چوب و پارچه هم پیدا شده است. پژوهش‌های آزمایشگاهی سبب کشف مواد یک دیباغخانه و ایکینک‌ها و یک مغازه پینه‌دوزی شده و فعالیت‌های مختلف آنها را آشکار کرده است.

مواد گیاهی، باقیمانده گیاهان و سوسکهایی در ذخایر مرطوب باقی مانده‌اند. کشف باقیمانده‌های گیاهی و سوسکه‌ها در یک خیاطخانه رومی، سرنخی است که از این ساختمان چه استفاده‌ای میکرده‌اند.

گورستانها

حفاری در برخی از گورستان-های رومی و قرون وسطایی خارج دیوارهای شهر قبل از اینکه با ساختمان جاده‌های حومه شهر زیر و رو شوند شروع شده است.

مطالعه آثار یافت‌شده، مدارک جدیدی درباره تغییر خصوصیات بدنی اهالی یورک در اعصار مختلف بدست میدهد و میزان مرگ و میر شهر را در دوران‌های متفاوت آشکار میکند.

در اثنا ماههای تابستان،

داوطلبانی از نقاط مختلف دنیا به یورک می‌آیند تا به این باستانشناسی سبک جدید کمک کنند.

شرح عکس:

در قلب «یورک» قرون وسطائی نزدیک مدرن، که خیابانها و ساختمانهای تجاری آن کشف شده‌اند حفاری در حال انجام است. کلیسای یورک هم در زمینه عکس آشکار است.



مرکز خریدی با تسهیلات مجهز

مرکز خرید بولرینگ - که در سمت راست کلیسای سنت مارتن واقع شده - اخیراً در بیرمنگام گشایش یافت. بیرمنگام از شهر-های صنعتی بزرگ میانه انگلستان است.

محل ساختمان آن تقریباً ۴ جریب وسعت دارد و بالای قسمتی از آن سقف زده‌اند و سه فروشگاه بزرگ، دو سوپرمارکت و بیش از ۱۰۰ مغازه تکی و محل ضیافتی به گنجایش ۲۰۰۰ نفر دارد. یک پایانه اتوبوس در زیر زمین میتواند در سال ۲۰ میلیون نفر را انتقال دهد. توقفگاه آن هم گنجایش ۵۰۰ خودرو دارد. ۲۱ پله برقی برای ایاب و ذهاب پیاده‌ها در نظر گرفته شده است.

یات مدیره و بازرسان انجمن آرشیتکت‌های ایران

نتیجه انتخابات ۵۴/۹/۱۶

هیأت مدیره و بازرسان هشتمین دوره انجمن آرشیتکت‌های ایران به شرح زیر اعلام شد:

هیأت مدیره:

- ۱- دکتر ایرج پروین ۲-
- مهندس حسین درکی ۳- مهندس حسین شیخ زین‌الدین ۴- دکتر عبدالحمید اشراق ۵- دکتر احمد درویان ۶- مهندس علیرضا رئوفی‌راد ۷- دکتر علیرضا کوثر ۸- مهندس فیروزادب ۹- مهندس ایرج طبیب‌نیا ۱۰- مهندس فریدون داورنیا

بازرسان:

- ۱- دکتر مسرداد بصیری

غرب

- ۲- مهندس رحیم روحانی

هیأت رئیسه:

- ۱- دکتر ایرج پروین، رئیس
- ۲- مهندس احمد درویان،
- نایب‌رئیس ۳- مهندس فیروزادب،
- دبیر ۴- مهندس علیرضا رئوفی‌راد،

خزانه‌دار



بیز طراحی گردان

اخیراً یک شرکت انگلیسی یک میز گردان برقی به بازار عرضه کرده است که میز طراحی گردان قابل حمل برای حرفه‌ای‌ها و غیر حرفه‌ای‌هاست، این وسیله شامل یک میز تحریر گرد و گردنده است که در یک قاب پلاستیکی که بطریقه قالبی و فشرده تهیه شده قرار گرفته و دارای یک ماشین حسابگر دستی است که برای محاسبات پیچیده سریع بکار میرود. این میز با آلومینیم و پوشش پلاستیکی ساخته شده و دارای

و امروز چهارده کارخانه در این بخش کار میکنند. این منطقه از طرف دولت بریتانیا منطقه توسعه اعلام شد و تسهیلاتی برای شرایط کارخانه‌داری در آن منظور گردید. تنوع صنعتی این منطقه امروز مورد حمایت یک هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی دولتی است و همین امر موجب اشتغال بیشتر و نوسازی منطقه گشته است. ضمناً شورای توسعه شمالشرق، که توسط مقامات و صنایع محلی تأمین مالی میشود، توجه سرمایه‌داران خارجی را به امکانات منطقه برای توسعه صنعتی جلب میکند. آنچه در عکس آمده نمای چشمگیر دفاتر شرکت صنایع شیمیایی سلطنتی در «بیلینگ‌هام» است.



نخ و گستره
نمایشگاهی در گالریهای انجمن ایران و آمریکا
نمایشگاه نقاشان و مجسمه‌سازان آزاد شامل آثاری از پیلا رام، دریابیگی، عربشاهی، نامی و کریگوریان. با سه هنرمند همپان: ممیز، شیوا و مالک از روز ۲۷ آبان ماه به مدت سه هفته در گالریهای پوپ و علاء در انجمن ایران و آمریکا تحت عنوان «نخ و گستره» به نمایش گذارده شد.



حال شرق انگلستان، قرارگاه صنایع

در شمالشرق انگلستان صنایع سبک و سنگین واقع است. معادن ذغال در زمین‌هایی قرار دارد که از با ارزش‌ترین زمین‌های کشاورزی انگلستان محسوب میشود. زمین‌هایی که خیلی متنوع است و از دشت «یورکشایر» در جنوب تا تپه‌های «چویوت» در کنار مرز اسکاتلند را به وسعت ۳/۳ میلیون جریب مربع در برمیگیرد. سه رودتین، تکس و ویرو بندرگاه‌های آنها محل صدور کالا به اروپا و دیگر نقاط دنیا است. در طول ساحل آنها کشتی‌سازی رونق گرفته. شهر نیوکاسل در ساحل رودتین با ۲۶۷۰۰۰ نفر جمعیت بزرگترین شهر این منطقه است و پایتخت این ناحیه محسوب میشود. دو فرودگاه در نیوکاسل و دارلینگتون منطقه شمالشرقی را با هر گوشه جهان مرتبط میسازند.

تکیه کارگران بر مجتمع‌های صنایع سنگین برای استخدام، صنایعی مانند معادن ذغال، کشتی‌سازی، مهندسی کارخانه‌های شیمیایی و غیره در سالهای ۱۹۳۰ سبب بیکاری شدید گردید. برای حل این وابستگی توسعه صنعتی در شمالشرق انگلستان مورد توجه قرار گرفت..... اکنون این مفهوم در سراسر جهان پذیرفته شده است. به‌بنگاهانی که کارخانه داشتند دستور داده شد در صورتی که میخواهند کارشان را گسترش دهند، کارخانه جدید خود را در شمالشرق انگلستان ایجاد کنند. بویژه صنایع سبک از قبیل تولید پشم بافته، سیکار، شیرینی‌جات، کنسروسازی و چاپ اسکناس. نخستین واحد صنعتی در ۱۹۳۶ گشایش یافت،

نش

درجه‌بندی دائمی است که بر حسب واحد متری و یا بر حسب یک هشتم اینچ مدرج شده است. مین با فشار انفکست، آزادانه می‌گردد و در هر زاویه‌ای قابل قفل کردن است. یک خط کش شفاف که بر حسب واحدهای متری یا اینچ مدرج شده است روی یک میله فولاد ضدزنگ بالا و پائین میرود و بوسیله یک اتصال سه‌شاخه به آن متصل شده است. خط‌کش را میتوان برای ترسیم غیرمقارب‌بیکار برد و یا برای جلوگیری از یخش جوهر آنرا میشود بلند کرد. هر دو طرف خط‌کش مدرج است. بنابراین افراد چه دست‌هم میتوانند بدون تنظیم از آن استفاده کنند. این مین دارای پایه‌های فلزی کشتویی است که ته آن یادکش لاستیکی دارد و در دو طرف گیره‌هایی برای اتصال به مین کار دارد و میتوان برای کار هر زاویه‌ای ترتیب داد. هر مین دارای جداول مفصل و جامع تبدیل دستگاه متری به اینچ و برعکس است.



۸ برج مرتفع برای سکونت - همانطور که در عکس دیده میشود جرتقیل‌های غول‌پیکر مصالح را به بالا میکشند تا ساختمان مرتفع‌ترین بلوک ساختمانی اروپا را در «کلاسکو» به پایان برسانند. این هشت ساختمان مسکونی از شش برج ۳۱ اشکوب یک برج ۲۸ اشکوب و یک برج ۲۶ اشکوب تشکیل شده است. این طرح، شامل ۱۳۰۰ آپارتمان برای سکونت ۴۶۰۰ نفر خواهد بود.

مطبوعات - گالری‌ها



جوان با برپائی يك نمايشگاه در هتل اینتر کنتیننتال به نمایش درآمد.

تا بحال از این هنرمند نمايشگاههای گوناگونی برگزار گردیده است.

که توسط خط بوجود آمده‌اند که دید جستجوگر او در همه تابلوها آشکار است.

جوادی تکنیک نقاشی و رنگ بر روی بوم را کاملاً درک کرده است.

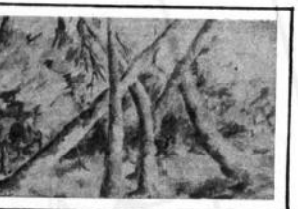
وی دانشجوی رشته معماری دانشگاه تنسی است و این‌نمایشگاه سومین نمایشگاه عمومی آثارش می‌باشد.



نمایش آثار هنرمند اثریشی آثار گرافیک و نقاشیهای کورت کرامر هنرمند اتریشی در نمایشگاهی در انستیتو گوته تهران به نمایش درآمد.

هنرمند نامبرده که در زمینه هنرهای شخصی نوآرپهای ویژه‌ای از خود نشان داده به‌عنوان هنرمند آزاد در وین زندگی می‌کند.

سیمانی از هنر معاصر ایران
نمایشگاهی تحت عنوان سیمانی از هنر معاصر به کوشش گالری سیحون و با همکاری نگار-خانه ایران در سالن وزارت کار و امور اجتماعی ترتیب یافت. در این نمایشگاه آثار عده‌ای از هنرمندان نقاش به‌تاشنا گذارده شد.



نمایش آثار هنرمند جوان نقاشیهای مینواسدی هنرمند

شخصی گاودی به نمایش گذاشته شد.

شخصیت آنتونیو گاودی



نمایشگاه گروهی نقاشی و مجسمه نمایشگاه گروهی آثار نقاشی «پروانه اعتمادی»، «جمال بخش‌پور» و مجسمه‌های «سعید شهبلاپور» در تالار ایران «قندرز» برگزار شد. این نمایشگاه گروهی در هفته سوم مهرماه تشکیل شد.

در تلفیق معماری اسلامی با سازه‌های ساختمانی گوتیک نمودار می‌شود. این هنرمند بطرز بسیار هوشمندانه با توجه به معماری شرقی و مخصوصاً معماری اسلامی سبکی را در اروپا بوجود آورده که مسلماً در ردیف نوایغ هنر معماری معاصر قرارش داده است گاودی در ۱۹۲۶ چشم از جهان فروبست.

بزرگداشت معمار بزرگ اسپانیا در دانشگاه

برای آشنائی با آثار معماری و شخصیت آنتونیو گاودی هنرمند نامی اسپانیا مراسمی در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برپا شد. که در آن وزیر فرهنگ و هنر، سفیران ایتالیا و پرتغال، رئیس دانشگاه تهران و جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها حضور داشتند.

در آغاز مراسم دکتر کوثر رئیس دانشکده هنرهای زیبا در یک سخنرانی شخصیت گاودی را به عنوان «یکی از پیچیده‌ترین و جالب‌ترین شخصیت‌های اروپا و آغاز قرن» ستود. او ضمن این سخنرانی در تحسین شخصیت گاودی گفت: عظمت وی تنها در خلق زیبایی و طرح خالص هنر و نبوغ شخصی نیست، بلکه تعلق عمیق وی در تاریخ اسپانیا از نظر درهم شکستن طرز فکر و نمودهای هنری عصر خود است. پس از سخنرانی کوثر، بیش از ۳۰۰ اسلاید رنگی از آثار معماری و بعدقیلم یک‌ساعته زندگی

آثار جوادی در خانه آفتاب

تابلوهای نقاشی محمد رضا جوادی در زمینه کمپوزیسیون نقاشی و خط در «خانه آفتاب» به تماشا گذاشته شد.

کارهای جوادی یادآورنده آثار زنده رودی و پیل آرام است منتها کمپوزیسیون‌های وی هنوز از استحکام خاص برخوردار نیست. نقاشی‌های این هنرمند صرفاً تشکیل شده از کمپوزیسیون‌هایی

NEWS

بحث و تفسیر گروه منتقدین قرار می‌گیرد. بنابراین نقاش نمی‌تواند خود را منزوی ساخته و از تکنیک‌های این رشته استفاده نکند.

- نظر شما در مورد هنر متعدد و ابتدال هنری چیست؟

هنر متعدد را قبول ندارم. نقاشی هم نمیتواند متعدد باشد زیرا صرفاً گوشه کوچکی از زندگی را میتواند نشان دهد. تمپد در نقاشی، تمپد در رنگ آمیزی و خطوط و تمپد در کمپوزیسیون- های خاص این رشته است. با این حال هنر باید توسط مطبوعات به مردم شناخته شود تا هر کارمبتدلی به‌عنوان هنر، مورد توجه قرار نگیرد. لذا نقش وسایل ارتباط جمعی در این میان بسیار حساس است که هنرمند از تاجر هنر، باز شناخته شود.

- در مورد تابلوهای عرضه شده در نمایشگاه به‌دو سبک کاملاً متفاوت برمیخوریم.

- کاملاً درست است چون ابتدا نقاشی را از شمال کشتی شروع کردم که کارها بیشتر شبیه نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای بود. بعداً در اثر تحصیل و کسب بینش‌های تازه در این رشته به سبک‌های مختلفی روی آوردم. اخیراً تابلو- هائی با شیوه آبستره نیز بوجود آورده‌ام که در این نمایشگاه عرضه نشده‌اند. در نژهی همانطور که قبلاً گفتم چون به سبک خاصی معتقد نیستم بنابراین هنر را در وجود خلاق آثار هنری باید جستجو کرد. لذا میتوان حتی با دو رنگ در تابلو فکر را عرضه کرد، با فضا و حجم خاص خود. یعنی نقاشی شعری است در قالبی محدود ولی آنچنان نامحدود که میتوان هر ایده‌ای را روی آن به‌نمایش گذارد.
- آقای عالیوندی با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید و با آرزوی موفقیت بیشتر برای شما.

با - رنگ‌های خاص - با معماری، خود مرحله‌ای از نقاشی است که يك نقاش میتواند بدان دست پیدا کند و کارهایش را در آن قالب طرح- ریزی کند.

- ظاهراً شما به سبک بومی در نقاشی معتقد می‌باشید.

- الان نه فرهنگ بومی وجود دارد و نه نقاشی بومی زیرا با وسایل ارتباطی فوق‌العاده عظیم، شرق به غرب بیش از پیش نزدیک شده و آثار عرضه شده در نمایشگاه‌های جهانی همیشه مورد

هنرمند را بیان میکند و چون هنرمند خود جزء لاینفک اجتماع است بنابراین نمیتواند از تأثیرات اجتماعی برکنار باشد. در حال حاضر هنرمند و صنعتگر از يك دیگر جدا شده‌اند. چنانچه هنرمندی با دادن افکار خویش به تکنیسین‌ها به‌خلق آثار هنری می‌پردازد. یعنی فکری هنری با تکنیکی فوق‌العاده، بصورت يك اثر هنری خلق میشود که این اثر هنری بایستی در خدمت مردم قرار گیرد و در رابطه با فضای معماری بومی نیز باشد. تلفیق نقاشی

بمناسبت هشتمین جشن فرهنگ و هنر، نمایشگاهی از آثار نقاشی بهرام عالیوندی در خانه آفتاب بمدت پانزده روز برپا شد.

آنچه در زیر ملاحظه می‌کنید گفتگوی کوتاهی است با این هنرمند که توسط کیومرث کیانی صورت گرفته است.

- ابتدا کمی درباره خودتان بگویید.

- من نقاشی را بطور جدی از سال ۱۳۳۳ شروع کردم. نخست در هنرستان نقاشی به تحصیل مشغول شدم، سپس در دانشکده هنرهای تزئینی تهران به تحصیل این رشته پرداختم. آنگاه مسافرتی به اروپا کردم که در این مسافرت با نقاشی‌های زیادی از هنرمندان خارجی روبرو شدم. باید بگویم صداقت و شخصیت محلی هنرمند و فرهنگ بومی نمیتواند کاملاً از فرهنگ خارجی متأثر شود.

- در کارهای شما نشانه- هائی از سبک کوبیسم نیز دیده می‌شود.

- زمانی که شروع به نقاشی کردم بجنبه کوبیسم در ایران بود که خواه ناخواه سبک مزبور در نقاشی هر هنرمندی در این دوره اثر می‌گذاشت. با این حال در کارهایم صرفاً از تکنیک کوبیسم بهره گرفته‌ام که کاملاً روح و شخصیت زمینه‌های ایرانی نظیر معرق و مقرنس با کمپوزیسیون- های باز و بسته در آنها بچشم می‌خورد.

- آیا شما به مکتب خاصی معتقد هستید؟

- من به هر مکتبی که با صداقت در آن از هنر صحبت شده باشد معتقدم و این صداقت صرفاً دارای ریشه‌های اجتماعی است.

- در مورد هنر جدید چه نظری دارید؟

- هنر در جهان کنونی به مرحله‌ای رسیده است که ابتدا جستجوی شخصیت و ذهنیات انسان

با دو رنگ در تابلو می‌توان فکر را عرضه کرد

هنر را در وجود خلاق آثار هنری باید جستجو کرد

صداقت هنری همراه با ریشه‌های اجتماعی



نمایش آثار

معماری ارمنی

گفتگو از کیومرث کیانی

نمایشگاه آثار معماری ارمنی
مشمعل برعکس و پلان درنگارخانه
مهرشاه افتتاح شد. در این نمایشگاه
آثار معماری ارمنی مرکب از
چهل و پنج کلیسا و دیر از سده چهارم
تا سده هجدهم واقع در سرزمین
ارمنستان به نمایش درآمد.
آثار مزبور پیش از این، در
شهرهای مختلف ایتالیا و کشورهای
آرژانتین، اتریش، پرتغال، لبنان و
آلمان به معرض نمایش گذارده شد.
این نمایشگاه به کوشش
مؤسسه فرهنگی ایتالیا در تهران،
بلی تکنیک میلان و همکاری اداره
کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ
و هنر در ۱۴ مهرماه برپا گردید.



دامنه پژوهش معماری ارمنی تا کلیه مناطقی است
که آرامنه در زمینه آن فعالیت داشته‌اند

تزیین آثار ارمنی از ایرانیان گرفته شده
ولی مطابق سلیقه هنرمند ارمنی به گونه

دیگر جلوه گر شده است

آثار برخورد معماری رمی و ارمنی کاملاً در معماری
دوران گذشته آرامنه دیده می‌شود

شخصیت محلی هنرمند نمیتواند از فرهنگ خارجی
متأثر شود

Church of St. Cross of Aght'amar. Madonna on Throne.
کلیسای صلیب مقدس آختامار. مریم مقدس براورنگ



خبرنگار مجله با دکنسر
ساروخداوردیان که اخیراً از ایتالیا
بازگشت به گفتگو نشست. در
این گفتگو، مسایلی مربوط به
معماری ارمنی مطرح گردید که
ماحصل آن برای اطلاع خوانندگان
چاپ می‌شود.

کیانی: لطفاً قبل از اینکه به
گفتگوی اصلی بپردازیم برای
آشنایی بیشتر خوانندگان توضیحاتی
درباره خود بفرمائید.

دکنرخداوردیان مدت ده سال
است در ایتالیا به تحصیل در رشته
معماری اشتغال دارم. البته شش ماه پیش
دکترای خود را در این رشته گرفتم.
در تحقیقات معماری ارمنی نیز
دستیارپرفسور «آدریانو آلیا گونولو»
میباشم.

لک اقامت شما در ایران
طولانی است؟

خ- خیر. زیرا برای ادامه
تحصیل در رشته شهرسازی، دوباره
به ایتالیا مراجعت میکنم و سپس
به ایران باز میگردم.

لک شما، پژوهش در مورد
معماری ارمنی را از کی شروع
کردید و هدف از این تحقیق چه
بود؟

خ- گروهی از سوی انستیتوی
علوم انسانی دانشکده معماری پلی-
تکنیک میلان در سال ۱۹۶۷
محدوده‌ای تقریباً حدود ارمنستان
کنونی را مورد پژوهش و بررسی
قرار داد. هدف این گروه شناخت
معماری ارمنی نه تنها در این منطقه
بلکه در تمام مناطق است که آرامنه
در این رشته فعالیت داشته‌اند.
بدیهی است بیشتر این تحقیقات
جستجوی تاریخی و پلانیمتری اینگونه
بناها می‌باشند.

لک در نمایشگاه فقط دو
کلیسا از ایران دیده می‌شد. یکی
قره کلیسا و دیگری کلیسای سن
استپانوس. دلیل این که دیگر
کلیساهای ایران در آکسپوزیسیون
دیده نمیشود چیست؟

خ- در ایران حدود ۲۰۰
کلیسای آرامنه وجود دارد که اکثر
آنها از لحاظ معماری قابل بحث

NEWS



۱۱ و ۱۲ بر خورد بسیار جالبی با معماری رمی پیدا کرده است که آثار این برخورد در معماری دوران گذشته آرامنه دیده میشود و به خصوص در فضا سازی کلیسا این امر بخوبی مشاهده میشود.
ک - با عرض تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید.

Monastery of Hakhpat. Interior of "gavit"
صومعه هامپات. نمای داخلی (گاوپ)

Ashtarak Church of Karmravor (VII century)
آسزراک. کلیسای کارمراور (۷ قرن)



دیر گفارد (۷ تا ۱۳ قرون)
Convent of G(h)eghart (VII - XIII century)

معماری کمتر دیده میشود و معماران هیچگاه خود را در قید قرینه سازی قرار نداده اند با این حال نمازخانه ها تقریباً همان نمازخانه های رمی است.

خ - همانطور که قبلا اشاره کردم چون این معماری یک معماری اصیل است اگر تحت تأثیر معماری دیگران نیز قرار بگیرد باز شخصیت خود را از دست نمیدهد. از قرن چهارم تا حدود قرن یازدهم میلادی این معماری برخورد خوبی با دیگر معماری ها نداشته است ولی در قرون

است، لیکن فعلا فقط در مورد دو کلیسای مورد اشاره تحقیق شده است و باید در مورد بقیه کلیساها نیز پژوهش های لازم بعمل آید. در اینجا فرصت را مغتنم میشمارم از افرادی که در این رشته در ایران تخصص و فعالیت دارند تقاضای همکاری میکنم.

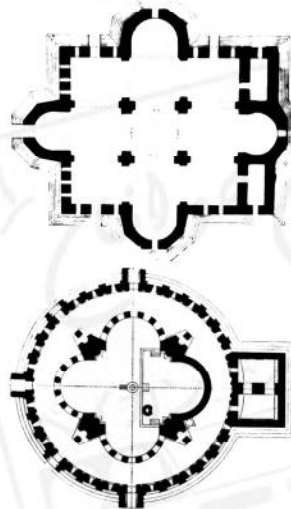
ک - آیا در این مورد از دانشجویان نیز تقاضای همکاری میکنید؟

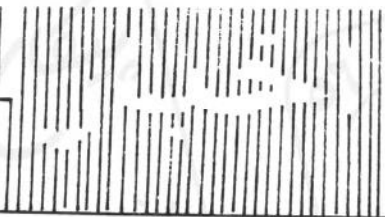
خ - البته. در این مورد قبلا در ایران دو کنفرانس در دانشگاه های ملی و تهران برگزار شد. همچنین در زمینه مزبور بعداً در کلوب آرامنه و دانشگاه اصفهان کنفرانس خواهیم داشت. ک - چنانچه مشاهده میشود

تزیینات در معماری ارمنی تحت تأثیر معماری ایرانی است.

خ - بله بخصوص تزیینات داخلی و این صرفاً تقلید محض نیست. بطوریکه ملاحظه میکنید روش تزیین از ایرانیان گرفته شده و مطابق با ذوق و سلیقه هنرمند ارمنی بگونه دیگر جلوه گر شده است.

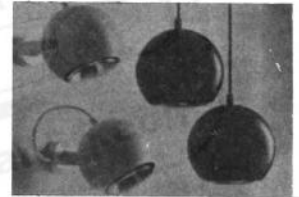
ک - در کلیساهای آرامنه، پلان ها با پلان های کلیساها در رم فاصله زیادی دارند. بدین معنی که طرح های صلیبی در این نوع





کاتار متحرك

این تاثیر متحرك یکی از پروژه‌هایی است که در نوزدهمین سالگرد Annual Design Awards Progressive Architecture مجله Architecture تشکیل شد برنده گردید.



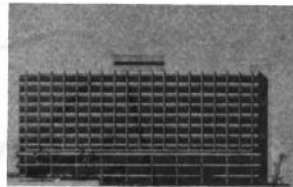
پیشنهاد مبتنی بر ده کامیون یکدک کث است که برای حمل و نقل اسکلت، سکوها و تماشایان و کلیه تجهیزات فنی لازم بکار می‌رود. سیستم پوشش این تاثیر از سه قوس بصورت نیم‌دایره که قابل باد شدن است تشکیل شده که غشای مضاعفی را نکه میدارد. باد این غشای مضاعف را برای تنظیم کردن آکوستیک داخلی میتوان کم و زیاد کرد. «از مجله تکنیک و آرشیتکتور»

۱- ساختن انواع وسایل ششمن توسط لوله‌های فولادی تو خالی - مولتی کیت (Multikit) نام یک مجموعه از لوله‌های فولادی تو خالی، چوب و پارچه است. تاکنون با این قطعات، میز، صندلی، کاناپه، تختخواب، قفسه، و بار با پایه‌های چرخ‌دار ساخته شده است. رنگ لوله‌ها فولادی ساده و یا رنگهای مختلف است. این سیستم هنوز به بازار عرضه نشده است.

۲- چراغهای مطالعه و تک چراغهای سیستم Thorn Sphere - دارای سه نوع تقسیم نور میباشند. یک چراغ با قدرت پراکندگی زیاد، دارای لامپ ۱۰۰ واتى و صفحه منعکس کننده، یک چراغ با نور نسبتاً مستقیم، دارای یک لامپ «پار ۳۸» و مستقیم، دارای یک لامپ ۱۲ ولتى - ۵۰ واتى تنگستن و صفحات منعکس کننده و ترانسفور ماتور. چراغ‌ها به رنگهای سفید و قهوه‌ای و در انواع دیواری، سقفی و آویخته از سقف.

در سال ۱۹۷۶ فرصت مفتنى برای وجود آوردن يك منطقه شهری درجه يك، شامل يك بلوك شهری كامل برای شهر سيدنى، خواهد بود. میدان بوسیله چهار خیابان احاطه شده و در آن صومعه «سنت آندره» و ساختمان شهرداری قرار دارند. هم چنین يك میدان و مرکز خرید در زیر میدان سيدنى پیش‌بینی شده است. این میدان بالاخره فضای مناسب برای نشان دادن اهمیت دو ساختمان تاریخی در مرکز شهر را بوجود آورده است.

آسانسور و پیش‌بینی برای ساختمان دو آسانسور دیگر در مرحله دوم، می‌باشد. آسانسورها به شکلی طرح‌ریزی شده اند که رفت و آمد مردم عادی و کارکنان بیمارستان کاملاً از یکدیگر مستقل می‌باشد. پیاده کردن نقشه ساختمان بر اساس یک شبکه مربع بضلع ۱/۲ متر



انجام می‌گیرد. مصالح ساختمان شامل يك سری چهارچوبهای بتن مسلح و استفاده از میله‌های بتنی در قسمت خدمات به منظور مقاومت در برابر نیروی باد می‌باشد. سیستم سقف‌سازی شامل تیرهایی به فواصل ۱/۲ متر می‌باشد که دهانه‌های بتن چهارچوب را (۷/۲ متر) می‌پوشاند. در این سیستم میتوان تأسیسات و لوله‌ها را در سقف قرار داد. ستون‌های کناری ساختمان که از قطعات پیش‌ساخته و بعنوان دیوارهای دائمی بکار می‌روند، در نماهای خارجی ساختمان آشکار است و به منظور ایجاد امکانات طراحی بیشتری، فضای داخلی، روکش شده‌اند. ستونها، بار يك سایبان پیش‌ساخته را نیز می‌کشند که بعنوان يك بالکن باریک برای شیشه پاک کردن و تعمیرات روکش ساختمان نیز عمل میکند. مدت زمان احداث برای مرحله اول سه سال پیش‌بینی شده است.

ساختمان مربوط به صومعه شامل يك پارکینگ سه طبقه زیر زمینی، يك مرکز خرید و دفاتر جهت واگذاری در طبقات اول تا هشتم و مدرسه آن در طبقات هفتم و هشتم است. مدرسه دارای ورودی جداگانه می‌باشد و سالنهای استراحت و سرگرمی آن که قسمت اعظم تأسیسات مکانیکی ساختمان روی آنها قرار دارند، در پشت بام قرار خواهند گرفت.

ساختمان تا سطح زمین از بتن در محل ریخته شده بوده و از سطح زمین به بعد از ستونهای استوانه‌ای محیطی و قطعات بتنی پیش ساخته

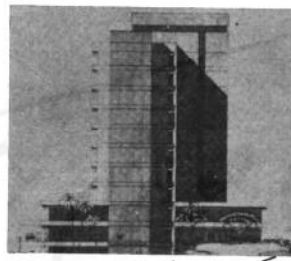


میدان «سیدنی» و ملحقات آن

اتمام ساختمان میدان سيدنى

ساختمان بیمارستان چند طبقه در دو مرحله

پیشنهادات مناقصه مرحله اول ساختمان مرتفع چندین طبقه بیمارستان «ساورت پورت» که در دو مرحله بنا خواهد شد، واصل شده است. مرحله اول ساختمان شامل بنای جناح شمال غربی و هسته



مرکزی خدمات و سرویسها و مرحله دوم شامل جناح جنوب شرقی ساختمان، می‌باشد. ساختمان طوری طرح شده است که سه طبقه زیرین بعنوان سکویی برای بلوک مرتفع ساختمان عمل میکنند. در مرحله اول، هسته خدمات علاوه بر سایر تجهیزات شامل چهار

یادداشت‌های در دست در نگارخانه زروان

طی نمایشگاهی کارهای کلاس ال‌دنبیرگ تحت عنوان «یادداشت‌های در دست» در نگارخانه زروان به نمایش گذارده شد. در این نمایشگاه پنجاه تصویر که به شیوه‌ی فتوافست تهیه شده بود عرضه گردید. نمایشگاه مورد اشاره به همت فریدون آو و همکاری چاپخانه پیتربورگ در ۲۲ مهرماه تریب یافت.

بخش اسلامی موزه هنری منزو پولیتن نیویورک در ۱۲ مهرماه گشایش یافت.
در این بخش آثار هنری ایران شامل کشفیات باستان‌شناسی در نیشابور، قالیچه‌های قدیمی، آثار نقاشان و کارهای دستی هنرمندان دوران صفویه نیز جای دارد.

محوطه دانشگاهی دانشگاه Chuo به نام Tama محل: هاشیوجی در منطقه حومه توکیو

از آنجائیکه شرایط محیطی مرکز توکیو که محوطه و تأسیسات دانشگاه Chuo در آنجا قرار دارد، روبه انحطاط می‌رود، بهمین خاطر تمام محوطه دانشگاه به یک محوطه وسیع (حدود ۴۹۵۰۰۰ متر مربع) در حومه توکیو منتقل خواهد شد. ساختمان امور اداری، کتابخانه، سالن مرکزی، بخش تحقیقات، تریا و همچنین ساختمان کلاسهای دانشکده‌های حقوق، بازرگانی و ادبیات در مرکز محوطه قرار دارند. بعلت موقعیت جغرافی زمین، ارتفاع ساختمانها متفاوت است اما تمام ساختمانها بوسیله گذرگاههایی بر روی تپه‌های مصنوعی به یکدیگر مرتبط میشوند. تأسیسات ورزشی در دو طرف کلاسهای مرکزی و قسمت امور اداری قرار گرفته‌اند. مساحت تقریبی تأسیسات ورزشی

عملیات ساختمان مجموعه آموزشی کالج علوم وابسته پزشکی N. S. W در لیدکامپ که شامل کالج علوم مربوط به بهداشت میباشد، در ۱۹۷۴ آغاز شد. امکانات و تأسیسات کامل برای رشته‌های پرستاری، فیزیوتراپی، درمان بیماری‌های حرفه‌ای (شغلی) و جراحی استخوان و شکسته‌بندی و زبان درمانی (درمان امراضی از قبیل لکننت زبان و...) با تأسیسات اداری و دانشجویی مورد نیاز میباشد.

ساختمانهای پیش‌بینی شده در این قرارداد مرحله اول یک پروژه عظیم‌تر بوده و تقریباً نصف مساحت کل زمین را اشغال میکند. ساختمان طوری طرح‌ریزی شده است که امکان توسعه آن به ابعاد مختلف در اطراف کریدور اصلی ساختمان وجود دارد. ساختمان از ستونهای بتن مسلح با کف‌های صفحه‌ای بتونی است. پوشش خارجی ساختمان از قطعات بتنی پیش ساخته با سطح موجدار است. تقریباً در کلیه قسمت‌های ساختمان



از سقفهای کاذب خبری نیست بجز، در قسمتهایی که احتیاج به ایزولاسیون صدا و اتاقهای چند قسمتی دارد. پلان بر اساس یک شبکه مربع به ضلع ۱/۵ متر و حجم ساختمان بر اساس یک شبکه بضلع ۷/۵ متر، میباشد.



استفاده خواهد شد. ستونها به منظور عبور لوله‌ها و تأسیسات نیمه توخالی در نظر گرفته شده‌اند. پل‌های بتنی محیطی سقف از بتن پیش ساخته به وزن ۲۶ تن و بادخانه ۱۵/۸ متری خواهد بود. ستونهای داخلی از بتن در محل ریخته‌شده بوده و به همراه آنها از تیرهای فولادی در فواصل ۴/۸ متری استفاده میشود. این پلها در قسمت مرکز ساختمان بین دو ردیف ستون قرار گرفته و در اطراف به وسیله پلهای محیطی بتنی تقویت میشوند. نمای بتنی خارجی، از بتن حجاری‌شده و ترکیبی از سنگریزه‌های رودخانه EMU و خرده‌های کوارتز سفید میباشد.

انتخاب سیستم اسکلتی به منظور افزایش سرعت بنا و تأمین حداقل ارتفاع کف تا سقف بوده است. مساحت هر طبقه حداکثر ۲۷۹۰ متر مربع میباشد.

مصالح انتخابی برای فرش کردن کف میدان شامل استفاده از بتن در محل ریخته شده همراه با سنگریزه‌های رودخانه EMU و سیمان خاکستری جنوب میباشد.

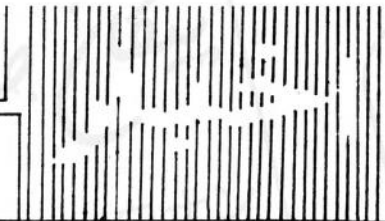
کف زمین حجاری شده و طرح شامل قطعاتی به ابعاد ۳/۷ متر در ۲/۴ متر با زاویه ۴۵ درجه نسبت به محورهای ساختمانهای اصلی به منظور حفظ تناسب با پلانها و نماهای بدون تقارن ساختمانهای قدیمی و جدید، میباشد. قطعات قابل حرکت پیش ساخته هماهنگ نیز برای راههای ارتباطی بکار می‌رود.

۱۳۲۰۰۰ متر مربع است که شامل سالنهای ورزش بزرگ و کوچک، زمینهای راگبی، فوتبال، بیس‌بال، تنیس، هندبال، دو میدانی، استخر شنای سرپوشیده و یک زمین بازی عمومی است. (نقل از مجله ژاپن آرشیکت).



گشایش بخش اسلامی در موزه نیویورک

بنای کالج علوم وابسته پزشکی N. S. W لیدکامپ



– ساختمان شهرداری و تالار اجتماعات قسمتی از يك طرح کلی برای يك قطعه زمین (مساحت ۳۳۰۰۰ متر مربع) در قسمت مرکزی این شهر کوچک (جمعیت ۱۳۵۰۰ نفر) میباشد. پروژه کامل شامل يك ورزشگاه و استخر شنا است و عامل اصلی در برنامه توسعه شهر می باشد. با استفاده از يك راهروی روباز و طولیل که ساختمان اداری و سالن را به یکدیگر متصل میکند، استفاده آسان و راحت از هر دو قسمت مجموعه میسر گشته است. مجموعه دارای تأسیسات حرارت مرکزی و سیستم خنك کننده نیز میباشد. در اطراف سالن مرکزی در طبقه اول، دفاتر تجارتي و اداری و دیگر امکاناتی که مردم شهر در تماس دائم با آنها قرار دارند، قرار گرفته است. سالن مرکزی مشابهی نیز در طبقه دوم قرار دارد که فضای اطراف آن را دفتر شهردار، دفاتر شورای آموزش و پرورش و دفاتر کمیته محلی کشاورزی اشغال کرده است. سالنهای کنفرانس در طبقه سوم قرار دارند. در سراسر ساختمان از يك شبکه بندی ۸متر در ۸ متر استفاده شده است. مرکز اجتماعات که به ساختمان ورزشگاه مرتبط خواهد بود، شامل يك هال، ادارات بهداشت و تندرستی، اتاقهایی به سبک ژاپنی در طبقه اول، سالن مراسم ازدواج، کلاسهای آشپزی، پرستاری و اتاقهای اجتماع خانم-های خانه دار در طبقه دوم با کتابخانه و دفاتر مشاوره امور خانوادگی در طبقه سوم میباشد. نمای خارجی هر دو ساختمان از بتن با پوشش نوعی سیمان رنگی میباشد. (نقل از مجله ژاپن آرشیکت)



آجرها و قطعات نما که در تضاد با سبزی درختان و آبی آب خلیج میباشد، شخصیت چشمگیری به ساختمان بخشیده است.

نقش برگردان آثار نقاشی

گالری سولیوان بمناسبت جشن فرهنگ و هنر مجموعه ای از نقش برگردان های آثار ایرانی را به نمایش گذاشت. این ریپلی گرافی (نقش برگردان) بروی بوم پارچه انجام میگردد و توسعه این امر در ایران توسط گالری سولیوان شروع گشته و صورت میگردد.



شهرداری و مرکز اجتماعات Mogami_Machi

محل: مोगامی در منطقه یاماگاتا

مساحت زمین: ۱۰۰۱۱ متر مربع

مساحت ساختمان: ۲۹۳۰ متر مربع

سطح کل زیربنا: ۵۳۳۵ متر مربع

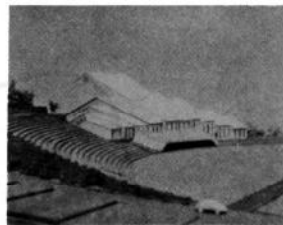
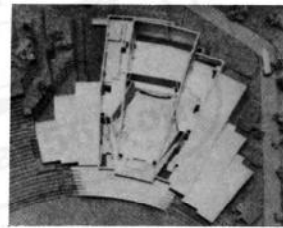
اسکلت: چهار چوب فولادی و بتن مسلح شامل يك زیرزمین، سه طبقه ساختمان و يك طبقه ساختمان در روی پشت بام است.

زمان ساختمان: دسامبر ۱۹۷۳ الی اوت ۱۹۷۳

های کارگری ژاپن داوطلب ساختمان يك مرکز کارگری در منطقه معادن ذغال سنگ واقع در هونگای در نزدیکی مرز چین شده است. این شهر نه تنها بخاطر ذغال سنگ سخت خود معروف است بلکه بسیار احتمال دارد در آینده نزدیکی بخاطر موقعیت زیبای طبیعی خود و قرار گرفتن در کنار يك خلیج، تبدیل به يك مرکز استراحت و مبادله گردد. (جمعیت شهر حدود ۳۰۰۰۰ نفر). محل ساختمان قسمتی از يك منطقه ساختمانهای عمومی واقع در قلب شهر میباشد. در يك قسمت منطقه، تالار شهرداری و در قسمت دیگر تأسیسات عمومی اداری و در قسمتی دیگر يك پارک و در قسمت چهارم ساختمان کانون کارگران قرار خواهد گرفت.

در طراحی ساختمان از شیب طبیعی زمین برای محل نشیمن حضار در سالن اجتماعات اصلی، واقع در مرکز ساختمان استفاده شده است. (گنجایش سالن ۸۵۰ نفر) در این پلان سالن اجتماعات، ساختمان و میدان جلوی آن به یکدیگر مربوط میباشند. در طرفین سالن که در آن نمایشهای رقص و اجرای موسیقی انجام میگردد، تعدادی تأسیسات فرعی فرهنگی تربیتی و اجتماعی شامل يك سالن کنفرانس به ظرفیت ۲۰۰ نفر قرار خواهد گرفت.

این مرکز بسیار شبیه تأسیسات اجتماعی که بنام «قصر-های فرهنگی» در دیگر کشورهای سوسیالیست ساخته شده اند، بوده و کمک مهمی به زندگی اهالی در جهت تهیه محلهائی برای فعالیتهای فرهنگی، تربیتی و ورزش و همچنین تهیه مسکن موقتی میباشد. یکی از بزرگترین مشکلات در طرح این مرکز، وجود هوای بینهایت گرم و مرطوب ویتنام میباشد. مصالح آجری و قطعاتی که سالها بوسیله مردم بومی با موفقیت در این آب و هوا بکار گرفته شده اند، مهمترین مصالح درجه دوم ساختمان را تشکیل میدهند. رنگ پرتقالی



ساختمان کانون دوستی کارگران ژاپن و ویتنام در نزدیکی مرز چین

محل: هونگای در جمهوری دمکراتیک ویتنام

کارفرما: فدراسیون مرکزی ویتنام و شورای عمومی اتحادیه های کارگری ژاپن

مساحت زمین: ۱۳۰۰۰ متر مربع

مساحت ساختمان: ۱۵۰۰ متر مربع

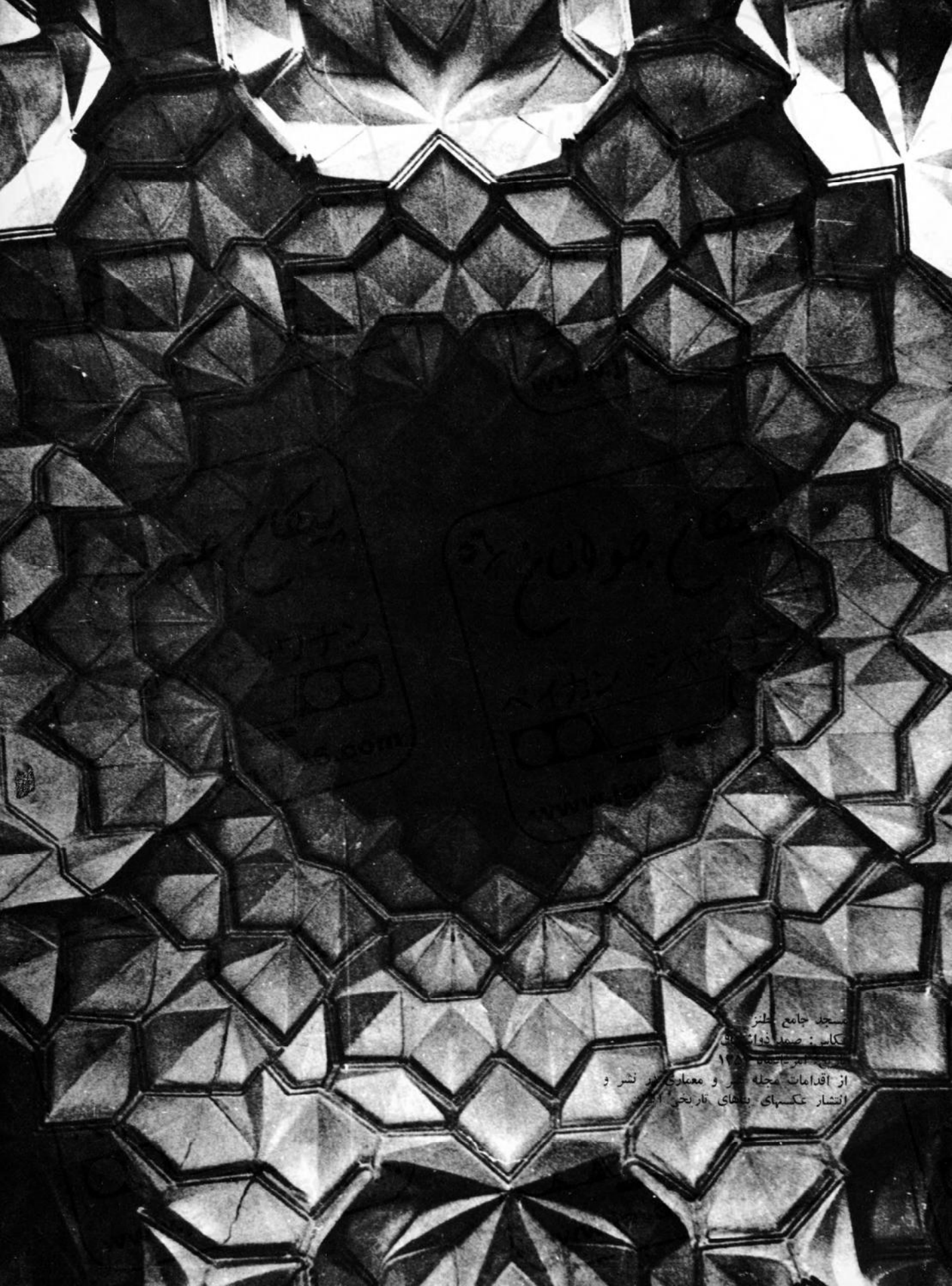
سطح کل زیربنا: ۳۰۰۰ متر مربع

مصالح ساختمان: بتن مسلح

پاروکنش آجری شامل يك زیرزمین و ۳ طبقه ساختمان. ارتفاع مقطع اصلی: ۳۰ متر. زمان ساختمان: ۱۹۷۵ تا آوریل ۱۹۷۶

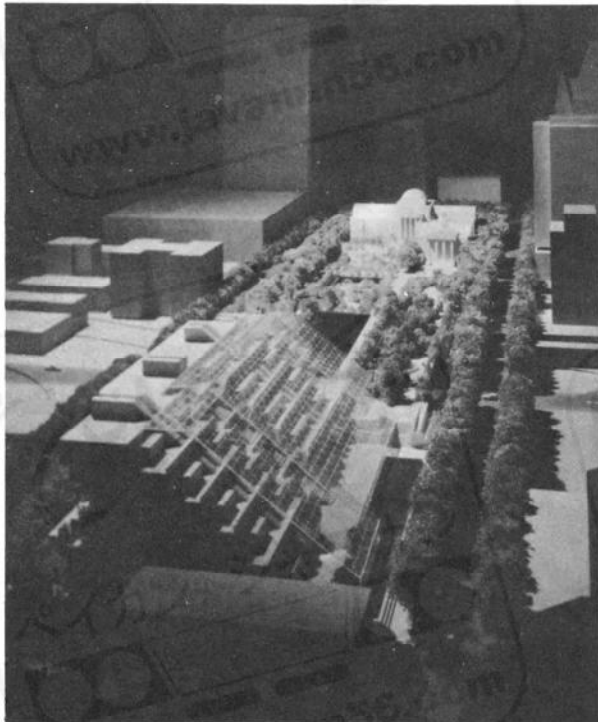
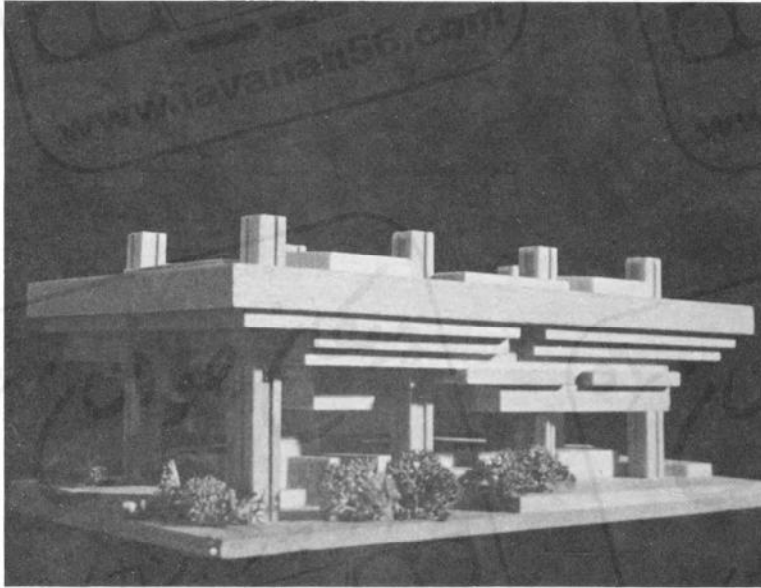
– با اینکه تصور میشود

کنفرانس های صلح پاریس، صلح را در سال ۱۹۷۳ به ویتنام بازگردانده است، واقعیات موجود چنین امری را تأیید نمی کند. هانوی هنوز در حالت آماده باش جنگی بسر میبرد و حتی در نقاطی که دیگر جنگ درگیر نیست، کار پرزحمت جمع آوری بقایای جنگ باقی مانده است. بسیاری از کشورها از جمله اتحاد جماهیر شوروی، چین، آلمان شرقی، ایتالیا، مجارستان و کوبا داوطلب کمک به ویتنام در این مورد میباشند. شورای معمولی اتحادیه-



مسجد جامع طبرستان
کتاب: صمد ذواتی
تألیف: پروین
از اقدامات مجله هنر و معماری در نشر و
انتشار عکسهای بناهای تاریخی ایران

معماری از کانادا



ارتور چارلز اریکسون معمار کانادایی لیسانس معماری خود را در سال ۱۹۵۰ با درجه ممتاز از دانشگاه مک گیل دریافت کرد.

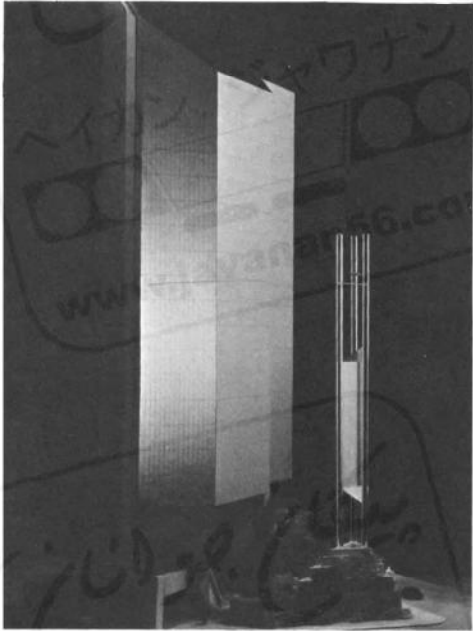
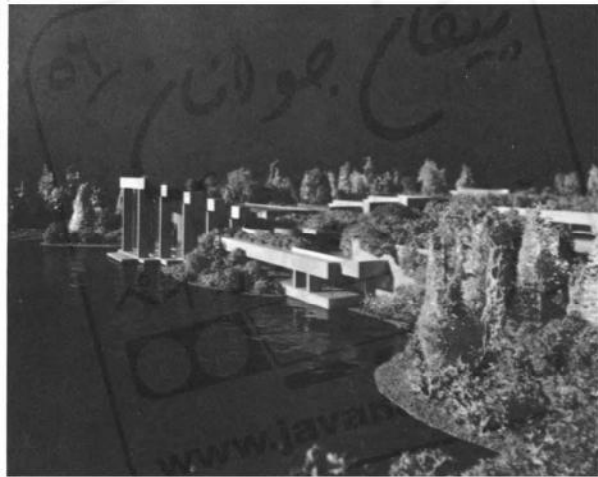
وی دو سال و نیم به مطالعات بسیار در کرانه‌های مدیترانه و شمال اروپا پرداخت. سپس در سمت‌های استادیاری و استادی در دانشگاه‌های ارگون و بریتیش کلمبیا فعالیت خویش را شروع کرد و در ۱۹۶۱ استاد پیوسته گردید. در ۱۹۶۱ پورسی از طرف شورای کانادا برای مطالعاتی درباره معماری شرق به او تعلق گرفت.

معمار نامبرده به‌ت کشفیات در زمینه طراحی، گواهی دهان- پاسیفیک را از مؤسسه معماران آمریکا دریافت نمود.

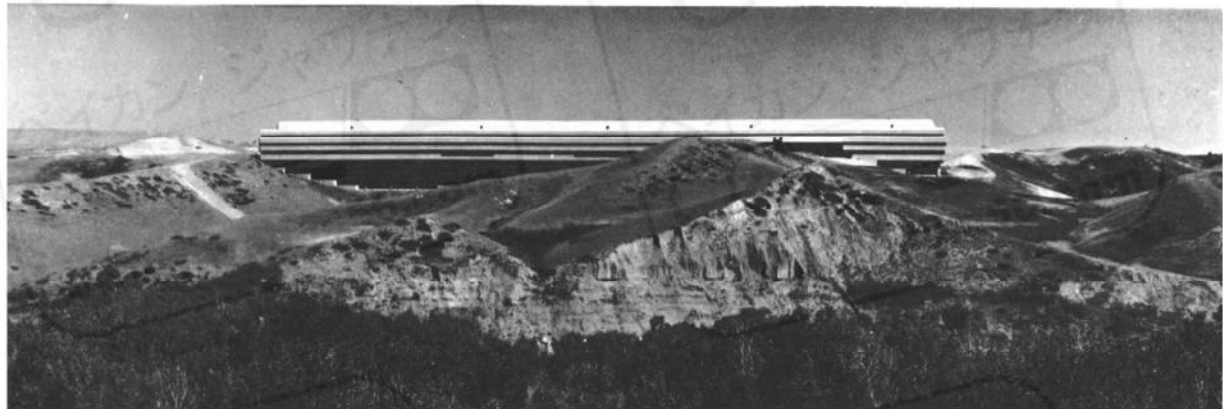
در نمایشگاه اکسپو ۷۰ اوژاکا، جایزه نخست را در مناقصه برای طرح غرفه کانادا برد و از طرف مؤسسه معماری ژاپن غرفه او بهترین غرفه شناخته شد و نشان مثلث انجمن ملی طراحان داخلی به او اختصاص یافت.



پیکان جوانان



پیکان جوانان



مشاوران معماری شهر تهران



جامعه جدید سدار-ریورساید

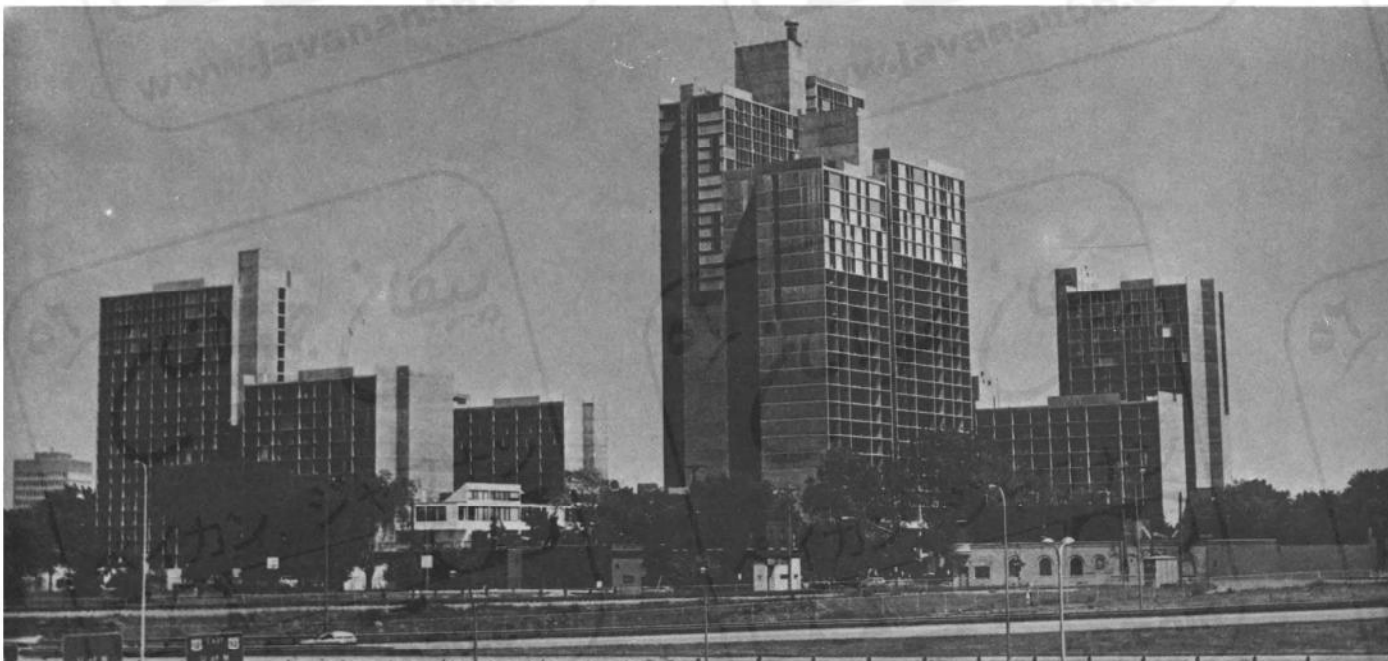
در اواخر سالهای ۵۰ و اوائل سالهای ۶۰ دو تصمیم قاطع برای این منطقه گرفته شد یکی عبور دو شاهراه از کنار این منطقه، دیگر توسعه دانشگاه «مینه زوتا» در ۸۵ جریب از زمین-های این منطقه.

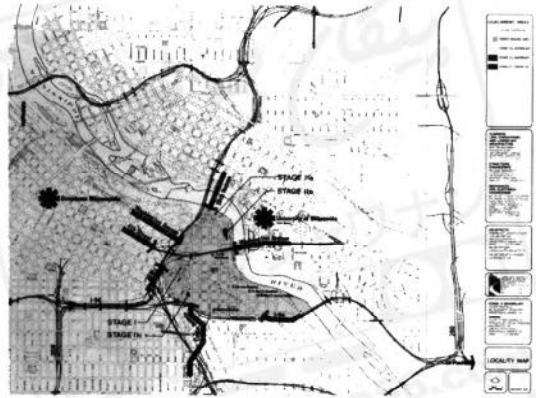
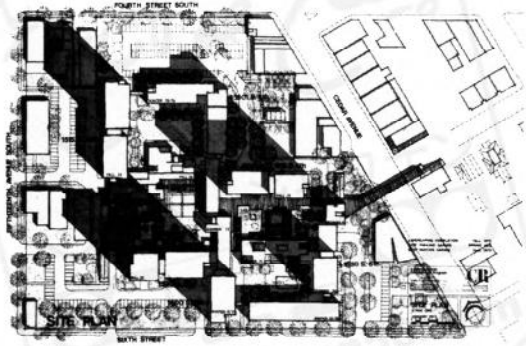
و دولتی جامعه جدید تأثیر مهمی داشته است. این منطقه با «مینیاپولیس» همزمان رو به آبادی رفتند، و در آغاز این قرن به اوج خود رسید. بعد از آن جمعیت آن کاسته شد و وضع اقتصادی اجتماعی آن رو به تنزل گذاشت. در ۱۹۳۴ تصمیم به نوسازی سدار ریورساید گرفته شد.

توانست در ۱۲۵۰۰ آپارتمان آن زندگی کنند. نیمی از این ساختمانها برای افراد کم درآمد یا متوسط درآمد اختصاص خواهد یافت.

نحوه مدیریت خصوصی و دولتی تاریخ ۱۱۸ ساله سدار ریورساید بر نحوه مدیریت خصوصی

سدار - ریورساید نخستین جامعه جدیدی است که شرکت «هاد» طراحی کرده است. این جامعه در دل شهر «مینیاپولیس» واقع است. در محوطه آن پنج مؤسسه عمده آموزشی و طبی قرار گرفته است. در توسعه مجدد این اجتماع در ۱۷ سال آینده ۲۵۰۰۰ نفر خواهند





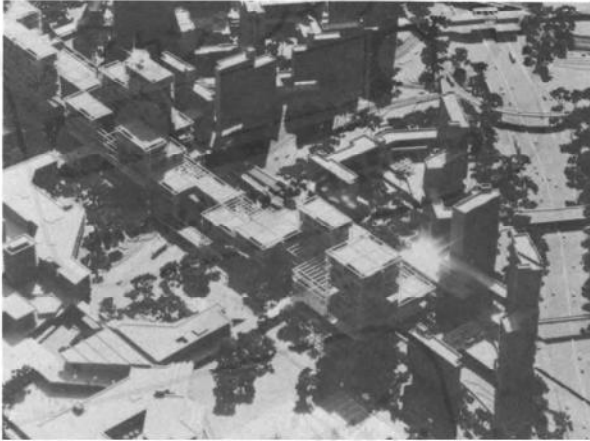
شهری اتصال خواهد یافت.
پیاده‌رو: تمام مناطق پایاده-رو و میدانگاهی بهم متصل‌اند.
ابداعات عمده: ابداعات عمده در این شهرک عبارتند از روشهای ساختمانی و مصالح جدید، تلفیق برنامه نوسازی شهری با برنامه شهرک‌های جدید، ادغام اقتصادی واحدهای مسکونی، گذار بین شهرک جدید و شهر قدیم، برنامه‌ریزی هنری، و شبکه‌های انرژی.
انجام کار: سه سال است که این شهرک در دست ساختمانست. نخستین مرحله از ده مرحله دوساله در ۱۹۷۳ تکمیل شد. در این قسمت شهرک همه ضروریات ساختمانی تکمیل شده و خدمات بازرگانی و اجتماعی در اختیار ساکنان است.

برنامه و ویژگیهای مهم طرح:
 به‌علت نحوه مدیریت و توسعه هماهنگ دولتی، خصوصی، و مؤسساتی، برنامه‌ریزی و طراحی یک فرآیندمداوم خواهد بود. ویژگیهای مهم طرح جامعه جدید بدین قرار است:
 زمین، ۲/۵ میلیون پا خواهد بود که برای تأمین خدمات تجاری برای سکنه بکار خواهد رفت و شامل دفاتر، فضاهای تفریحی، مراکز خدماتی و فرهنگی و اجتماعی خواهد بود.
آمدوشد خودروها و توقفگاه:
 شبکه‌بندی خیابانها طوری طرح‌شده که دسترسی به مناطق ضروری به سرعت امکان‌پذیر باشد.
گذار (ترانزیت): مناطق مختلف شهرک طوری طرح‌ریزی شده که به‌آسانی به شبکه منطقه مادر

زمینه برنامه‌ریزی
مؤسسات مجاور: در ۳۴۰ جریب وسعت سندان ریورساید یک مجتمع بزرگ آموزشی - طبی‌قرار دارد که شامل چند بیمارستان و دانشکده و خوابگاه دانشگاه است.
محیط کلی: این شهرک در مرکز منطقه مادر شهری دو شهر واقع شده است و به شبکه شاهراه متصل است.
وضع اجتماعی و اقتصادی: نیمی از خانه‌های آینده این منطقه به خانواده‌های کم‌درآمد اختصاص خواهد یافت. بیشتر ساکنان در مؤسسات همین منطقه آموزش خواهند یافت و جامعه تحرك شغلی خواهد یافت. تدارک خدمات اصلی مانند آموزش، بهداشت در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

جامعه جدید در

سدار - ریورساید - مینیاپولیس - مینه‌سوتا



این جامعه شهری در مرکز مینیاپولیس واقع شده و برکنار تقاطع دو شاهراه بزرگ است و شمال و شرق آنرا رود میسیسیپی احاطه کرده است. در این مرکز ۳۴۰ جریب ۵ مؤسسه، یک پارک و یک سرای سالمندان تأسیس شده است. این اولین «شهرک در دل یک شهر» در امریکاست. ساختمان این مرکز طی دوره ۲۰ ساله‌ای انجام خواهد گرفت و در سال ۱۹۹۰، ۳۰/۰۰۰ سکنه خواهد داشت.

مقدمه

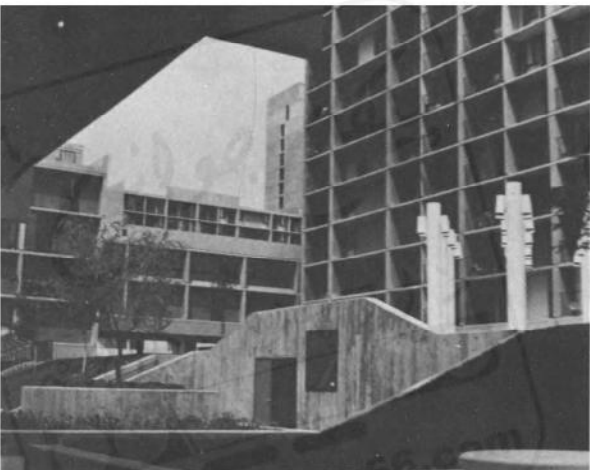
چهارچوب برنامه‌ریزی «سدار ریورساید» در اینجا توصیف شده است. این شهرک یک جامعه مسکونی - تأسیساتی باشالوده‌هنری فرهنگی است و در جوار دانشگاه مینه‌سوتا و پائین شهر مینیاپولیس واقع شده است. هدف از این چهارچوب هدایت توسعه بخش خصوصی و عمومی این شهر در دل شهر مینیاپولیس است.



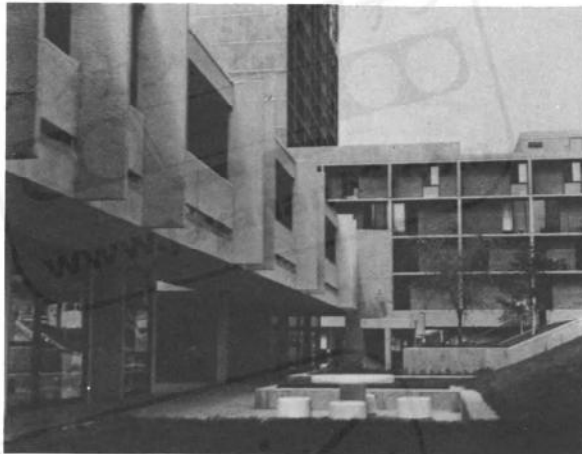
اساس این شهرک بر طبق برنامه‌هایی است که توسط کارگزاری خانه‌سازی و گسترش مینیاپولیس و شهر مینیاپولیس و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شرکت‌های مرتبط با سدار - ریورساید صورت گرفته است. این چهارچوب بصورت برنامه‌ریزی‌های پیوسته با هم ارائه شده که هر کدام گوشه‌ای از تصمیمات مربوط به توسعه شهرک را نشان میدهند. از این چهارچوب برای همکاری و تجدیدنظر در طرحها و پیشنهادهای منفرد استفاده خواهد شد.

کارکردهای اصلی و استفاده از زمین

شکل کلی و کارکردهای شهرک جدید سدار - ریورساید، بیشتر تحت تأثیر مکان و خصایص محلی آن است. حدود آنرا شاهراهها و رود میسیسیپی تشکیل داده‌اند، بیشتر زمین‌ها برای مؤسسات و فضای باز اختصاص خواهد یافت. حدوداً ۱۰۰ جریب از ۳۴۰ جریب شهرک برای خانه‌سازی و کارهای تجاری بکار خواهد رفت.



جامعه جدید



دست اندرکاران شهرک سدار ریورساید قرار گرفته است. با توسعه مناطقی که به چند مقصود می‌توان از آنها استفاده کرد، سعی شده که فضای باز را به حداکثر برسانند. همچنین کوشش شده تمام مناطق فضای باز را با پیاده‌رو به هم متصل کنند.

فضاهای باز بر چهار نوع خواهند بود. یکی شامل فضای باز «خطی» میشود که در سطح میدانهای واقع است. این فضاها نزدیک مناطق پیاده‌روهای متراکم و شلوغ واقع میشوند.

نوع دوم شامل مناطق تفریحی موجود و پیش‌بینی شده میشود که در کنار تأسیسات عمده از قبیل ورزشگاهها و دانشگاه واقع‌اند.

نوع سوم فضای باز برای گردش و فضای باز برای اتومبیل-سواران است.

بعلاوه نوع چهارمی هم به آنها اضافه خواهد شد که شامل پیاده‌روها و میدانها و میدانهای کوچک خواهد بود.

مناطق و دهلیز (کریدور)های طرح
علاوه بر ضروریات کارکردی که توسط دیگر عناصر چهارچوب طرح شهرک سدار ریورساید توصیف شده، چند ملاحظه عمده در طرح شده است که این نکته در عکس مشاهده می‌شود.

مناطق طرح: مناطق که در

به هم مربوط می‌سازد. هدفهای مهم این نظام عبارتند از ایجاد ارتباط بین تمام مناطق فعالیت، و تدارک پیاده‌روهای سرپوشیده برای مناطق پر رفت‌وآمد و طرح‌ریزی نظام پیاده‌روها برای استفاده فعال سکته و غیر سکته. این نظام دارای پیاده‌روهای مختلفی خواهد بود که به سهولت و راحتی و بدون معطلی ارتباط را ممکن می‌سازند.

در تصویر، عناصر مهم این نظام در شهرک سدار ریورساید نمایانده شده‌اند. پیاده‌رو سرپوشیده و پر ظرفیت دو محوطه شرقی و غربی دانشگاه مینه‌زوتا را به هم وصل میکند.

به منظور پیاده‌کردن این نظام در این منطقه که سخت درحال توسعه است، تسهیلات را بایستی در بالای ساختمانهای کوتاه (بوئژه توقفگاهها) نصب کنند. ارتفاع آنها باید طوری باشد که روی خیابان را هم دربرگیرد بدون اینکه برای آلوده شدن خودروها اشکالی پیش‌آید. پیاده‌روهای اصلی از میان چشمپاندازهای میگذرند و در میدانگاهها به هم متصل میشوند. این میدانها بر بام برخی ساختمانهایی واقع‌اند که در کنار آنها مناطق فرهنگی و تفریحی و اجتماعی و خدمات قرار خواهند گرفت.

فضای باز
فضای باز سخت مورد توجه

واقع گردند. بعلاوه در نظر است که این نظام را به نظام‌گذار مادر شهری منطقه متصل کنند. در این شهرک ایستگاهی برای توقف نظام سریع‌السیر منطقه مادر شهری در نظر گرفته شده است. کسانی که از این طریق به ایستگاه میرسند میتوانند به سهولت به مقصد خود در شهرک بروند. این راههای اضافی در برابر نظام توزیع داخلی شهرک قرار خواهند گرفت.

نظام گردش - توزیع سدار ریورساید دو هدف عمده را مدنظر دارد:

۱- حرکت عمده کنیری از مردم به مناطق مسکونی، تفریحی، و بازرگانی باید هرکدام دارای خیابان و پیاده‌رو مناسب خود باشند. بسیاری از سکته مناطق کم‌درآمد یا متوسط درآمد، نیاز بیشتری به وسائل نقلیه عمومی دارند.

۲- نظام خیابانها و پیاده‌روها مبیایست با حرکت مردم از مناطق توقفگاه سازگار و هماهنگ باشند، تا تراکم ترافیک کمتر گردد. این نظامها سبب میشوند که مردم از توقفگاهها به سرعت بتوانند به مقصد خود در شهرک برسند.

نظام گردش
نظام گردش دارای دو جزء است نظام راه دوچرخه‌رو و نظام تفریحی. هر دو راه باید دارای راهی برای دوچرخه‌سوارها باشند. باین تفاوت که نظام تفریحی مربوط به قسمت پائینی رود است و برای تمرین چرخ‌سواران بکار می‌رود، درحالی که نظام راه دوچرخه‌رو برای کسانی است که میخواهند در شهرک با دوچرخه حرکت کنند. راهی که برای اینان در نظر گرفته شده، از راه دیگر وسایط مجزاست و احتمالاً دارای علائم راهنما و چراغ راهنمایی خواهد بود و در جوار خیابانها توسعه خواهد یافت.

نظام پیاده‌روها
یکی از مهمترین عناصر نقشه شهرک جدید، نظام پیاده‌روهاست که تمام قسمت‌های مهم شهرک را

از هدفهای عمده توسعه مناطق مسکونی پیرامون مؤسسات است. از سوی دیگر در نظر است برای شهرک مرکز راحتی دست و پا شود. و مرزهای تمام فعالیت‌های ساختمانی فعلی مشخص گردد. و فضای آزاد وسیعی در کنار رود میسی سی پی تهیه شود. در این شهرک کالا و خدمات تجاری برای ۵۰۰۰۰ کارمند، دانشجو و سیاح باید عرضه گردد و خدمات دولتی و خصوصی نیز باید در دسترس باشد. از دیگر ضروریات ساختمان-هائی از قبیل تئاتر و کتابخانه هتل و مرکز مخابرات است.

ترافیک و توقف خودروها
نظامی که برای عبور و مرور و توقف در این شهرک در نظر گرفته شده بر اساس اصول پذیرفته شده استوار است. و نقشه‌های سازمانهای مختلف دولتی برای خیابان‌سازی ملحوظ گردیده است. در طرح این برنامه به نکات زیر توجه شده است: کارائی، سهولت و راحتی و امنیت سفر و در نظر گرفتن ترتیب تقدم خیابانها و نظام ترابری کارآمدی که بین شهرک و نقاط مجاور ارتباط مستقیم برقرار کند. همچنین هر مؤسسه و بنگاهی مبیایست توقفگاه مخصوص به خود داشته باشد.

بر اساس میزان رفت و آمد احتمالی، نقشه‌هائی از جریان عبور و سائط تهیه شده که باید در نظامی کلی مورد عمل قرار گیرد. در درجه اول خطوط ارتباطی شهرک با بزرگراههای اطراف در نظر گرفته شده است. خیابانهای جامع‌قسمتی از نظام کلی خیابانها هستند که مراکز عمده آلوده را دربر میگیرند. نقشه مناطق توقفگاه و تجمع در تصویر دیده می‌شود.

گذار
در برنامه شهرک سدار - ریورساید يك نظام گذار گردش و توزیع در نظر گرفته شده است. مراکز فعالیت را طوری طراحی کرده‌اند که بر کانونهای این نظام



ابداعات عمده

روشها و مصالح ساختمانی مانند بتون ضد آتش و روشهای جدید بتونهای پیش ساخته در این شهرک بکاررفته است. سیستم انرژی آن متمرکز است و در خانه سازی ادغام اقتصادی انجام گرفته است. ارزیابی

این شهرک دارای جمعیت و ترکیب متنوعی میباشد. ولی از نظر اقتصادی و اجتماعی و نژادی متجانس است. این شهرک با جمعیت کاری و تحصیل کننده خود بصورت یک مرکز پیاده روها در دل شهری بزرگ درآمدی است.

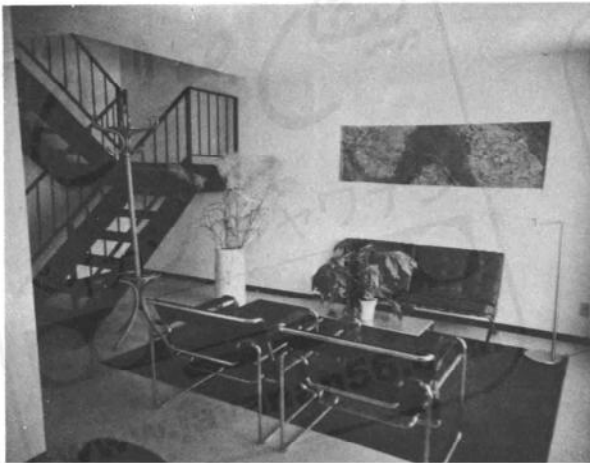
این منطقه ساختمانی از ۴ تا ۴۰ طبقه بنا شده است و بوسیله پلهای هوایی میتوان به میدانگاهها رفت. **برنامه و خصوصیات مهم طرح**

در طرح این منطقه جدیدترین هدفهای طراحی در نظر گرفته شده است. در سال ۱۹۹۰ جمعیت این شهرک به ۲۵۰۰۰ نفر خواهد رسید، که در ۱۲۵۰۰ واحد مسکونی بسر خواهند برد.

استفاده از زمین: یک میدانگاهی پیاده روها به عنوان مرکز شهرک خواهد بود. این منطقه یک سوم از منطقه بین خیابان سدارو بزرگ راه است.

مردم شناسی: از ۱۲۹۹ واحد مسکونی ۵۲ درصد در اجاره مردم کم درآمد است. حدود ۶۰ درصد سکنه سدارو یورساید محل کار یا تحصیلشان در مؤسسات این ناحیه میباشد.

اقلیم و محل ساختمانی: واحدهای مسکونی طوری طرح شده است که از شرایط محلی حداکثر استفاده به عمل آید. بسیاری از آپارتمانهای مجز به تپویه طبیعی است.



ملاحظات اجتماعی و اقتصادی

انتخاب انواع منزل: چهار نوع مشخص آپارتمان برای سکنه این شهرک آماده است.

الف: آپارتمانهای برجی
ب: آپارتمانهای سمطبقه با آسانسور
ج: آپارتمانهای دو طبقه. با آسانسور

د: خانههای شهری

خدمات بهداشتی در درمانگاه میدانگاه شهر عرضه میشود که چهار کارکن و دو دکتر دارد.

قفرچگاه: همه نوع امکانات تفریحی برای اهالی آماده است. برای بچهها هم زمین بازی با تاب و استخر تهیه شده است.

عکس هاشور پهن خورده است، دارای خصوصیات واحد خواهند شد. این خصوصیات (مقیاس، مواد وغیره) به هر منطقه ویژگی خاص خود را میبخشند، ولی درعین حال پیوستگی منطقه را با شهرک حفظ میکنند.

برای ارتباط دادن رودخانه، هم با مناطق دیگر طرح، چه مناطق مسکونی و چه غیر مسکونی، دو دهلین ارتباطی در نظر گرفته شده است. بلواری هم در خیابانهای نوزدهم و دهم احداث می شود که علاوه بر ارضای نیازهای کارکردی بایست یک خیابان نمونه باشند، و از آنها بتوانند به مناطق مختلف بروند. در طراحی این مناطق و دهلینهای ارتباطی همواره سعی شده که وحدت درونی مناطق و خصوصیت طرحی دهلینهای مجاور حفظ شود.

ششمین جایزه دوسالانه هود برای **طراحی** رالف پارسون و شرکا معماران و **طراحان** سداراسکور وست نخستین مرحله تکمیل شده از جامعه جدید سدارو یورساید در مینیآپولیس مینه سوتا است. این مرحله شامل ۱۲۹۹ واحد مسکونی و تمام تسهیلات تجاری و خدماتی مربوطه است.

بیش از نیمی از این خانهها مخصوص افراد کم درآمد است. این شهرک اکنون ۲۰۰۰ ساکن دارد و ۸۰ درصد آن اجاره ای است. بقیه این شهرک در ۱۷ سال آینده تکمیل میشود.

نحوه مدیریت

صد جریب از ۳۴۰ جریب شهرک سدارو یورساید برای کارهای خصوصی منظور شده است. پنج مؤسسه آموزشی و بخش خصوصی در توسعه این منطقه دست دارند.

زمینه برنامه ریزی

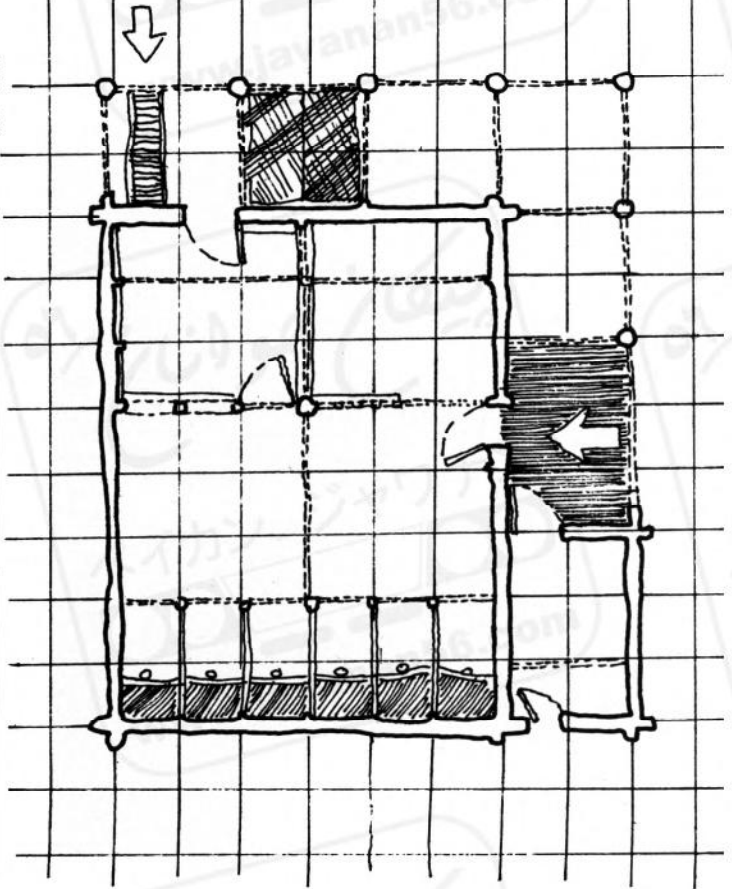
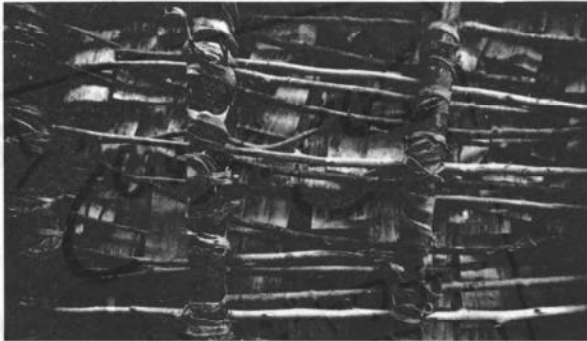
این محله چون خیلی مخروبه بود برای پیاده کردن نخستین مرحله جامعه جدید در نظر گرفته شد. در

- آرشیتکت: مهرنوش یادری - میشل سانتی ویل
- عکاس: مهدی خوانساری

الفبای معماری منطقه ای ایران

بردن آنها در این نوع ساختمان‌ها و زنگ‌زدن فلز و ترک خوردن چوب رفته رفته فن ساختن و محیط‌زیست کنونی از بین خواهد رفت.

فن ساختن در کروش و عکس‌های ضمیمه معماری این نوع ساختمان نشان داده شده است.



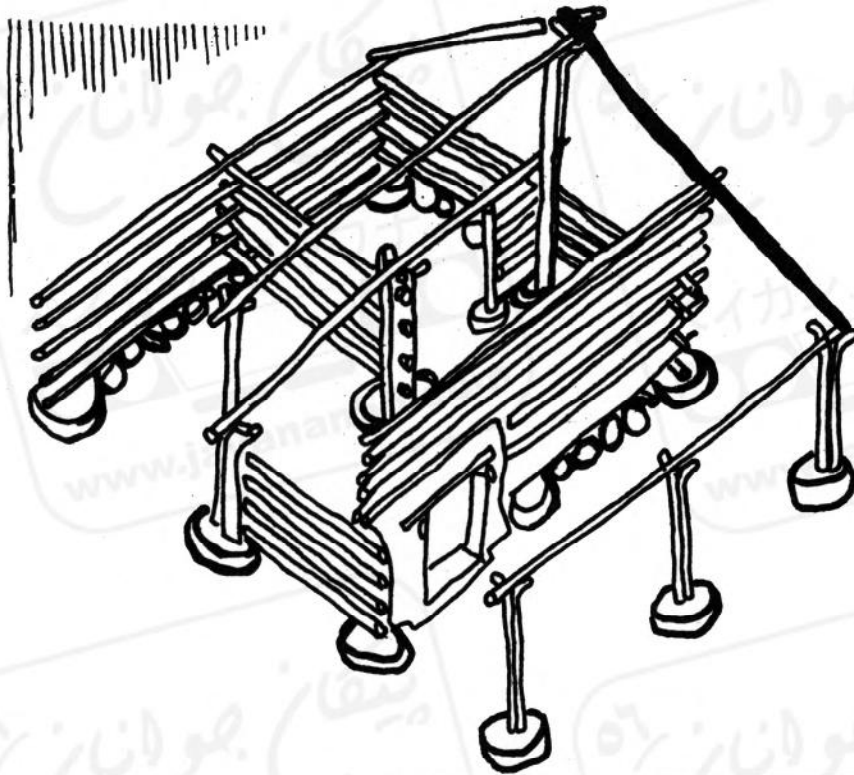
این ساختمان‌ها بصورت واحدهای معینی میباشد و هر یک از این واحدها با آهنک معینی (که بستگی مستقیم با طول متوسط هر تیر چوبی ۲/۵۰ تا ۳ متر میباشد دارند) تکرار میشود. در این نوع معماری تاکنون از میخ یا تسمه آهنی استفاده نمیشده و برای اتصال چوبها بیکدیگر از ساقه خشک‌شده درخت بصورت طناب با گره‌زدن متوالی و مخصوص استفاده میکردند، با آشنائی با مصالح فلزی و بکار

هدف از چاپ این مطلب شناسائی و زنده کردن معماری سنتی و محیط ساخته شده منطقه‌ای و توسعه دادن فنون معماری با مصالح محلی و امکانات فنی مردم مناطق ایران میباشد.

۱. منطقه سواحل دریای خزر، معماری جنگلی

معماری و محیط ساخته شده این نوع ساختمان‌ها با مصالح محلی و سنتی با نفوذ مصالح جدید و تغییر زندگی سریع اهالی تا چند سال آینده فراموش خواهد شد.

کرسی چینی
سنگ رودخانه و خاک کوبیده
شده.

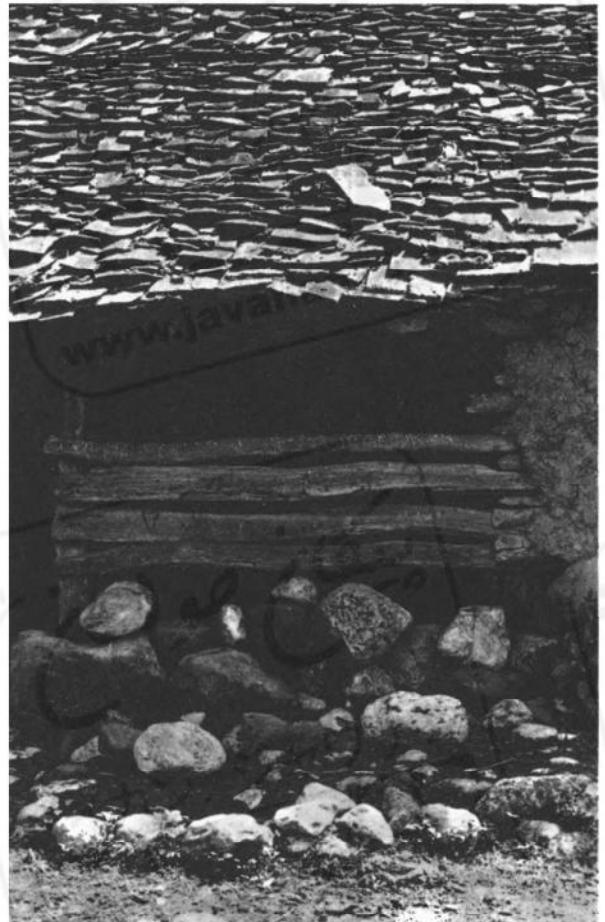
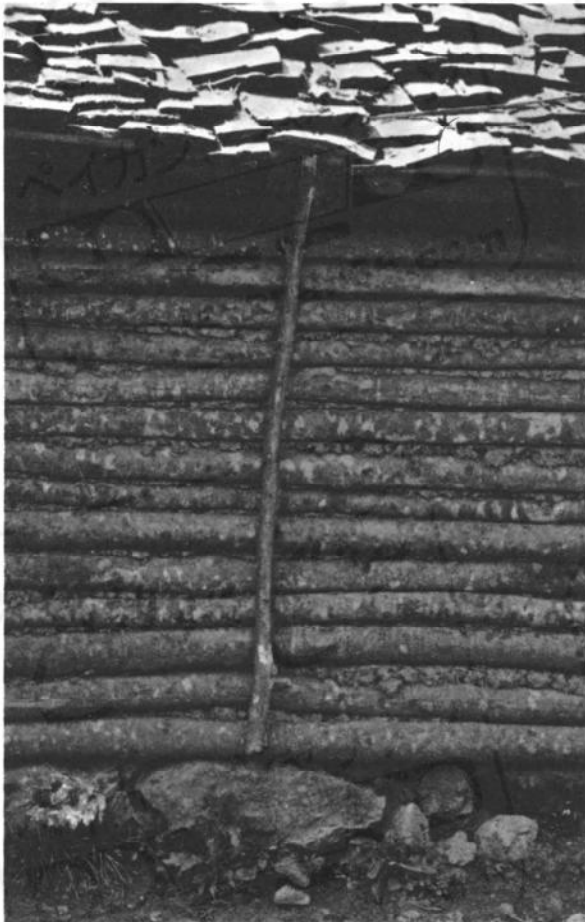


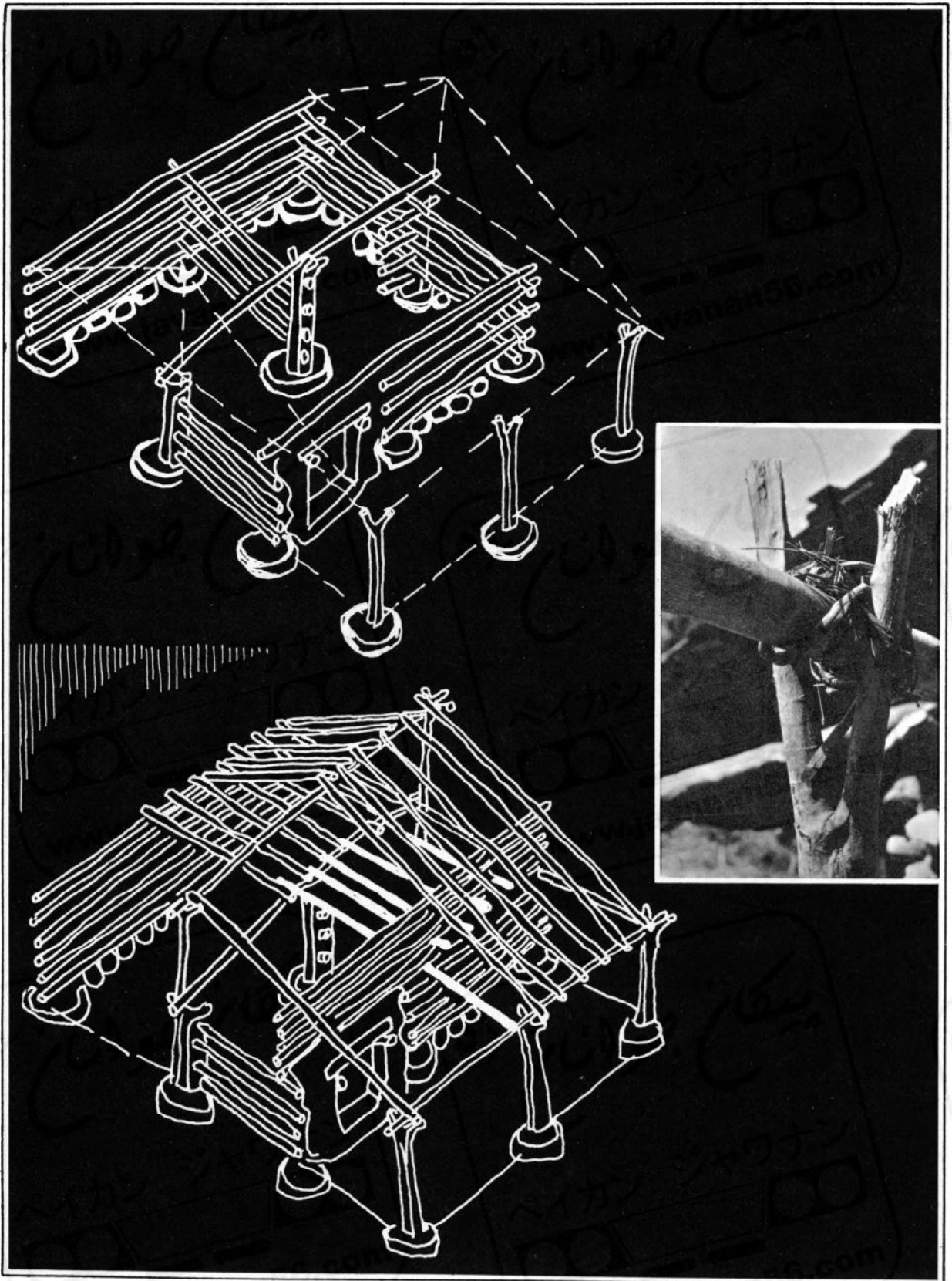
کالای بتنی

بصورت افقی و عمودی از روی
کرسی چینی شروع شده و چوبها
در محل اتصال بوسیله ساقه درخت
خشک شده بیکدیگر میخورند و
اسکلت ساختمان را تشکیل میدهند.

مصالح دیگر

کاه گل، سیمان سفید محلی
برای جلوگیری از رطوبت و در و
پنجره چوبی استحکام و مدرن بودن
این معماری و هم آهنگی آن با
محیط و احتياجات اهالی منطقه
دلیل لازم و کافی برای کوشش در
زنده نگاه داشتن و شناساندن آن
به مردم منطقه میباشد.





مرکز معمار

خبر رسید که «کارل شوانتزر» مرد معماری جهان بدرود حیات گفت.

مرکز تکان دهنده این معمار ۴۷ ساله که نامش از مرزها گذشته بود، جامعه معماری را با یک ضایعه بزرگ روبرو ساخت.

بی شک جهان معماری با از دست دادن این معمار، یکی از مهره‌های حساس و اصلی خود را از دست داد و عزادار شد.

نام او گرامی و روانش شادباد



کارل شوانتزر

آخرین کارهای او عبارتست از مؤسسه توسعه اقتصادی در اتریش سفلی، سفارت جدید اتریش در برازیلیا بزرگترین کارخانه تولید سیان اتریش، و ساختمان اداری ب. ام. و در مونیخ. در بسیاری از مناقصه‌های معماری محلی و بین‌المللی برنده شد و بارها عضو هیئت داوران مسابقات بین‌المللی شد.

«کارل شوانتزر» از طرف دولت اتریش مأمور تهیه برنامه شهر جدید «ملل متحد» برای سازمان توسعه بین‌المللی ملل متحد، و کارگزار بین‌المللی انرژی اتمی در وین گردید. وی پس از تهیه برنامه مذکور آثرا به اوتانت دبیر کل وقت سازمان ملل تسلیم داشت. او همچنین مشاور دولت عربستان سعودی در زمینه برنامه‌ریزی دانشگاهی است. کارل شوانتزر برای مطالعه به اقصی نقاط دنیا سفر کرد و سلسله سخنرانی-های فراوانی در مورد مسائل معماری معاصر و طراحی صنعتی ایراد کرد.

(آلمان غربی) بوداپست (مجارستان) اشتوتگارت (آلمان غربی) و ریاض (عربستان سعودی) دعوت شد. شوانتزر قبالاز فوتس معاون شورای بین‌المللی انجمن طرحهای صنعتی بود و در مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی معماران، به عضویت شورای اجرائی آن انتخاب شد.

پروفسور فقید نشانها و افتخارات چندی دریافت داشت، که از آن میان میتوان «جایزه بزرگ» معماری نمایشگاه جهانی بروکسل «نشان لیاقت جهانگردی» فرانسه، عنوان عضو وابسته افتخاری مؤسسه همایونی معماران انگلستان و عنوان عضویت افتخاری مؤسسه معماران آمریکا را نامبرد.

از کارهای برجسته او باید موزه قرن بیستم، مؤسسه توسعه اقتصادی و ساختمان اداری فیلیپس در وین، کوشک‌های اتریش و اروپا در نمایشگاه جهانی مونت‌رال و کودکستان شهر وین در همان نمایشگاه را ذکر کرد.

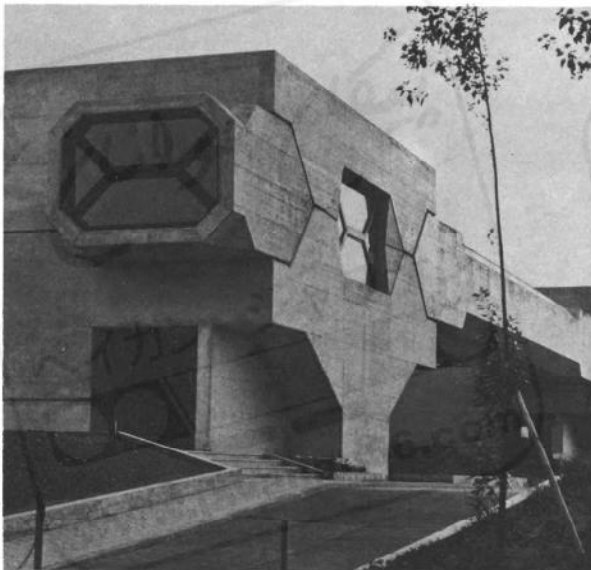
«کارل شوانتزر» در ۱۹۱۸ بدنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه فنی وین بیان رساند و فعالیتش را در زمینه معماری از ۱۹۴۷ آغاز کرد. در ۱۹۵۹ سمت استاد دانشگاه فنی وین برگزیده شد و در سالهای ۶۷-۱۹۶۵ سمت رئیس دانشکده مهندسی و معماری دانشگاه مژبور منصوب گردید. وی بعنوان استاد مهمان به دانشگاههای دارسات

مؤسسه گسترش اقتصادی

اتاق تجارت، اتریش سفلی

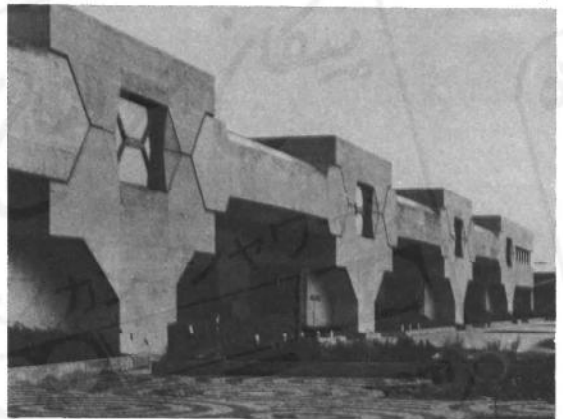


«کارل شوانتزر»



سخنگوی این مؤسسه می-
گوید: هدف ما برپا کردن ساختمانی
بود که بتوان در آن منشأ خدمات
ارزنده‌ای برای ملت گردد. به
کارگاهها و اتاقهایی نیاز داشتیم تا
در آنها مردم را برای پیش از
شصت حرفه تربیت کنیم، از
تراشکار گرفته، تا کارآفرین.
نیازمندی‌های ما شامل، آموزشگاه،
نمایشگاه، دفاتر و مرکز تجمع
میگردید.

بند ۶۱ بخش دوم قانون
مربوط به اتاق تجارت کاملاً حدود
مسئولیت ما را تعیین میکرد که
عبارت بود از گسترش اقتصاد عموماً
و تکنولوژی خصوصاً، نمایشگاه‌ها
و مکاره‌ها، ترویج هنر و فرهنگ،
کارآموزی حرفه‌ای و آموزش و
گسترش اقتصادی با فیلم و هنر
های کار بسته.

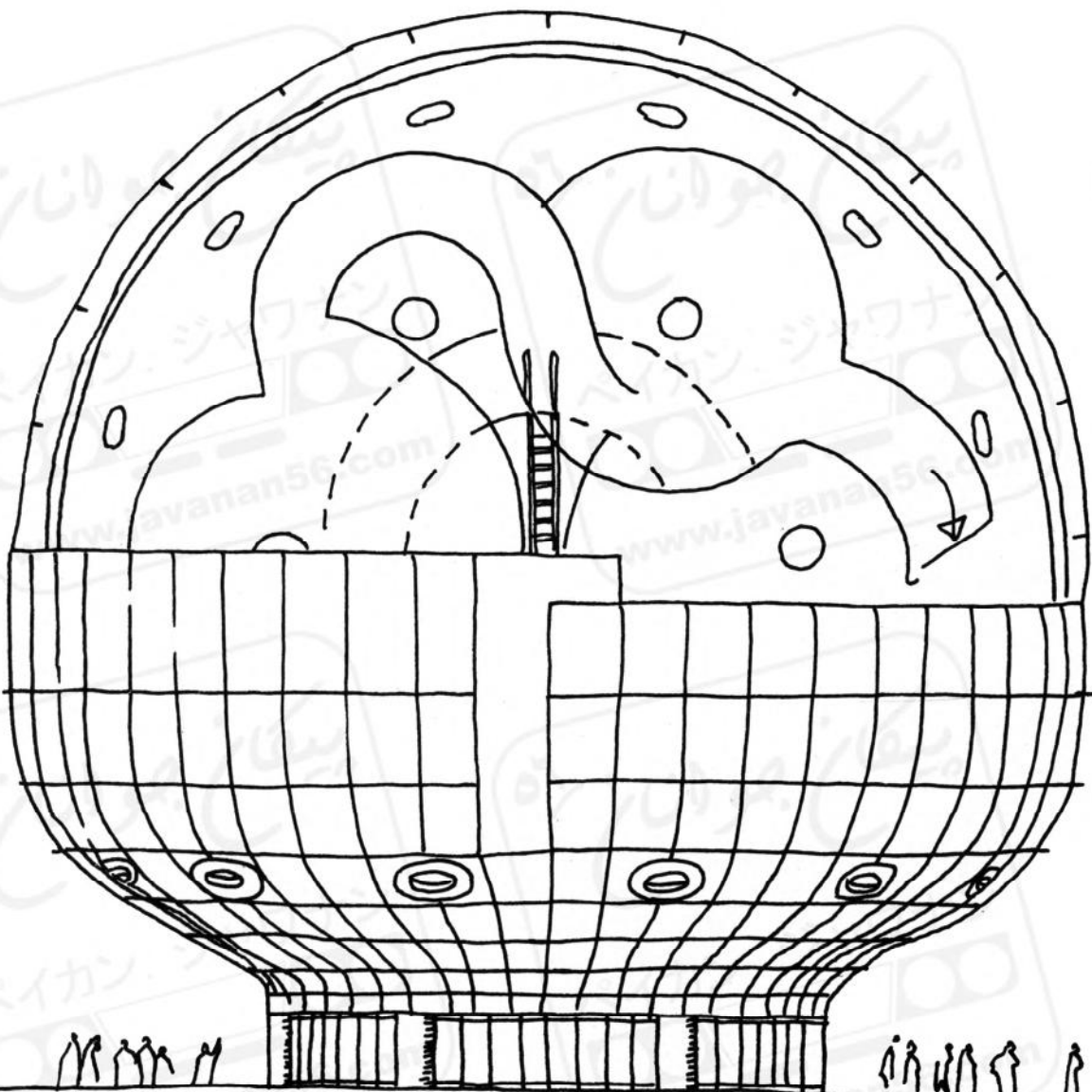


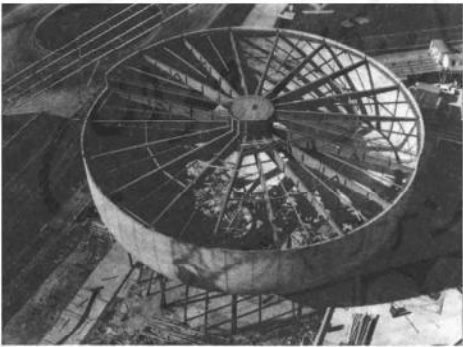
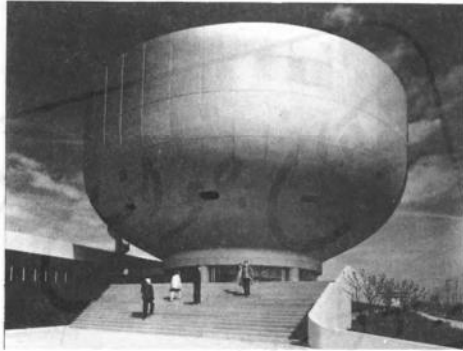
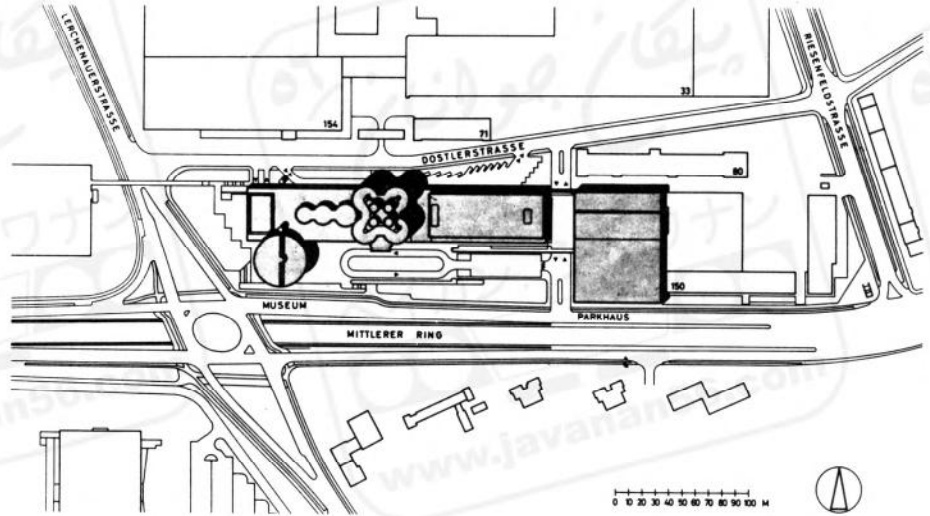
موزه ب.م.و. - B.M.W

آرش: شوقا

www.javanan56.com

www.javanan56.com





موزه ب.ام. و مونیخ برای خود رو و موتور

موقعیت شهری:

اداری میسازد. درمواردخاص، مناطق مجزای ساختمان اداری (مثلا تالار ناهارخوری مدیران، گلخانه بام، ناهارخوری زیرزمین، و تالار ورودی اصلی) را میتوان بدون تخریب زیاد به موزه و قسمت کار-آموزی متصل کرد. بخصوص برای سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی و جشن.

نظریه مطلوب اصلی

فضای عمل یک خودرو راهی است که میباید: جاده، پل، و مناطق توقفگاه. موزه ب.ام. و به برکت محل خود، تقاطع لرخنور اشتراجه، در میان رفت و آمد سنگین شهر، خود تاکید برروابط اساسی خودرو، راه‌ها، و آمد و شد است. زیربنای فوق‌العاده محدود برای طرحبندی موزه، سبب گردید که موزه را به شکل فضای عمل یک خودرو در آورند. شکل ساختمان و طرحبندی درونی آن هر دو نمایشگر کوششی است که صرف این کار شده است.

نخستین فرایافت (Concept) معماری این موزه، امتداد «جاده» به عنوان محیط عمل خودرو در یک ساختار آمد و شدی است، که در یک خیابان محدود شده بود. هدف

موزه بر تقاطع دو شاه‌رگ رفت و آمد میتلدر رینگ ولرخنور اشتراجه، واقع شده است. اطراف این تقاطع پیاده‌روهائی است که به دهکده المپیک منتهی میشوند. وسیله ایاب و ذهاب ایستگاه خط آهن زیر زمینی لرخنور اشتراجه - اوبرویز نقلد المپیا است، که در چند قدمی موزه واقع شده است. کسانیکه باماشین میابند به توقفگاه واقع در غرب تقاطع میروند و از پل بالای لرخنور اشتراجه عبور میکنند. سپس از فضای سبز جلو مرکز کار آموزشی گذشته وارد موزه میشوند. میهمانان افتخاری باماشین از راه اصلی به سمت ساختمان اداری میروند. پیاده‌ها هم میتوانند از پیاده رو مستقیماً به سمت موزه بروند. شباهت با مجموعه ساختمان در

پتول رینگ

این موزه جزء جدائی‌ناپذیر مجتمع دفتر ب.ام. و در «پتول رینگ» است و مجاور قسمت کار-آموزی و آموزشی قرار دارد. محل ویژه موزه در ارتباط با منطقه آموزش، جدائی آنرا در مواقع لزوم از دیگر قسمت‌های ساختمان



آنجا روی دیوار تصویر پانورامای یک خودروی در حال حرکت را افکنده‌اند. این تصویر خیلی با مفهوم است.

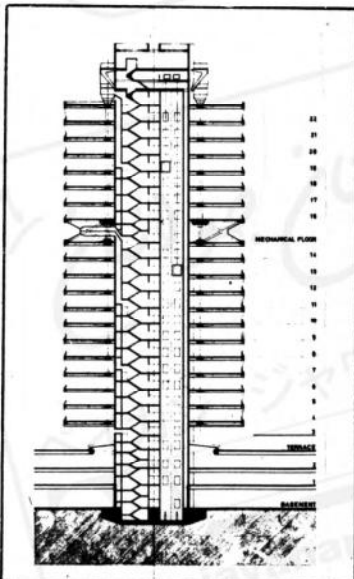
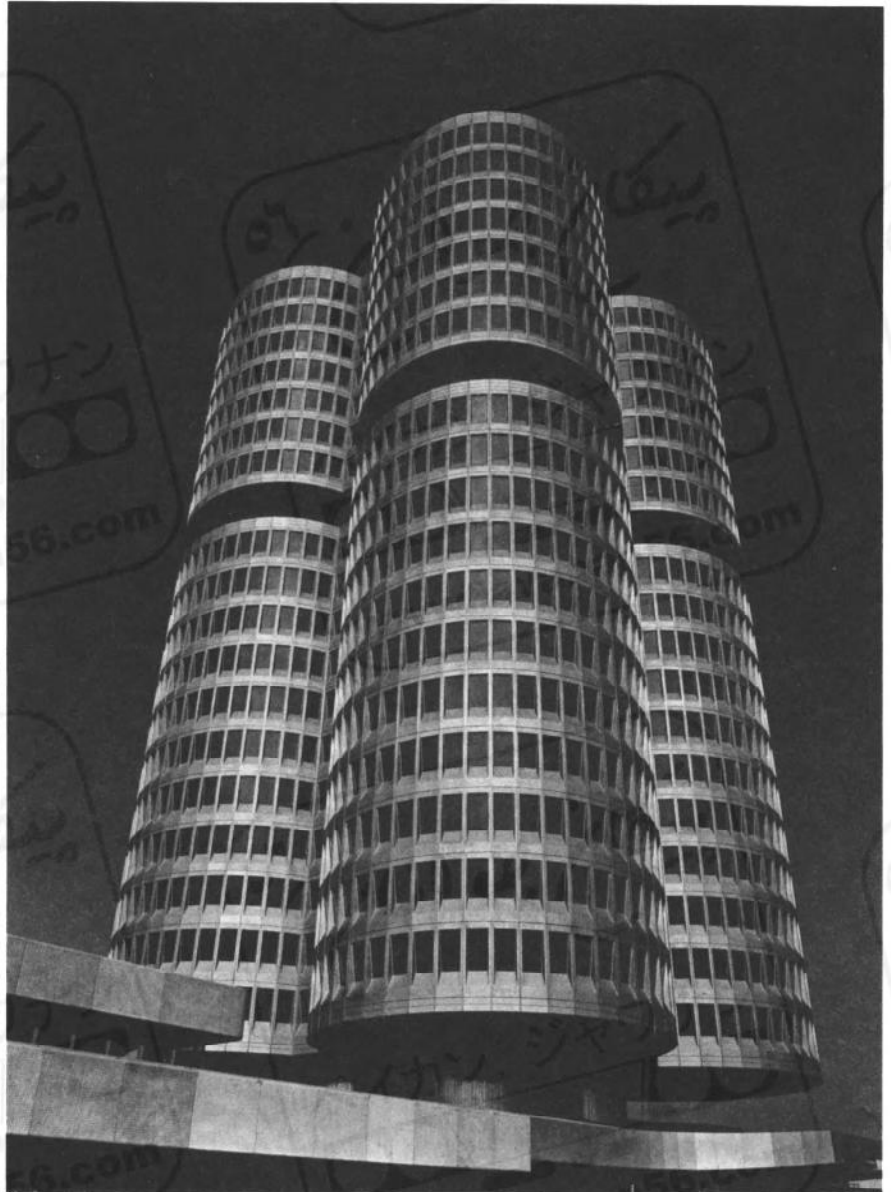
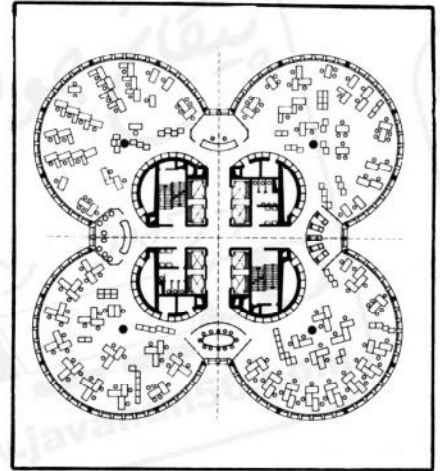
قبل از اینکه واقعاً رانندگی انجام گیرد، لذت آنرا میتوان احساس کرد. موتور سیکلت و ماشین ب. ام. و. را بطور دلپذیری به نمایش گذاشته‌اند. بعد از این بازدیدکنندگان از سرازیری کم شیب طبقه به طبقه پائین میروند و از ماشین‌ها و موتورها که قبلاً در یک نظر از روی پله برقی مشاهده کرده‌اند دیدن میکنند. شکلهای فضائی زیبای مقاطع پویائی‌زیادی ایجاد میکنند که کاملاً برآزنده چنین نمایشگاهی است. از هر زاویه اشکالی متنوع دیده میشود. تماشاگر با عادات ثابت نظر افکندن خود، با تجربه بصری روبرو میشود. پدیده‌های نور و صدا زبانی گویا و موجز دارند.

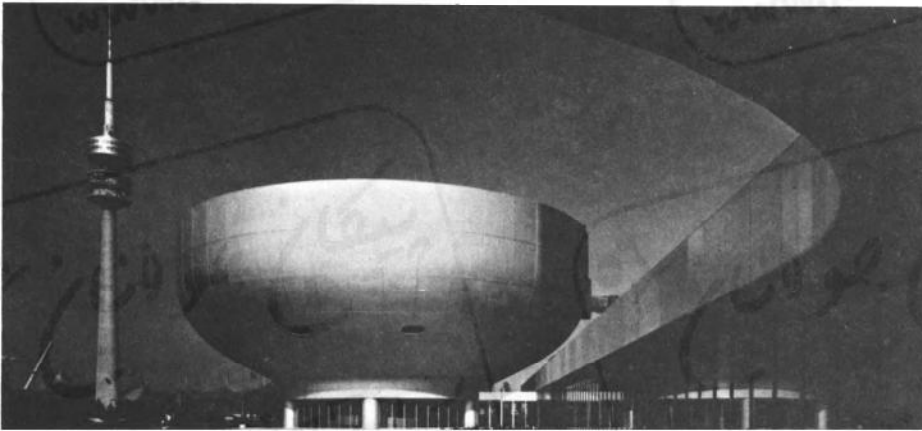
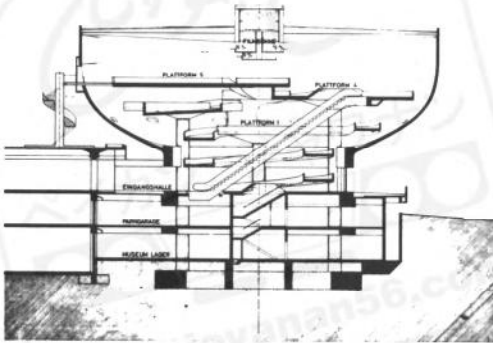
طرح‌بندی اساسی مورد نظر معمار برای این موزه جدید، سبب شده که با استفاده از برنامه‌های مختلف برای تصویر افکنی پانوراما و شیوه‌های نمایش در طبقات و دیواره طاق، بتوان مجموعه نمایشات مختلفی ارائه کرد. آسمانه‌کنبدی شکل این موزه با سطح منحنی خود کاملاً برآزنده پویائی و تحرک ماشین‌های مورد نمایش است. ارتباطی که به این ترتیب بین خودرو (محمول ب. ام. و)، جاده، فضا و پانورامای همزمان برقرار میشود، با نیم‌نگاهی از دریچه‌های تمبیه شده به رفت و آمد سنگین در مقاطع میترالرینگ ولرخنور اشتراک محکمتر میشود و رابطه نزدیکی بین جهان انترامی

این نبود که صرفاً برای خودروها محیط توقف ایجاد کنند و به آنها یک ماهیت ایستای موزه‌ای بخشند، بلکه میخواستند با ایجاد محیطی پر تحرک با تأثیرات چند واسطه‌ای به این واسطه خودرو حس کارآئی بیشتری دهند و موزه را خاطرم‌آفرین سازند.

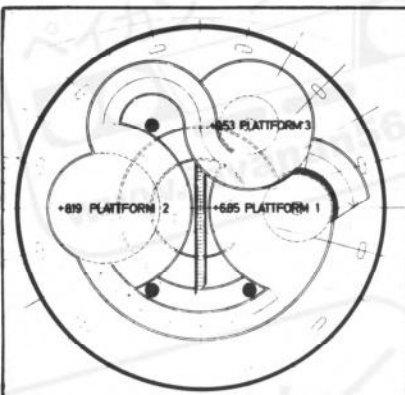
ساختمان صدفی شکل دل‌انگیزی که موزه را از جهان خارج جدا میکند، کنجکاو را برمی‌انگیزد. نورهای متحرک هم ارتباطی پویا و هم آهنگ بین محتویات موزه برقرار میکنند.

داخل موزه، بینندگان باپله برقی به طبقه فوقانی می‌روند. در





نمایشگاه و زندگی روزمره بر قرار میگردد. به علاوه برای کارکنان شرکت هم این موزه کانون پر افتخار است هم کانون پرافتخار موفقیت‌هایشان شده است. این امر به اهمیت تکیه بر رابطه شرکت با محصولاتش و با مردم، افزوده است.

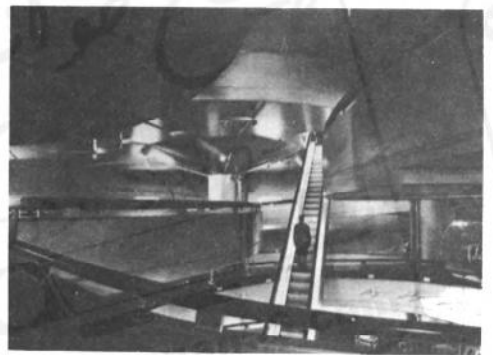
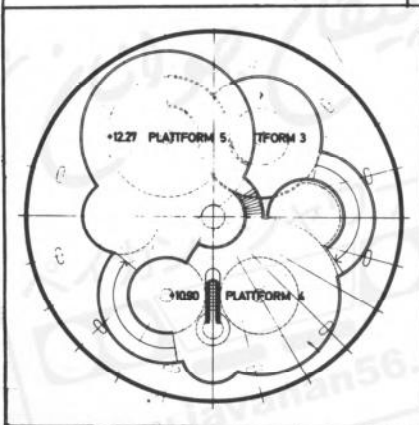


توقفگاه ب.ا.م. ۹



شرح کار

نظر به توسعه اقتصادی چند سال گذشته، بسیاری از موسسات دریافته‌اند که یکی از ضروریات حفظ کارمندان، تهیه فضای کافی برای توقفگاه است. مشکل شرکت موتورسازی ب. ا. م. و در مونیخ این بود که میخواست زمینی که بعنوان توقفگاه از آن استفاده میشود برای ساختمان قسمت اداری بکار برد. در نتیجه مجبور بودند که برای ۱۶۰۰ ماشین کارمندان یک توقفگاه چند طبقه بسازند بطوریکه ماشین‌ها در اسرع وقت در دسترس کارکنان باشند. این برنامه قسمتی از برنامه تهیه توقفگاه برای ۴۵۰۰ ماشین



کارکنان بود.

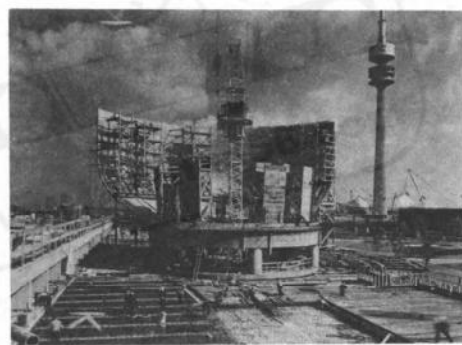
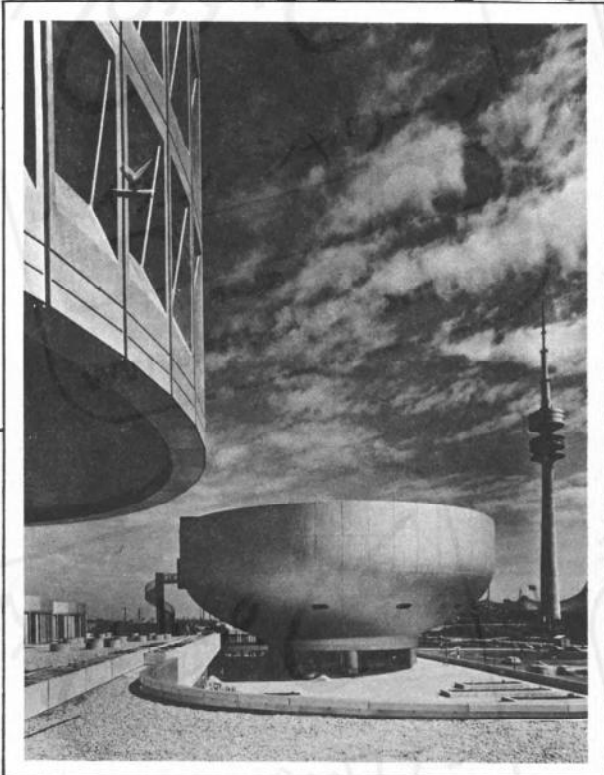
پس از گرفتن جواز ساختمان آن از اوت ۱۹۶۹ تا مه ۱۹۷۰ بطول انجامید. بهترین پیشنهاد مناقسه از آن شرکت مشترک هینترگرو هوختیو بود. مبلغ کل پیشنهادی آنان ۴۶۲۶/۱۰ مارك برای هر ماشين بود. از شرایط، یکی این بود که طرح در آخر مه ۱۹۷۰ پایان یابد.

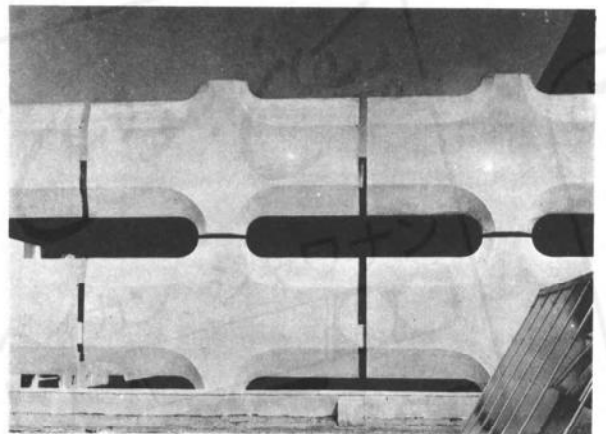
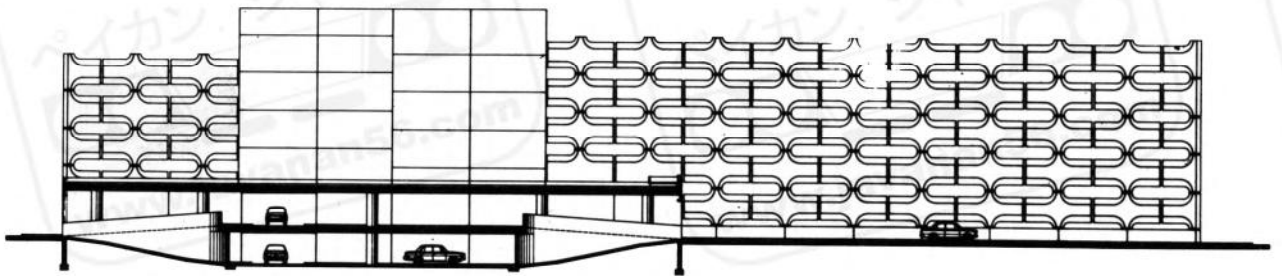
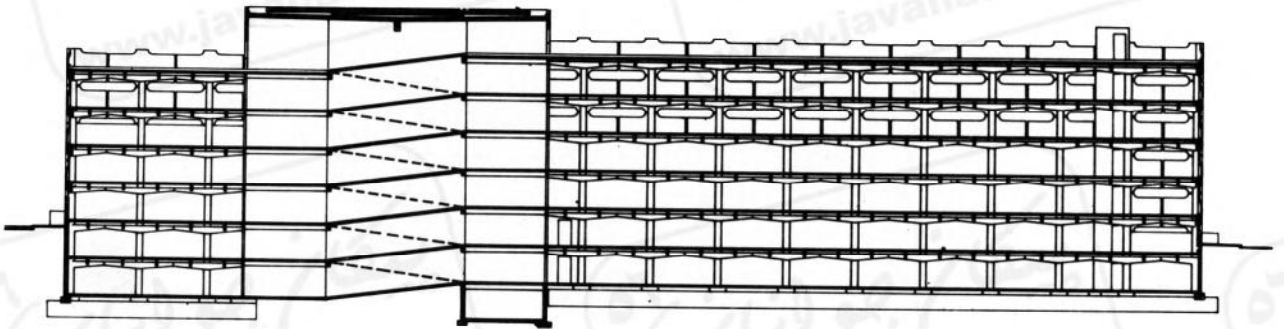
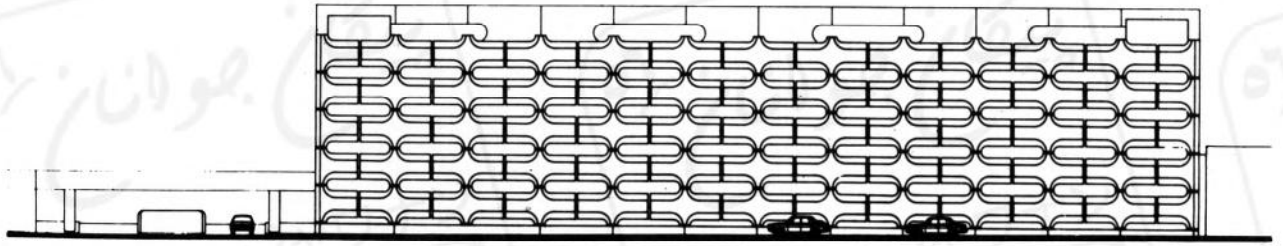
با توجه به مهلت فوق استفاده از مصالح پیش ساخته غیر قابل اجتناب بود و شرکت دیپل - ایننگ در این مورد با آنان همکاری کرد. استفاده کامل طرح و نظام پیش ساخته از موقعیت موجود این محل ارزش شایانی دارد.

محل مناسب، به وسعت ۶۵۰۰ متر مربع در جنوب شرکت واقع بود و هم از مینلررینگ و هم دوستلر اشتراوس به آن راه داشت. حداکثر ارتفاع مجاز در این منطقه ۱۳ متر بود.

پس از مطالعات زیاده، از جمله مطالعه وضع عبور و مرور در آن منطقه بویژه زمان سبک بودن رفت و آمد، قرار بر آن شد که بر مبنای نظام داهومی یک توقفگاه هفت طبقه بسازند که چهار مدخل داشته باشد.

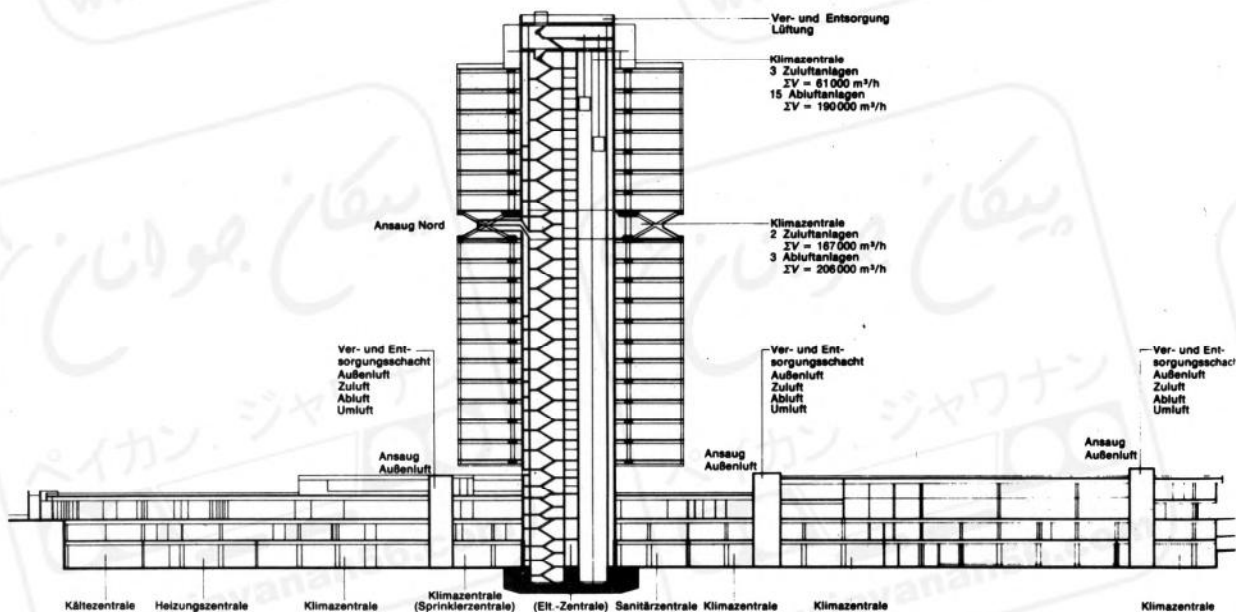
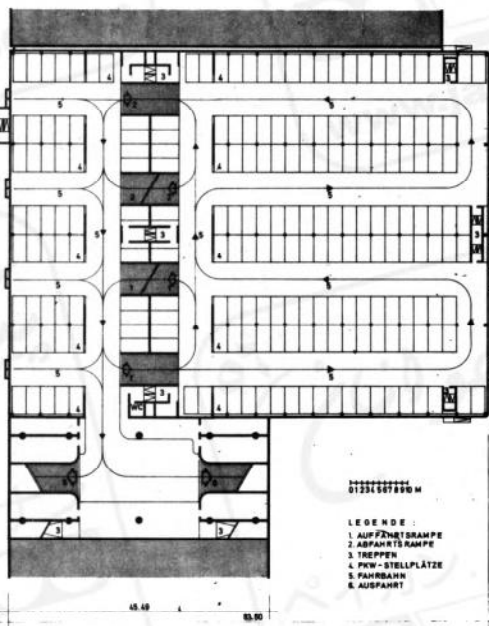
با توجه به ۱۹ ماه مهلت طراحی و ساختمان، هفت ماه طول کشید که نقشه ها پرداخته شد، و

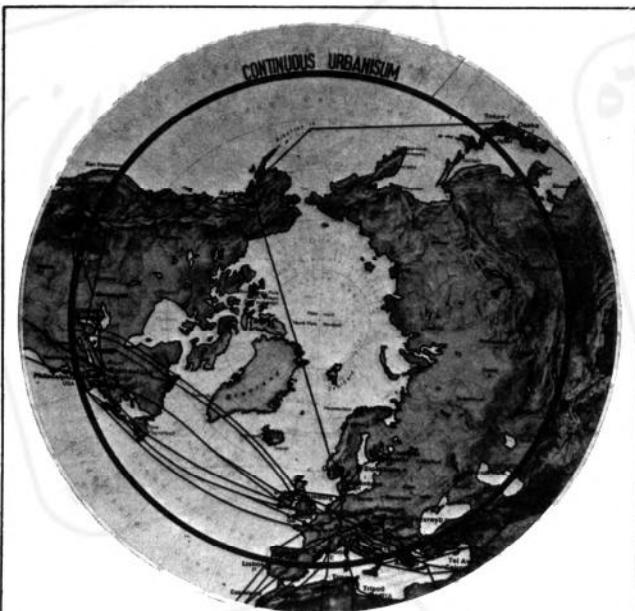




کاراژ 3.M.W. کارل شوانتز

AUSFAHRTSGESCHOSS





توده عظیم بی‌نظمی که شهر می‌نامیم، باعث خفقان تمدن است

استقرار مناطق صنعتی در بیرون مناطق مسکونی و اداری سبب آمدوشد سریع جمعیت متحرک می‌شود بین کلیه سازمانهای آموزشی و مردم، ارتباط تصویری برقرار است

این شهر ماست، هرچه نوشته‌ایم امروز قابل اجرا می‌باشد

پرتامه پیزی در سطح ملی

آن بوتول

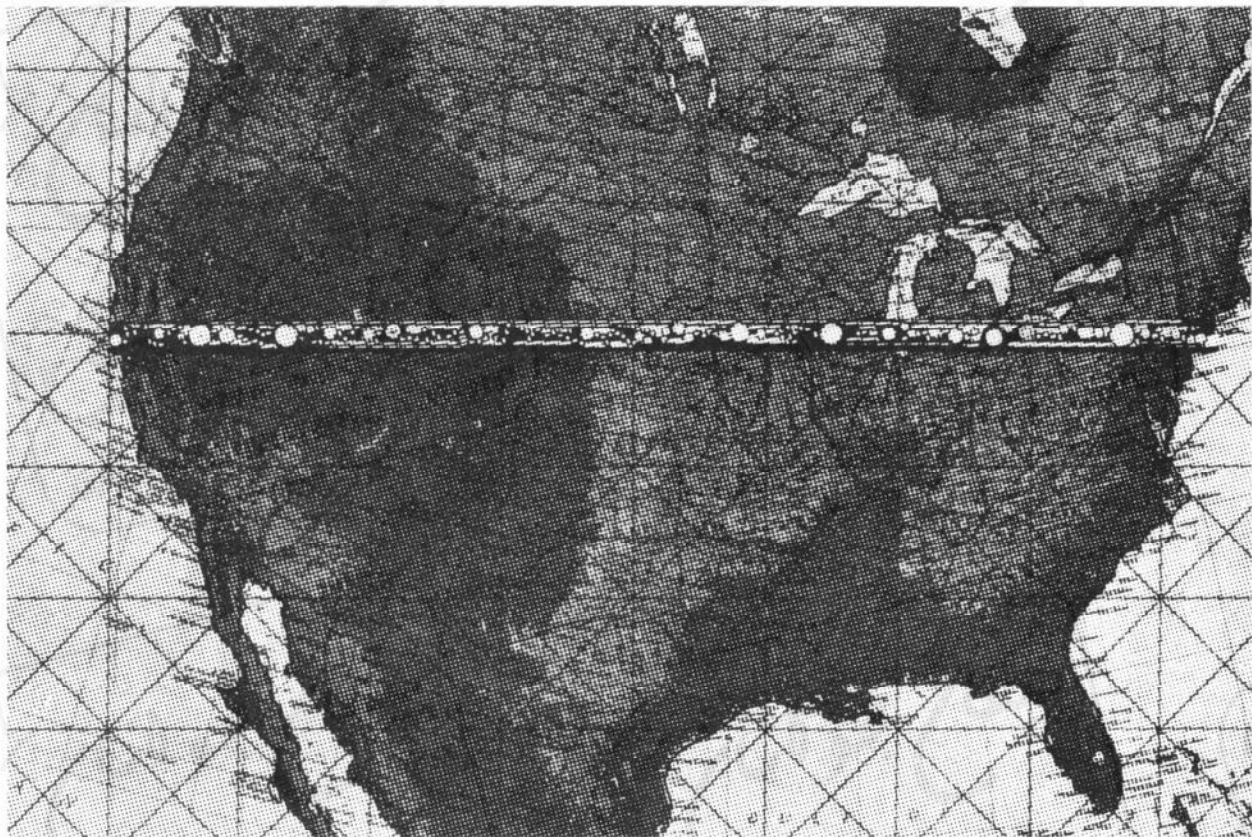
● شهری با جمعیت یک

میلیون نفر دارای دوعدد از این شبکه‌ها خواهد بود که راه ارتباطی بین حلقه‌های اصلی و خرده نظامها را تشکیل میدهند. شهرها محور با «میان راهها» خواهند بود و در ارتفاع بیشتری قرار خواهند گرفت. شهرها بطور خطی توسعه خواهند یافت و به مناطق صنعتی متصل خواهند بود، که ممکن است این راه به راههای درون مثلث‌بندی‌ها وصل گردد. با قراردادن اجتماعات در بلندی، و فراهم آوردن تسهیلات و مجتمع‌های تکی یا ساختمانهای منفرد، میتوان اندازه آنها را هر قدر لازم باشد کم و زیاد کرد. شکل خاص این مناطق، نظارت بر محیط (بوئزه گرما و رطوبت) را ممکن میسازد. با ساختمان خانه‌ها در هوا، مخارج گراف پی‌کنی و پی‌ریزی و غیره کاهش خواهد یافت. صنایع محلی، در کنار خود انبارهایی برای عمده فروشی خواهند داشت. سازمانهای خدماتی و خرده‌فروشی و آموزشی و سکونت‌گاهها در سطوح بالاتر قرار خواهد گرفت. ساختارهای مثلث‌بندی شده فضائی، پایه‌بان مناطق معلق خواهند بود و بناها بر روی آنها سوار میگردند. و ارتفاع آنها حداکثر ۱۰۰ متر بالای میان - راههای

«... نخستین عامل ضروری برنامه‌ریزی در مقیاس ملی است. اگر برآوردن نیازهای آینده را به دستکاهای دولتی منطقه‌ای واگذار کنیم، نتیجه وخیم خواهد بود. با تعبیه نظام‌های انتقالی بر مبنای مناطق سرعت و بارگیری احتمالی، میتوان شهرها و شهرک‌های جمع و جوری بالای آنها بنا کرد، که در عین حال جدا از هم و مستقل خواهند بود و توسعه بعدی آنها اشکالی پیش نخواهد آورد.

قرار دادن مناطق صنعتی در بیرون مناطق مسکونی و اداری، و اتصال آنها به راههای انتقالی، سبب آمد و شد سریع جمعیت متحرک میشود.

ترتیب اجرای این طرح در سطح ملی (و احتمالا بین‌المللی) عبارت خواهد بود از قرار دادن راههای انتقالی عمده بر بالای راههای فعلی، و تجدید سازمان اجتماعات مستقر در طول این راهها و تشکیل یک شبکه مثلثی که هر ضلع آن ۱۰ کیلومتر خواهد بود و برای تحرك ثانوی بکار می‌آید، و با خرده نظامهایی که در بر خواهد گرفت، نظام پیچیده انتقال و ارتباط را چه در سطح محلی و چه ملی ممکن میسازد.



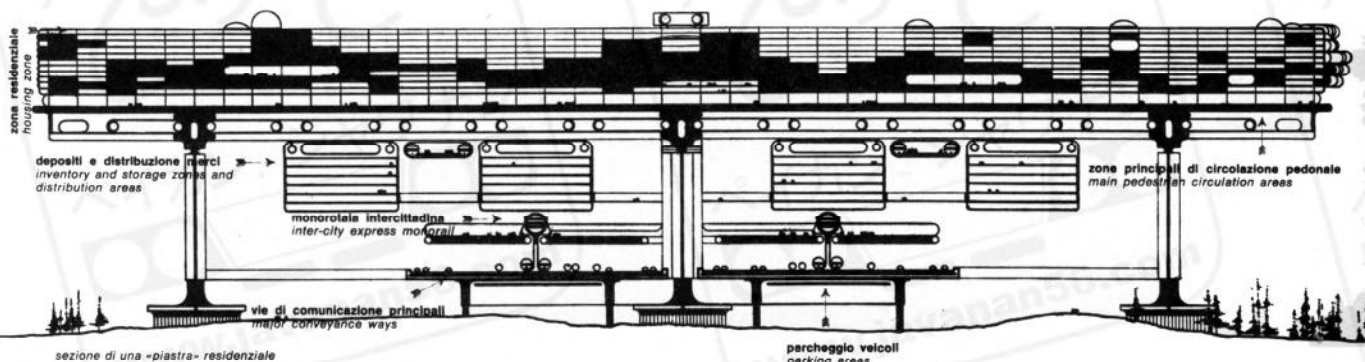
برنامه ریزی در سطح ملی

قسمت‌ها رویهم، روبنا را تشکیل میدهند و به دوطبقه پیاده‌رو ختم می‌شوند که در کنار آنها رستوران و تفرجگاهها قرار دارد.

این مناطق بصورت بازوهای از راه اصلی جدا شده و با حفظ سطح در منطقه صنعتی قرار می‌گیرند. در يك سوی این سطح کلبه‌ها و خانه‌ها قرار گرفته‌اند که برخی از آنها حیاط اختصاصی دارند. حمل و نقل عمودی بوسیله بالابرهای سریع‌السير صورت می‌گیرد که به نظام پله‌برقی‌ها متصل است و به راههای مسافرتی و تک‌ریل ختم میشود و از سمت پائین به توقفگاه و راههای گذار (ترانزیت) میرسد. طرح شهر طوری است که

متصل میکند و برای خدمات داخلی بکار می‌آید. علاوه بر این راه، مسیرهای متحرک با سرعت‌های متفاوت در اختیار پیاده‌ها خواهد بود. فضای بین تک ریل و پائین‌ترین طبقه برای استفاده، خدمات، و اتاق‌های تجهیزات تخصیص داده شده است. خود تک‌ریل‌ها در لوله‌هایی که از قسمت زیرین روبنا آویخته شده، قرار دارند. در ایستگاهها راههای ماشین‌رو مردم‌را به تک‌ریل می‌رسانند. خود تک‌ریل هم بر ستونهای استوار است که وسط راههای انتقالی قرار گرفته‌اند. سطوح بالای تک‌ریل (Monorail) به انبارها و سازمانهای توزیع و فروش اختصاص یافته‌اند. این

خودروها خواهد بود. راههای انتقال از راههای اصلی به راههای فرعی کشیده میشوند و در آنها هیچ تقاطعی وجود نخواهد داشت. میزان ظرفیت هر راه و سرعت مجاز آن در سطوح مختلف آن راه فرق میکند. فضای باقیمانده بین پائین‌ترین طبقه و سطح زمین بعنوان توقفگاه چند طبقه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. روبنای اصلی شامل يك مدار «تک ریل» خواهد بود که برای حمل بار و مسافر به شهرهای دیگر و بالعکس بکار خواهد رفت. به موازات این ریل يك مسیر تک خودروئی قرار دارد که با تلویزیون کنترل میشود و بدون تقاطع است، و پیاده‌روها را به مناطق صنعتی



sezione di una «piatta» residenziale

parcheggio veicoli
parking areas

فروتن همزیستی بشر

● در مرکز ساختمان منطقه‌ای است که پوشش ضخیمی دارد و محل نیروگاه اتمی و کارخانه تصفیه آب است. این بخش گرما و آب را تهیه کرده و فاضلاب و فضولات صنعتی را خارج می‌سازد و در کارخانه‌های دیگر از آنها کود و دیگر مصنوعات تهیه می‌شود.

● قسمت پائینی شبکه انتقال به سطح زمین می‌رسد. رفت و آمد در این قسمت متنوع است مگر برای خودروهای کشاورزی و صنعتی و ماشین‌های حفاری معدن که با سطح زمین کار دارند. بیلاغات اطراف را برای احیای خاک بصورت اول در می‌آورند و مناطق تفریحی با تسهیلات برای ماشین‌های سواری احداث می‌گردد.

این شهرماست، ماحساساتی نشده‌ایم. هرچه نوشته‌ایم امروز قابل اجراست. نمی‌گوئیم این شهر آینده است بلکه این از احتمالاتی است که شایسته مدافه و بررسی می‌باشد. از یک چیز مطمئنیم. آن این است که توده عظیم افسار گسیخته و بی‌نظمی که شهر می‌نامیم، باعث خفقان تمدن ماست. اگر اکنون، علیرغم مشکلات ظاهری، دست بکار نشویم مابزودی به وضعی خواهیم رسید که دیگر امکان عمل وجود نخواهد داشت.

ضرورت همزیستی بشر

اگر بشر نتواند در پایان این قرن به یگانگی جهانی دست یابد و با ارزیابی منابع باقیمانده، بین رشد صنعتی و جمعیت هم‌ترازی برقرار نماید، بقای بشر در خطر نیستی خواهد بود. کوشش برای

برقرار است. و دستگاه‌های برنامه‌ریزی شده آموزشی دانشگاه (معلم ماشینی) در کتابخانه‌ها، دفاتر و کارخانه‌ها در اختیار مردم است.

● مرکز نظارت هوایی در ابتدای بخش صنعتی واقع شده، و ارتباط ترابری مسافری از اجتماع تا پایانه‌ها (ترمینال) و ایستگاه‌های مبداء و فرودگاه را انجام می‌دهد. تکریم‌های سریع و تندرو از پایانه هوایی تا ایستگاه مبداء را دربر می‌گیرد. به موازات آن تکریم‌های باری قرار دارند که به انبارها و مناطق صنعتی ختم می‌شوند. ترابری پستی هم همینطور است منتها به محل‌های تفکیک بسته‌ها می‌رود. مرکز نظارت هوایی بر پرواز عمودی، و خدمات هواپیمائی نظارت دارد. در زیرزمین نوارهای مسافر برقرار دارد. از دیگر تأسیسات زیرزمینی، پناهگاه‌های شهرداری است. قسمت صنعتی با پلهائی به قسمت شهری متصل است و برحسب ارتباط صنایع مختلف باهم براساس منطقی طرح شده است. این صنایع ممکن است برحسب نیازهای هر قسمت فرق کنند.

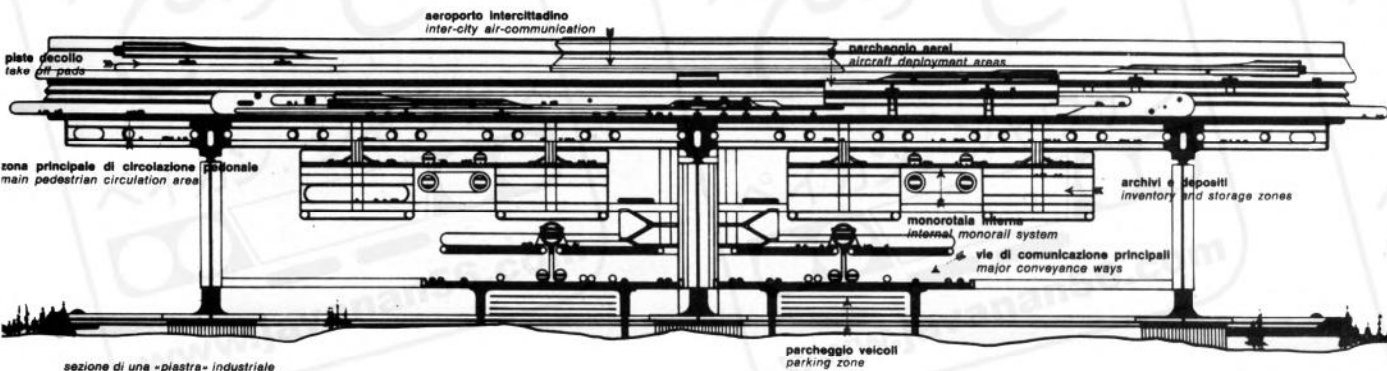
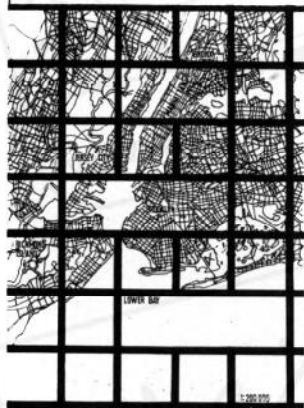
مسئولیت این امر با دفتر مدیریت صنعتی خواهد بود، که معادل مدیریت شهری است. خط تولید و مونتاژ در روبنای بالای قسمت انبار و توزیع قرار می‌گیرد. مواد اولیه این صنایع بوسیله تکریم‌های باری تأمین خواهد شد. که همچنین انتقال مصنوعات از کارخانه را هم به‌عهده خواهد داشت. بالای این سطح و در طبقه پیاده‌روها، سازمانهای اداری قرار دارند که با تمام قسمت‌های ساختمانی در تماسند. رستوران و ناهارخوری هم در همین طبقه است.

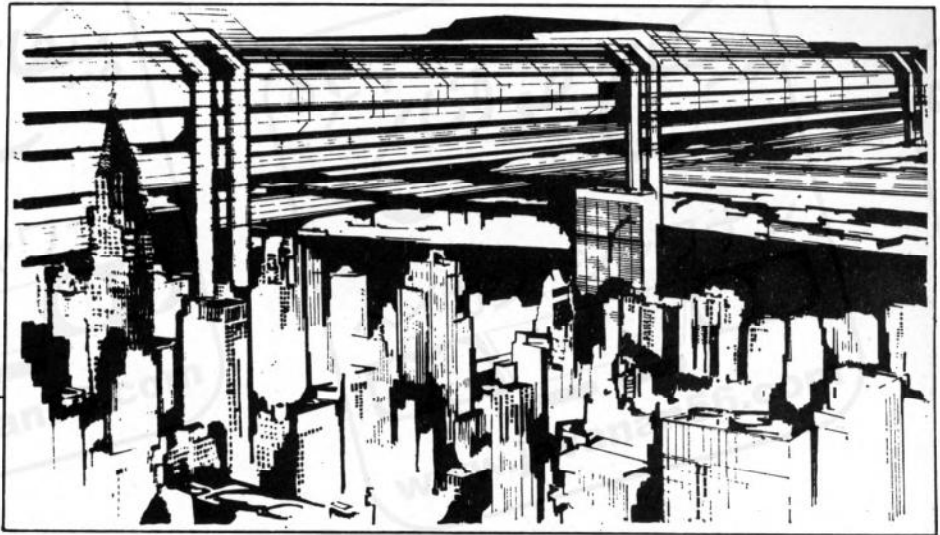
مناسب توسعه می‌باشد و هر کجا میتوان بخش‌های تجاری، دولتی، شهری و کشوری برپا کرد. تمام تأسیسات مخابراتی مرکز از قبیل پست، رادیو، تلویزیون و ایستگاه شمارگر (کامپیوتر) در این محل قرار می‌گیرند. فرودگاه هلی‌کوپتر در منطقه مرکزی قرار دارد و مناطق پرواز در بالای نوارهای نظام تدراسها (Expressway) واقع شده است.

مجتمع فرهنگی، شامل بایگانی، موزه، نگارخانه، و محل نمایشگاه در کنار دیگر تسهیلات، مانند سازمانهای تجاری، سفارتخانه‌ها، و کنسولگری‌ها، اداره اطلاعات، و مناطق تجاری قرار خواهند داشت. سینما و تماشاخانه و تالار موسیقی با تأسیسات ورزشی و تفریحی در هم ادغام شده است. بموازات و بالای این تأسیسات، مناطق مسکونی و خیابانهای چند طبقه قرار دارند. مقابل تأسیسات مذکور بیمارستانها و پژوهشکده‌ها و آموزشگاهها احداث خواهد گردید. تعدادی ساختارهای اسکلت فضائی، حمل و نقل نیروی کار را در طبقات مختلف عهده‌دارند. نیروی کار سیار شامل بازرگانان، دانش‌آموزان و کارگران، کوتاه مدت است. منازل آنان واحدهای مسکونی قابل توسعه بسیار است که به آنان کرایه داده می‌شود. و در فضائی که اجاره خواهند کرد توقف می‌کند. هر وقت لازم باشد میتوان این منازل را قطار کرده و مانند کاروان یدک کشید.

تسهیلات عمده آموزشی، ارتباط نزدیکی با تسهیلات دانشگاهی دارند. و تسهیلات دیگر در مجتمع‌های مسکونی واقع‌اند. بنای قسمتی از دانشگاه در مناطق صنعتی این حسن را دارد که از آن مناطق می‌توان بصورت پژوهشکده و آموزشگاه استفاده کرد. بین تمام سازمانهای آموزشی و مردم ارتباط تصویری

www.javan.com





بود. تماس بین قاره‌ها و ارتباط گرداگرد زمین بوسیله قطارهایی که در لوله‌های خلا حرکت میکنند، انجام میپذیرد.

شهرنشینی پیوسته شامل ساختارهای شبکه‌ای و نواری خواهد بود که در اطراف مناطق تفریحی و گردشگاه‌ها برپا میشوند. این مناطق از لحاظ محیطی تحت نظارت کامل میباشند. ساختارهای نواری مانند یک کیلومتر عرض دارند و براساس اصل داده ستاده کار می‌کنند. پایه‌های آنها بر زمین قرار دارد و حامل نظامهای حیاتی، از قبیل نیرو، انرژی، و انبارهای مواد لازم خواهد بود. در مرحله بعدی لایه‌های توزیعی فرودگاهها و مغازه‌ها قرار دارد، در مناطق بالای آنها سکونت‌گاه مردم با ضروریات مربوطه از قبیل بیمارستان، مدرسه و مراکز فعالیت‌های فرهنگی برپا میگردد. خارج از این محدوده، بشر میتواند زمین را حفظ و کشت و کار کند و کمترین دخالت در طبیعت را داشته باشد. این کار را میتوان با نوارهای نقاله انجام داد که محصولات را به دست بشر می‌رسانند و خود کار انجام وظیفه میکنند.

محدوده این نوار طبیعت به صورت اولیه خود رجعت داده خواهد شد، و بهبود زمین يك عامل اطمینان خواهد بود (تعادل بین بشر و فن-آوری).

شهرنشینی پیوسته جمعیت جهان را درخود خواهد گرفت و محتاج معماری نوین انقلابی و سطح فنی شایسته عصر فضاست. برای تدارک تطابق لازم بین يك فن‌آوری و دیگر قسمت‌های فضائی، لازم است که توسعه از شتاب بی‌مانندی برخوردار شود. بسویژه نظامهای ترابری باید گسترش یابد. این نظام شامل نوارهایی خواهد بود که به ساختمانها آویزان‌اند و بین فضاهای مسکونی و زیر آنها حرکت میکنند.

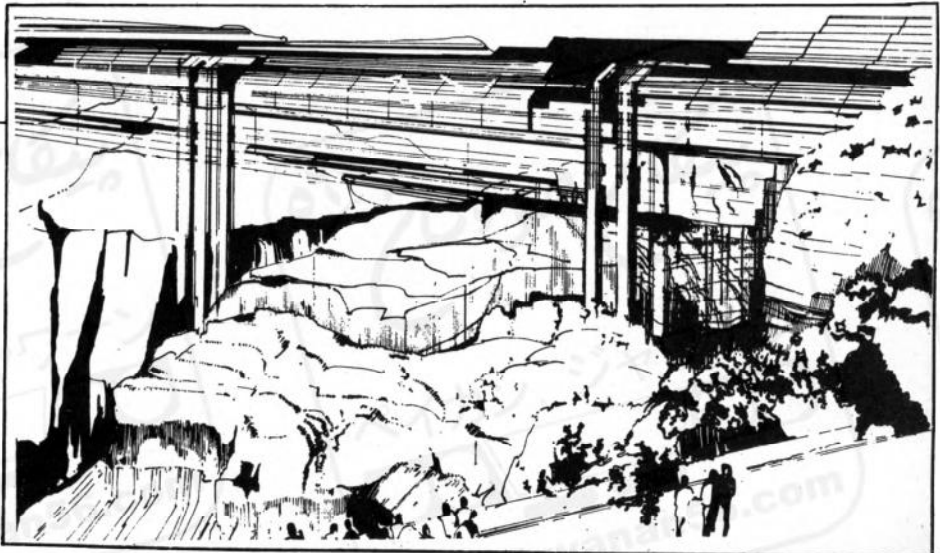
روشهای حمل برای گردونه‌ها و پیاده‌ها روش اصلی ترابری در محدوده ساختارهای اصلی خواهد

نبوده، هوای پاک، آب پاکیزه، زندگی جانوران و زندگی طبیعی بوده است. این عناصر هنگام تولید نوءهای ما دیگر از بین رفته‌اند. از نظر بشری، يك خانواده اهل کلکته حق دارد که به اندازه يك خانواده استکهلمی از مزایای زندگی برخوردار شود. اگر افراد بشر گرد هم آیند و مشترکاً از مزایای فن‌آوری و نظامهای بقا برخوردار گردند، این امر امکانپذیر خواهد گردید.

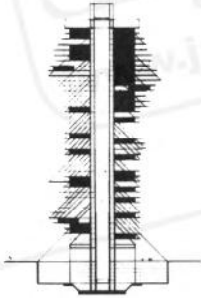
همزیستی بشر بدین طریق ممکن خواهد بود که بدور زمین و دریا يك کمربند شهرنشینی به پهنای ۱۰۰ کیلومتر ایجاد کنند. این کمربند از قطعات متصلی تشکیل خواهد شد که يك کیلومتر پهنای تقریباً ۱۰ کیلومتر با هم فاصله دارند و در صورت احتیاج قابل گسترش است. خارج از

رشد اقتصادی به منظور بالا بردن سطح زندگی پیامدهائی داشته که اکنون در سراسر جهان زنگ خطر را به صدا درآورده است. پیشرفت‌های فن‌آوری (تکنولوژی) با نظامهای زیست‌شناختی و بوم‌شناختی مرتبط و هماهنگ نیست. دلایل این امر، هم اقتصادی و هم سیاسی میباشد. بشر همواره می‌کوشد بیشتر بدست آورد و غریزه‌اش به‌وی حکم میکند که بر ممنوعان خود پیشی گیرد. گروهها یا ملتها هم ریشه تمدن ما را تشکیل میدهند.

● قبل از سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان به هشت بلیون نفر خواهد رسید. در آن هنگام سطح زندگی افت کرده و در صورت ادامه آلودگی محیط، قهقرای بشر آغاز میگردد. ضروری‌ترین عناصر حیاتی، که برای پدران ما اصلاً مطرح

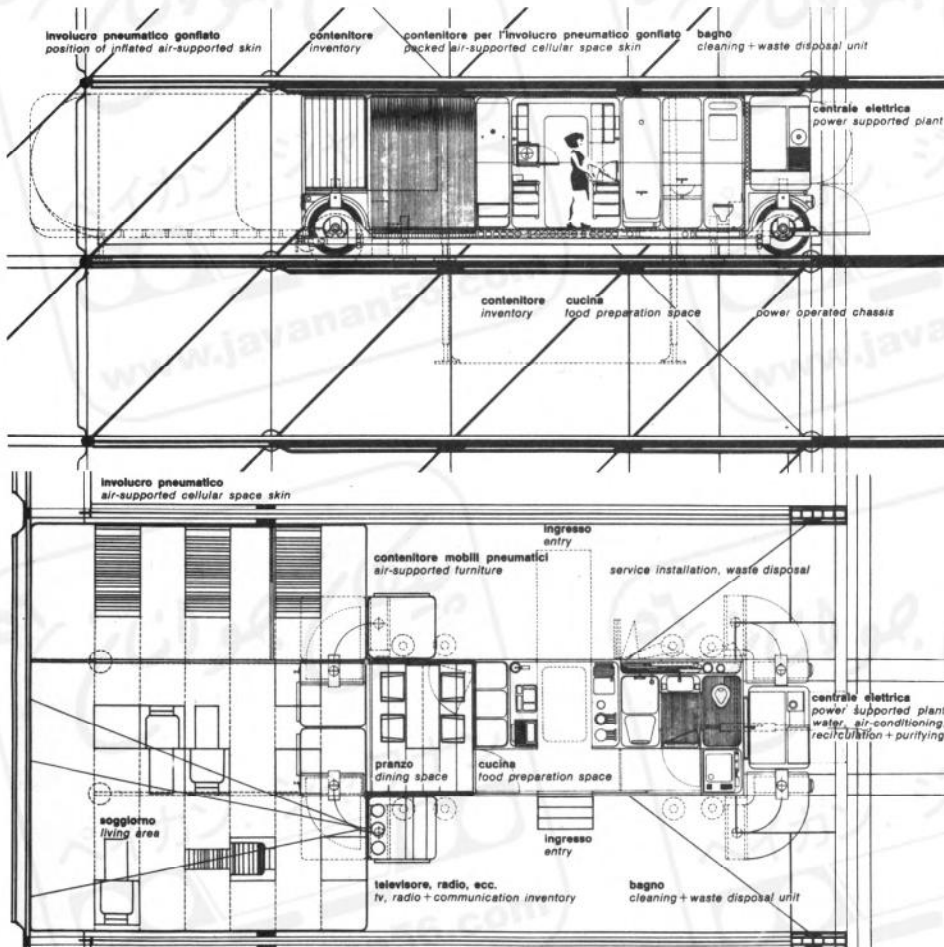


خانه پاک سیار خود چتر

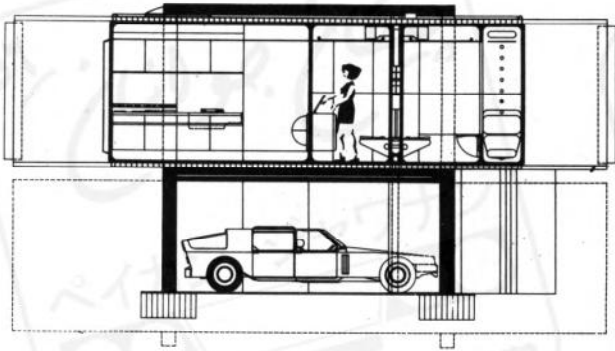
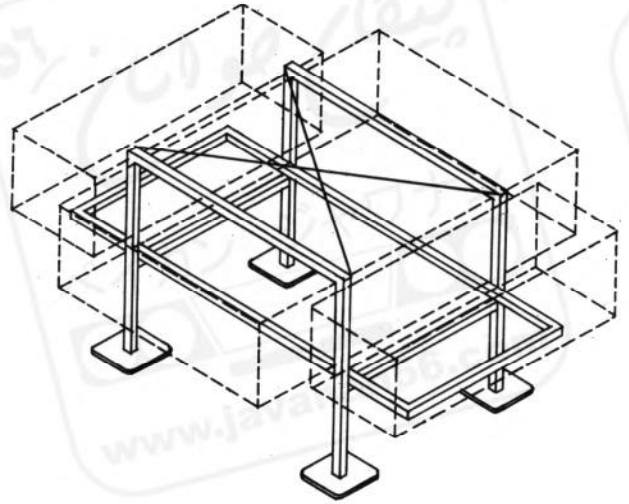
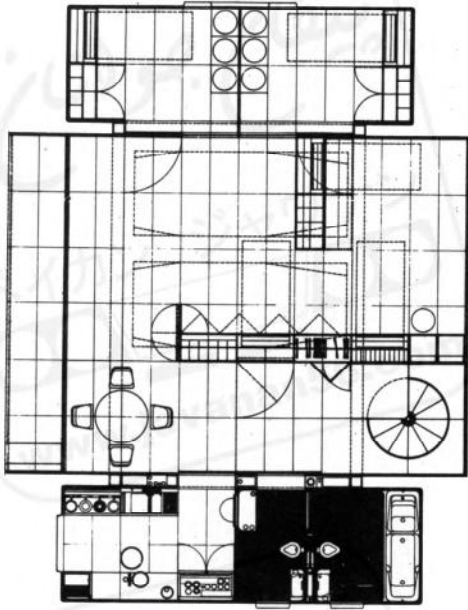


محفظه به قسمت‌های حمام، توالت، آشپزخانه و انبارهای مختلف شامل آتانه بادی تقسیم میشود. در وسط آن يك فضای پوستی با نایلون شفاف وینیل که روی آنرا با منسوجات نایلونی آستر کرده‌اند قرار میگردد که به يك طرف محفظه متصل شده و دارای زیپ است و به دستگاه هوای فشرده متصا میباشد.

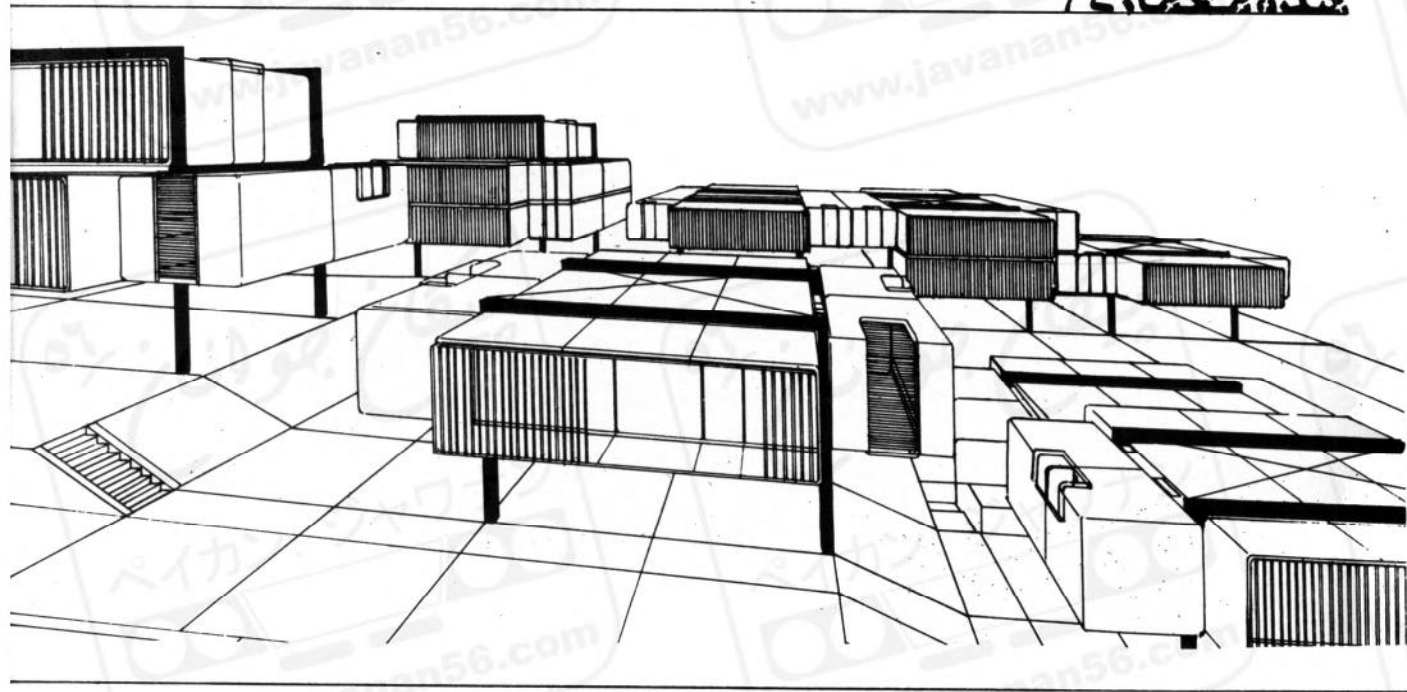
از جمله پیشنهادها برای برآوردن نیاز جمعیت سیار، که در آینده از بخش‌های پذیرفته يك شهر خواهند بود، عبارتست از خانه‌های سیار چند طبقه‌ای. خانه‌های مزبور در سطح کوچکی برپا میشود. کابل برق به آن متصل گردیده سپس میتوان پراگترش آن پرداخت. شالوده خانه سیار يك چهارچوب موتوردار است که روی آن محفظه‌ای نصب میشود. این

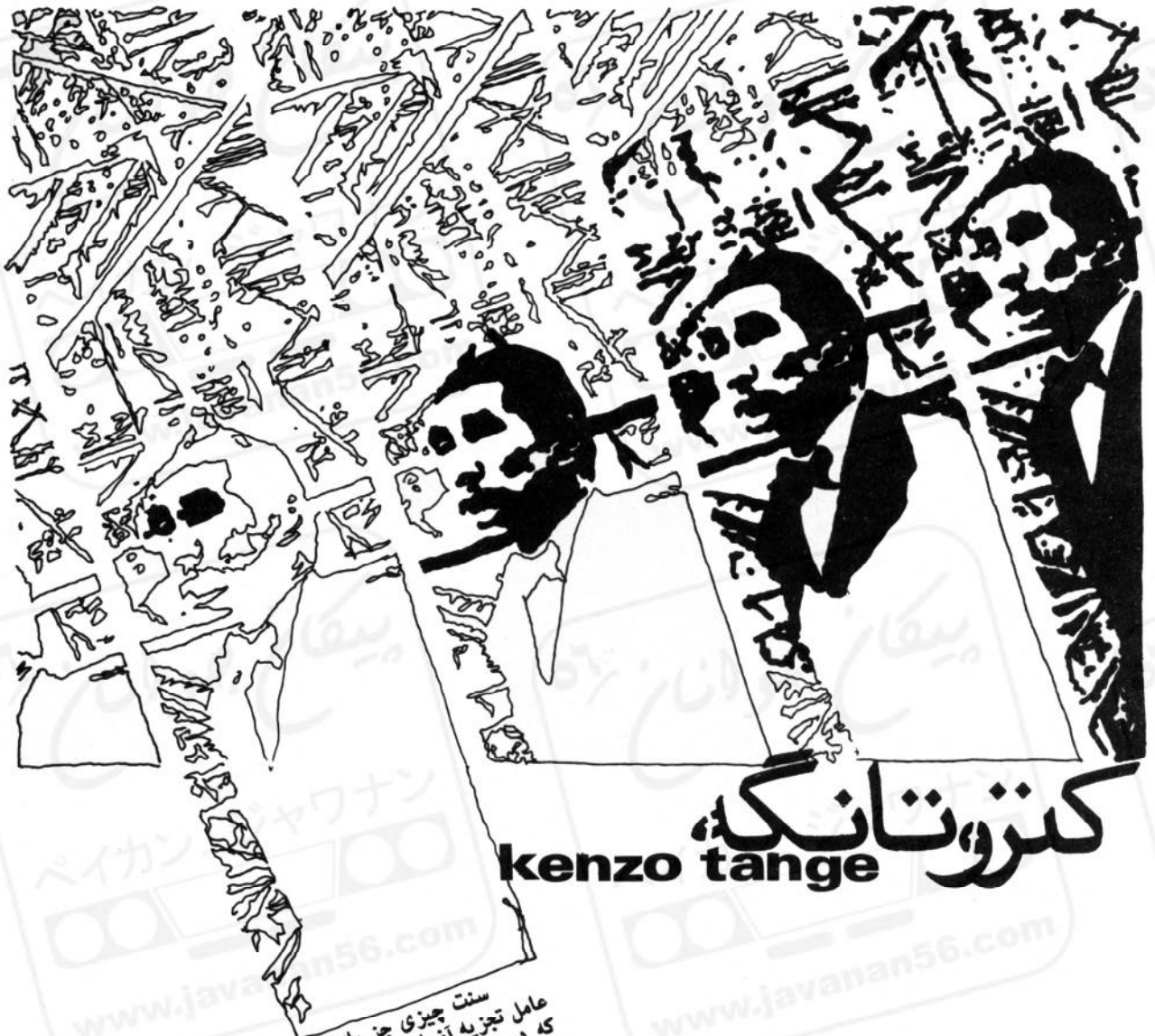


www.javaan.com



سیلابی





کنزو تانگه

kenzo tange

سنت چیزی جز یک نوع
عامل تجزیه آزمایشگاهی نیست
که در عین حل شدن موجب
پیدایش یک عکس العمل شیمیائی
می شود.

کنزو تانگه همیشه بخود
ممنوع ساخته که از معماری
منطقه ای تقلید کند.

آثار این معمار به مسدود
معلومات مدرن پی ریزی شده.
پاره ای از کارهای تانگه
نمودار روح ابتکاری و ویژه اوست

تانگه:
خلقت واقعی نتیجه ایست
از گردآوری تکنیک و حس بشری

سنت می تواند جزئی از
خلقت باشد اما محرک آن نیست
اودو کو لتر من

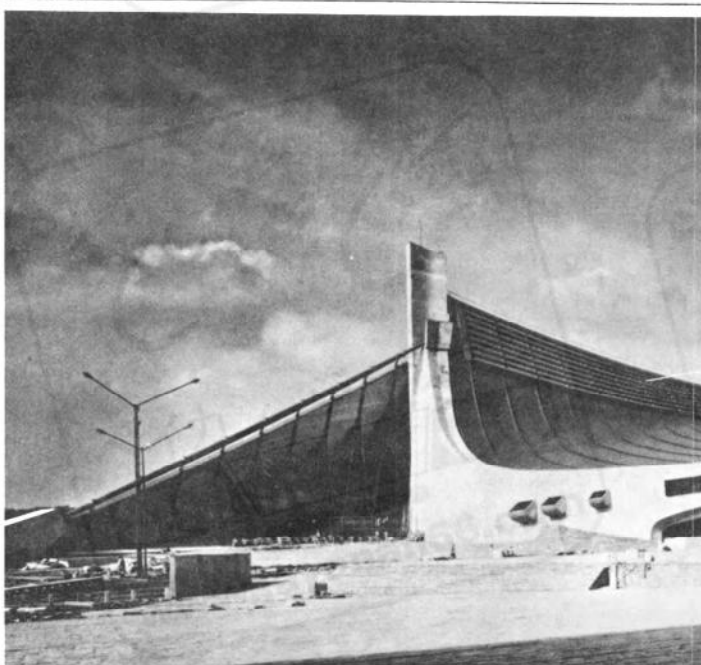
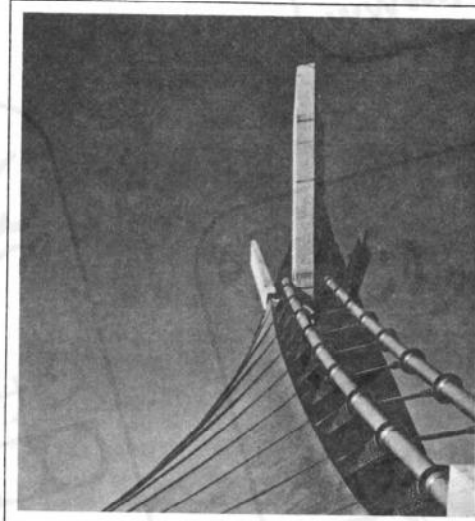
آثار معماری «کنزو تانگه» گواه بارزی است از پیشرفت معماری معاصر در سطح بین‌المللی. خصوصیات معماری وی بیش از هر کس دیگر در جهان اثر می‌گذارد زیرا شامل جزئیات اقتصادی، فکری، عاطفی، ساختمانی، فرم و شهرسازی است. آنچه نسل گذشته در آثار «لوکوربوزیه»، «میس‌وان درروه» و «والتر گروپیوس» مورد ستایش قرار میداد به‌اضافه چکیده کلیه تجسسات و معلومات معماری نظیر «آلوارالتو»، «اوسکار نیمایر»، «ژوهانس دویکر» و «اروسارینز» و

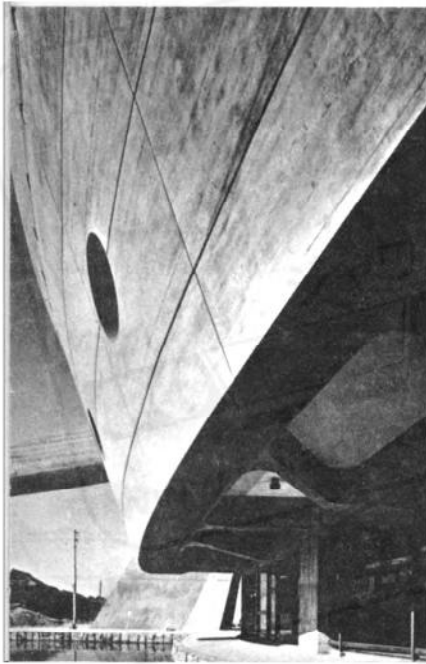
«لوتی‌کان» همه و همه در معماری تانگه گنجانیده شده است. زیرا آثار وی نه تنها نمایانگر اوج عظمت معماری ژاپن و استقلال دائمی آن می‌باشد بلکه عصر نوینی نیز در معماری جهان پدید آورده است. پاره‌ای از کارهای وی (مثل ساختمانهای شهرداری و تأسیسات ورزشی و عمومی ژاپن) نموداری از روح ابتکاری ویژه او محسوب میشود.

بزرگترین اقدام او عبارت از گسترش دادن افکاری جدید و سرشار از مسائل زیبایی و احصائی

و جامعه‌شناسی یا اقتصادی در زمینه شهرسازی است که نسبت به آن شهرسازان اغلب اوقات علاقهای نشان نمی‌دادند. شیوه‌های او با الهام گرفتن از همین علوم در راه خلقت مجموعه‌هایی با ارزش جهانی بکار برده میشود که در آن فضا اصولاً به‌عالیتهای بشر اختصاص داده شده است.

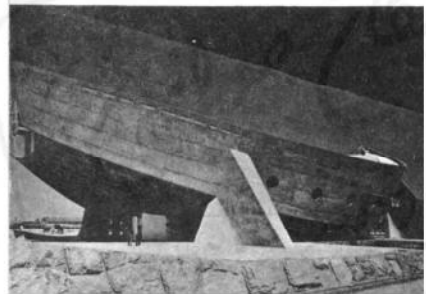
کنزو تانگه در یک مقاله در باره روابط «معماری و هنرهای زیبا» به بحث پرداخته است. او در این مقاله شرایط کنونی را بررسی کرده و تأیید میکند که علم و فن تا آن درجه باهم بستگی دارند که بکمال این همبستگی، هنرها مفهوم واقعی خود را باز می‌یابند: «بموازاتی که علم پیش می‌رود و فنون جدید زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد ما به مرحله جدیدی دست یافته‌ایم که در آن فلزات غیر آهنی بصورت مصالح اصلی و برق بصورت منبع عمده انرژی درآمده‌اند.» تانگه بکرات از خود پرسیده است هنرها چه تأثیری میتوانند بر روی محیط باقی بگذارد، او به اولین دوران صنعتی شدن اشاره می‌کند و نیز اثرات آن در آثار «وان گوگ» که به مناطق معدنی رفت تا آنها را در تابلوهای زغالسنگ خود منعکس سازد: «در این مرحله دوم، ماشینیسیم تأثیر بسزائی در زندگی بشر داشته است و از این پس بیهوده است کوشش شود خود را از تسلط خواص و تأثیر فنون نجات دهیم.» برای هنرمند لازمست تابیانی را که دارای جنبه جهانی است بدست





آورد: «به عقیده من این جنبش جدید شباهت به دادخواستی دارد که در آن هنر معاصر بتدریج مورد رسیدگی قرار میگیرد». کزنوتانگه همچنین موقیعت خود را نسبت به معماری مدرن قرن بیستم روشن ساخته است: «معماری معاصر و معماری سنتی (در ژاپن) دارای سادگی، عناصر نمونه، فضا، عظمت و سبکی مشترك میباشند... سادگی و عناصر نمونه غالباً منجر به فرمالیسم میشود. فضا و کم‌روزی به معنی ضعف میباشد یعنی ناپایداری در برابر شرایط اقلیمی و اثرات زمان... کم‌روزی و فضا یا عظمت، امروز دیگر جویایکوی تمایلات بشر نیست و زندگی و احساسات افراد خواهان تضمین‌های دیگری است. آنچه لازمست نه ناپایداری است و نه موقیعتی و معماری مدرن و معماری سنتی از این دو قاعده معاف نیستند. معماری باید انطباق کاملی با فتر اجتماعی مدرن داشته باشد... موهبتی که به هیچ‌وجه ثابت نیست بلکه دستخوش تغییرات زمان قرار میگیرد و از گذشته به آینده بر میگردد... متحرك است و نامطمئن و مخصوص بشر و کالبد و روح او اما مخفی و ناشناخته. انرژی پنهانی که باید نیروهای آنرا ظاهر ساخت و بایبان توأم نمود. برای پیدا کردن راه‌حلهای جدید و بکار بردن آنها درخواستی‌های بشر، من و نسل جویان کشور من هم همینطور جستجو میکنیم تا بر ضعف دائمی خود و همچنین بر مدرنیسم غلط خود فائق آئیم و در ضمن فرمها و فضاهای مناسبتر و زنده‌تری بوجود آوریم.»

آثار «کزنوتانگه» مظهری است از يك عصر جدید در معماری که زیر بناهای آن بكمك معلومات مدرن پی‌ریزی شده است. تجدید حیات عمومی معماری در کارهای وی با تمرکز مسائلی صورت گرفته که نسبت بان اجتماع بقدرت بیان



در جریان کنگره سیام در ماه سپتامبر ۱۹۵۹، «ارنستوراجرز» معمار ایتالیائی برای این عقیده بود که معماری باید راه خود را در زندگی، دوباره پیدا کند و این برای او به معنی راه سنتی بود. میتوان بعنوان نمونه ساختمان شهرداری توکیو و ساختمان شهربانی «کاگاو» در «تاکاماتسو» که توسط کزنوتانگه بنا گردیده است را نام برد. در این بناها سنت معماری چوبی ژاپن مشاهده میگردد. در این مورد تانگه چنین پاسخ می‌دهد:

«بعبارت دیگر این بمعنی آنستکه من بجای خود «راجرز» بوم موقعی که او آسمانخراش «ولاسکای» را بنا کرد. اما من بخود سرزنش میکردم اگر جنبه محافظه‌کاری را تا آن حد حفظ مینمودم. من تصور نمیکم که روح منطقه‌ای بیانگریک سنت محلی باشد. با آنکه طرفداران چنین عقیده‌ای به غلط تصور میکنند که استفاده از فرمهای مخصوص در يك منطقه میتواند بایجاد يك اثر جالب و ابتکار آمیز منجر شود. برعکس من عقیده دارم که روح منطقه‌ای مفید واقع نمیشود مگر آنکه بر مخالفتها و مشکلات فائق آید تا بتواند بر سنت محلی پیروز گردد. سنت، متضمن و خالق هیچ امری نیست. خلقت واقعی نتیجه‌ای است از گردآوری تکنیک و حس بشری. سنت چیزی جز يك نوع عامل تجزیه آزمایشگاهی نیست که در عین محلول شدن باعث بوجود آمدن يك عکس‌العمل شیمیائی میشود. سنت میتواند جزئی از خلقت باشد اما محرك آن نیست.»



شهرسازی برای دست یافتن بر شد کامل خود باید حاوی معانی و خصلتهای بشری باشد.»
از سال ۱۹۶۰ «کنزو تانگه»

همیشه و بیشتر هم خود را صرف تهیه کردن پروژه‌های خویش و قواعد کلی معماری مینماید. از جمله مسائل او یکی اینست: «آیا تکنیک را بتحرک وادار سازد؟ یا آنکه آیا ماشینیسیم موفق خواهد شد شرایط زندگی انسان را بهتر نماید و آیا معماری خواهد توانست به محیط شهری کیفیتهای ویژه‌ای برای اصلاح روحیه ساکنین بارمغان آورد؟»
تانگه با تعالیم و آثار خود باین سئوالات جواب مثبت میدهد و این درست همان چیزی است که او را در ردیف شخصیت‌های بزرگ معماری قرن بیستم قرار میدهد.

سنت فقط از طریق ابتکارهای مداوم تجدید میگردد. او این مسئله را در آثاری که از سال ۱۹۶۰ بوجود آورده به ثبوت رسانیده است تجسّسات او در زمینه‌ای که چنین توصیف میکنند دور میزند: «با وجودیکه ما تابحال محلی را که در آن زندگی ما یا کار ما انجام میگردد با عبارت نامأنوس فضا مشخص ساخته‌ایم اما قادر نیستیم تنها بیک توصیف چنان محدودی خود را قانع نمائیم. شرایط اصولی باید وسیله تحرك و جریان یافتن اشخاص و در عین حال مبادلات بصری افراد و اشیاء باشد.»

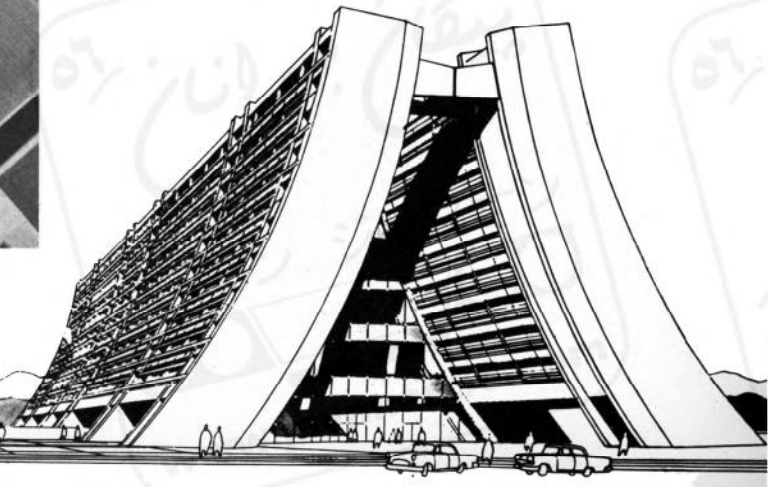
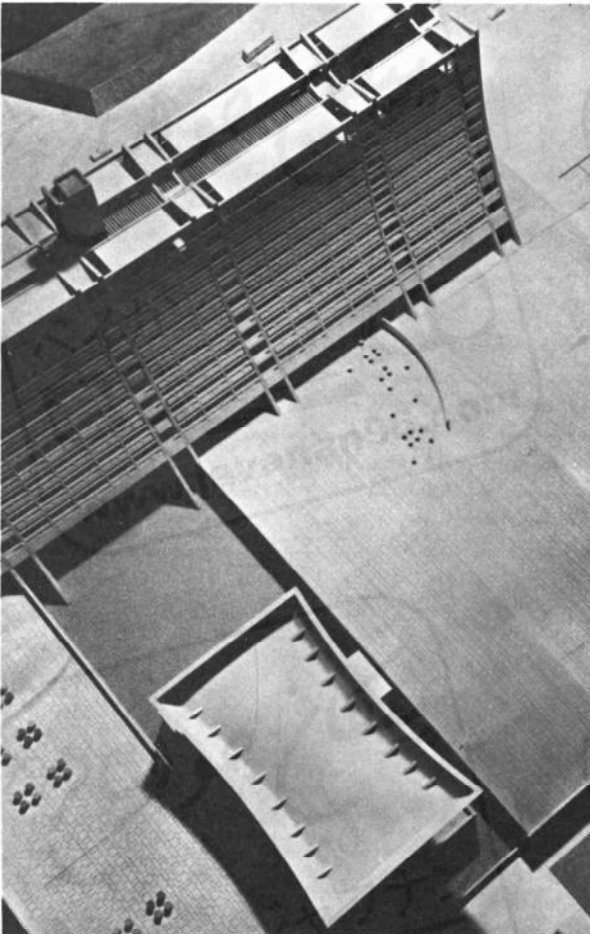
وی بنحو بازهم بهتری مفهوم واقعیت کنونی را با مشخص ساختن فضاهائی که در آن رویدادها صورت می‌گیرد توصیف مینماید: «بهجرات می‌توانم بگویم رفتار ما درقبال معماری و

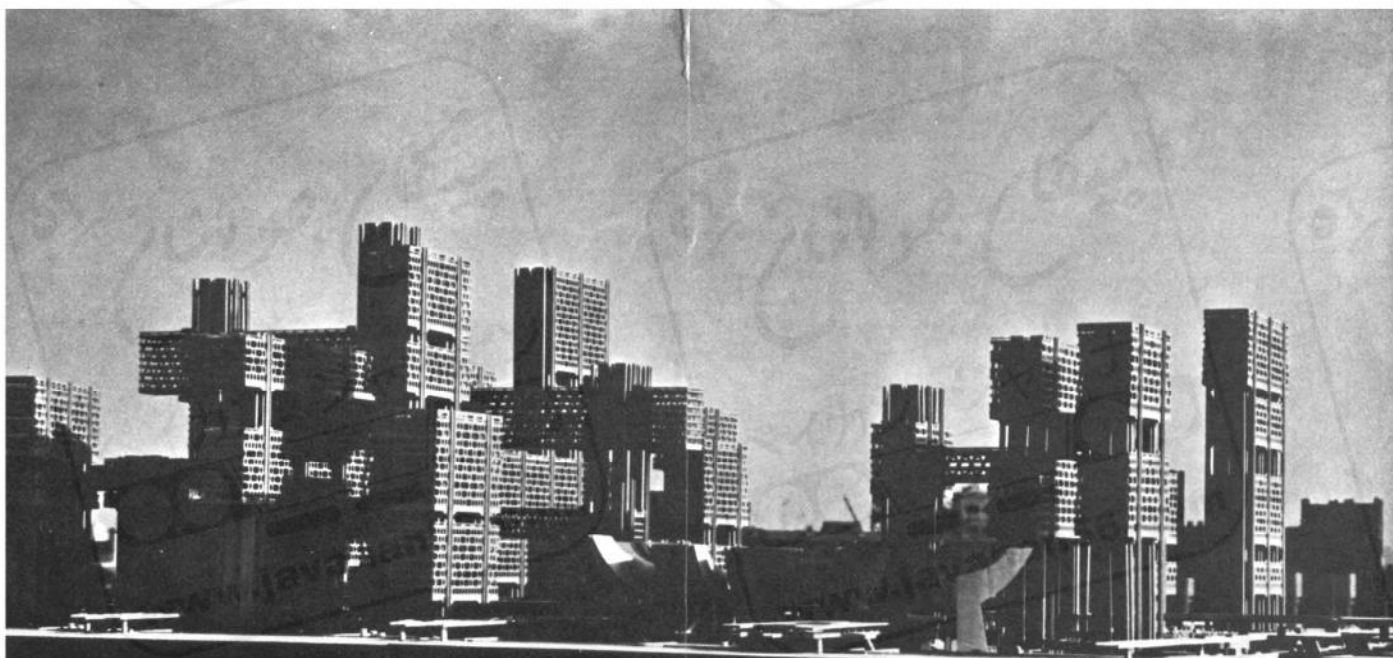
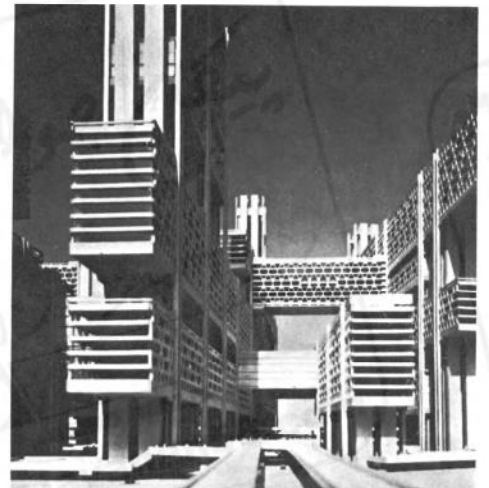
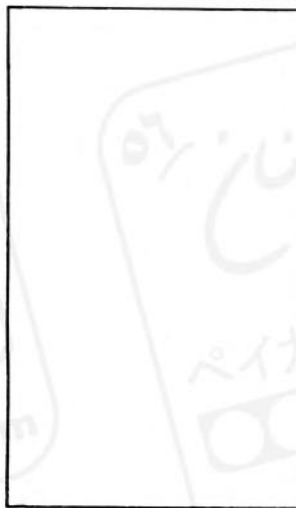
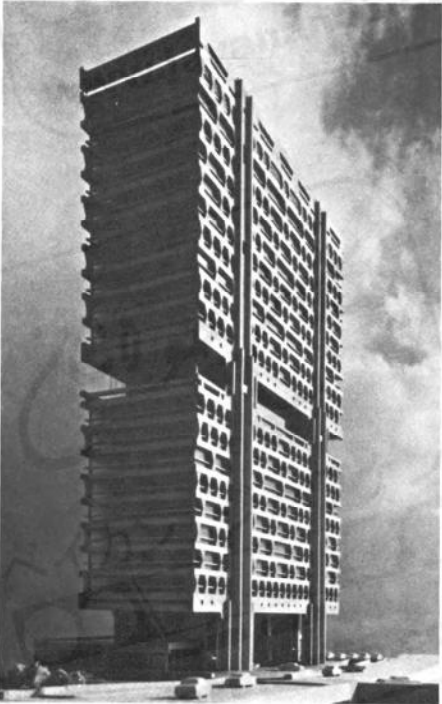
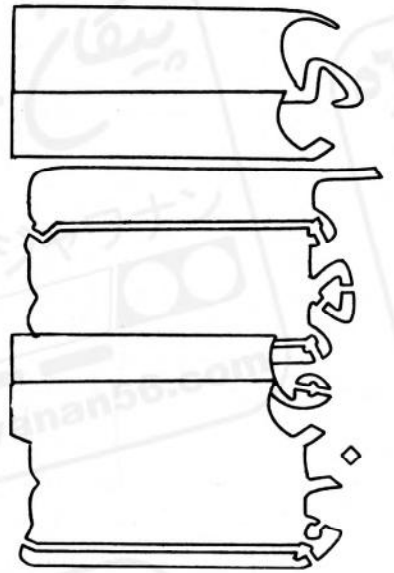
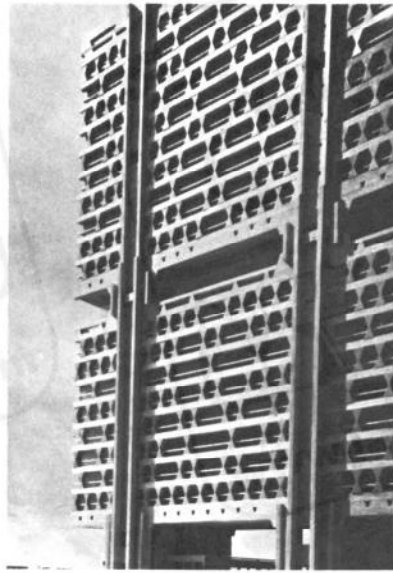
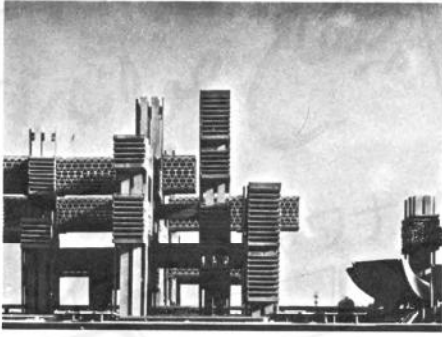
تانگه با شدت هرچه تمامتر مخالفت خود را نسبت به تغییر غلط روح سنت‌نوازی که ممکن است بازهم در اولین آثار او مشاهده شود ابراز میدارد. در واقع او با الهام گرفتن از آثار گذشته که با دقت مورد مطالعه قرار داده است به حفظ سنت ادامه میدهد اما در عین حال راه‌حلهای جدید را که مناسب با مقتضیات زمان حاضر باشد جستجو میکند. در واقع وی توجه کاملی نسبت به میزان و حدود سنت در ژاپن دارد اما تحولات فشر اجتماعی کشور را هم از نظر دور نمیدارد. او در مقاله‌ای تحت عنوان «خلقت در معماری مدرن و سنت ژاپنی» چنین مینویسد: «فقط با مبارزه علیه فقر در ژاپن یعنی منکر شدن رویه سنت‌گرایی خود و با استفاده جسورانه از تکنیک است که ما خواهیم توانست در راه پیش‌ساختگی به ترقیات نائل شویم...»

پس برای تانگه هدف آن نیست که از فرمهای تاریخی معماری تقلید نماید و آنها را در فرمولهای جدید بکسار برد. البته او مراحل پیشرفت معماری را از نظر دور نمیدارد و نسبت به خواص ویژه هنر یک زمان توجه نشان میدهد اما او خواسته‌های دنیای مدرن را راهنمای خود قرار میدهد و تحت تأثیر بعضی راه‌حلهای که در واقع موقتی میباشد قرار نمیگیرد و بیشتر به واقعیت نظر میدوزد.

اگرچه او به معلومات سنتی احترام قائل شده و به آثار گذشته با دیده تحسین مینگرد اما هرگز تحت تأثیر راه‌حلهای سطحی که در آن اعصار باهم یکی میشوند قرار نمیگیرد. او بفوریت راه‌حلهای جدید را که با قاطعیت از برنامه‌های قدیمی منحرف میشوند اعتراف میکند و کاملاً متوجه این مسئله هست که

اما اگر بازهم آثاری از سنت در آثار من یا در آثار نسل خودم مشاهده میشود بدان سبب است که ما تمام کوششهای خود را بکسار نبرده‌ایم و ما هنوز در مرحله یافتن راه خود میباشیم. من بهیچوجه مایل نیستم آثارم جنبه سنتی بخود بگیرد.»
بخوبی دیده میشود که







بنای داری نتیجه گیری

منظره سمت جنوبی ساختمان با پلکانی که به راهرو عابرین منتهی میشود.

مجموعه مزبور بمرحله عمل در آمد. آنچه که عملی نشده عبارتست از ابتدا آسمان خراش بیست طبقه‌ای برای دفاتر که نقطه عکس جناح‌ده طبقه‌ای میباشد و تنها قسمت انجام گرفته در حال حاضر محسوب میشود و پس از آن سالن اجتماعات واقع در وسط دو ساختمان فوق‌الذکر با سقف منحنی که قرار بود قسمتهای مختلف بناهای اداری را بهم متصل سازد. بنابراین تنها یک سوم از طرح اولیه عملی گردید و این عملیات برخلاف نیت‌های معمار صورت گرفته است.

در این بنای عرضی ده طبقه‌ای کفها روی پایه‌هایی قرار دارند. بالکنهای مداوم سایبان‌های را تشکیل میدهند که در عقب آنها پنجره‌هایی بکار رفته است. بتون خام و شیشه، مصالح عمده بنا را تشکیل میدهند.

بام مسطح قابل دسترس با ساختمان‌بندیهای کامل - قفسه آسانسور و مجرای تهویه و منابع آب و مرکز نیروی برق شباهت زیادی به ترکیبات «لوکوربوزیه» دارد.

تأنگه در سال ۱۹۵۲ برنده جایزه یک مسابقه محدود برای یک مرکز اداری در توکیو گردید. این پروژه که با همکاری مهندسیین مشاور «کیوشی موتو» و «کااوراونو» تهیه شد در سال ۱۹۵۷ بمرحله عمل درآمد. معماری این مرحله اولیه برای تحول معماری ژاپن بعد از جنگ قطعی بوده است. در عین حال این معماری سرآغازی است برای ایجاد یک سلسله بناهای شهرداری منحصر بفرد که تانگه طبق برنامه‌های فوق‌العاده وسیع احداث کرد. وی در پروژه خود کوشید تا تمام دستگاه‌های اداری شهر عظیم توکیو را در یک مجموعه واحد گرد آورد. او خواست باین مرکز اداری مفهوم تازه‌ای بخشد که در آن کلیه خواسته‌های اجتماع برآورده شود. ایجاد دفاتر اداری نباید تنها هدف باشد بلکه هم چنین میبایست که طبقات مردم بتوانند از طریق بخشهای مخصوص عابرین از مزایای مدنی موردتوقع خود بهره‌مند گردند.

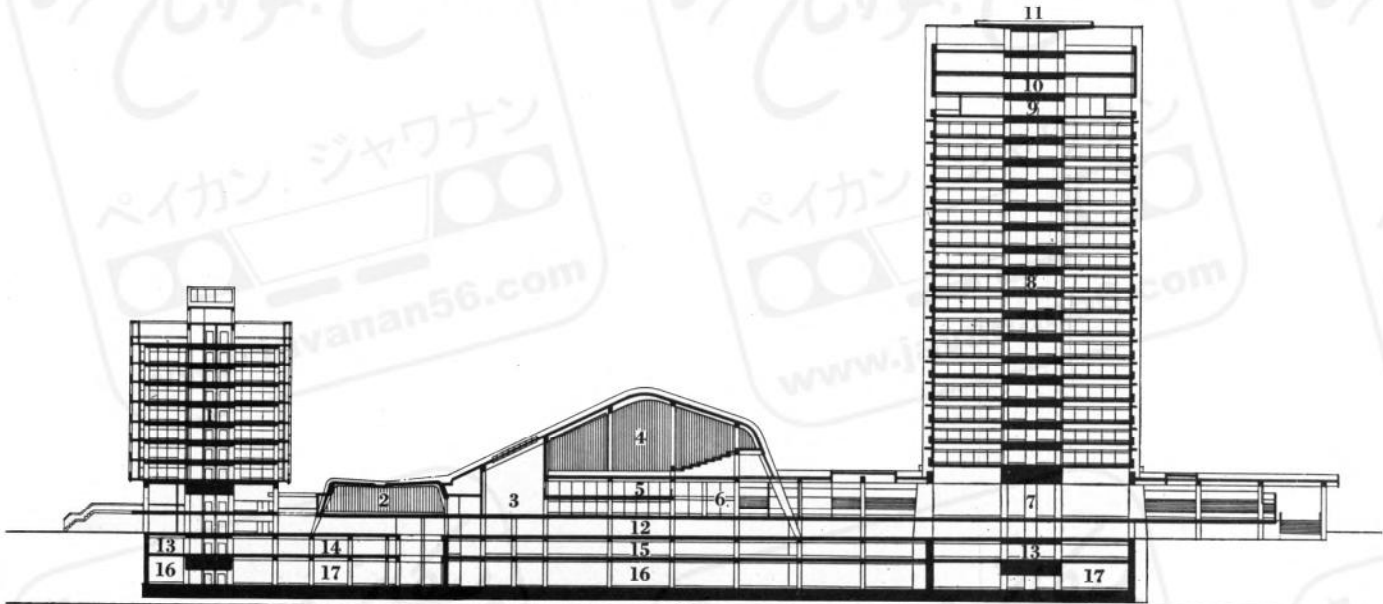
با اینحال تنها یک قسمت از



هلیکوپتر ۱۲- کاراژ ۱۳- کافه و
مغازه ۱۴- مغازه و انبار ۱۵- صندوق
خانه ۱۶- سالن ماشینها.

مجلس ۶- هال نمایندگان ۷- قسمت
دفاتر عمومی ۸- دفاتر ۹- مرکز
تلفن ۱۰- سالن ماشینها ۱۱- فرودگاه

۱- دبیرخانه ۲- سالن
کنفرانس ۳- کتابخانه های پارلمانی
۴- سالن کنفرانس ۵- سالن نمایندگان



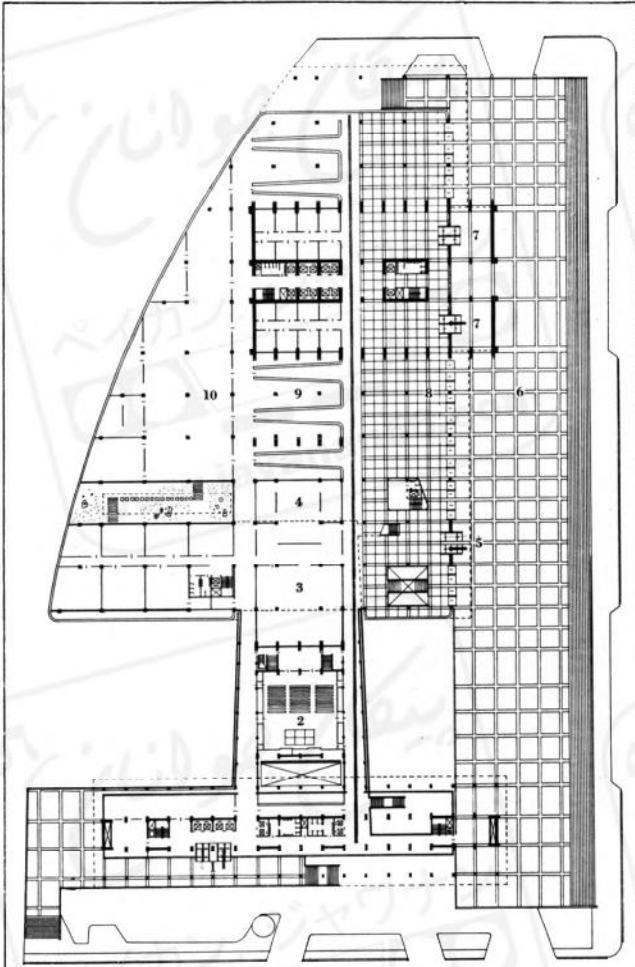
برش عرضی
سردر روبه
خیابان در سمت شمالی

اما این ترتیبات بیشتر جنبه سطحی و تصنعی بخود گرفته است. تشکیلات داخلی خیلی محرمانه است تا بتواند مناسب پایتخت باشد. چند میز و تعدادی صندلی نمونه داخل دفاتر کار گذاشته شده و اگر قفسه هادیواری میباشند، چراغها درون سقف نصب گردیده اند. این بنا همچنین دارای یک سالن استراحت و تعدادی سالن

ورودی ضروری مانع از آن گردیده که ساختمان اهمیت خود را در این ناحیه مرکزی باز یابد. با اینحال پلکان بزرگ با پلکان خارجی خود و دالان با عظمت، نقطه عطفی بین محیط شهری و بنا ایجاد میکند. این نقطه عطف همچنین بوسیله سنگفرشهای گرانیت که از داخل تا بیرون ادامه دارد و جمعیت را بطور نامحسوس از خیابان وارد ساختمان میسازد برجسته تر گردیده است.

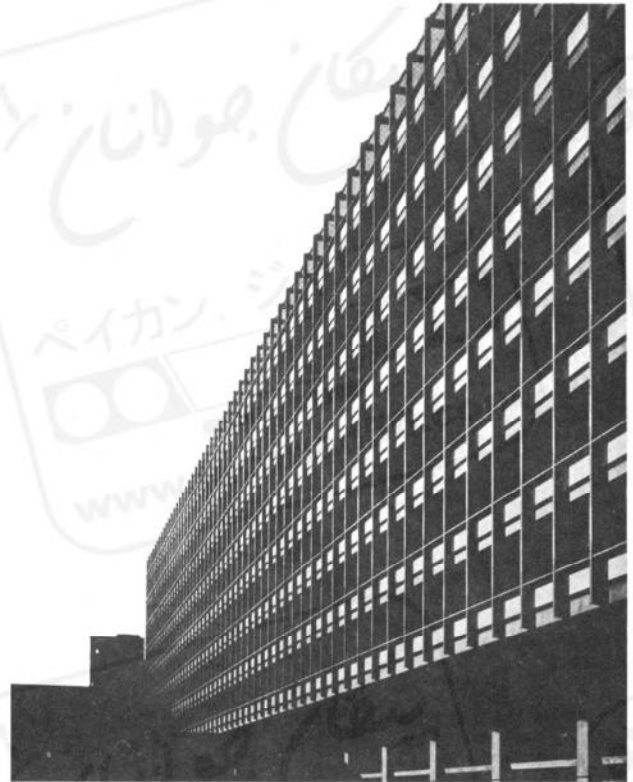
بمنظور نمایان ساختن حجم های هم کف ویژه عابری و خصوصاً دالانی که تا سطح دو طبقه بالاتر ادامه مییابد، تانگه چند اثر هنری بویژه تابلوهای سرامیک «تورواو کاموتو» را در آن بکار برده است که آهنگ خوش آیندی در این محیط اداری برقرار میسازد. تناسب بین بخش ساخته شده و شهر زیاد خوشایند نیست. همانطوریکه تنگی فضا و چند راه





نقشه طبقه سوم

- ۱- محوطه دبیرخانه ۲- سالن
- کنفرانس ۳- کتابخانه‌های پارلمانی
- ۴- سالن نمایندگان پارلمانی
- ۵- محوطه سالن کنفرانس ۶- مهتابی
- ۷- محوطه دفاتر ۸- دفاتر شهری
- ۹- سالن انتشارات ۱۰- گیشه.



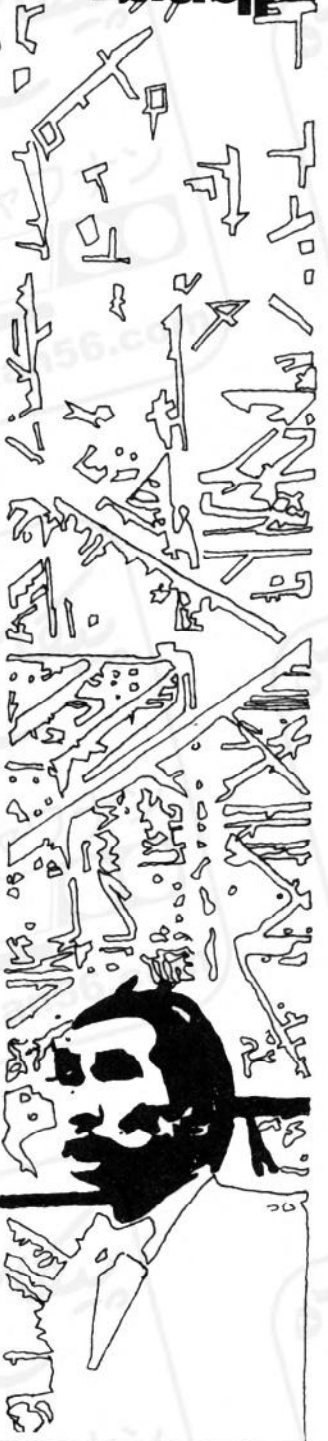
ماکت و تصویر کلی مجموعه - در جلو: ساختمان اداری که باتمام رسیده است. - منظره سمت جنوبی ساختمان

اجتماع و يك تالار سخنرانی است. کنزرواتنگه کمی بعد از اتمام عمارت شهرداری درباره آن انتقاد کرد و معماری انحرافی آنرا مورد تأیید قرار نداد. او گفت: «ما ادعا نداریم که این بنا را بعنوان بنائی که جویگوی نیازمندیهای معماری شهری کنونی باشد بحساب آوریم. معماری ژاپن بدون شك از این مرحله پافراز خواهد گذاشت.» بقیه ساختمانهای کنزرواتنگه متعلق به سال ۱۹۵۷ - تاریخ پایان بنای شهرداری توکیو - دلیل این ادعا میباشد.

با اتمام عمارت شهرداری، معمار اولین دوره آثار خود را که طی آن ناگزیر شد با بسیاری از مشکلات و محدودیتها سازش کند پشت سر گذاشت. بویژه ساختمان اداری «تاکاماتسو» - که در سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸ احداث گردید - گواه بارزی از جهت‌یابی جدید معماری او و عمارت شهرداری که در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ بوجود آمد نقطه اوج کار وی محسوب میشود.



پهال تجمعات در ماتسویاما

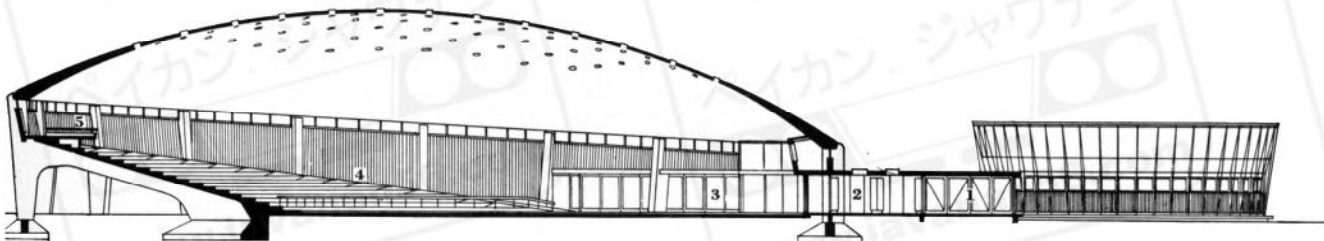


بداخل میناید، در حالیکه قسمت محدب آن بوسیله چند نورافکن روشن گردیده است. صندلیها بطرف یکی از دیوارها پیش میروند. این سراسیمبی در قسمت بیرون نیز مشاهده میشود اما بوسیله یک زمینه روشن جبران گردیده است. سقف هال کوچک نیز از یک پوشش محدب ترتیب یافته است که نظیر سقف کتابخانه کودکان هیروشیما که مربوط به همان دوره است در جهت مرکز سراسیمبی پیدا میکند.

در میان اولین آثار کنزو تانگه که از سبک کتابخانه کودکان در حال بزرگ را نام برد که در اصل بمنظور جشن زمینناستیک ژاپن سال ۱۹۵۵ در «ماتسویاما» واقع در ایالت «اهمه» روی جزیره «شیکوگو» در جنوب کشور طرح ریزی گردید. در این طرح نخست استفاده های گوناگونی در زمینه ورزش و کنسرت و تجمع و کلیه تظاهرات پیش بینی شده بود. بنابراین ضرورت داشت جنبه همیشگی کاخ های ورزشی در نظر گرفته نشود. کنزو تانگه با موافقت «تاکاشی آسادا» و «یوکیو اوتانی» و مهندس یوشیکا تسوتسویوئی پیشنهاد داد تا یک پوشش بتونی بدون پایه بر روی سطح وسیعی ایجاد شود و این راه حل به نسبت بودجه محدود عملیات تا حدی مقرون بصرفه بود. این بنا که برای اولین بار در ژاپن ایجاد شده و ماکتی به مقیاس ۱:۲۵ با در نظر گرفتن اثرات زمین لرزه آزمایش گردید انقلابی در زمینه معماری محسوب میشود. این مجموعه شامل دو هال مدور است که توسط یک بنای اداری نسبتاً کم ارتفاع بهم مربوط گردیده اند. گنبد های بزرگ بر روی ۲۵ پایه از بتون مسلح قرار دارد و دارای تقریباً ۵۵ متر قطر میباشد. این گنبد سالی را به کنجایش ۱۴۰۰ نفر با دید کامل میپوشاند. کف سالن نیز روی این پایه ها حمل شده است. چنانچه در محوطه آن منلا برای مسابقات بوکس صندلیهایی گذاشته شود، ظرفیت سالن را میتوان به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ جایگاه نشستن افزایش داد. در پائین گنبد یک پنجره منند تعبیه شده که از آن نور طبیعی

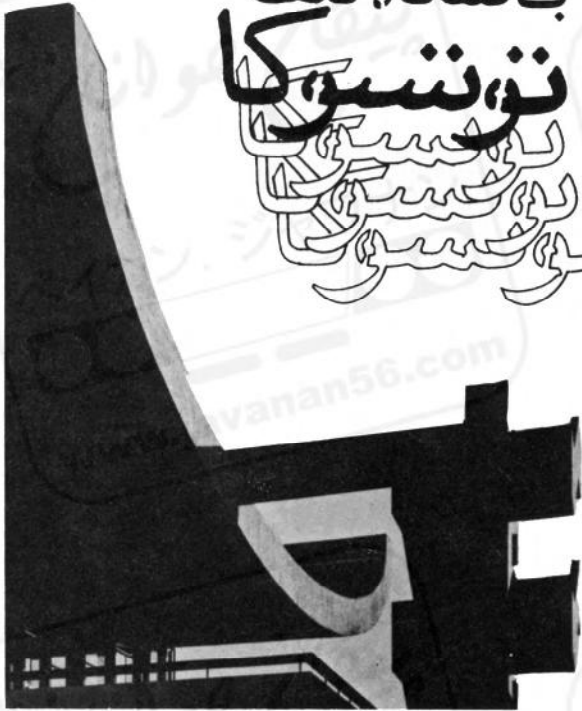


- منظره ای از ماکت
- راهرو
- قسمت درونی سالن اجتماعات



برش عرضی: ۱- دالان - ۲- رخت کن - ۳- محوطه نمایش - ۴- تالار استماع - ۵- نورافکن ها.

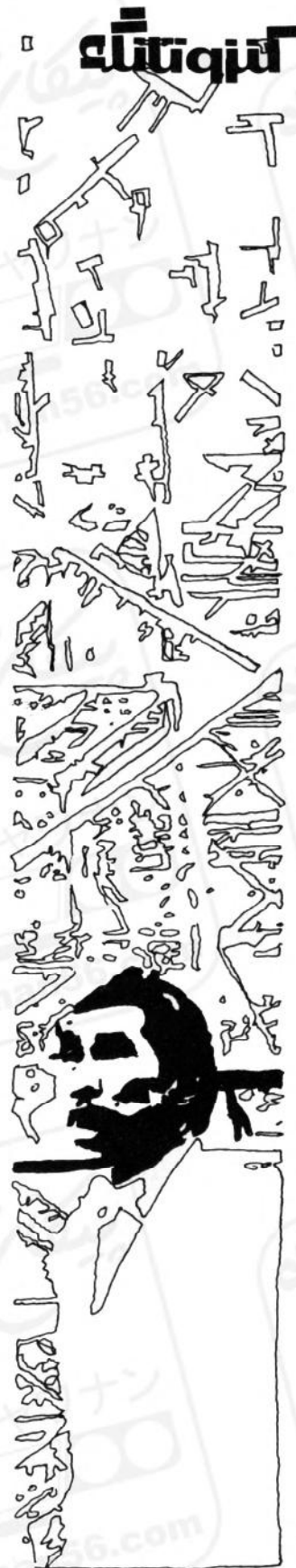
باشگاه گلف
توتسوکا



و «کوئچی سونه» معمار و «یوشیکا تسوتسوئوچی» مهندس انجام گرفته است. کنزوتانگه این باشگاه طویل الشكل را در يك مجموعه ورزشی قرار داده است که در آن بیستهای بازی گلف در زاویه حاده در تمامی اطراف ساختمان اصلی ترتیب یافته است. این ساختمان اصلی از شش ستون بتونی مسلح ترکیب یافته و روی آن سقفی مقعر قرار گرفته است. يك جناح ورودی با اتاق استحمام و رختکن پوشیده از سطح‌های اریب است که یکی روی دیگر در زاویه منفرجه قرار گرفته است. اولین قسمت از بنای اصلی دارای دو سطح است با طبقه فوقانی

در ساختمان باشگاه مجلل گلف در «توتسوکا» که در سال ۱۹۶۳ با تمام رسید، کنزوتانگه با آزادی و مهارت ویژه خود از فرمهایی که تدریجاً طی سالیان اخیر گسترش داده بود استفاده بعمل آورده است.

بناهای متعلق به همان دوره چه هالهای المپیک و کلیسای توکیو و چه مرکز فرهنگی نشینان و چه هتل «آتامی» همه و همه از جمله آثاری است که از تبحر کامل در استفاده از امکانات معماری حکایت میکند. این بنا که در قله يك تپه واقع شده توسط تانگه و با همکاری «میکی یوشیوکا» و «تاکاگه شوچی»



باشگاه با سقف مقعر آن

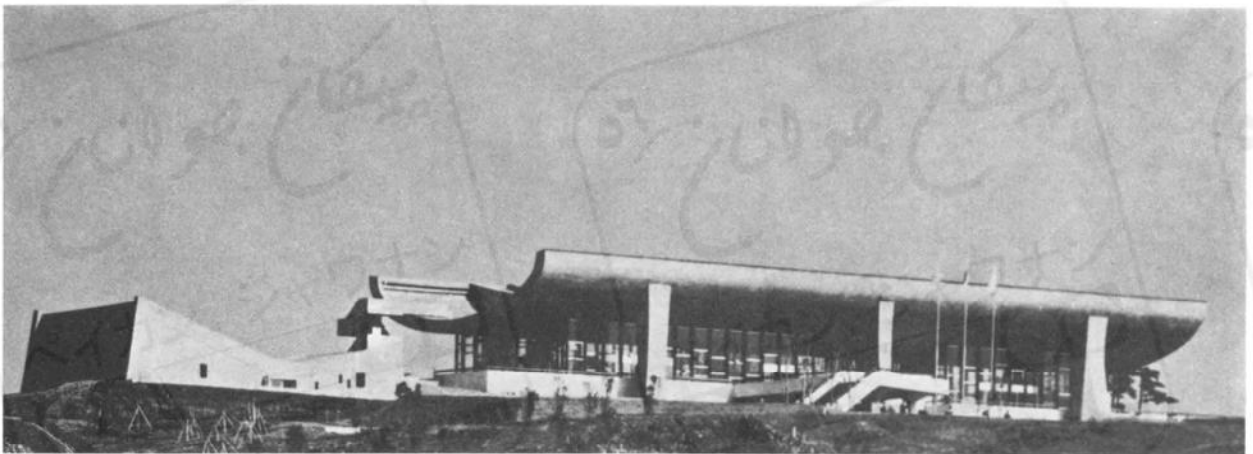


با محیط اطراف برخوردار میباشد، بانضمام حجمهای داخلی و بیرونی هماهنگ با برآمدگیهای بام و سطحهای پنجره‌ای نماها. قسمت تزئینات توسط «ایساموکنموشی» ترتیب یافته است.

در طبقه هم‌کف قرار دارند. در ورودی این ساختمان که از بتون خام ساخته شده در سمت شمال‌قرار دارد. بام مقعر آن نیز شباهت زیادی به بام کاخ دادگستری «شان‌دیگار» اثر لوکوربوزیه دارد. این بام دارای ۷۷ متر طول و ۳۳ متر عرض و ۱۲ تا ۱۷ متر ضخامت است. ستونهای موشکی و بام‌مقعر از زیبایی یک معماری واقعا پیشرفته و متناسب

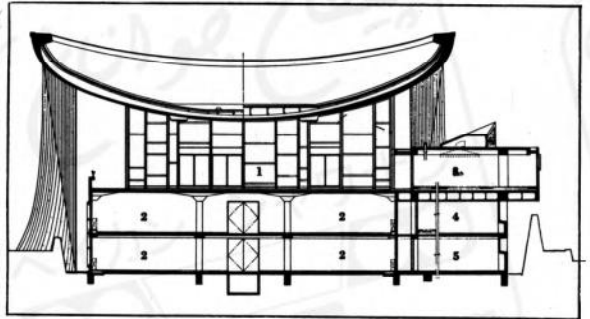
دارای آشین‌خانه و بار و طبقه‌تحتانی با رخت‌کن. در حاشیه قسمت دیگر ساختمان را اصولا یک هال وسیع تشکیل میدهد که درون آن باشگاه تزیین یافته است. قسمت جنوبی ساختمان شامل یک زیرزمین با یک بار و سالنهای نشیمن و استراحت است.

نماهای پنجره‌ای دارای چهار چوبه‌های آلومینیومی میباشدند. دفاتر

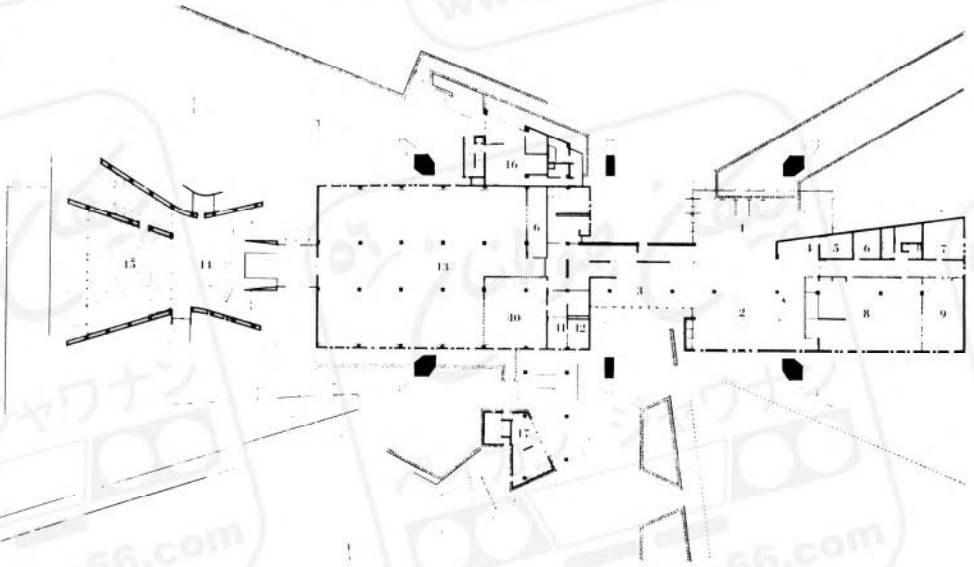




- موقعیت محلی -
 ۱- راه ورودی - ۲- باشگاه - ۳-
 توقفگاه - ۴- فروشگاه بنزین -
 ۵- نقطه شروع بازی - ۶- استخر.
- برش
 عرضی - ۱- رستوران - ۲- رختکن
 ۳- آشپزخانه - ۴- سالن انتظار
 رانندگان (در پائین):

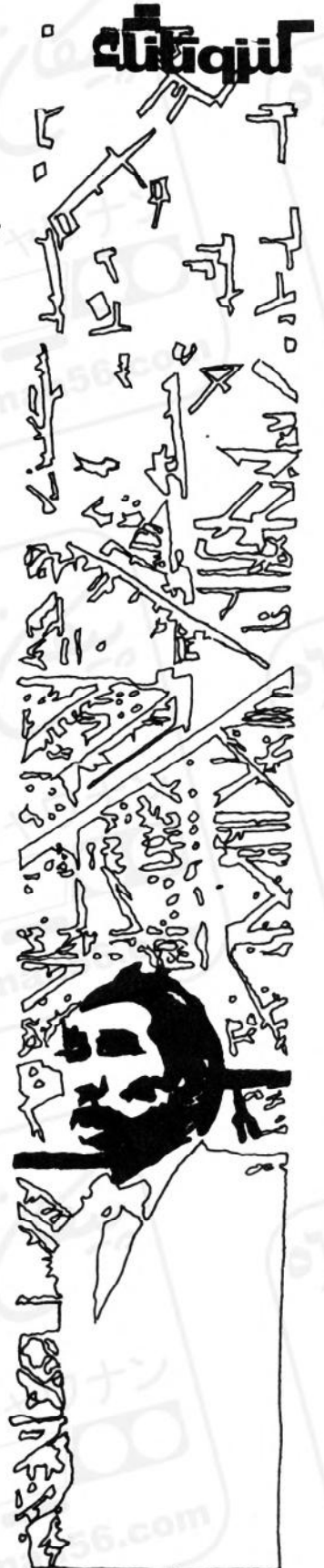
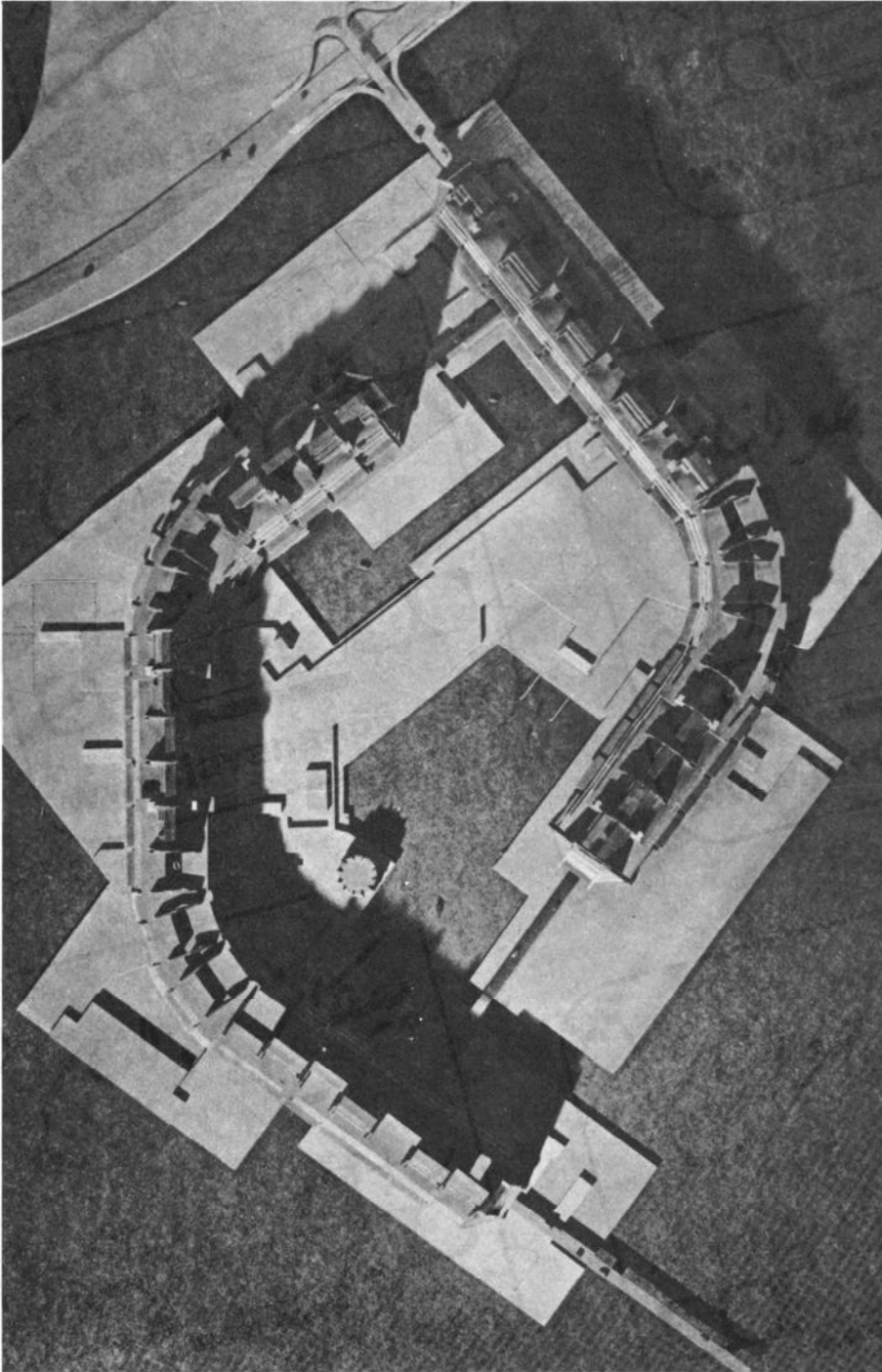


- نقشه طبقه هم -
 ۱- کف - ۲- راهروی ورودی - ۳- سالن بازی کنندگان
 ۴- پذیرائی - ۵- رختکن پذیرائی - ۶- انباری و ۷- ۸- دفاتر - ۹-
 ۱۰- رختکن بانوان - ۱۱- لژ بانوان - ۱۲- اتاق
 ۱۳- استحمام - ۱۴- لژ آقایان - ۱۵- اتاق استحمام
 ۱۶- سالن انتظار رانندگان.

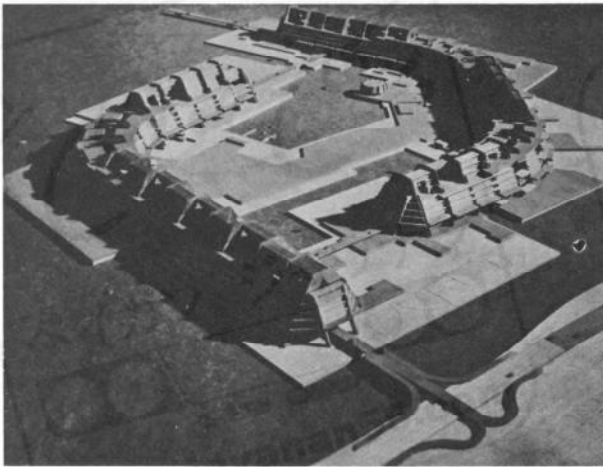


مراحان نقشه «ژرژ فیلورژ»
و «ادوارد هالاری» و «دندیندرمن» و
«گوستاو سولومونس» برهبری کنزو
تاتکه.

طرح جایگاه مسکونی



طرح جایگاههای مسکونی



در پروژه سابقه برای سازمان بهداشت جهانی سال ۱۹۵۹ شیوه خاصی منظور شده بود که در زمستان ۱۹۵۹ بررسی آن برای یک واحد مسکونی از سر گرفته شد و آن موقعی بود که کنزو تانگه در دانشکده پلی تکنیک کامبریج در ماساچوست مشغول تدریس بود.

با بکار بردن برنامه ساختمانی ژنو در ساختمانهای مسکونی، او سبک خانه‌های مسکونی پلکان مانند را بنحو جدیدی مشخص کرد. کنزو تانگه دو ساختمان هلال مانند ایجاد کرد که در اطراف یک میدان روبروی هم قرار می گرفتند. از یک سمت بسمت دیگر این ساختمانها پله‌هایی احداث شده که در جوار آنها فضای آزادی وجود دارد. ساختمانهای متصل به تپه که نظیر آنها در اغلب کشورها مشاهده میشود از همین جا سرچشمه می گیرند. واحدهای مسکونی با دو سمت باز دارای پالکتهای بزرگ است که بر روی فضای باز گشوده میشوند در حالیکه فضای داخلی در اشغال تاسیسات مشترک و جایگاههای ورزشی و کودکانها و مغازهها و دفاتر قرار گرفته‌اند.

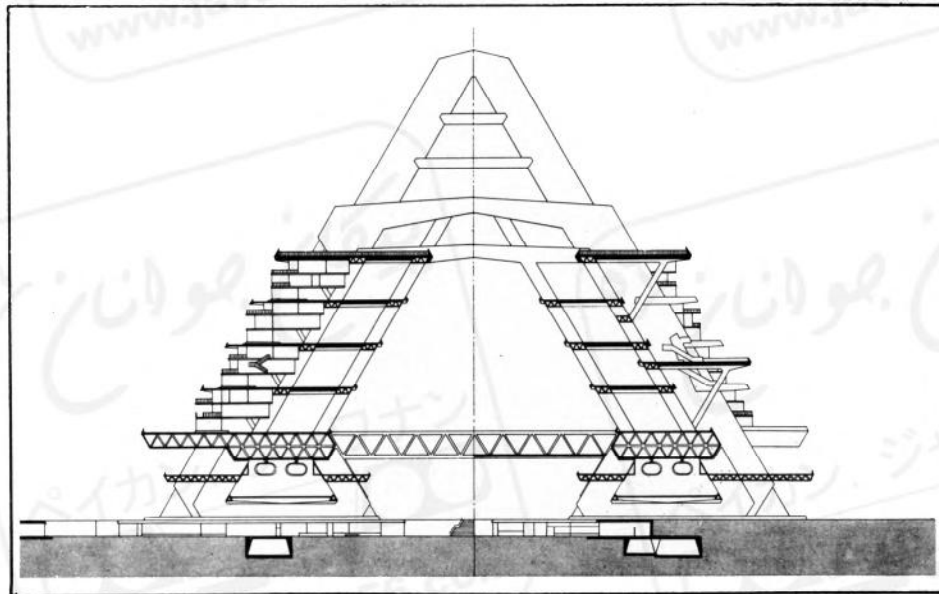
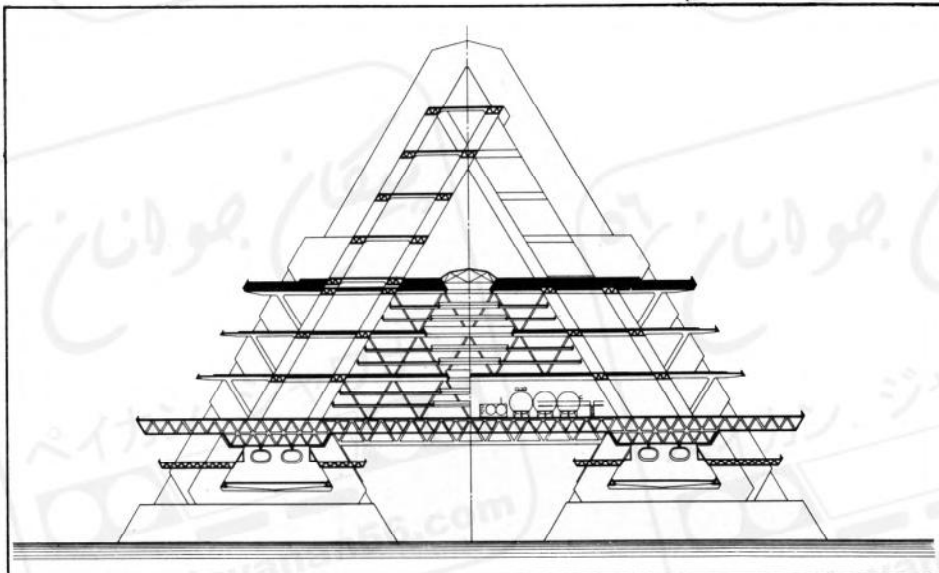
ساختمان بصورت عمارتهای بزرگ با سقفهای سنگفرش پیش بینی گردیده است در حالیکه کف ساختمان برای تاسیسات مختلف اختصاص یافته است. رفت و آمد طبق خطوط منحنی ساختمانها صورت میگیرد و ترفایک تقریباً ضمیمه بختن مسکونی گردیده است و این ابتکار جالبی بحساب می آید.

این واحد مسکونی میتواند مطابق دلخواه در تمامی کشور گسترش یابد. بهمین جهت طرح مزبور که برای یک جزیره در نظر گرفته شده بود در سال ۱۹۶۰ در نقشه شهر توکیو گنجانیده شد.

سکونت و زندگی گروهی در این بناها با همدیگر هماهنگی کاملی دارند و این امر اساسی، شیوه ساختمانی مزبور بشمار میرود. در این بناها جدائی بین محل سکونت و محل کار و تفریح و روش خرید بوجود نیامده است. روش هماهنگی که برای اجتماعات بزرگ و تجمع کلیه فعالیتها امری حیاتی محسوب میشود از شیوه‌های دو واحد های مسکونی، لوکوروزیه پافراتر میگذارد.

ماکت واحد مسکونی

دو برش عرضی از واحد مسکونی



کودکستان نونکبیر



کودکستان «یوکاری» واقع در حومه توکیو در سال ۱۹۶۶ طرح ریزی شد و در سال ۱۹۶۷ اولین قسمت از ساختمان آن با تمام رسید. مدیر این کودکستان خودشنی هیرمند است بهمین سبب میکوشد تا تشکیلاتی هنری در مرکز این آموزشگاه جای دهد.

این مجموعه بر حسب سراسیمه ملایم زمین ترکیب یافته است. از نقطه یک محوطه دایره مانند ساختمانهای قراس مانند بصورت یادبزن روی هم قرار گرفته اند. کلاسها روبروی حیاط واقع شده اند. بخش اداری در قسمت شرقی ساختمان فوقانی تأسیس یافته است. این ساختمان از طرح



منظره جنوبی

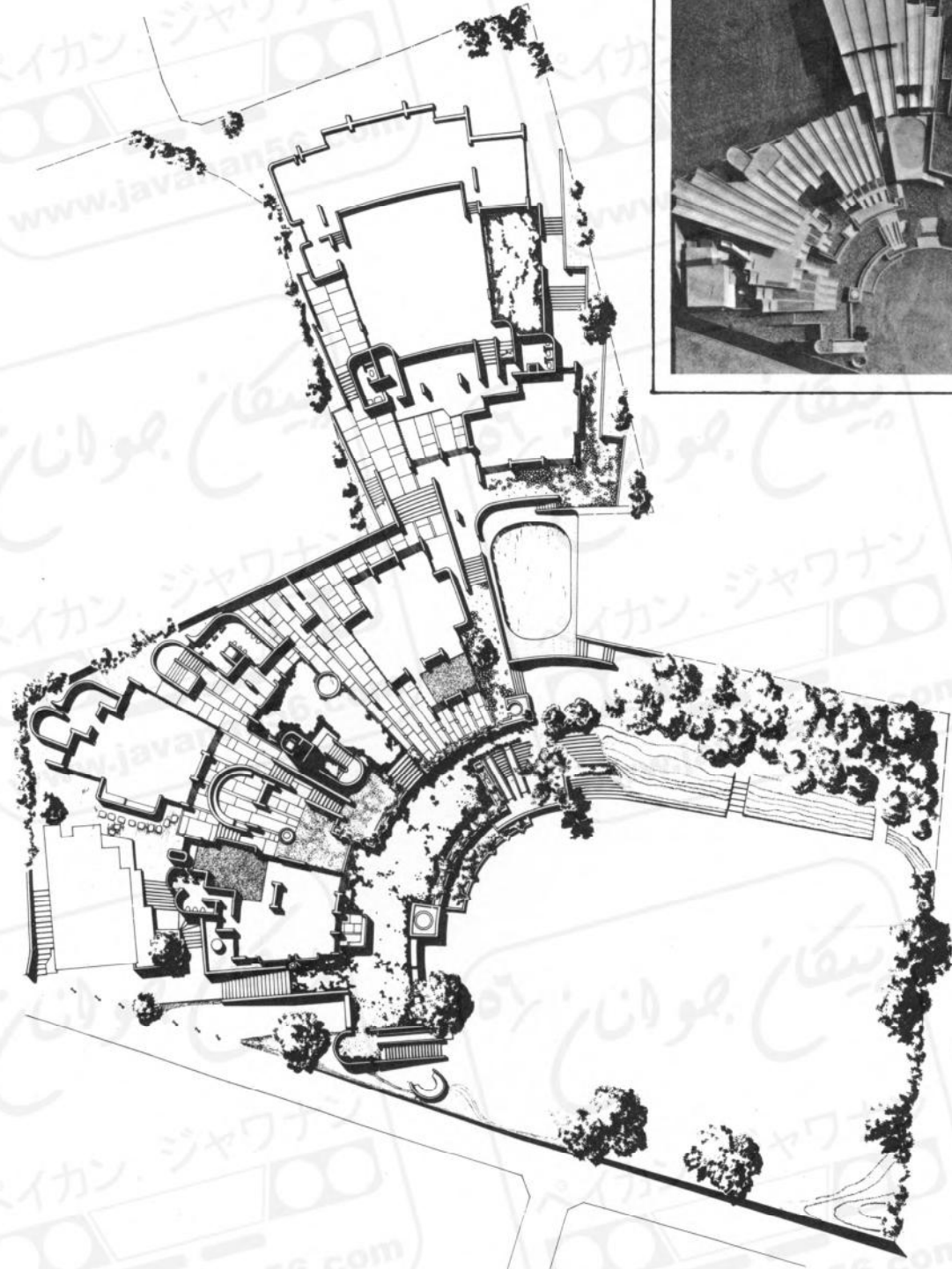
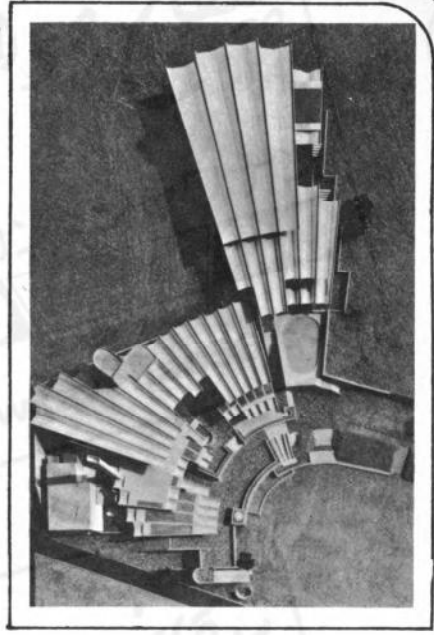
بخصوصی پیروی میکند. سقفها از قطعات پیش ساخته بتونی و هلالی شکل احداث شده اند. طول این قطعات با مقیاس اماکن مطابقت دارد. فرم سقف و ستونها مجموعه ای را تشکیل میدهد که روبروی حیاط تحتانی باز میشود. تعدادی دیوار پنجرهدار مثل لوله اتاقهای طویل را مسدود میسازد.

سراسیمه و کلاسها و پله ها و طاقتها همه و همه ضمیمه این ترکیب شده است که به زندگی کودکان اختصاص دارد و در آن بازی و کار در محیطی آزاد و باز و با نشاط بطور متناوب انجام میگیرد. این کودکستان برای تقریباً ۲۸۰ کودک در نظر گرفته شده باین نسبت: ۴۰ کودک سه ساله و ۱۲۰ کودک چهار ساله و ۱۲۰ کودک پنجساله. کلاسها بزرگ نیستند و با روحیه کودک هماهنگی دارد. در پروژه کنزواتانگه یک توسعه بطرف شرق پیش بینی شده است که در آن فعلا کودکستان قدیمی واقع شده است. این جناح که شامل یک سالن با یک صحنه نیز خواهد بود مجموعه مزبور را بصورت آمفی-تاتر چندطبقه ای روی تپه در خواهد آورد.

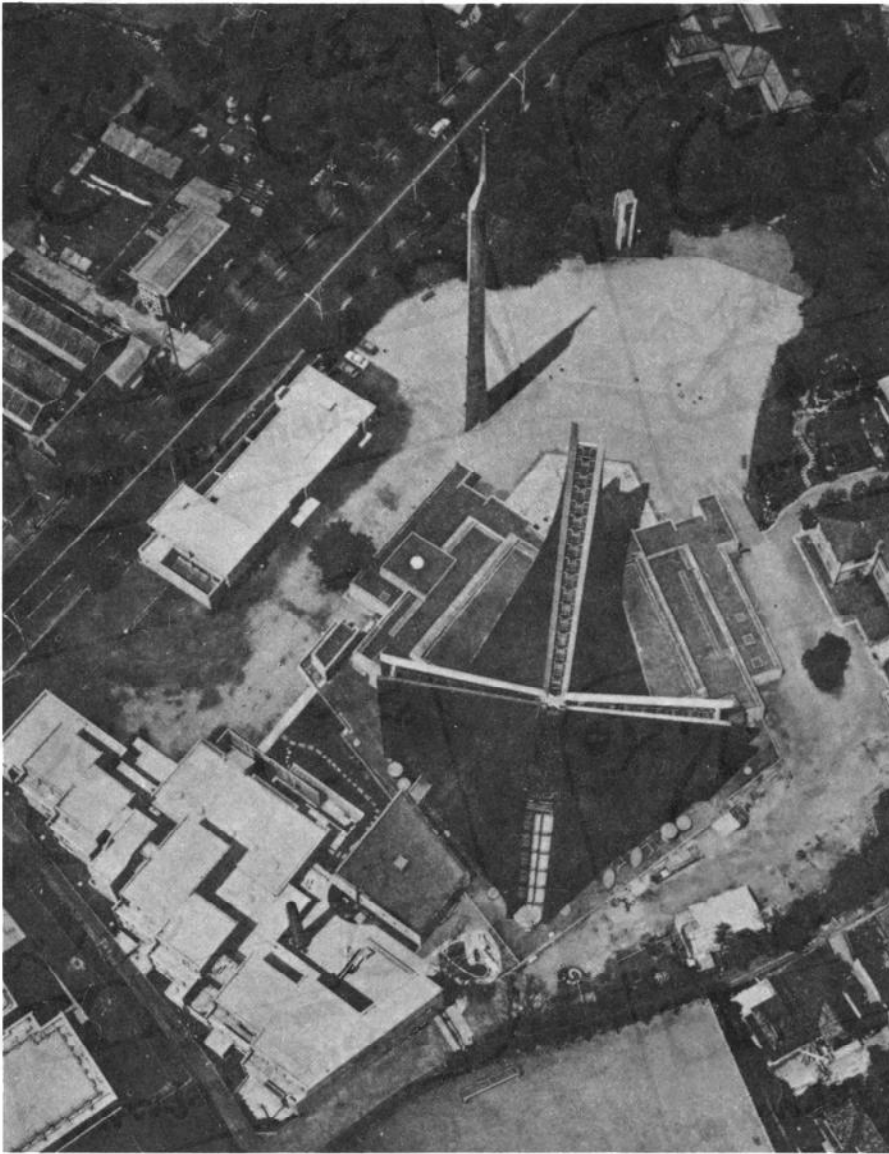


کوهستان توکیو

ماکت طرح
جامع. سمت چپ برای توسعه بعدی
در نظر گرفته شده.



موقعیت محلی
طرح جامع که در آن قسمت سمت
چپ هنوز عملی نشده است.



۱ منظره هوایی
کلیسا با برج ناقوس

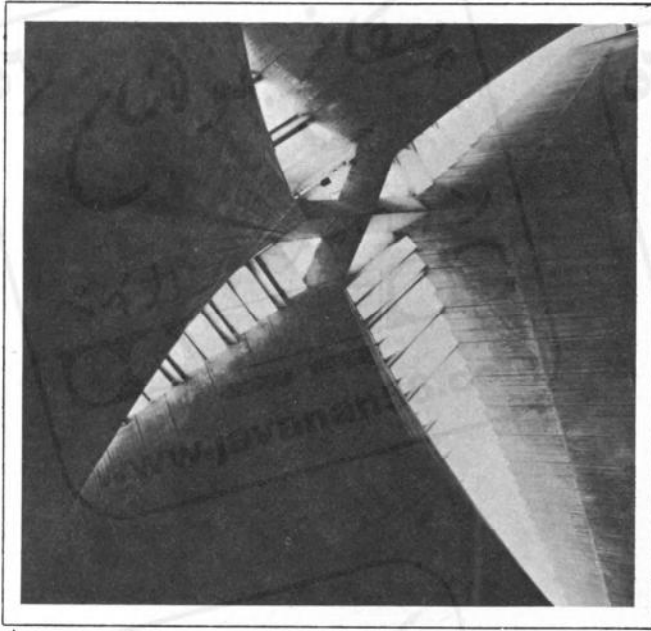
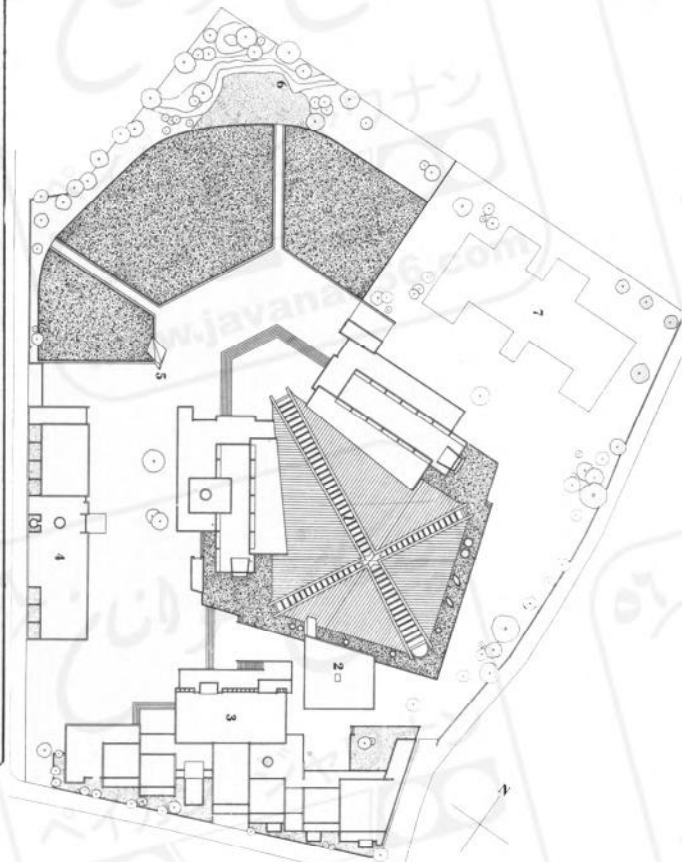
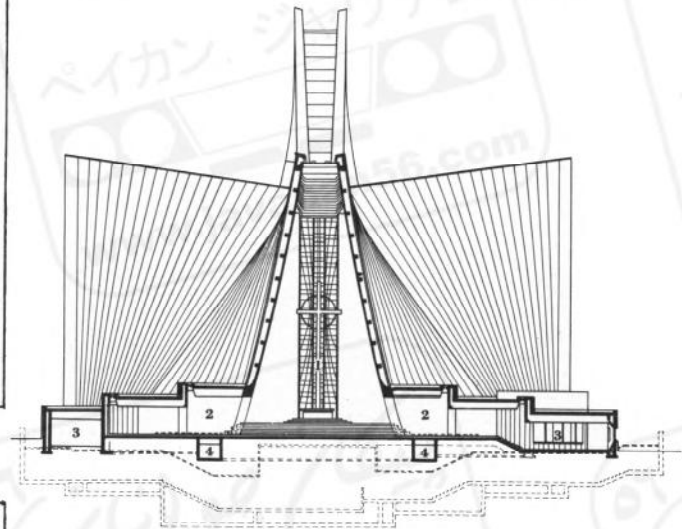
کلیسای سنت ماری

در سال ۱۹۴۵ کلیسای کاتولیک «سنت ماری» متعلق به سال ۱۸۸۹ بر اثر جنگ آسیب دید. شانزده سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۱ مسابقه‌ای برای احداث یک کلیسای جدید تریب یافت که در آن کنزواتگه اولین جایزه را از میان استادان زبردست نظیر، «کونیو-مایکاو» و «یوشیروتانیکوشی» بدست آورد. کلیسای جدید که شامل



کلیسای «سنت ماری» در توکیو

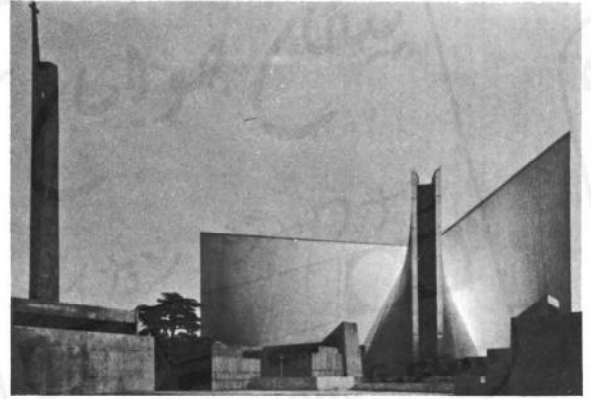
- ۱- برش
- ۲- محراب - جناحهای تحتانی
- ۳- فارنکس و حوضچه.



منظره داخلی از محراب اصلی



- موقعیت محلی
- ۱- کلیسا
 - ۲- رخت‌آویز
 - ۳- کنیشتیا
 - ۴- خانه میسیون
 - ۵- برج ناقوس
 - ۶- باغچه
 - ۷- جایگاه اسقف.



منظره کلی از سمت شمال

تقریباً ۱۵۰۰ جایگاه نشستن است از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴ و با همکاری «ویلیام شلومبس» معمار معروف شهر کلن که در زمینه معماری مذهبی تبحر کامل، دارد و نیز مهندس «یوشیکاتسو تسوبوتی» مشاور تانگه در احداث ساختمانهای متعدد بپایان رسید. در میان دیگر همکاران تانگه لازمست معمار «ماکس لشر» از شهر زوریخ را نام برد.

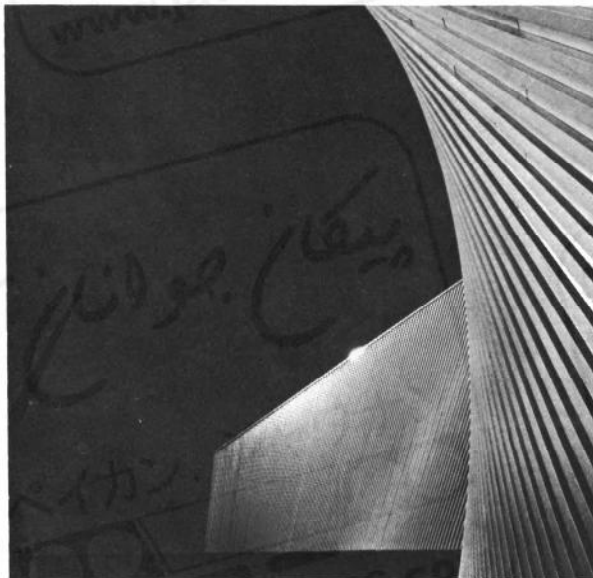
بعد از مطالعات دقیق تصمیم گرفته شد که طرح این اثر معماری در زمینه مقاطع ریخته شود که در بالای آن جدارهای متشکل از هشت قوس مقرر رو به بالا و به شکل یک صلیب روشن تریب یابد و بازوهای این صلیب به پنجره‌های تنگ که از پائین بیلا کشیده شده منتهی گردند.

این محراب لوزی شکل دارای ضمائم مستطیل مانند است که فرم مکعب شکل آنها با سطح‌های نسبتاً سمبولیک تناقضی بوجود می‌آورد. این ضمائم از طریق چند راهروی متعلق به محراب متصل گردیده‌اند. از سوی دیگر یک «نارتکس» (ایوان بلند در جلو محراب کلیسا - مترجم) با تعدادی حوض برای انجام غسل در آن ایجاد شده است. برج ناقوس که از بقیه ساختمان جدا میباشد ۶۰ متر بلندی دارد.

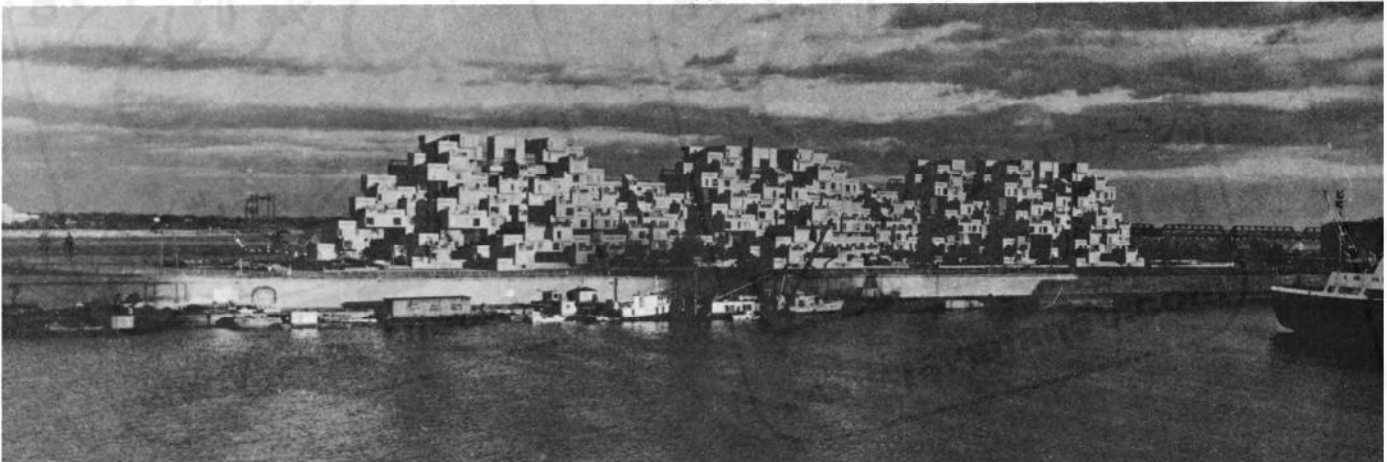
محراب بدون زینت کاری است و بتون به حال خود باقیمانده است در حالیکه سطح‌های بیرونی از فولاد ضد زنگ براق میباشد که باین کلیسا جلای ویژه‌ای میدهد. با مقایسه این کلیسا با هاله‌های المپیک توکیو به اهمیت راه‌حلهای اتخاذ شده در انجام این برنامه پی برده میشود.

با پیشرفت‌های روزافزون، خصوصیت شهری تبدیل به خصوصیت بین‌المللی می‌شود
وقوف بر سنت نکته‌ی مهمی است اما وقوف بوسنت به مفهوم تکرار چیزی ثابت نیست

از دست می‌دهیم
ما سرعت داریم خصوصیت ژاپنی خود را
می‌تواند باشد غیر از ایرانی
تهران به مفهوم یک ساختمان هر چیزی



MOSHE SAFDIE



زیادی از قبیل نظریات تحمیلی دولت، و بوروکراسی اداری، تشریفات اضافی، محدودیت‌های بودجه، حسادت، رقابت‌های سرسخت و با سوءنظر، انتقاد عمومی و غیره مواجه است، ولی موشه سفدی با ایمانی تزلزل ناپذیر به اینکه آنچه که انجام می‌دهد امکان پذیر و ایده‌آل است بکار خود ادامه می‌دهد. بالاخره موفق شد که دولت و مؤسسات و ادارات را وارد کند که در طرز فکر او مداخله نمایند. و برای رساندن کارهایی که باید زودتر و سر موقع مقرر آماده میشد گروهی از همکاران جوان مانند خود را بکار میگرفت. بعد از پروژه مسکن مونرال، سفدی بیشتر در مسافرت

با تجربه را به حیرت انداخت که چگونه توانسته است در اول جوانی و در سن ۲۲ سالگی بدون تجربه کافی برای پروژه آزمایشی چند میلیون دلاری خانه‌سازی مبارزه نماید. شهرهای مدیران‌های زمینه افکار او بودند و وی قبول دارد که بیشتر افکارش در مورد محیط زیست از آنها تأثیر پذیرفته است. بعد از پایان دانشکده در دفتر معماری «ون گینکل» (Ginkle Van) در مونرال و «لوئی کان» در فیلادلفیا مشغول کار شد. در سال ۱۹۶۳ برای بررسی امکان برگزاری یک نمایشگاه مسکن در نمایشگاه جهانی ۶۷ به مونرال برگشت. با اینکه مسکن با مسائل

در سال ۱۹۳۸ در شهر «حیفا» در اسرائیل بدتیا آمد. در سن یازده سالگی با والدینش به کانادا مهاجرت نمود و بعد از ورود به دانشکده معماری دانشگاه «مک‌گیل» توجه خود را به سیستم‌های خانه‌سازی معطوف داشت. در سال ۱۹۵۹ بعد از مسافرتی به ایالات متحده، او با این نتیجه به کانادا برگشت که: «حومه نشینی نمیتواند جوابگو باشد». زمانی که موشه سفدی در سال ۱۹۶۰ پایان نامه مشهور خود را در مورد یک سیستم جدید مسکن طرح ریزی کرد، یک دانشجوی ۲۲ ساله معماری بیش نبود و هفت سال بعد این آرشیتکت سایر معماران



مردم برای هم هسایه‌های بهتری باشند. بنابراین هر منزل سکونت-گاه از این نظر يك خانه مجهز است. خواه در طبقه دوم باشد خواه در طبقه دوازدهم. بین ساختمانها پیاده‌رو قرار دارد نه پلکان و یا راهرو، همچنین این پیاده‌روها از خیابان‌ها و توقفگاهها مجزا هستند. هر منزل از حیث فضائی کاملاً مشخص است، و هر منزل باغچه‌ای دارد که روی بام خانه زیر قرار گرفته. این نظام‌جدائی کامل صوتی و بصری خانه‌ها را امکانپذیر می-کند. دیوارها، سقف‌ها و کف‌های منازل مجاور دولایه بتونی هستند و فاصله بین آنها هواست. بنابراین صدا اصلاً عبور نمی‌کند. همچنین درختان و نرده‌هاطوری طرح شده‌اند که بین تراس‌های مجاور فاصله و مانع ایجاد می‌کنند.

در پذیرفتن نظام ساختمانی سکونت‌گاه، اصلاحاتی برای تطبیق آن با شرایط اسرائیل بعمل آمد. در دیوارهای خارجی آن عایق‌حرارتی کافی باید در نظر گرفته شود. پنجره گنبد شکل گردان جدیدی برای ساختمانها طرح شده تا سکنه منازل بتوانند در تابستان باغچه تراس خود را برای ایجاد سایه محصور کنند. و در زمستان بتوانند پنجره شیشه‌ای گنبد شکل را بکار ببرند تا تراس به یک گرمخانه داخلی تبدیل گردد. با این روش حداکثر حفاظت از خورشید در تابستان و حداکثر جذب نورخورشید در زمستان امکانپذیر است.

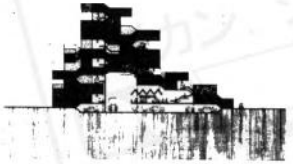
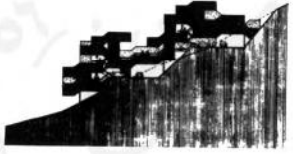
این طرح براساس دو عنصر اصلی قرار گرفته است: اول يك عنصر مکعبی سیمانی و دوم عنصر گنبد پوسته‌ای. ترکیب این دو عنصر باعث تنوع انواع خانه‌ها شد، و خانه‌های يك تا چهار اتاق خوابه و بوجود آورده است.

مطالعه در مورد سهولت این خانه‌ها از طرف وزارت مسکن انجام گرفته و نتایج آن به شرح زیر

منظور از سکونت‌گاه هم يك نظام ساختمانی است و هم يك محیطی. این مفهوم سالها با توجه به هدفهای زیر مورد مطالعه بوده است: بهبود محیط زیست در خانه سازی به تعداد زیاد و به کار بردن شکردهای صنعتی و بدینوسیله کاستن از مخارج و نیروی کار لازم و برآوردن نیازها با سرعت بیشتر.

يك نظام ساختمانی صنعتی اساساً با ساختمان قالبی پیش‌ساخته که اکنون در اروپا و اسرائیل بکار میرود متفاوت است. برخلاف این نظامها، نظام سکونت‌گاه براساس تولید کارخانه‌ای منزلهای کامل است. يك محیط فضائی و يك مدول سه بعدی قسمتی از خانه را تشکیل میدهد و درون آنها حمام، آشپزخانه، کارهای برقی و مکانیکی و تزئینات داخلی تعبیه می‌شود. این واحدها بطریقه خط تولید در يك کارخانه مرکزی ساخته میشود و برای مونتاژ بوسیله کامیون به جاهای مختلف برده میشود. در این نظام، مکانیکی کردن کار خیلی زیاد امکانپذیر است. هم در مورد واحدهای ساختمانی و هم در مورد کاربرد خط تولید و روشهای صنعتی برای قسمت‌های غیر ساختمانی خانه‌ها، که در روشهای ساختمانی فعلی فقط در خود محل عملیات ساختمانی انجام میشود. ۹۰ درصد تمام کارهای ساختمانی، به استثنای عملیات محوطه سازی ساختمان در کارخانه انجام میشود، در حالیکه در روشهای دیگر ۳۰ درصد بیشتر نیست. این نظام همچنین شامل کارآموزی کارگران غیرماهر کارخانه میشود و به میزان زیادی سبب کاهش ساعات کار کارگران ماهر نسبت به هر پای‌مربع ساختمان میشود.

اصل نظام سکونت‌گامیپوسته این بوده که تفریحات مورد نیاز خانه خانواده‌های تنها را بدون توجه به شلوغی محل فراهم کند و همچنین فراهم آوردن امکانات پیوستگی تسهیلات غیرسکونتی در شهرک، تا



طرح سکونتگاهها کارخانه‌ای

اعلام شده است:

۱- طرح از لحاظ اقتصادی به صرفه است. با این روش میتوان خانه‌هایی با قیمت‌های قابل رقابت نسبت به هر منزل در بازار ساخت، به استثنای محوطه سازی و هزینه زمین که بطور متوسط ۸۵ مترمربع میشود.

۲- طرح از نظر فنی عملی است و در احداث آن از مواد

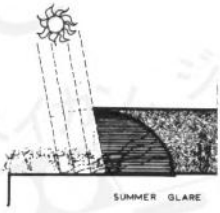
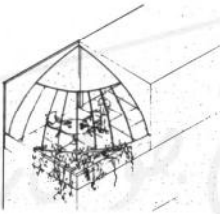
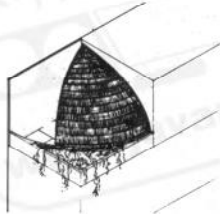
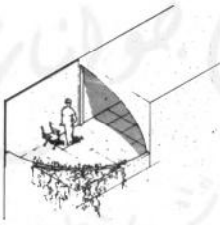
استفاده می‌شود که در اسرائیل تولید می‌گردد.

۳- استهلاك کارخانه‌ای که در سال، ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ واحد از این منازل تولید کند کاملاً ممکن است. برخی از تجهیزات خاص کارخانه را میتوان از خارج وارد کرد.

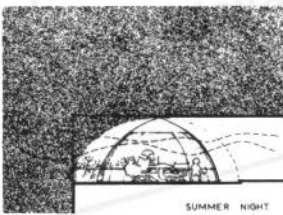
۴- نظام این ساختمانها با هر محلی سازگار است، از زمین

مسطح گرفته تا شیب‌های تند. همچنین با اقلیم‌های مختلف مناطق این کشور و با تراکم‌های مختلف کم و زیاد قابل تطبیق است.

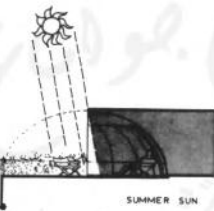
پیش‌بینی میشود پس از تصویب طرح، کارخانه مزبور در عرض یکسال براه خواهد افتاد و یکی دو ماه بعد از آن نخستین واحدهای مسکونی ساخته خواهد شد.



SUMMER GLARE



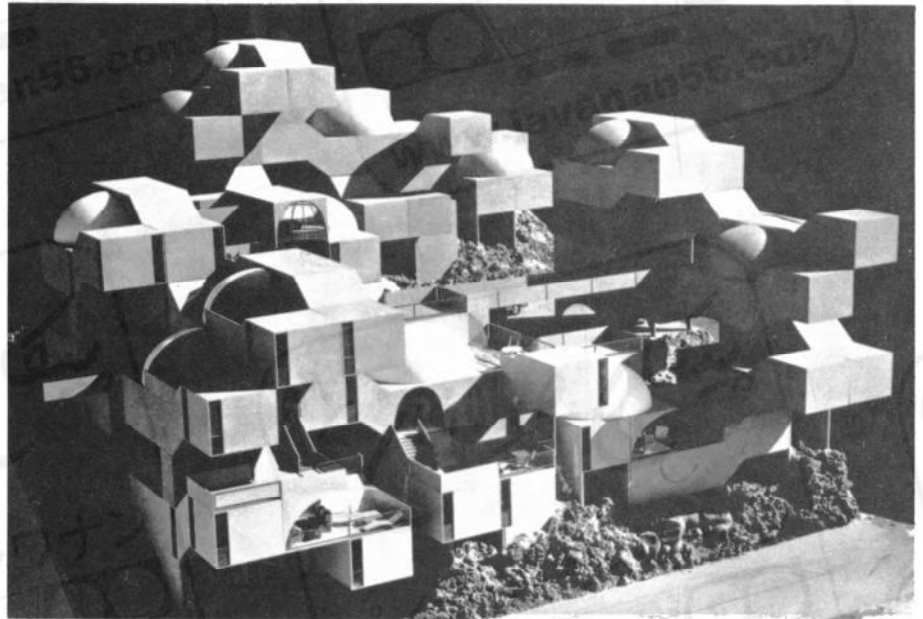
SUMMER NIGHT



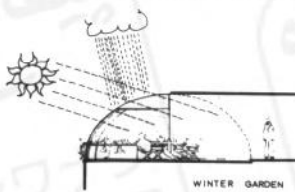
SUMMER SUN



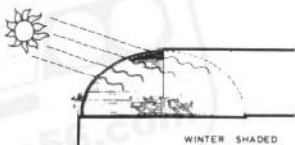
SUMMER EAST / WEST SUN



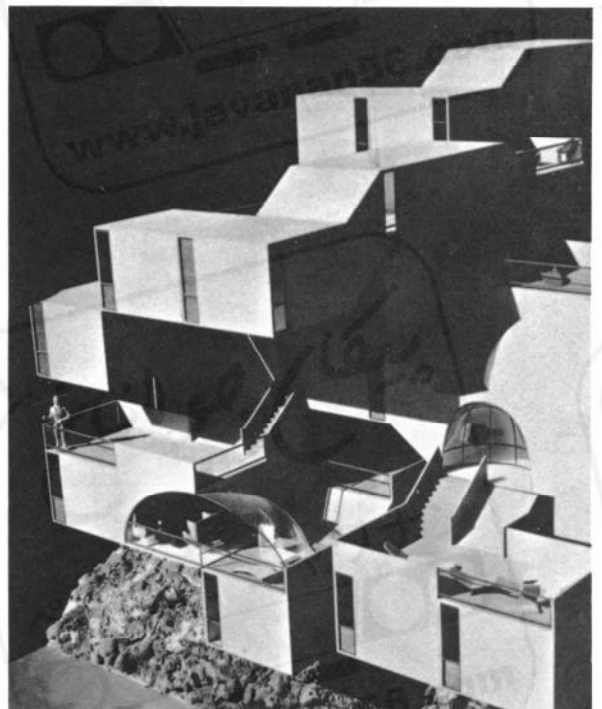
طرح سکونت گاههای کارخانه‌ای

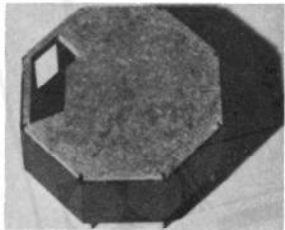
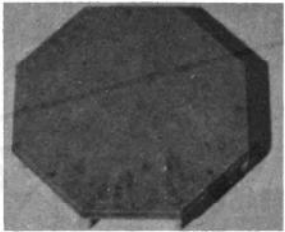
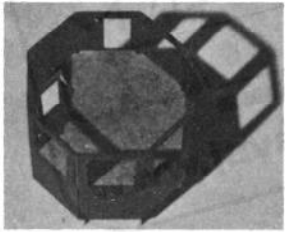
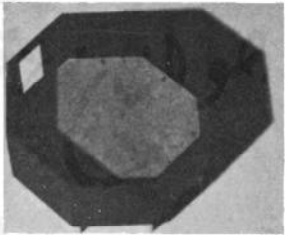
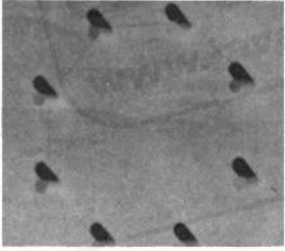
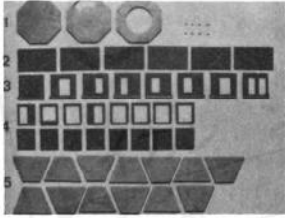


WINTER GARDEN



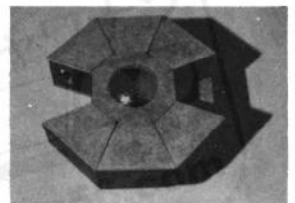
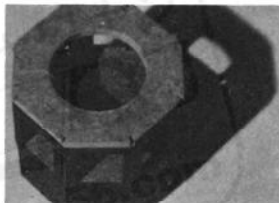
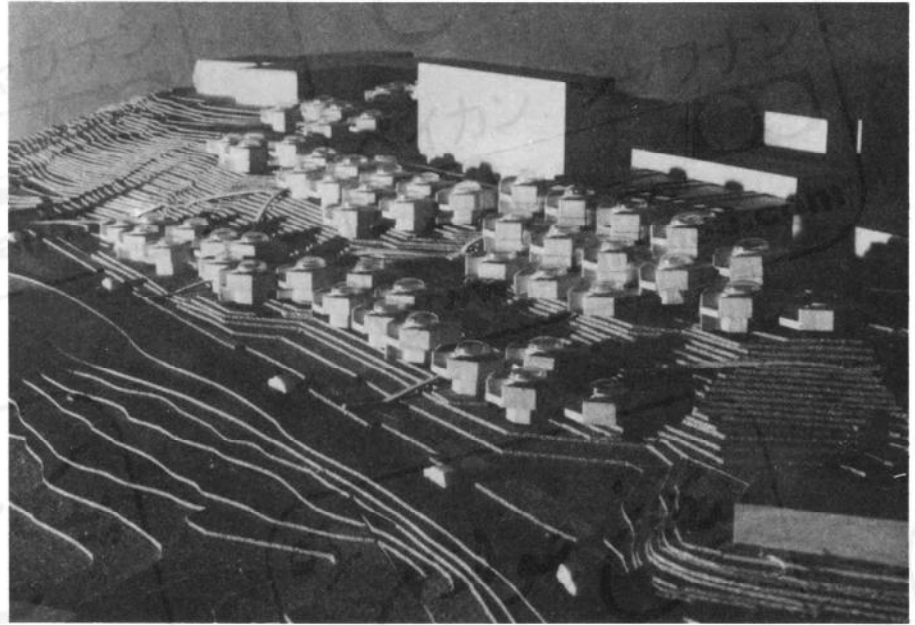
WINTER SHADED



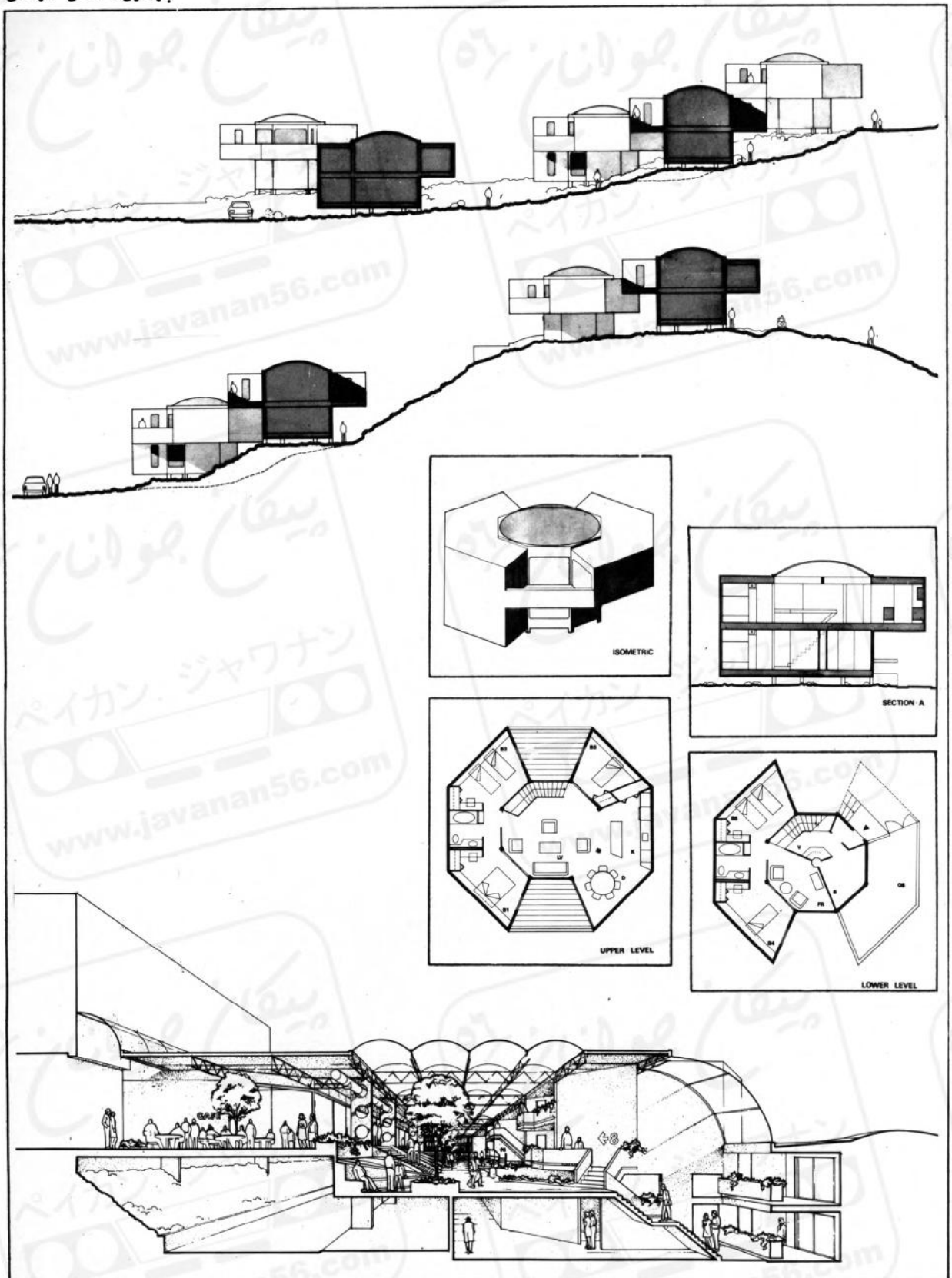


برای حکومت سرزمینهای
شمالغربی در خلیج فوریشر،
یلونایف (اداره امور عمومی) ساخته
میشود.

اجرای طرح مزبور نخست
بطور کلی برای نوسازی ۸۱ خانه
کارمندی بوجود آمد ولی بعداً
گسترش یافت و ۶۵ واحد مسکونی
دولتی را هم در بر گرفت و اکنون
میکوشند کم و کسر نقشه کلی
شهرک را برطرف کنند. مساکن جدید
توسط گروههای خانهسازی مورد
بررسی قرار خواهد گرفت تا شهرک
را هم از لحاظ بصری و هم از لحاظ
سطح امکانات و تفریحات بخش
دولتی و ساختمانهای اجاری عمومی
یکپارچه سازد.
ساختمان دو واحد نمونه و
نخستین مرحله ساختمان این طرح
آغاز شده است.



بازسازی خانه‌های کارمندی





شامل ۴۵۰ واحد مسکونی از دو نوع اصلی میشود که خانه‌های عرشه‌ای و خانه‌های خوشه‌ای نامیده میشود.

خانه‌های عرشه‌ای این شهرک بوسیله یک عرشه مخصوص پیاده‌ها از روی توقفگاهها یا زمین‌های نسبتاً مسطح به هم وصل میشود. خانه‌های خوشه‌ای عبارت از یک جفت ساختمان روی زمینهای شیب‌دار است و هر یک ۶ تا ۷ آپارتمان و تراس مخصوص دارد. ورودی و توقفگاه این منازل در ارتفاع متوسطی قرار گرفته تا نیازی به آسانسور نباشد.

مرکز مجاور، یک مرکز شهر شامل ۱۰۰۰۰۰۰ پای مربع فضا برای خرده فروشی و ۲۵۰۰۰۰ پای مربع فضای دفاتر و مراکز پژوهش و توسعه است و ۱۴۵ جریب زمین برای فضای باز و تفریحی شامل سه دریاچه و یک مرکز محیط زیست میباشد. این برنامه بطور کلی بعنوان یک طرح بازسازی شهری پذیرفته و تأیید شده است.

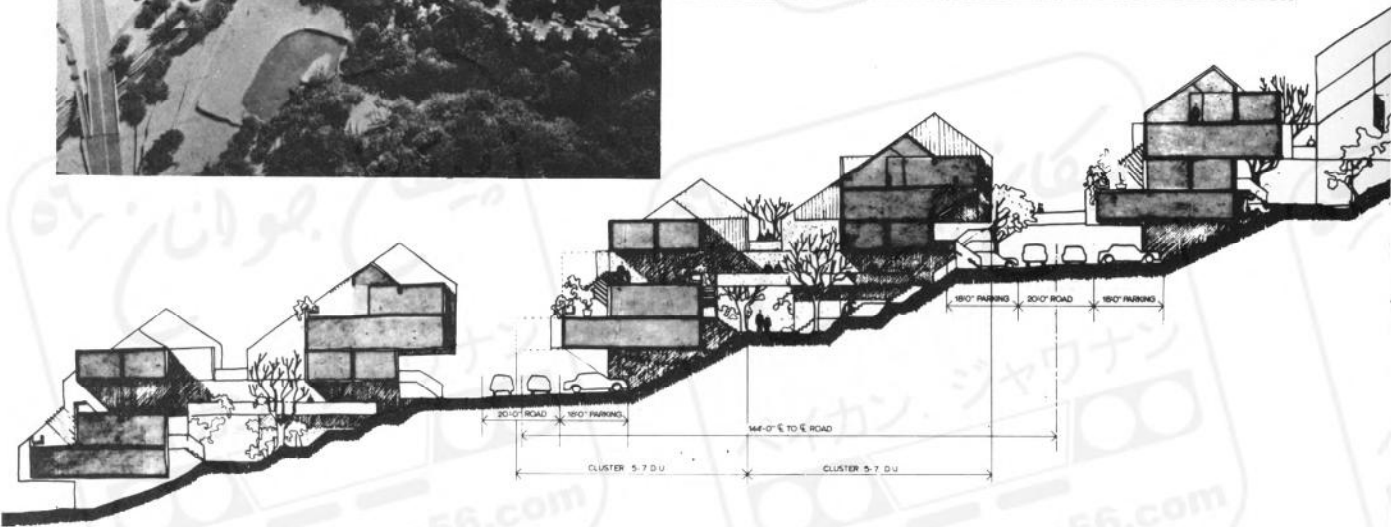
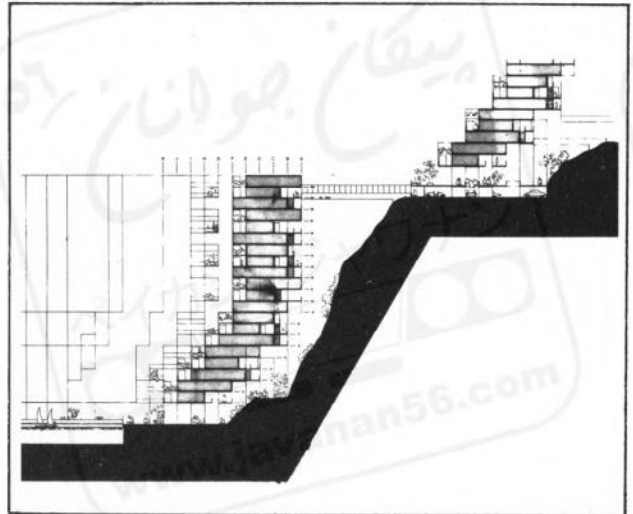
مرحله اول شهرک

نخستین مرحله توسعه خانه-سازی برای شهرک گلداسپرینگ

شهرک جدیدی به اسم گلداسپرینگ در بالتیمور، مری‌لند و برای شهر بالتیمور ساخته میشود. طرح این شهرک شامل یک پروژه برنامه‌ریزی اصلی سه بعدی برای یک قطعه زمین تقریباً غیر-مسکونی در شمالغرب بالتیمور است که تقریباً ۴۰۰ جریب وسعت دارد. برنامه توسعه شامل ۳۷۸۰ واحد مسکونی مختلف، سه مدرسه، دو



شهرکی با
خانه‌های
خوشه‌ای

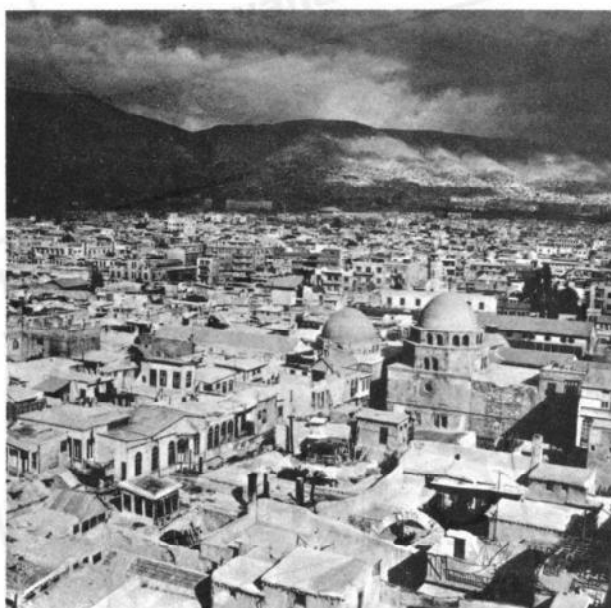


نوسازی مرکز شهر دمشق

مرکز شهر دمشق بایتخت سوریه شهر است بر روی بقایای يك شهر که پرجنب وجوش ترین قسمت این رمی قرار گرفته که نقشه این شهر



میشال ائکوارده
michel ecochard
1905, paris





نیز به نوبه خود يك نقشه یونانی اولیه است.

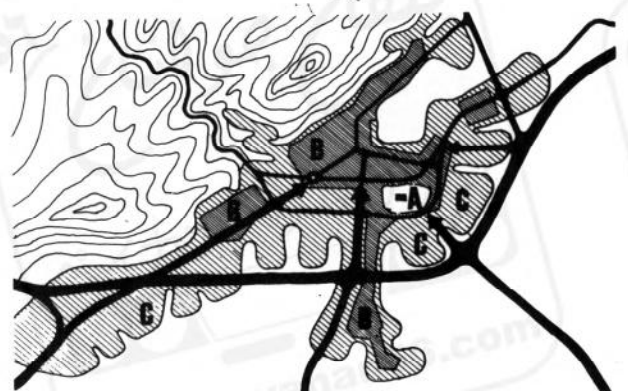
باید بیست و يك کاروانسرا را تبدیل به موزه نمود و يك مرکز تجاری تازه در منطقه توسعه جدید بوجود آورد؟

این امر ممکن نیست زیرا تمام پژوهشها لزوم چنین مرکز تجاری را در این مکان روشن ساخته است.

آیا می توان این مرکز را به صورت کنونی حفظ کرد؟ نه زیرا که شترها اکنون به کامیونهای ۲۰ تن تبدیل گشته اند که راههای باریک شهر قدرت کشش آنها را ندارد و روز بروز بر پیچیدگی ترافیک مکانیکی و پیاده می افزاید. راه حل پیشنهادی که با توافق مردم و دولت در حال اجراست مبنی بر موارد زیر است:

کشیدن يك خیابان کمر بندی پیرامون قسمت قدیمی شهر و ارتباط این خیابان باراههای ارتباطی مناطق گسترش یافته جدید. این راه بوسیله شاخه هایی به قسمت داخلی مرتبط میشود که بارگیری کامیونها از کاروانسراها و همچنین رفت و آمد برای بازدید آثار تاریخی را تسهیل میکند.

در این قسمت یکی از بزرگترین ثروت های آثار تاریخی وجود دارد. این مکان همچنین مهم ترین و مترکم ترین مرکز تجاری سوریه محسوب می شود که بوسیله انبارهایی که در کاروانسراها قرار دارد تغذیه میگردد. این کاروانسراها همچنین ارزش تاریخی نیز دارند. حمل کالا به این کاروانسراها بوسیله قافله های شتر انجام میگردد که این خود نشان دهنده قلت مبادلات است. چه باید کرد؟ آیا



سابنده شهر جدید کارگری در «گینه»

سابنده Sabende يك شهر کارگری است که بعلمت وجود کارخانه های تبدیل بوکسیت به آلومینیم در گینه بوجود آمده است. به همین خاطر باید حتی الامکان در نزدیکی کارخانه باشد. این شهر به چهار واحد مسکونی تقسیم شده که دو قسمت از آن در کنار بندر و دو واحد دیگر در کنار شاهراه اصلی قرار دارد.

مناطق سبز در بین تمام مناطق مجاور هم بوجود آمده است که تمام این فضاها در مرکز شهر به یکدیگر می پیوندند. در قسمت مرکزی، بازار، مراکز تجاری، اداری، شهرداری، کلیسا و مسجد قرار دارد که این مجموعه راپارک مرکزی استادیوم، دو استخر و تئاتر در فضای باز تکمیل میکند.

هر واحد مسکونی برای ۵۰۰۰ نفر پیش بینی شده است که در پیرامون يك مرکز تجاری ثانوی مستقل و يك مدرسه ابتدائی قرار گرفته است که راه رسیدن به این مدرسه از میان فضای سبز عبور میکند و همچگونه ترافیک اتومبیل آنها قطع نمی کند.

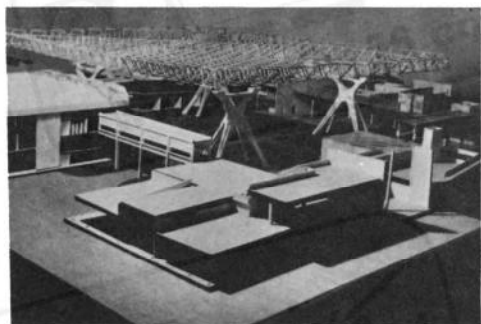
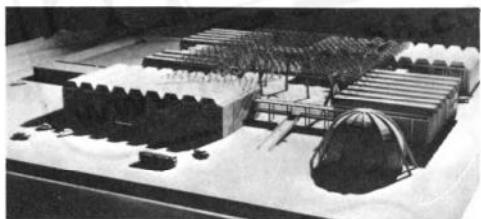
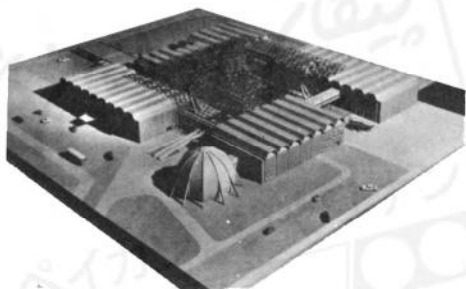
زمینهای شیب دار به ویلاها اختصاص داده شده است که هر يك از دید و منظره جالب برخوردار است.

در این برنامه، ساختمان يك هتل با دو ساختمان جداگانه گنجانیده شده است که در کنار استادیوم و زمینهای بازی قرار دارد. ساختمان اول شامل ۶۰ اتاق و دومی ۴۰ اتاق است که برای سکونت افراد مجرد در نظر گرفته شده است.

ساختمان باشگاه بوسیله يك راهرو سروشیده به هتل مربوط

میشود و يك استخر به ابعاد ۱۲/۵ × ۲۵ متر و همچنین يك استخر گرد کوچکتر برای بچه‌ها آنرا تکمیل میکند.

به نظر گروهی، شهر قدیمی یا قسمت قدیمی شهر نباید درجهت اصلاح تغییر کند، تا بتواند شخصیت و خصوصیتی را که مرور زمان برایش حاصل شده حفظ کند. این يك نظریه بدون تحرك است که حتی در مقابل تاریخ قد علم میکند، زیرا شخصیت زنده‌ای که در تمام چهار راه‌ها و تمام میدانها که در آنها ساختمانها و بناهای عمومی و پرسبکتیوها و فضاهای عبوری وجود دارد به چشم میخورد حاصل‌جانشینی دوران مختلف باسبک‌ها و روش‌های زندگی و آداب و رسوم خاص خود است. پس به چه علت عصر ما نباید جایگزین و جانشین دوره قبل گردد؟



او در کارهایی هم که در نقاط دور افتاده انجام داده از زمینه فرهنگی اسپانیا بهره گرفته است

«هدف سرت و همکارانش آشتی دادن معماری با حالت طبیعی آن در رابطه با شرایط تکنیکی اجتماعی و اقتصادی موجود است.»

معماری مدیترانه‌ای در

آمریکای جنوبی

خوزه لوئیس سرت

JOSE
LUIS
SERT



کار خوزه لوئیس سرت چنان مؤثر و در سطح بالا قرار دارد که امروزه آگاهی اجتماعی و مفاهیم همکاری هنری - که وی وارد کار معماری کرد - مفاهیمی بسیار متداول و رایج می‌باشد. پیشرفت اولیه وی همزمان با طلوع عصر جدیدی در هنر و معماری است. عصر انقلابی پرچوش و خروش که آرشیستک را دعوت به استفاده از تکنیک‌های ساختمانی، طراحی و طراحی برای شهر به منظور حل مشکلات ناشی از صنعتی شدن سریع می‌نمود. سرت از جمله کسانی است که معماری را از توجه تنها به ساختمانهای منفرد دور کرد و آنها بسوی یک فرم کلی شهری سوق داد. وی حتی قدمی فزاینده و محوطه‌های دانشگاهی، حتی موزه‌ها را مورد توجه قرار داد. مثلاً می‌توان از موزه‌ای که وی برای بنیاد «مکتب» در فرانسه طراحی کرد نام برد که کاملاً شبیه یک شهر کوچک است.

وجود دیوارهای سفیدرنگ، نماهای بتن لخت در ساختمانهای طراحی شده بوسیله سرت، همچنین وجود پاسیوها، حیاطهای خلوت، «چترهای آفتابی» تراشیده شده، رنگهای روشن و بافت قطعات روی کار، همه نشانه‌هایی از زمینه فرهنگی اسپانیولی سرت می‌باشد. فرهنگی که سرت به دفعات از آن در مناطقی دورافتاده در پرو، بغداد و کمبریج ماساچوست، استفاده سرشاری برده است. وی از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۹ استاد معماری و مسئول مدرسه عالی طراحی در دانشگاه هاروارد بود و هنوز یک دفتر مهندسی نیز در کمبریج دارد.

خوزه لوئیس سرت در بارسلونای اسپانیا بدنیا آمد. بنظر میرسد علاقه و سرسپردگی وی به هنر، جزئی از میراث کاتالی وی است. یکی از اعضای خانواده وی از مشوقین آرشیستک آنتونی گاودی

بوده و عموی وی خوزه ماریا سرت نیز نقاش بود که بعلت کشیدن نقاشیهای دیواری نمای ورودی ساختمان RCA در مرکز راکفلر نیویورک مشهور شد. خوزه لوئیس سرت نیز حیات هنری خود را نخست به عنوان یک نقاش آغاز کرد. نقاشی که تمایل به تجسم ستایش همیشگی خود از رابطه بین معماری و هنرهای بصری یعنی نقاشی و مجسمه‌سازی داشت.

در خلال سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۸ سرت به عنوان دانشجوی مدرسه عالی معماری بارسلونا، با مفاهیم اجتماعی و زیباشناسی آشنا شد. وی در یک جنبش اعتراض آمیز دانشجویی علیه روش تعلیم هنرهای زیبا که مسئله مسکن و نیازهای معماری گروهی ناشی از مشکلات صنعتی شدن بعد از جنگ جهانی اول را نادیده می‌گرفت شرکت کرد. در جریان مسافرت کوتاهی به پاریس در سال ۱۹۲۶، وی فرصت یافت تا کتابهای اولیه آرشیستک سوئیسی، لوکور بوزیه را که در فرانسه زندگی میکرد، مطالعه کند. او تحت تأثیر ایده‌های جسورانه لوکور بوزیه در کتابهای «بسوی یک معماری جدید» و «محیط شهری» قرار گرفت و کتابها را با خود به بارسلونا برد. در آنجا وی و دوستانش در آکادمی تحت تأثیر مطالب کتابها، تلاش همگانی برای پیشبرد معماری معاصر را آغاز کردند. نتیجه تلاش آنان برگزاری نمایشگاه سال ۱۹۲۹ در بارسلونا بود که نمایشگر نقشه‌های یک مجموعه تفریحی در «کوستا براوا» بود، پروژه‌ای که نشان‌دهنده علاقه سرت، هم به طراحی محوطه و هم متحد کردن معماری و هنرهای بصری بود.

لوکور بوزیه سال ۱۹۲۷ به دعوت سرت و دوستان همکلاستر برای سخنرانی درباره تئوریهای خود در موزد ساختن «شهر فردا» به بارسلونا آمد. یکی دو سال بعد،

سرت بعد از اتمام تحصیلات خود در آکادمی و دریافت فوق لیسانس به پاریس رفت و در آنجا به یک گروه بین‌المللی از آرشیستک‌های تجربی که در آتلیه لوکور بوزیه گرد آمده بودند، پیوست. وی در آنجا تحت نظارت لوکور بوزیه و پسرعمویش پیر ژانرت بکار روی مرحله دوم طرح ساختمان «تشیکیلات بین‌المللی» پرداخت. وی عصرها به کافه‌ای می‌رفت و با هنرمندانی که دوستان همیشگی وی بودند درباره قوانین جدید زیباشناسی به بحث می‌پرداخت. هنرمندانی مانند فرناند لژه، الکساندر کالدرو و هومونان کاتالی خود، خوان میرو و یابلو پیکاسو.

در ضمن سرت سال ۱۹۲۹ یک دفتر مهندسی در بارسلونا دایر کرد و گروهی مرکب از آرشیستک‌های محلی تشکیل داد که بزودی به عضویت کنسروه‌های بین‌المللی معماری مدرن (CIAM) درآمدند. وی همچنین در سال ۱۹۲۹ برای بار نخست در یکی از جلسات کنگرس معماری مدرن (دومین اجلاس) در فرانکفورت شرکت کرد. در این کنگرس افرادی مانند والتر گروپیوس و آلوار آتو شرکت داشتند. سرت تحت تأثیر مبادله ایده‌های پویا با همکارانش در جنبش انتشار اصول آوانگارد (پیشرو) این سازمان بلند پرواز، فعالانه شرکت کرد و از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ (آخرین اجلاس کنگرس) رئیس سازمان بود. گروه بارسلونایی سرت نیز قسمتی از انجمن آرشیستک‌های اسپانیا بود که مانند CIAM مدافع نقش مهم آرشیستک در شهرسازی و تجدید و احیای محیط شهری بود. قسمتی از اصول معماری که Knud Bastlund در کتاب خود بنام خوزه لوئیس سرت (۱۹۶۷) آورده، چنین است:

«بایه برنامه‌ای که گروه بوسیله هماهنگ کردن تلاشها و تشویق کار دسته‌جمعی، مصمم به

«سرت قدرتی فوق العاده در کار کردن با هنرمندان و صنعتگران متلون المزاج دارد.»

علاقه و سرسپردگی این معمار به هنر، جزئی از میراث
کاتالی وی است

در کارهای سرت، زمینه‌ی فرهنگی اسپانیا درخشش
شگرفی دارد

سرت، آرشیتکت اسپانیایی که به تابعیت آمریکا درآمد

علمی، اجتماعی و صنعتی طرح شده
است.»

در پروژه دیگری برای شهر
Chimbote در یک ناحیه متروک
ساحلی در پرو سرت و همکارانش
از طرحی شامل یک سری
خانه‌های پاسیودار در اندازه‌های
مختلف از یک خانه کوچک خانواده
تا ساختمانهای مرکز شهر، استفاده
کرد. طرحهای این شهر که در سال
۱۹۴۸ آماده شد، از آن زمان
تاکنون در بسیاری از کشورهای
در حال توسعه آسیایی و آفریقایی
پیاده شده است. این نوع خانه‌های
پاسیودار در یک محوطه باز، یکی
دیگر از مشخصات معماری
مدیترانه‌ای سرت است. البته وی
اولین آرشیتکت مدرنی نیست که
به این نوع خانه سازی علاقه نشان
داده است بلکه اولین شخصی
است که این فرم را با احتیاجات
امروزی زندگی تطبیق داد.

والتر گروپوس با طرح ساختمان
Harvard Graduate Center در سال
۱۹۴۹ طراحی برای خوابگاههای
دانشجویی را از سبک جورجیایی
بیرون آورد. و بسوی طراحی آزاد
کشانده. به دنبال گروپوس،
سرت نیز در طرح ساختمان
Peabody Terrace برای دانشجویان
متأهل، از این روش استفاده کرد
و مجموعه‌ای شامل ۵۰۰ دستگاه
آپارتمان در داخل بافت شهری
بوجود آورد. این ساختمان به سال
۱۹۶۴ پایان گرفت. سرت در این
ساختمان که به دریافت یک جایزه
افتخار از طرف انجمن آرشیتکت‌های
آمریکا نائل شد، به طرز قابل
قبولی یکی از پیچیده‌ترین مشکلات
معماری مدرن را حل کرده است و
آن ترکیب مجموعه‌ای از ساختمانهای
کم ارتفاع و ساختمانهای مرتفع،
بدون متوسل شدن به پلکانهای
پیچیده و آسانسورهای غیر اقتصادی
است. سرت ساختمانها را بوسیله
دو پل به یکدیگر متصل کرد و

سرنگون شده. دولت جمهوری در
۱۹۳۹، وی رهسپار آمریکا شد.
س - گیدیون در مقدمه‌ای بر کتاب
نوشته شده بوسیله (Bastlund)
چنین نوشته است: «سرت یکی از
بزرگترین کسانی است که روحیه
مدیترانه‌ای را در معماری وارد کرده
است.» نفوذ فرهنگ مدیترانه‌ای در
کارهای شهرسازی مختلفی که سرت
پس از ترک اسپانیا در شهرهای
آمریکای جنوبی انجام داده است،
کاملاً نمایان است. وی با همکاری
پل لستروئین و پل شولتز یک سری
ماستر پلان و نقشه‌های تفصیلی
مختلف برای آمریکای مرکزی و
جنوبی طراحی کرد تا بگفته خویش،
«رابطه نزدیکتری بین مردم و ساختمان-
ها ایجاد کند.»

سرت و همکارانش قبل از
طرح نقشه، محل را کاملاً بازدید
می‌کردند و دقت زیادی در اجتناب
از بین بردن ترکیب طبیعی محل
مینمودند. امری که بارها در بسیاری
از پروژه‌های آمریکای جنوبی اتفاق
افتاده بود. مثلاً از رشته کوهها
بعنوان منظره و دورنما برای شهرها
استفاده می‌کردند که انتهای آنها
بن بست بود. قسمتهای مختلف شهر
هیچ یک دارای مرکزیت نبوده و
دارای کلیساها، امکانات خرید،
کتابخانه‌ها، تاترها، و زمینهای بازی
بود.

یکی از اولین مشتریان شرکت
سرت و همکارانش دولت برزیل بود
که قرارداد طرح یک شهر جدید
برای ۲۵۰۰۰ نفر بنام «شهر
موتورها» در قسمتی از یک جنگل
پاک شده در بیست و پنج مایلی
ریودوژانیرو را با آنها منعقد کرد.
نقشه‌های تهیه شده شامل دو کارخانه،
مزارع مدرن، محوطه‌های تفریحی و
اقامتگاهها بود. زمان بنای شهر ده
سال پیش‌بینی شده بود. مجله‌ای
نوشت: «طراحان شهر ادعا میکنند
که این شهر اولین شهر کامل در
دنیا است که بر طبق اصول مدرن

اجرای آن است، آشتی دادن معماری
با حالت طبیعی آن در رابطه با
شرایط تکنیکی اجتماعی و اقتصادی
موجود است.» در ۱۴ آوریل ۱۹۳۱،
روز اعلام حکومت جمهوری اسپانیا،
گروه بارسلونا به اول سالن اجتماع
خود نقل مکان کرد. در ابتدا،
موفقیتهای گروه وابسته به دولت
جوان و بد اقبال اسپانیا بود که
مبادرت به انجام یک سری کارهای
عمومی در سراسر کشور کرد. تهیه
طرح توسعه بارسلونا یکی از طرح-
های بزرگ این گروه بود. در این
طرح سرت ابتدا با همکاری لوکور
بوزیه و ژانرت ماستر پلان^۲ را در
۱۹۳۲ در پاریس تهیه کرد و از
۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ طرحها و تحقیقاتی
در زمینه ریشه کن کردن و از بین
بردن کوچه‌ها و محلات کثیف و
قدیمی شهر با همکاری گروه
کاتالی انجام داد. در سال ۱۹۳۴
وی در یک برنامه طرح توسعه
بارسلونا، طرح یک مجموعه تفریحی
در نزدیکی این شهر را پیشنهاد
کرد.

در سال ۱۹۳۷ زمانیکه سرت
غرفه اسپانیا در نمایشگاه پاریس را
طرح کرد، کشورش گرفتار جنگهای
داخلی شد. این غرفه با استفاده از
قطعات پیش ساخته و یک اسکلت
فولادی رنگ شده ساخته شد و
بعلت داشتن دیوارهای متحرک، مکان
مناسبی برای نمایش عکسها، مجسمه-
ها و نقاشی‌هایی شد که نشان‌دهنده
تلاش مداوم مردم اسپانیا به جهانیان
بود. بعنوان مثال، تابلوی گورنیکو
(Guernica) اثر پیکاسو و تابلوی
«شورش روستایی کاتالی» کار میرو،
از جمله نقاشیهایی بود که سرت
برای آنها مکان بخصوصی طراحی
کرد. در ژوئن سال ۱۹۳۶ زمان
پایان جنگ داخلی اسپانیا سرت با
پایان ساختمان Casa Bloc یک مجموعه
مسکونی با ۲۰۰ خانه و تجهیزات
اجتماعی در بارسلونا، به یک مرحله
از کارهای خود پایان داد. با

طراحی متراکم برای ساختمان دوری



JOSE
LUIS
SERT



شد.

و کتابخانه موزه هنری Fogg شرکت داشت. یکی دیگر از کارهای جالب سرت در کمبریج، ساختمان خانه مسکونی خود وی است که در سال ۱۹۵۸ زمینش را از دانشگاه هاروارد اجاره کرد. «حد اکثر انزوا در حداقل فضا»، توصیف مختصر و مفیدی از این خانه است که توسط مجله‌ای انتشار یافت. وی در طرح این خانه، از سبک خانه‌های حیاط‌دار استفاده کرد و با هوای سردتر کمبریج تطبیق داد و خانه‌ای ساده بوجود آورد که با وجود قرار داشتن در یک منطقه پرجمعیت، افراد خانه بتوانند از فضای خصوصی و درختان بهره ببرند. نرده‌های جالبی که پیرامون خانه کار گذاشته شده در هر سو، یک حیاط (پاسیو) ثانوی ایجاد میکنند. اتاقهای نشیمن، ناهارخوری، خواب و آشپزخانه در اطراف یک پاسیو سوم ایجاد شده است. خانه دارای پنجره‌های نقاشی شده مشرف به باغ‌هایی با مجسمه‌های متعدد است.

در همین زمان، سرت کار طراحی یک سری ساختمان در سواحل مدیترانه را آغاز کرد آنگاه قراردادی با وی برای ساختمان یک موزه برای بنیاد «مکتب» بر فراز تپه‌ای پوشیده از کاج منعقد گردید. ترکیب عناصر معماری سنتی و مدرن در این موزه چنان ماهرانه است که محیط، هماهنگی فوق‌العاده‌ای با آثار به نمایش درآمده دارد. سرت در سال ۱۹۶۹ کلیه کارهای خود را در هاروارد ترک کرد، و در سال بعد به عنوان پروفیسور معماری بنیاد یادبود توماس جفرسون در دانشگاه ویرجینیا مشغول تدریس

روحیه مدیترانه‌ای سرت به مقدار زیادی توسط محیط کاتالی، که همسر وی رامونالونگاس در اطراف وی بوجود آورد، تقویت شده است. سرت در سال ۱۹۵۱ به تابعیت آمریکا درآمد. مشهور است او قدرتی فوق‌العاده در کار کردن با هنرمندان و صنعتگران متلون-المزاج دارد و مردی است ماهر، مهربان که رفتارش نیز مانند ظاهرش بسیار بی‌تکلف و ساده است. وی درباره کار خود بسیار دقیق و در ضمن بدون تعصب است و با اینکه بر آسمانخراشهای فولادی و شیشه‌ای صحنه میگذارد، بخاطر زنده کردن دیوارهای نقش‌دار به منظور از بین بردن نظم یکنواخت و یک سطحی خسته‌کننده برجهای شیشه‌ای مشهور است. او می‌گوید: «ما امروزه احتیاج به مصالح و فرمهای دیگری داریم. چیزیکه در کیفیت بتوان آنها با گنبدها و طاقهای دوران گذشته مقایسه کرد.

۱- کاتال منسوب به کاتالونیا که از قسمت‌های قدیمی کشور اسپانیا است.

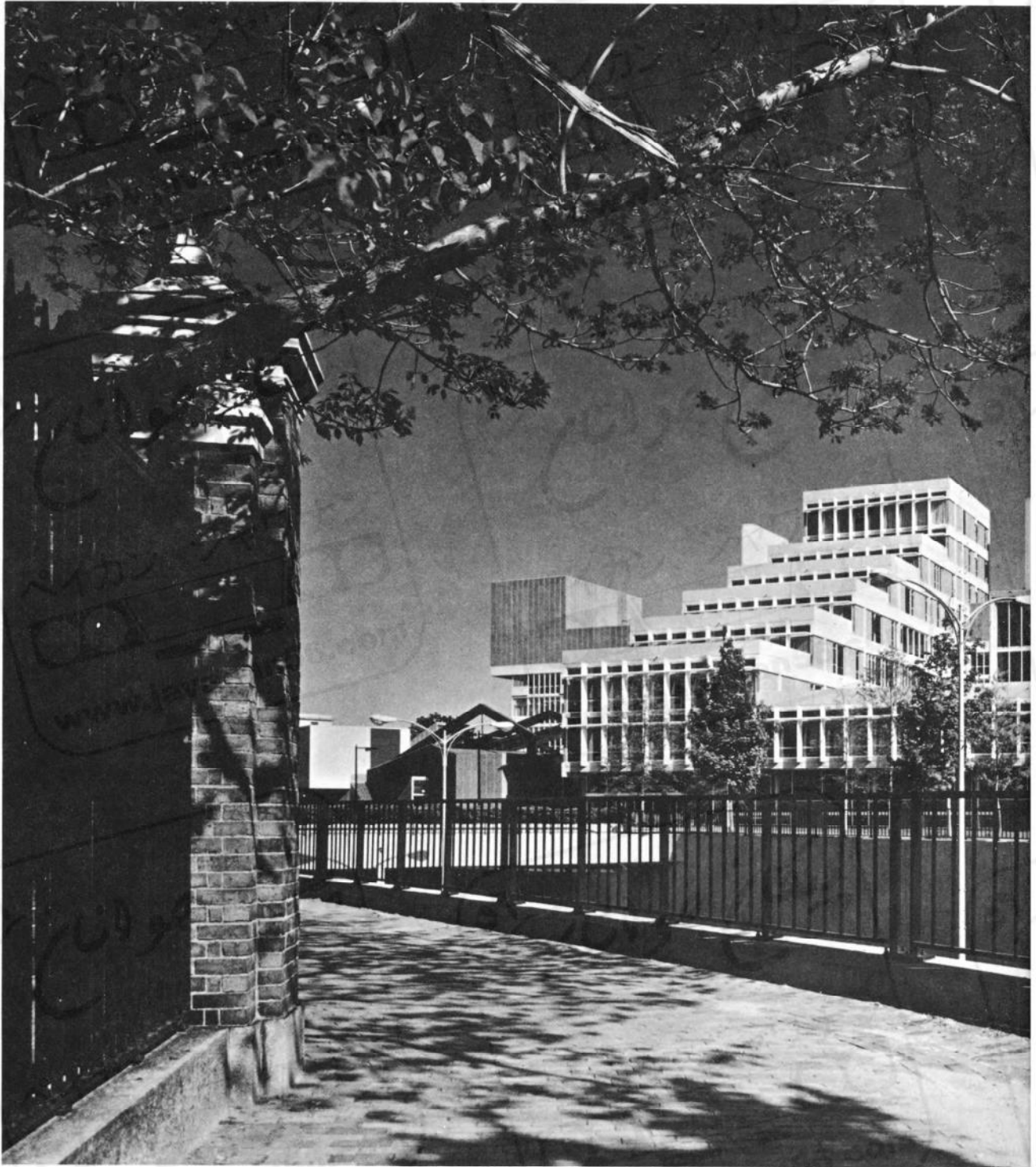
۲- A League of Nations
۳- ماستریلان: نقشه کلی شهر یا طرح جامع شهر

یک سری آپارتمانهای مجاور هم در داخل برجهای ۲۲ طبقه‌ای طرح نمود که در هر سه طبقه دارای آسانسور است.

سرت همچنین در هاروارد، در طرح مرکز Holyoke که مرکزی برای مطالعه مذاهب مختلف بود،

لیسانس علوم دانشگاه هاروارد

رعایت مقیاس انسانی در ساختمان جدید دانشکده علوم دانشگاه هاروارد



دانشگاه هاروارد

Jose Luis Sert



از يك شهر مدرن در آورد. يك محوطه دانشگاهی، يك مركز فرهنگي دريك شهر است و باید نمونه يك طراحی خوب برای شهر باشد. به عبارت دیگر يك محوطه دانشگاهی يك شهر کوچک است و مدنیت آن نمونه‌ای از يك روش بهتر و تمدن‌تر برای زندگی است.

- خوزه لوئیس سرت -

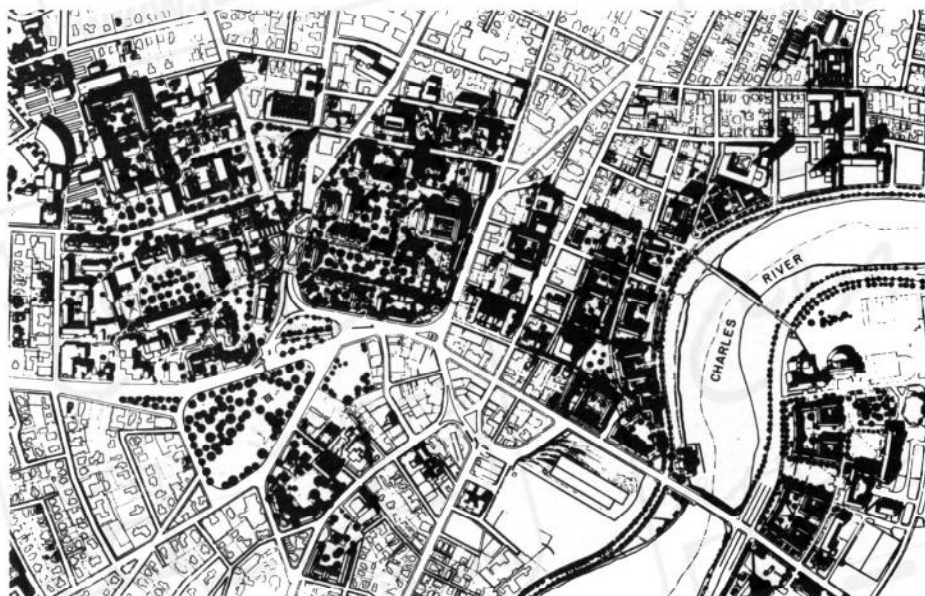
● مبارزه ایجاد و ترکیبات ساختمان ۱۵/۰۶ میلیون دلاری مرکز دوره لیسانس علوم با دستگاه آب سردکن ۵/۳ میلیون دلاری خود، قسمت عظیمی از محوطه دانشگاهی هاروارد را تشکیل میدهد. چنانچه درسایت‌پلان دیده میشود، منطقه شمال هاروارد را اشغال کرده و مساحتی بالغ بر ۲۹۱۰۰۰ فوت مربع را در برمیگیرد که شامل تجهیزات مختلف برای رشته‌های شیمی، بیولوژی، زمین شناسی، فیزیک، ریاضیات، نجوم و مکانیک

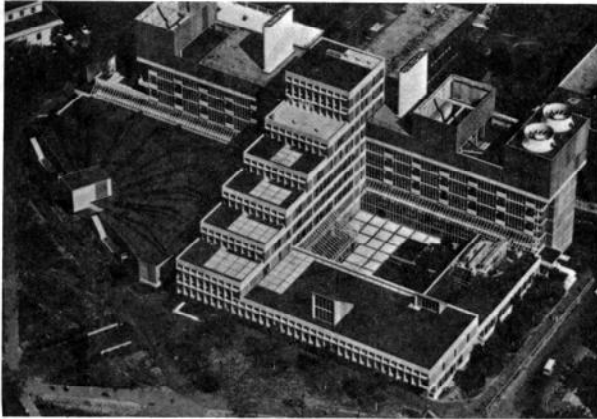
شهری و منطقه‌ای پیش بینی میشد عرضه کرد. هدف این طرح، استفاده کامل (در زمینه حجم و تراکم ساختمانی) از زمینهای قابل استفاده هاروارد و در عین حال تأکید روی تداوم و پیوستگی مجموعه فضای آزاد حیاطها، پیاده روها و ارتباط آنها با شیوه فضای آزاد کمبریج و بستن بود. در آن زمان خوزه لوئیس سرت رئیس مدرسه عالی طراحی، استاد معماری و مشاور دفتر طرح نقشه دانشگاه بود. وی بزودی شروع طرح يك سری ساختمانهای اصلی برای هاروارد بر اساس فهرست سال ۱۹۶۰ را آغاز کرد. مرکز دوره لیسانس علوم آخرین ساختمان از این سری است که بوسیله سرت، جاکسون و شرکا ساخته شده و مانند ساختمانهای قبلی محکم و استوار است. در اینجا نیز سرت بطور دقیق و منطقی از ایده‌های مورد علاقه خود استفاده کرده است و یکبار دیگر فرصتی بدست آورده است تا قسمتی از محوطه دانشگاهی هاروارد را به شکل تصور خود

در آوریل ۱۹۵۹ بولتن Harvard Alumni، دانشگاه و شهر کمبریج را به کند بودن حل مشکلات وعدم تمایل به قبول وضعیت منطقه مزبور متهم کرد:

«هاروارد بیشتر به عنوان يك كالج مسكونی شمرده می‌شود بیشتر شبیه دانشگاههای «پرینستون» و «هارموت» میباشد تا کلمبیا و شیکاگو. البته این مسئله قابل درك است اما هاروارد يك دانشگاه منطقه‌ای است که درست در قلب يك نقطه شلوغ شهر قرار گرفته است. از طرف دیگر، بسیاری از اهالی کمبریج، کمبریج را يك شهر بحساب نمی‌آورند. به نظر آنها کمبریج شبیه به «پرینستون» یا «ویلیامز تاون» است تا «یوهیون» یا «مورنینگ ساید هایتس». این مسئله قابل درك است اما درست نیست. کمبریج يك قسمت فعال از شهر «بستن» است.....»

دفتر طرح نقشه دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۰ فهرستی از نقشه‌هایی که در آنها باید برای اولین بار رشد آینده هاروارد در محدوده





آورده‌اند. در رابطه با ساختمانهای مجاور، پارک به یک محوطه چهار- گوش ختم میشود نه یک فضای باز بی‌شکل.

● **اختراع یک شیوه پیش- ساخته به منظور تسریع در ساختمان**
سرت همواره به روش‌های ساختمانی سریع علاقمند بوده‌است و در مورد ساختمان مرکز علوم، این علاقه مصادف با میل دانشگاه به اتمام سریع ساختمان شد. قسمت آزمایشگاهها کاملاً پیش‌ساخته‌است و سه فوت و ۸ اینچ ارتفاع دارد و دارای تیرهای حمل بتنی بطول ۶۰ فوت با سوراخهایی برای عبور لوله‌ها و غیره است که دهانه‌های بین‌ستون- های نردبانی یک طرف ساختمان و

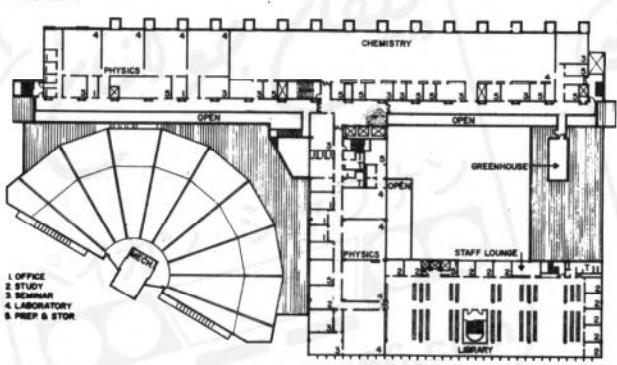
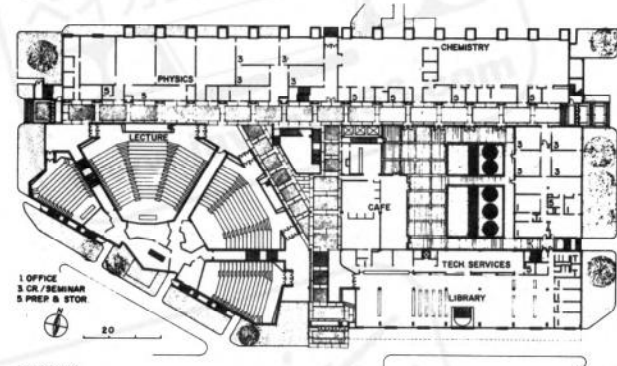
دریایی، آویخته است. کلاسهای درس بخش ریاضیات در یک سری اتاقهای ردیفی در امتداد پشت پام کتابخانه سه طبقه قرار گرفته‌اند. کتابخانه به شکلی متناسب با ساختمان- های یاد که در امتداد پارک قرار دارد، طرح‌ریزی شده است. قسمت آزمایشگاهها با برجهای خنک‌کننده در پشت‌بام و مجراهای خروج بخار، بیشترین ارتفاع و جثه را دارا بوده و طبعا در قسمت عقب‌تری قرار گرفته است. در داخل مجموعه، حیاط کوچکی قرار دارد که در یک ضلع آن قسمت کم ارتفاع اداری قرار گرفته است. قسمتهای کم ارتفاع‌تر ساختمان مرکز علوم مرز مشخصی برای پارک کوچک بوجود

و دارای چهار سالن کنفرانس بزرگ، یک کافه تریا، سه کتاب- خانه و دفاتر اداری است. دستگاه آب‌سردکن که ساختمانهای اطراف را نیز مشروب میکند، فضایی معادل ۵۸۰۰۰ فوت مربع را اشغال کرده است.

● **توسعه محل**
دفتر طرح نقشه هاروارد، قبل از آغاز ساختمان مرکز علوم توصیه کرد که دانشگاه با موافقت شهیر کمبریج، قسمتی از خیابان کمبریج را به شکل یک گذرگاه زیر زمینی برای وسایل نقلیه در آورد. و روی آن نیز یک پارک ایجاد کند. زمین اضافی مورد نیاز بوسیله از بین بردن قطعه دو خیابان تأمین شد و حتی مهمتر از آن، با از بین بردن جاده، پیاده روی بین قسمت شمالی محوطه و یارد هاروارد بوجود آمد.

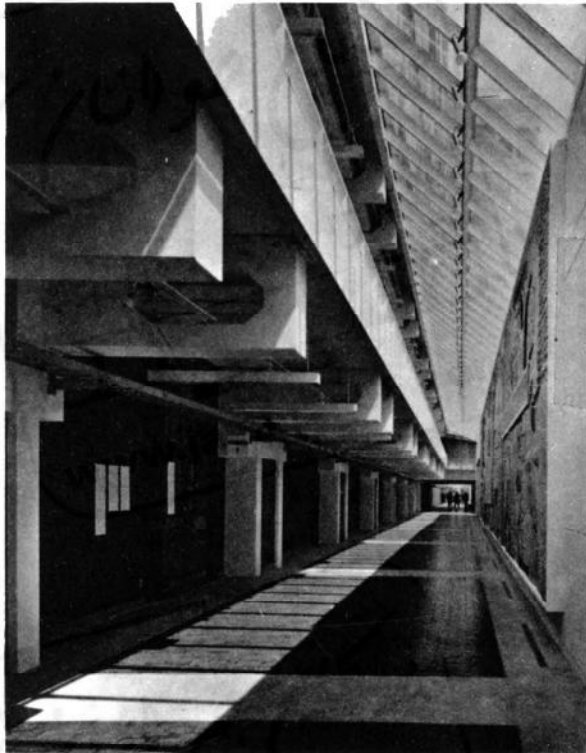
این ارتباط در عکس شماره یک که از میان یکی از درهای ورودی گرفته شده است، دیده میشود. چنانچه در پلان محوطه‌ای هاروارد دیده میشود (شکل یک)، این پارک کوچک شبکه پیاده روی، حیاطها و فضاهای آزاد را بسوی شمال از مدرسه علوم اداری هاروارد در عرض رودخانه چارلز و ساختمان Holyoke Center بطرف ورودی اصلی مرکز علوم توسعه داده‌است.

ارزشهای معماری سرت، سیرکو - لاسیون در درجه اول قرار دارد، چندان تعجب آور نیست که در ساختمان مرکز علوم، دو راهروی داخلی با نور طبیعی و عمود بر یکدیگر، طراحی شده است که یکی بسوی شمال غربی و دیگری بسمت شمالی شرقی است که بتدریج به شبکه پیاده‌روها متصل میشود. انکشتان سبزی که در محوطه بین رصدخانه هاروارد و مدرسه علوم الهی توسعه می‌یابد با وجود آوردن شبکه (منظور شبکه پیاده‌روهاست) شکل پیاده‌روها به عنوان زمینه اصلی، سرت و گروهش شروع به مرتب کردن قسمتهای (المانهای) خواسته شده در برنامه کردند. از آنجائی که سرت از حل معماهای پیچیده فونکسیونال (عملی) فضایی لذت میبرد، سرانجام راه حلی نیز برای حل مشکلات دستگاه آب - سردکن پیدا کرد. مهمترین مشکل برای وی این بود که ساختمان از نظر حجم بسیار عظیم میشود. چگونه می- شد آنرا متراکم و به اندازه‌ای در آورد تا متناسب با ساختمانهای یاد و مردمی که از آنها استفاده میکنند باشد؟



آرشیتهکتها تصمیم گرفتند که تراکم حجمی ساختمان در قسمت مشرف به یارد و پارک کوچک جدید کمتر حد ممکن باشد. سالن کنفرانس به شکل محوری بین خیابان کمبریج و گوشه کناری محوطه ساخته‌شد و برای آنکه جثه ظاهری سالن کوچکتر شود، قسمت اعظم حجم در زیر زمین قرار گرفته و سقف نیز از یک اسکلت فضای اکسپوز ساخته شده از فولاد و کاپلهای

تقویت شبکه ارتباطی و السانی نمودن اندازه‌ها
سرت همواره تأکید کرده است که در تمام بناهای بشری، شبکه و شکل راههای ارتباطی (سیرکولاسیون) از بقیه اجزاء، قدمت بیشتری دارد. در طول زمان ساختمانها از بین رفته و یا مورد استفاده آنها تغییر میکند. یک شبکه ردهاها میتواند تبدیل به یک سری خیابان



ستونهای U شکل بتنی طرف دیگر را میپوشانند. تیرهایی که حدود ۷ فوت در بالای کریدور پیش آمده‌اند، بصورت دابل (با فاصله ۷ فوت از یکدیگر) و در فواصل ۲۴ فوتی از یکدیگر قرار گرفته‌اند. به علل اقتصادی تمام تیرها یک شکل ساخته شده و بنابراین دارای حداکثر مجراهای مجاز از نظر ساختمانی میباشد که البته در بعضی موارد تعدادی از مجراها مورد استفاده‌ای ندارند.

مرکز علوم شامل پنج قسمت اصلی است: آزمایشگاه در قسمت عقب، کلاسهای شش ردیفه بخش ریاضیات، کتابخانه سه طبقه و ساختمان یک طبقه امور اداری، قسمتهای کم ارتفاع تر مشرف به هاروارد یارد و پارک جدید میباشد. اسکلت فولادی و کاپلهای فضایی، سقف پنجه شکل سالن کنفرانس را تقویت می‌کنند.

شکل ۶

ایماد پنجره‌ها و قطعات دیوارها براساس یک مدول است و سیستم اسکلتی کاملا اعمال شده است. نقش برجسته دیوار از ماسه و کار «کنستاتینو نیولا» است که به دانشگاه هاروارد اهدا شده است. این نقش برجسته در اصل برای یک نمایشگاه در نیویورک ساخته شده است اما اکنون جلوه بسیاری در هاروارد دارد.

شکلهای ۷ و ۸ - کافه تریای محصور با شیشه (شکل ۷) درآمدی یکی از دو کریدور اصلی قرار گرفته و چشم انداز آنرا حیاط کوچکی تشکیل می‌دهد.

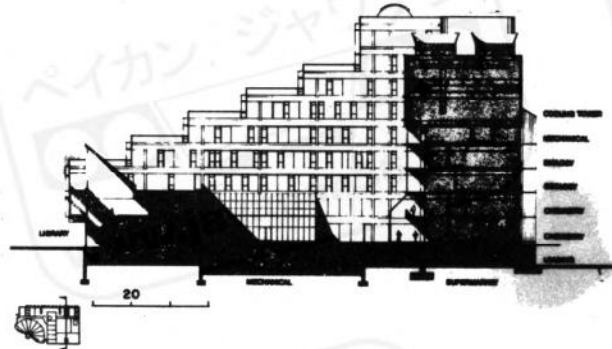
شکل ۸ سالن بزرگ کنفرانس یکی از چهار قسمت مجموعه است.

شکل‌های ۹ و ۱۰ - پلانک اصلی در محل تقاطع دو کریدور اصلی یا عبارتی خیابانهای داخلی قرار گرفته است و دارای محور زیبا و شاعرانه طبیعی است که طبقه اصلی را به سوپرمارکت و دیگر سرویسهای واقع در زیرزمین مربوط میکند.

ستونهای نردبانی به ارتفاع سه طبقه، در هر طبقه دارای مفصلی برای اتصال تیرهای سقف میباشد. بار وارده ناشی از باد در قسمت آزمایشگاهها کاملا بوسیله ستونهای بتنی U شکل خنثی شده و هیچ گونه چهارچوب دیگری بکار نرفته است.

آزمایشگاه مرکز علوم دارای ۱۵ ستون مکانیکی به سطح مقطع ۶ فوت در ۸ فوت و در فواصل ۲۴ فوتی از یکدیگر بوده و از زیر زمین تا اتاق تاسیسات ادامه پیدا میکنند. این ستونها اصولا برای مجراهای دودکش خروج بخارات میباشد اما شامل لوله کشی و سیم کشی برق نیز میباشد. اسکلت ساختمان ۶۰ فوت در ۴۰۰ فوتی آزمایشگاه به علت انتخاب سیستم اسکلت پیش ساخته، در عرض هفت ماه برپا شد. از بتن پیش ریخته در تمام قسمتها بجز سالن کنفرانس که دارای اسکلت فولادی است و اسکلت‌های تقویتی برجهای خنک کننده پشت‌بام که از بتن در محل ریخته ساخته شده است، بکار رفته است.

در تمام مجموعه، اجزاء اسکلتی بتنی بصورت اکسپوز (لخت) از خارج دیده میشوند. پانلهای (دیوارهای) تکمیل کننده همه از بتن پیش ساخته با نمای بتن اکسپوز با سایه بنفش رنگ است که معمولا فقط در بتن پی‌سازی بکار میرود. در پنجره‌های آلومینیومی از شیشه‌های بیرنگ و خاکستری، هر دو استفاده شده است. سایبانهای نمای جنوبی ساختمان که





همراه با فعالیت‌های رسمی و محدودیت‌های وابسته به برنامه کار دومین کنگره بین‌المللی معماری، بنظر رسید کوشش برای بمیان‌گذاشتن آندسته از مسائل روز که هم جهانی هستند و هم موضعی... بتواند مفید واقع گردد. بدین منظوو مطالبی را با سه نفر از مهمانان خارجی کنگره شیراز مورد بحث قرار دادیم و پس از بررسی مکالمات، این برداشت را کردیم که معرفی بیشتر پاره‌ای از ویژگی‌های محیط علمی، حرفه‌ای ما میتواند مثمر باشد. گفتاری نیز، در رابطه با محدودیت فضائی و یک برداشت انتقادی از کنگره فوق‌الذکر برای بحث عرضه کرده‌ایم به این امید که، در فضای زمانی بین کنگره دوم و کنگره سوم، از سکوت و عدم مشارکت مستقیم خود در آنچه فقط به خود ما مربوط است کاسته باشیم.

داراب دنیا - سینا ریحانی - محمدمنصور فلامکی
تهران اردیبهشت پنجاه و چهار

پیکان جوانان
www.javanan56.com

آنتدرگلن چینی که قادر به نگرش پایش نشا

جستجو در بین خطوطی که مطالب گفته شده کنگره را دربر میگیرند کاریست سرگرم کننده و مفید.

وجود تضاد در روش پندار به مسائل واحد در زمینه فضای ساخته شده نزد آنانکه با گفته‌ها و نوشته‌های خود به کنگره کمک کرده‌اند علامتست از غنای محصول کنگره و، ناهمکن بودن آنچه معماران عادت به یافتن و پرداختنش در حیطه حرفه خویش دارند، مجموعه‌ایست «سرگرم» کننده. سرگرم شدن با مطالبی که، بعنوان انعکاس از تفکر فردی شرکت کنندگان در کنگره، هر یک به راه خود رفته ضمن گسسته بودن از مآخذهای علمی و فرهنگ زنده دیروز نمایانگر ریشه‌های فکری خاصی نیز هستند که هنوز چهارچوب ایدئولوژیک خود را تعیین نکرده‌اند... فرصتی است بسیار گرانبها برای آنانکه، فارغ از گرمی و رونق استثنائی در کار حرفه‌ای امروز، به بررسی، تنظیم و بهم بافتن مجموعه صحبت‌های کنگره دوم می‌نشینند.

از راه بررسی شهر ایدالی که امروزه در کنجی از کشور پهناور «پیونگ» ساخته میشود، بیاد آنچه در حدود یکصد و پنجاه سال پیش در همین سرزمین اتفاق افتاد میافتیم و سعی میکنیم یکبار دیگر فرهنگ پر تحرك قرون هجدهم و نوزدهم اروپای مرکز را از راه نظریات «اوپویست» های این دوران درخشان که به زبان ما، معمارها - شهرسازها نیز سخن گفته‌اند در خاطر خود زنده کنیم. ضمن کنار هم قراردادن تصویر شهر پیشروی امروز، شهری که یک متفکر ایتالیائی امروز در امریکای امروز میسازد، با تصویر شهر پیشروی دیروز که یک متفکر انگلیسی در امریکای دیروز میساخت و تصویر شهرهای «۱»، «۲»، «۳»... صد هزاره نفری که ما امروز مشغول ساختن هستیم، گرفتار از هم گسیختگی منطوقها و تجربه‌ها بشویم: ژرفای زمان بعدها مختلف فرهنگی انسانی، بازرگانی، فنی، تاریخی، اجتماعی،... شهرسازی را بیشتر بیاد ما میآورد و بیش از هر چیز، با توجه به موقعیت جغرافیائی کشور خویش، نمیتوانیم در مقابل تصویر شهری که یک متفکر فرانسوی همین روزها در کشور همجوار ما ساخته بی تفاوت بناییم و در ذهن خود، برای دسترسی به حقیقی در این باره، تلاش ما را «سرگرم» میکند.

اگر این سرگرمی بخواهد حالتی سازنده بخود بکورد و در پی تعهدی مشخص در قبال مسائل مملکتی به اظهار نظر و تعیین راه بردارد... بحق از فضای کنگره خارج میشویم و این امر شهرسازی خود و روابطش با فرهنگ اروپا - امریکا متوسل میگردیم؛ ولی بحث چنین نکته‌ای بدلیل بمیان کشاندن مسائل حادی در زمینه فرهنگ معماری و شهرسازی امروز ایران، احتیاج به فضائی دیگر دارد.

اگر کنکاش خود را برای سرگرم شدن دنبال کنیم، موضوعات زیادی را پیدا میکنیم. در تأیید اینکه محصولات کنگره دوم معماری

سرگرم کننده هستند و در هر حال میتوانند تعزیه دهند خوبی برای علاقمندان باشند، لازم است به دو نکته دیگر اشاره گردد و اما درباره بحث دوم صحبت کوتاه ما، یعنی عنوان «مفید بودن» کار کنگره را دنبال کنیم. آنگاه که طی ارائه صحبتی علمی و در رابطه با مسائل زنده روز، قادر به آن نباشیم که در داخل چهارچوب فکری خویش هم به بررسی عوامل بزرگ تعیین کننده شهر و معماری آن بپردازیم و هم ظرافت‌های فرهنگی و انسانی موضوع را در همان جامعیت منعکس و معرفی کنیم بیه آن میروند که سخن ما بدون شنوده بماند و یا فقط بکار «سخنی فقط برای گفتن و مشارکتی فقط برای حضور یافتن»... بیاید که ما، در روزنامه خود در وصف خصائص غیرسازنده و کاذبش نوشتیم. اما با توجه به اهمیت موضوع در این باره میبایست به دو نقطه حرکت توجه داشت: اول اینکه در بین علاقمندان و محققین معمار شهرساز کسانی هستند که، در تمییز از تفکر و ذائقه یا سلیقه خویش، دوست دارند به مسائلی بپردازند که بیشتر به بحث آنها تمایل دارند. نقل قول و توجه دادن به مسائلی از قبیل مفهوم زمان و ویژگی‌های اندیشه پاره‌ای از ملل در این مقوله و تلاش در شناخت ربط آن با ساختمان‌هایی که نزد آن اقوام یافت میشود یا میشوند، همانند سعی در تویجه فلسفه و ایدئولوژی یک اثر نقاشی - آنگاه که از نقاشی مربوطه جز همان اثر چیزی برجای مانده تا رابطه‌های حقیقی وی را با محیط فرهنگی و رابطه انسانی زمانش بصورتی مستند روشنتر باشد - عملی است که در صورت موفق بودن در نفس خود قابل تقدیر بوده و قدمی خواهد بود مثبت در راه شناخت خصائص فرهنگی کشوری که از آن صحبت میشود.

درباره این مطلب اول یادآوری این نکته لازمست که شاید نه نویسندگان و محققین بلکه دانشمندان مجامع علمی و فرهنگی میبایست چاره‌ای بیابندیشند تا آثار تحقیقاتی در جو مناسبی برای تبادل نظر و بحث علمی قرائده شود تا هر مطلبی کنار هر سخنی دیگر گرفتار نیاید و بلا تکلیف نماند. گفتن این هم لازمست که، هر آینه عنوان کردن موضوعی خاص در شرایطی صورت نگیرد که فرصت اظهار نظر بین همگان میسر افتد و یا هرگاه مطلب عنوان شده با شاخص‌ها و چهارچوبی در دسترس دیگران قرارگیرد که گوینده را بصورت «متکلم وحده» درآورد بیه آن هست که آن سخن، به دلیل عمق بسیار داشتن، دور از مسأله واقعی و حقیقی مورد بحث بوده و یا بدلیل فاصله داشتن از نیت مجمع آنقدر بلندپرواز بنماید تا کسی را امکان دستیابی به آن نکرده.

اما مهمترین مسأله هنوز آنچه ذکر شد نیست: جامعه‌ایکه بدلیل خصائص تاریخی‌اش در مسیری پر تحرك قرار گرفته نمیتواند در اندیشش نماند و تا آنجا که میسر است به همه جوانب زندگی و فرهنگ خود نیاندیشد و فرصت و شرایط مساعد برای اندیشمندانش فراهم نیاورد. حال اگر هر سخن در جای معین خود قرار نگیرد و در مجمعی مطرح نکرده که قادر به بحث در اطرافش باشد از این راحتی هم برخوردار میشود که به هر شکل بخواهد تنظیم شود، از هر منبع و مآخذ که راحت تر باشد استفاده کند، از نظریات متضاد بپرهیزد، هر عنصر سازنده سخن با عناصر دیگر بگونه‌ای دلخواه پیوند گیرد... و در خاتمه سنتزی را ارائه دهد که فقط در راه «سرگرمی» حضار بکار افتد.

میبایست به خود حق دهیم تا صحت‌های ساخته و پرداخته شده بگونه فوق را یک «زیور فرهنگی» بنامیم نه یک محصول علمی و فرهنگی. مطلب اولی که گفتیم با مطلب دومین ما هم رابطه نیست: بدلائل خاصی منابع و ذخائر علمی در زمینه معماری کشور ما اندک بوده و یا عبارتی بهتر، هنوز میبایست برای ساخت آن قدم‌های اول را برداریم.

در شرایطی چنین، نه سخن‌های کلی و تأکیدهای تکراری و نه گفتارهای بدون ارتباط با آنچه معمارها - شهرسازها بخاطرش تلاش میکنند و بصورت روزمره برای دیگران میسازند. مشکل‌های موجود را نخواهند گشود: صحبت‌های کلی‌باف برای لخته کردن تحرك فکری بوده و سخن‌وری‌های حاشیه‌ای که با راحتی و در پی انتخاب‌های «شبه علمی» تنظیم شده‌اند تنها یک «زیور فرهنگی» هستند که فقط در کنار صحبت‌های کلی میتوانند نمودی آبی داشته باشند.

دومی که برای محصول کنگره یافتیم و در شروع صحبت عنوان کردیم «مفید» بودن آنست.

از بین مطالبی که درباره مجموعه مسائل معماری - شهرسازی در

رابطه با موقعیت خاصی تاریخی - اجتماعی ایران و صنعتی شدن تولیداتش گفته شده دوست داریم بیش از هر چیز به جمله‌ای اتکاء کنیم که با هیجانی خاص و در لحظه‌ای پر حرارت یکی از مهمانان کنکره گفت: جمله‌ای که در متن نوشته سخنرانش نبود و به خاطر محتوی انسانی‌اش توجه ما را به خود معطوف کرد.

آندر گل نجینیر که، قادر به نگهداریش نباشیم

«آندر گل نجینیر که قادر به نگهداریش نباشیم»

این گفته یازرب‌المللی است که از فرهنگ مردم هلند برمیخیزد و دقیقاً با توجه به آنچه این کشور در بحث بزرگ دست‌اندرکار بودن با طبیعت و با فضای ساخته شده، تدوین شده، آموخته شده و تجربه شده است میتواند یادآور ابعاد و مفاهیم خاصی باشد. معتقد شدم که شاید بی‌حاصل نباشد این «جمله» را بی‌گیری کنیم و از راه آن به مسائل خود برگردیم.

یادآوری مجدد این واقعیت لازم است: «نزد نسلی که انجم دگرگونی‌های بهبود بخشنده مهمی را به‌عهده گرفته» و در شرایطی که «شتاب خاص و تحرك پر دامنه‌ای جمیع پدیده‌های زندگی مردم این آب و خاک را در جهت‌ها و مسیرهای نوینی قرار داده»... بحث روی مسئولیت و وجدان حرفه‌ای هنوز پایان نیافته و، بخصوص با توجه به اینکه درست در دوره‌ای که «فرصت کمتری برای فکر کردن داشته و بیشتر وقت خود را برای کار کردن» اختصاص میدهم، هنوز میبایست در چهارچوبی فکری نظیر آنکه ما «قدیمی»‌اش میدانیم و اروپائیان آنرا به قرن نوزدهم خود نسبت میدهند و پشت سرش گذاشته شده‌اش... نماند... برگردیم.

برای تدوین این گزارش بصورتی که قابل عرضه کردن باشد وقت لازم بود تا از نظریات و اندیشه‌های متعدد افراد شرکت‌کننده در کنکره فاصله بگیریم و در برداشت از آنها دچار شتاب‌زدگی نشویم. تا چه اندازه در این نوشته موفق خواهیم بود، مطلبی است که در مراحل جواب‌های هم‌تراز نخواهد داشت. اما کشانده شدن بحث و تدوین نوشته «روزهای بعد از پنج‌شنبه «برفی» آذر، سبب شد تا در امر نگهداری گل-هائی که چیده‌ایم نگران شویم و به‌خود «گل»ها نیز بیندیشیم.

اگر سقفی فروزنیخته بود تا همه را هراسان کند و به‌تعمق وارداد شاید برقراری رابطه‌ای بین این سطرها و چشمانی که به‌خواندنش مشغولند با سهولت کمتری میسر میگردد: سقف هم به‌این خاطر فرو نریخت که بما هشدار دهد و ما را در مقابل مسئولیت‌های حرفه‌ایمان قرار دهد بلکه به‌این جهت برجای خود پایدار نماند که ما، در زمینه حراست و تأمین شرایط پایداریش، نتوانستیم از آن «نگهداری» کنیم.

اما موضوع اصلی صحبت ما فقط گل‌هائی نیستند که چیده‌ایم؛ توجه کنیم به آنچه از این پس میتوانیم بوجود آوریم.

شرایط عمومی روزی رشد و توسعه همه پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی کشور، در همه استان‌ها و منطقه‌های آن، با هیچ یک از مجموعه شرایط تحرك اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دوران‌های گذشته تاریخ ایران قابل غیاب نیست.

آبرسانی به‌نقاطی که تصورش نیز غیرممکن ننمود همانند تعمیم و گسترش آموزش در جهت برابری بخشیدن و هم‌تراز کردن فرهنگ و سوادآموزی در همین نقاط... بیش از دو نیاز بنیادی را جوابگوئی میکند. اما بینیم فرهنگ و حرفه ما معماری - شهرسازها چگونه با این امور شکل و جهت خود را مشخص کرده است: سواد آموزی مردم کشور از ایدئولوژی مین و روشنی بیروی میکند و رمز توفیق آن نیز نیرو گرفتن از همین ایدئولوژیست. اما آنگاه که شرایط سکنی یافتن و جایگزین شدن در شهرها و محلات نوینباد و احیا کردن منطقه‌های وسیع کشور، بدست متخصصین رشته‌های دیگر آماده میگردد، ما معماری - شهرسازها با چه ایدئولوژی و با چه هدفی کار خود را آغاز میکنیم؟ ما با هر «گلی» که خلق میکنیم، بدلیل دخالت مستقیم کردن روی شرایط محیط طبیعی

و محیط انسانی - فرهنگی موجود، از جامع محیط خود گلی دیگر چیده‌ایم.

تنها موقعی میتوانیم اولی را گل بخوایم که، بقیمت از بین بردن شرایط یا برهم زدن تعادل اکولوژیک - انسانی محیط، «گل» خود را بوجود نیآورده باشیم.

هنوز قبل از اینکه گلی زاده شود... میبایست به شرایط نگهداری و زنده نگهداشتنش فکر شود؛ قبل از اینکه مدرسه‌ای ساخته شود بافت فرهنگی محلش را باید شناخت و قبل از اینکه خانه یا شهری ساخته شود به شرایط خوی‌گیری مردم ساکنش میبایست اندیشید و به آنچه برای تغذیه و برای ادامه حیات در بستر منطقه‌ای مورد نیاز این محصول کالبدی است جوابگوئی کرد.

چه آنگاه در شهر قدیم در کار فضای ساخته شده مداخله میکنیم و کار کرد، کالبد و مفاهیمش را دگرگونی میبخشیم، چه زمانی که در گوشه و کنار شهر نوین فعالیت ساختمانی داریم و چه هنگام دخل و تصرف در بسترهای محیط طبیعی بکر مجموعه شرایط نوینی را بوجود میآوریم و یا با گذراندن شبکه‌های خدماتی منطقه‌ای به‌سرزمین مجاور و مابین شهرهای خود دگرگونی میبخشیم... در همه این موارد محصول عمل ما میبایست از پیش تکلیف خود را با محیط فرهنگی - انسانی و با محیط کالبدی - طبیعی نبوده و ما نیز در ساختن مدل‌ها و طرح‌های خود برای تصاحب و بنای فضای ساخته شده، از امکانات و تدابیر فرهنگی در رابطه با روابط اجتماعی خود استفاده میکنیم.

شاخص‌های تحرك اجتماعی - اقتصادی امروز ایران، در رابطه با ذخائر محیط اکولوژیک متغیر و غنی کشور، نویدبخش تحولات بزرگ‌ست: اگر محیط فرهنگی - انسانی خود را با همه عوامل ادبی، هنری و فنی‌اش از محیط کالبدی - طبیعی کشور برای لحظه‌ای جدا فرض کنیم و، برای تجسم و تصور بهتر جامع محیط خود درآینده، به‌نقش مجموعه وسائل و امکاناتی بنگریم که نیروی اقتصادی کشور در این دوران شکوفان بما عرضه کرده است، نمیتوانیم در مقابل ویژگی‌های کیفی مدل‌ها و طرح‌های خود، که با توسل به این امکانات عملی خواهند شد، بی‌تفاوت بمانیم.

همزمان با همکار مصری و ژاپنی خود، چه در جلسات اولین کنکره، چه طی کار سمپوزیم‌ها و چه در کنکره تخت‌چمشید همه گفته‌ایم که، در رابطه با نیازهای امروز برای ساکنین شهرها خانه‌ای بسازیم که آنان را ارضاء کند، به‌ترغیب و تحرك فکریشان کمک کند، معرف سلیقه و شخصیت تک‌تک آنان باشد، از تجربه روزمره دنیای معماری نوین برخوردار گردد و، همراه با بکار گرفتن فنون جدید در بناهایی که هم عمر و هم تاریخ با انسان هستند و زیستن در فضای مصنوع خود موفق شویم. همه گفته‌ایم که غور در ویژگی‌ها و مفاهیم سنت‌های محلی و ملی نمیبایست سبب پابندی و گرایش‌های افراطی شده و سبب آن گردد که فی‌الملل «کورتن وال» ایرانی، بسبک صفوی یا قاجار بسازیم؛ همه گفته‌ایم که آنچه ما امروز در تقلید از سبک‌هائی که معلوم نیست هرگز ولود داشته‌اند یا نه میسازیم... فقط بمعنای به‌مزاح کشاندن معماری گذشتگان نیست بلکه معماری خنده‌آور است که فردا بحساب معماری امروز ما گذاشته خواهد شد... همه تکرار کرده‌ایم که آنها که به‌ارزش ادبیات کهن ایران واقفند و به‌آن اشاره میدهند بیشتر مجبور به شناخت علمی و منظم ادبیات معماری این کشورند و بیشتر میبایست به‌تشخیص

مفاهیم شرق و غرب شهر خود بپردازند.

همه قبول داریم که اگر همراه با نیاز به تغییر و تحول‌های اجتماعی و فرهنگی در زمینه حرفه‌ای و فنی پیشرو نباشیم معدوم موجبات همان تغییر و تحولات خواهیم بود.

حال اگر در سه موردی که گفتیم، چه هنگام کار دریافت‌ها و معماری‌های قدیمی، چه در نوسازی‌ها و احداث بناها یا مجموعه‌های نوین‌باد و چه در بنای شهرها و شهرک‌های نوین و شبکه‌های خدماتی منطقه‌ای از راه فرهنگ و حرفه خود به‌همه مختصات محیطی دست نیابیم... «گلی» چیده‌ایم که نگهداریش را بدست اتفاق سپرده‌ایم. اگر، به تغییر صحیح‌تر ثروت فرهنگی ملی، یک بنای کهن را هم‌تراز با محوطه‌های غنی و زیبای طبیعت بدانیم، حال که از سواحل دریای خزر گل بسیار چیده‌ایم و برجای آن محصولات ساختمانی خود را با چهاردیوارپهای بلند قاب کرده‌ایم، با ظرفیتی کمتر به‌سراغ بناهای قدیمی خود برویم و بدلائل اداری قبل‌از شناخت وسیع علمی و بررسی همه راه‌های ممکن برای باززنده سازی آن‌ها تصمیمی شتابزده برایشان اتخاذ کنیم. باز گل‌های سرزمین کهن خود را بی‌زای گرفته‌ایم، گلی‌هایی که دیروز ما را به‌فردایمان پیوند می‌دهند.

اما، همه دعوتی که در جمله متن این نوشته به‌ظریف پنداشتن و به ظرافت‌ها رسیدن یافت میشود تنها یک طرف قضیه است. امروز، ازدیاد جمعیت شهرنشین در رابطه با بوجود آمدن مجتمع‌های تولید صنعتی، مکانیزه شدن کار زراعی و در حال گرایش‌های حاد «شهری» شدن، همراه با منبسط شدن حوزه‌های سکونتی شهرها چه به‌خاطر فعالیت‌های وقت آزاد و چه در پی تمایل به‌داشتن بیش از یک مسکن و مأوی برای پاره‌ای خانواده‌ها و بخصوص تغییر شکل شالوده خانواده قدیمی ایران و در نتیجه ازدیاد تعداد هسته‌های خانوادگی مطالبی هستند که هر دولتی را مجبور به‌اتخاذ تصمیم مبنی بر احداث فضای مسکونی برای جوابگوئی به‌نیازهای عامه میکنند.

شهرهای ایران، در رابطه با مسیر اقتصادی‌ای که در پیش است، غنی میشوند و در رابطه با آن قشرهای کمتر مرفح جوامع شهری نیز بتدریج خانه‌های قدیمی خود را رها میکنند و به‌سکونت در حاشیه شهرها خواهد پرداخت. شهرهای بزرگ ما نیز، مانند هر شهر دیگری که دوره‌ای نظیر دوران فعلی ما را پشت‌سر گذاشته، در آینده آنچه در فضاهای داخلی‌تر و مترکم‌تر خود دارند بیرون میریزند و در راه از بین بردن شرایط نابرابر معماری - شهرسازی قدم برمیدارند. بخش خصوصی و بخش عمومی، هریک به‌تنهایی یا با‌اتفاق یکدیگر، مشغول به‌جوابگوئی به‌نیازهای عامه میشوند، تمرکز دادن و سکنی دادن، اشتغال دادن و توسعه خدمات عمومی و بالاخره بوجود آوردن تعادلی حساب‌شده در توزیع جمعیت در نقاط قابل سکونت کشور، هم امروز مسئله‌ایست که رودرروی همگان قرار گرفته. جوابگوئی به‌کمبود مسکن و واحدهای معماری شهری برای خدمات عمومی، بنای تأسیسات و تجهیزات شهری و منطقه‌ای مطلبی است که دو انتهایش را یکی دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و دیگری را ساکنین شهرها بدست گرفته‌اند. در متبلور کردن فضائی این حکم «ماتریالیزه» شدن همیشه معمارها - شهرسازها نقشی اساسی را عهده‌دار میشوند.

در این گیرودار و در متبلور هیاوونی در بازار کار معمارها - شهرسازها برپا میشود، اغلب شاهد لوٹ شدن اصل قضیه‌ایم. یکی از ترس چیدن غنچه‌ها، یکی از ترس عدم توانائی در پرورش دادن گلی که در فکر خود پرورانده، دیگری در پی جستجوهای افراطی برای‌بهتر «مدله» کردن و «زیورفرهنگی» بخشیدن به‌گلی، که اگر گل باشد محتاج

به‌زیور نیست. و دیگری، مشغول به‌جمع‌آوری امکانات هرچه بیشتر، برای درو کردن گل‌ها، ترس از تکرار تجارب غلط دیگران عدم‌ای را به‌انزوا میکشاند و، در مقابل، جرأت بیش از اندازه بعضی دیگر، به‌آتش این انزوا دامن می‌زند و حصار یا دیواری، مرئی بین متعددین غائب و متکربین شتابزده بوجود می‌آید.

اینجا نگرانی میهمان هلندی ما بعد تازم‌ای میگیرد و میبایست در مقابل دوراهی خیالی نیاز، جبر و لزوم اقدام به‌احداث فضای ساخته شده از یکر و تأمل و تفکر درباره آن از طرف دیگر تکلیف خود را روشن کند.

آنگاه که پایه‌های فرهنگی - علمی در حرفه‌های پر رونق مثل حرفه ما شکل مشخص و روشنی ندارند، آنگاه که معمارها، در درجه اول بجای تدوین افکار و سعی در بنای منظم پایه‌های علمی حرفه خود چه در محیط کار خویش و چه در مدارس... به‌پراکنده‌تر کردن اندیشه‌ها به‌بهبانه تفاوت‌های فرعی مستطر در آنها سرگرم هستند و آنگاه که دستگاه‌های اجرائی بناچار از راه اداری به‌محصولات معماری - شهرسازی کشور مینگرند... اگر کسی امروز به‌جمع‌بندی خصائص علمی و فرهنگی کار ما، معمارها بنشیند راضی بر نخواهد خاست.

در موقعیت دیگری گفتیم که بعد از گذشت چهار سال این ما میزبانان ایرانی هستیم که مسائل خود را مطرح میکنیم و با میهمانان خارجی خود به‌بحث آنها مینشینیم. چنین بحثی صورت نگرفت و، سوای تبادل نظرهایی نامنظم و کم‌عمق که هر سه نفر معمار که دور یک میز نشستند میتوانند سازنده‌اش باشند، شاهد یک سازندگی علمی نبودیم؛ شاید هم میبایست از پیش چنین توفقی را در خود نمی‌پروراندیم و قبول میکردیم که همه کنگره‌های جهانی بیش از حدی معین نمیتوانند محصول دهند؛ مفید بودن کنگره تخت‌چشمید در این هم بود که به‌همه ما مجال داد تا به‌چهار سال آخر فعالیت خود بیشتر فکر کنیم و هریک از ما، در صورت تغییر ندادن راه حرفه‌ای - علمی پیشین خود، با ایمان و با شتاب بیشتری ادامه طریق دهد.

فلامکی

تهران بیست‌ویکم آذرماه ۱۳۵۳

خون لوئی سرت



سرت:

داشتن يك باغ زیبا در ایران يك سنت است
و این چیزی است که تکنولوژی مدرن نیز
می تواند برای شما فراهم کند

پیاده راه نرفتن، اتفاقی است که در بیشتر
شهرها افتاده

يك محیط بشری بدین معنی است که مردم در تماس
با هوا، آفتاب و نسیم زندگی کنند

در محیط متعادل، ماشین جانشین همه چیز
نمی شود

گفت‌و‌ش‌ن‌ود د‌ی‌ب‌ا، ف‌ل‌ام‌ک‌ی و ر‌ی‌ح‌ان‌ی ب‌اس‌رت

وسيله‌ای برای رفت و آمد استفاده میکنیم.

بطور قطع اگر برای این‌سیر تحول برنامه‌ریزی اصولی بنمائیم، در آینده با مشکلاتی مواجه خواهیم شد. ما باید افراد تصمیم‌گیرنده خود را تربیت کرده و با استفاده هرچه کمتر از کمک‌های خارجی، مهارتها و قابلیت‌های خود را شناخته و يك سازمان قوی بوجود آوریم.

سرت: تغییری که اکنون در ایران در شرف وجود آمدن است در بسیاری ممالک دیگر هم در حال وقوع است. در بعضی کشورها این تغییر رخ داده و در بعضی دیگر در آینده پیش خواهد آمد. اما گفتن اینکه سرعت این تغییر در ایران چقدر خواهد بود، بسیار مشکل است. من مملکت شما را به اندازه کافی نمی‌شناسم و حتی آمار و ارقام هم برای کمک به من داده نشده است، بنابراین من نمیتانم پروسه صنعتی‌شدن با چه سرعتی در اینجا در جریان است. نکته اصلی در مورد رشد صنعتی اینست که آگاه باشیم که صنعت میتواند محصولات بسیار مفیدی برای کمک به بشر تولید کند اما صنعت فقط يك ابزار است.

آنچه مهم است، تعیین اصل شرایط زندگی استاندارد است که مردم این کشور باید داشته باشند یا به گفته دیگر استانداردهایی برای زندگی که داشتن آن حق مسلم این مردم است. آنها حق دارند در نزدیکی خود آب، درخت و فضاهایی برای پیاده‌روی و حرکت داشته باشند. شما خانه‌ای ندارید که در کنار يك جاده قرار گرفته باشد و صدها اتومبیل از کنارش بگذرد و یا خانه‌ای مجاور يك اتوبان بزرگ باشد که ایجاد پراکندگی میان مردم کند و یا چیزهایی از این قبیل. اتومبیلها بسیاری از شرایط زندگی را آسان میکنند اما امروز از آنها فقط استفاده نمیشود بلکه سوء استفاده هم میشود. من آنقدر سن دارم که پاریس را با درشکه-های اسبی‌اش در سال ۱۹۱۴ درست

ریحانی: بحث را با صحبت درباره مشکلات صنعتی‌شدن در حیطه توسعه شهری و اثرات آن بر روی سکونت بشر آغاز میکنیم. همه ما میدانیم که در خلال انقلاب صنعتی در اروپا، مقاطعه‌کارها چه کردند و همین‌طور از آنچه آرشیتکت‌های بعد از آنها بوجود آوردند و زندگی در ماشین خوانده شده، اطلاع داریم. با ندیده گرفتن مسائل مربوط به فضای سبز و وسائل تفریح و آسایش آنها تمام توجه خود را بدون در نظر گرفتن ارتباطات انسانی، فقط روی بنا متمرکز کردند. صفحات وسیع و سخت بتونی، يك حالت کشش عصبی در زندگی شهری بوجود می‌آورند و با در نظر گرفتن اثرات اجتماعی و روانی آنها روی مردمی که بعد از يك روز کار طاقت‌فرسا به محل سکونت خود برمیگردند، درست مثل اینست که آنها را دوباره زندانی کرده باشیم. کریدورها و پله‌ها تنها راه‌های ارتباط با این جبهه بتنی هستند که خود کشش عصبی را دو برابر میکنند. به همین علت، ما کودکانی داریم که شیشه پنجره‌ها را میشکنند و به انواع و اقسام شیظنتها دست میزنند. من بخصوص روی اثر عقیم‌کننده و منفی این ماشینها در زندگی بشر تأکید میکنم. حالا ما با این مسأله در ایران روبرو شده‌ایم. ما سعی میکنیم در محیطی زندگی کنیم که با آن مانوس نیستیم. ما این محیط را بوجود نیاورده‌ایم بلکه آنها را اقتباس کرده و جامعه سنتی خود را تبدیل به جامعه‌ای کرده‌ایم که به آن عادت نداریم. جامعه ما، جامعه‌ای است که غفلتاً از خواب بیدار شده و به‌روی این تحول چشم باز کرده است.

ماشین، مقیاس تازه‌ای در زندگی ما وارد کرده است چرا که ما ایرانیها واقفاً با ماشین مانوس نیستیم. مثلاً اتومبیل را در نظر بگیریم، جان‌شینی درشکه و یا سوارشدن الاغ و اسب بوسیله اتومبیل چنان سرعت و ناگهانی انجام شده که ما آنها را واقفاً درک نکرده‌ایم و از اتومبیل فقط بعنوان



گفتگو با سرت

عرض جاده بگذرند. جاده‌ها باید در چند سطح بالا و پائین قرار گیرند و ما میدانیم که این کار بسیار پر خرج است. بنابراین خانه‌ها باید پشت به جاده‌ها قرار گیرند نه رو به آنها.

من معتقدم که خانه‌سازی یک قسمت فعال از کارهای یک شهر را تشکیل می‌دهد. مسکن‌سازی امری برای ساختن خانه‌هایی چنداست. در نیویورک مدرسه‌ای هست که جزئی از یک منطقه مسکونی با مغازه‌ها و یک پاساژ را تشکیل می‌دهد. امروزه خانه‌ها مثل گذشته فقط بلوک‌هایی نیستند که مردم در فضای خالی داخل آنها زندگی می‌کردند. خانه‌ها بوسیله فعالیت‌های مختلف احاطه شده‌اند. آنها جزئی از زندگی هستند. بنابراین شما زیاد مایل نخواهید بود که یک جاده پرتراکم و شلوغ از وسط چنین محلی عبور کند. این بدترین امری است که امکان دارد پیش آید.

افرادی که از کار برنمی‌گردند میتوانند به دلخواه خود سرگرمی‌های مختلفی انتخاب کرده و تمدد اعصاب کنند. باغهای سنتی زیبای شما باغهای پشت‌بامی قدیمی شما، بسیار زیبا و دل‌فریب بودند. شما می‌توانستید به پشت‌بام بروید و ضمن مشاهده آسمان وسیع و استفاده از هوای خنک، گیاهان گوناگونی در اطراف خود ببینید.

حالا این عوامل باید در مسکن جدید شما دوباره بوجود آید. داشتن یک باغ زیبا در این مملکت یک سنت است و این چیزی است که تکنولوژی مدرن نیز میتواند برای شما فراهم کند. آنچه شما درباره‌اش حرف می‌زنید یک تداوم پیوسته است و شما حق دارید.

شما نمیتوانید مردم را از زندگی که به آن خو گرفته‌اند ریشه‌کن کنید و آنها را در محیط غیربشری قرار دهید. یک محیط بشری بدین معنی است که مردم در تماس با هوا، آفتاب و نسیم زندگی کنند، قادر باشند که شب‌ها از منازل خود بیرون بروند، بتوانند

در یک باغ باشند و یا بتوانند کنار گلها، درختها، آب، یک فواره و یا کنار یک جوی بنشینند.

اینها محل‌هایی هستند که مردم در آنها اجتماع کرده، صحبت میکنند و قدم می‌زنند. آنچه در بیشتر شهرها اتفاق افتاده اینست که مردم دیگر پیاده روی نمی‌کنند، سر و صدای خیابانها بقدری زیاد و خود خیابانها چنان پرخطر هستند که مردم دیگر برای تفریح و لذت در آنها قدم نمی‌زنند.

زمانیکه مردم کشاورزی می‌کردند، تعادلی در زندگی برقرار بود و حرکت و فعالیت مثبتی بین خانه و مزارع وجود داشت حالا این وضع تغییر کرده و تعادل جدیدی باید بوجود آید. باید تعادلی بوجود آید چرا که اندام ما، بدن و مغز ما، روش کار، تفکر و استراحت ما، همه و همه تعادلی در زندگی ما بوجود می‌آورند. این محیط متعادل محیطی است که در آن ماشین‌ها جانشین همه‌چیز نمیشود. درمواردیکه اتومبیل میتواند کمک باشد، شما میتوانید یک نوع همکاری توسط آن بوجود آورید.

دبیا: فونکسیونالیسم معماری را بصورت منطقی و قابل لمس درآورد و این جوابی به نیازهای عمیق‌روحی‌زمان نیز بود. گروپوس که پیشگام مکتب فونکسیونالیسم بود، در تلاش بدست‌آوردن جواب‌هایی منطقی و اقتصادی در معماری شد که دقیقاً جوابگوی مسائل محیطی خود او بود. در رابطه با این موضوع باید گفت که ایرانی‌ها همیشه دارای یک غنای روحی و فزلی قوی، متفاوت با اروپائیان بوده‌اند. وقتی ذهنیت از آنها گرفته‌شود، آنها دچار فقدان شده و ناتوان از بیان شخصیت درونی خود میشوند.

سرت: همه ما در مراحل مختلف زندگی خود تغییر میکنیم. ایده‌های ما تغییر می‌کند، جهان اطراف ما عوض میشود چیزهای تازه میبینیم و درسهای جدید یاد میگیریم. وقتی شما درس معماری میخوانید، مثل پزشکی یا مشاغل دیگر، در حال یادگیری مداوم هستید. چیزی

که اتفاق می‌افتد اینست که بسیاری از آنچه ما در دوران جوانی و حدود ۲۰ سالگی، سیاه یا سفید، بریده و یا خشک میدیدیم، در سن‌های دیرتر دیگر چنین نیستند. راسیو- نالیسم در معماری عبارتی است که از آن استفاده و سوءاستفاده، هر دو شده است. با در نظر گرفتن معماری مدرن من شخصاً اعتقادی به این عبارت ندارم.

من بیشتر به شرایط انسانی و آنچه انسانی است علاقمندم و این یک امر منطقی است. فقط با منطقی نامیدن بعضی چیزها بدین خاطر که آنها کاملاً عملی هستند، چیز زیادی به آنها اضافه نمی‌کنیم در نتیجه پراتیک نیستند. مردم اولیه که در غارها زندگی میکردند، هنگامیکه ظروف و کاسه‌های زیبا را میساختند، اینکار را بخاطر راسیونالیسم (منطقی)، عقلانی نمی‌کردند. افزودن یک دسته به ظرفی قیف‌مانند یک امر منطقی نیست و همینطور معماری هم یک زمینه راسیونالیستی (منطقی) نیست. در سده نوزدهم ما در عصری زندگی میکردیم که پر از اشیاء، سطحی و ظاهری بود اما اکنون به آنها احتیاجی نداریم. بسیاری چیزها منطقی نیستند اما میتوان با رضایت کامل با آنها زندگی کرد. دبیا: مسلماً دلیل شما برای انتخاب آنتونی‌گاردی و نوشتن کتابی درباره او همین موضوع بوده است.

سرت: خوب بله! کارگاردی با آنچه خود ما در همان زمان انجام میدادیم، کاملاً متفاوت بود. منظورم کارهای اولیه‌ای که با دوستانی مثل گروپوس و دیگران میکردیم. من کارگاردی را در زمان جوانی هنگامیکه هنوز دانشجو بودم دیدم. در آن زمان کاملاً مخالف کارهای او بودم شاید به این دلیل که استادان من احتمالاً از طرفداران او بوده‌اند. بعدها، پس از سالها زندگی که از ایالات متحده من به اسپانیا برگشتم و در آنجا عده‌ای از دوستانم را ملاقات کردم که عکسهای رنگی بسیار جالبی از بعضی آثار گاردی که من هرگز قبلاً ندیده بودم

برداشته بودند نشان دادند و در آن عکسها بود که من فرمهای تازه‌ای را کشف کردم که میخواستند جوابهای جدیدی برای بسیاری مشکلات پیدا کنند. در این کارها، گاردی کاملاً انسانی متفاوت با آنچه ما درباره‌اش شنیده بودیم، بود.

دیبا: امروزه در ایران، ما در حال تجربه یک مرحله انتقالی در معماری هستیم. فرهنگ و فرم‌غربی وارداتی در تضاد با میراث فرهنگی ما قرار گرفته است. در این مرحله ما صحبت از یک سنتز میکنیم اما ظاهراً این رویا رویی دو فرهنگ چیزی را روشن نمیکند. از یک سو مائیل به قبول برداشت غربی، تمدن و فرمهای آن داریم و از سوی دیگر سنت‌پرستان سرسختانه از افتخارات گذشته خود پیروی میکنند.

این پدیده در تمام اشکال هنر ما دیده میشود و فقط عده بسیار کمی قادر به دنبال کردن صحیح آن هستند. منظور من هنرمندان و معماران می‌باشند. مشکل ما درک این سنتز و دادن یک فرم هنری به این موضوع انتزاعی است. این برخورد در فرهنگ بسیار ممالک از جمله اسپانیا، ژاپن و یونان که دارای همین مشکل هستند رخ داده است.

سرت: بله بطور کلی شما تأثیرات زیادی در کشورهای مدیترانه‌ای میبینید. اعراب برای مدت ۷۰۰ سال در اسپانیا ماندند و این زمان درازی است. البته آنها بسیار اثرات خوب از خود بجا گذاشته‌اند مثل تکنیک طراحی و یا کار با تایل (قطعات مصالح) و غیره که هنوز نیز تاحدی باقی است. آنچه در این مورد بخصوص در اسپانیا اتفاق افتاد این بود که با کشف آمریکا همه به جستجوی طلا رفتند و همه چیزهای دیگر را فراموش کردند و این آغاز مصیبت بود. زمانیکه من دانشجوی بودم از ساختمان الحمرا بسیار بدم می‌آمد اما حالا میروم و آنرا میبینم. هنگامی که شما وارد میشوید یک استخر فوق‌العاده و گیاهان مختلف به چشمتان می‌خورد که این بنا را بصورت

یک ساختمان فوق‌العاده درآورده‌اند. در مقایسه با ساختمانهای اروپایی همزمان، این بنا بسیار برترست. زیرا آنچه در یک ساختمان مهم است نوع زندگی داخل آن است. بعنوان مثال پنجره‌ها فقط برای نماسازی بکار برده نشده‌اند بلکه سوراخهایی در دیوار هستند که مشرف به مهم‌ترین قسمتهای منظره‌ها میباشند. و ایوانها همه در مقابل خورشید دارای سایبان هستند و همه اینها از شرق گرفته شده است.

دیبا: چهره واقعی معماری معاصر را چگونه توصیف میکنید؟ اسپانیا هم مثل ایران دارای یک معماری بین‌المللی است. منظور من معماری بر اساس وحدت و نظم بدون یک شخصیت انفرادی و یا هویت فرهنگی است. این نوع معماری بسوی کمیت متمایل است و در آن اثری از حساسیت، معنویت، اراده، جستجو، و استعداد که از ویژگی‌های اصلی و لازم خلاقیت معماری است، دیده نمیشود.

سرت: شما در این کشور افراد مستعد و جوانی دارید، همین طور در اسپانیا هم جوانان مستعدی وجود دارند اما بسیاری از این جوانان هنوز فرصتی برای نشان دادن خود بدست نیاورده‌اند. برونو زوی (Bruno Zevi) میگفت در ایتالیا و سوئیس مرتباً مسابقات معماری آزاد برگزار میشود که در آنها به جوانان فرصت رقابت و شرکت داده میشود. بعنوان مثال یکی از ساختمان‌های با ارزش شهر بوستون در نتیجه یک مسابقه معماری ساخته شد. البته در امریکا مسابقات معماری، بسیار اندک است - اما در اروپا تعداد بسیار بیشتری برگزار میشود - در نتیجه این مسابقه سه پروفیسور جوان از دانشگاه کلمبیا که هیچ کس آنها را نمیشناخت برنده جایزه اول شدند. طرح آنها بسیار جالب بود و در نتیجه این پیروزی، زندگی آنها یکی دیگرگون شد. این یک فرصت آزاد بود و من فکر میکنم به همین علت بود که زوی پیشنهاد کرد که کنگره در پایان کار خود یک مسابقه آزاد

ترقیب دهد.

دیبا: نقش کنگره بین-المللی معماری شیراز چیست؟ و این مردان ورزیده چه میتوانند برای ما انجام دهند؟ اینها پرسشهایی است که من از خود میکنم. چرا که این مشکلات بسیار پیچیده بوده و هیچ فرمول ریاضی برای حل آنها در دست نداریم، در این کنگره ما بیشتر با تجربیات شخصی این معماران آشنا میشویم و تنها میتوانیم راه‌حلهای غیرمستقیم را جستجو کنیم.

سرت: ما توقع بسیار زیادی از یک کنگره داشتیم، یک کنگره محل ملاقات مردمی است که از ممالک مختلف می‌آیند و من فکر میکنم این موضوع مهم است چون امروز شما شرکت کنندگان از نقاط مختلف گیتی در کنگره میبینید، شرکت کنندگان از ژاپن، انگلیس، ایالات متحده، فرانسه و خود این مملکت میبینید و این بسیار با اهمیت است زیرا شرکت کنندگان دارای تجربه‌های متفاوتی هستند و دور هم گرد آمده‌اند. بدیهی است در کنگره، ما میتوانیم تبادل نظر کنیم و مثلاً بگوئیم، «میدانید ما اینکار را کردیم اما یک اشتباه داشتیم و یا فلان کار به نتیجه نرسید...»

ما روش دیگری اتخاذ کردیم و معتقدیم این روش بهتر است... ما میتوانیم به شما در مورد تجربیاتمان توضیح دهیم و تبادل نظر کنیم. در خاتمه شما خواهید گفت دیگر با شما است که تصمیم بگیرید، چرا که این مملکت شما است و طبیعی است که شما اطلاع بیشتری نسبت به ما که خارج از این محیط هستیم، از مشکلات دارید. بطور کلی مشکلات برای تمام افراد بشر وجود دارد. مردم از جهانی با هم متفاوت و از جهات دیگر بسیار شبیه بهم هستند. هنگامیکه مردم شروع به مسافرت میکنند. با یک دیگر ارتباط پیدا میکنند و با هم ازدواج میکنند و بتدریج بصورت یک خانواده کل در می‌آیند.

فلامکی: البته مشکلاتی که از آن صحبت بمیان آمد هستند. ما

گفتگو با سرت

مرحله اول باید صادق باشد بدین معنی که دارای مهارت و شجاعت باشد. تا آنجائیکه به فرم و تکنیک مربوط میشود، تا دامنه محدودی میتوان آنرا فرا گرفت. اما هنگامیکه حساسیت و هوش را در نظر میگیریم، موضوع فرق میکند. این دو احساس را نمیتوان یاد گرفت، فقط میتوان بیدار کرد.

سرت: من فکر میکنم به چنین فردی باید کمک شود تا استعدادش را پرورش دهد. می‌دانید، اگر شخصی واقعاً مایه‌ای نداشته باشد، تلاش بیسوده است. فرد باید چیزی در درون خود داشته باشد که بتواند آنرا پرورد و اگر شخصی دارای هیچ استعداد هنری نیست، باید او را در پیدا کردن مسیر اصلی خود، تشویق کرد.

فکری استادانشان تفاوت فاحشی دارد و در این مرحله است که می‌بینیم آموزش به مرحله دوم اهمیت نزول میکند و آنچه اهمیت بیشتری پیدا میکند، داشتن و حفظ مقام است نه تدریس که میتواند نیروزا باشد.

سرت: متأسفانه مدارس معماری، حتی بهترین آنها، در سراسر دنیا دچار بحرانهای وحشتناکی شده‌اند. خود ما در «هاروارد» و مدرسه طراحی گرفتار بحران شدیم. منم مثل شما معتقدم که مدارس معماری باید بیشتر به زندگی و آنچه اتفاق می‌افتد نزدیک شوند. مدارس همیشه عقب هستند و من واقعاً فکر میکنم که مدارس معماری باید بطور کلی شرکت فعلاتی در جریان زندگی و آنچه به آن مربوط میشود داشته باشند. ریحانی: ما این نیرو را داریم و اگر به ما فرصت داده شود.

میتوانیم در مسیر این جنبش بطرف صنعتی شدن در مدارس به جستجو و تحقیق بپردازیم. پس واقعاً باید این جنبش را ایجاد کنیم. چونکه هرچه هست فقط بوسیله باز شناختن بوسیله خود مردمانی که مستقیماً ذینفع هستند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سرت: من فکر میکنم که وقتی مملکتی آنچه را که خوب و درست است در دست دارد، دیگر نیازی به واردات نیست. اما من شخصاً اعتقادی به مرزها ندارم. این مملکت افراد وارد و ورزیده زیادی دارد. من هنگامیکه یازده سال پیش به مدرسه شما رفتم بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. همینطور شاگردان ایرانی زیادی در هاروارد داشته‌ام که همه افراد وارد و ماهری بودند. ایران کشوری است که آرشیکتک عرضه میکند. هیچ عاملی نمیتواند مانع از تداوم اینکار بشود.

دبیا: من بسیار مایلم بدانم امروزه در مدارس معماری و هنر چه یاد داده میشود. من همیشه معتقد بوده‌ام که این نوع یادگیری احتیاج به آمادگی و استعداد بخصوص دارد. یک هنرمند در

دانشگاه سرچشمه می‌گیرد و ضمناً مشکل دیگر ما فرهنگ است. فرهنگی که نه یک فرهنگ نمونه است و نه واقعاً ایرانی. برای شما مثالی می‌زنم، شهر معروف اصفهان را در نظر بگیرید. بازسازی این شهر نشان میدهد که اصفهان از روی یک مدل فرانسوی سده شانزدهم و یک مدل ایتالیایی بعد از شاه عباس ساخته شده است. این مطلبی است که ما هیچ چیز درباره‌اش نمیدانیم و برای هیچکس ممکن نیست که درباره اصفهان چهار سده پیش صحبت کند. از سوی دیگر مانمی‌توانیم فرض کنیم که اصفهان یک کپی است چرا که در عین حال بر حسب شواهدی معین ما درباره افتخارات آن دوران صحبت میکنیم. هم اکنون چنانچه دانشگاه پاره‌ای از مسئولیت‌های تحقیق و آموزش را به عهده بگیرد، ناچار است که مقداری از شالوده داخلی خود را تغییر دهد.

ریحانی: این کاملاً مسلم است که صنعتی شدن در این مملکت باید همراه و پابای آموزش باشد و کاملاً روشن است که در اینصورت به آن نام انقلاب صنعتی نخواهیم داد بلکه بصورت یک تکامل اتوماتیک در می‌آید. در نتیجه سرعتش به آن اندازه که ما میخواهیم نخواهد بود. پس باید به همه فرصت شرکت داده شود. سرت: کار یک آرشیکتک و یا شهرساز، یک کار گروهی است. می‌بایست افراد متخصصی در همه رشته‌ها داشت تا کارهای گوناگونی را انجام داد. آرشیکتک عضوی از گروه است و باید آموزش کامل داشته باشد تا بتواند با بقیه افراد کار کند.

ریحانی: مدارس معماری در ایران بسیار جوان هستند و افرادی که در آنها تدریس میکنند همگی در مشغول تدریس هستند همگی در خارج آموزش دیده‌اند. آموزشی که با فرهنگ و سنت ایرانی پیوند ندارد. در نتیجه آموزش در مدارس معماری ما تحمیلی است چرا که زمینه فکری دانشجویان با زمینه

میدانیم که پیرو س (جریان) صنعتی شدن دارای جهت و منطبق مختص بخود است و ما بعنوان آرشیکتک نمیتوانیم آنرا کنترل کنیم. این یک طرف قضیه است و از طرف دیگر استناداردهایی که شما درباره آنها صحبت کردید ما برای بوجود آوردن شرایط کار و زندگی بهتر و از همه مهمتر محیطی که می‌بایست بتوانیم در آن زندگی کنیم، مطرح میشود. ایجاد هماهنگی بین ارزش‌های سنتی وابسته به محیط و فرهنگ دیروز مردم و آنچه امروز مطرح است خود یک مشکل بزرگ است. به عنوان افراد ایرانی ما نمیتوانیم تجربه‌های منس (پاتو- لوژیک: آسیب‌رسان) و بهر حال وارداتی متعلق به یک فرهنگ متفاوت خواه اروپائی یا امریکائی را بپذیریم.

سرت: من فکر میکنم شما باید از همه چیز کناره بگیرید و ارزشهای خود را دوباره کشف کنید. ببینید چه اتفاق می‌افتد. اینجا مملکتی است که قرنهای زیادی زندگی کرده و شما فرهنگی دارید که قدمت آن به مدت‌ها قبل میرسد. سالهای زیادی سیری شده و وقایع زیادی اتفاق افتاده است. این مملکت، امروز در مرحله‌ای حیاتی بسیاری از ارزش‌های گذشته است. بنابراین وظیفه شماست که از بین ارزشهای گذشته، آنچه را که امروز قابل استفاده است انتخاب کنید. منظور از این کار بازگشت به یادبودهای عظیم و بزرگ نیست بلکه توجه به ریزه کاریهای کوچک مثل کاشتن گیاهان، روش آبیاری، طریقه‌ای برای طرح یک باغ و یا یک متن استفاده از سقفها... درست به همان شکلی که قرن‌ها پیش بوده و از یاد رفته است، میباشد. آنچه مهم است اینست که افراد بشر باید در یک محیط معماری جدید خوشحالتی باشند. معماری برای مردم است و مردم باید در ساختن آنها زندگی کنند. این وظیفه اصلی شما به عنوان یک آرشیکتک است. فلاسفی: میدانید، بخش عمده مشکلات ما در زمینه بازشناسی ارزشها از

گفتگوی با میتشل اکوئشار



اکوئشار:

تبریز، بدون مرز و حد مشخص بزرگ
شده است

قیدو بندهای خشک سرانجام به برداشتی
منفی از حالت کلی شهر می انجامد

فاصله وحشتناکی بین توسعه صنعتی و بهداشت عمومی،
در ایران وجود

میشمار اکوشمار



گفتگویی میان میشل اکوشار - داراب دیبا - منصور فلاسکی - سینا ریحانی - صفر ساعد سمعی هنگام برگزاری کنگره بین‌المللی معماری - شیراز.

است این است که دانشجویان، دیگر از طراحی چیز زیادی نمیدانند و حتی در زمینه شغلی معماری نیز آگاهی زیادی ندارند. ساعد سمعی: شما بروی شهر تبریز کار کرده‌اید، میتوانم ببرسم نظر شما در این مورد چیست؟ اکوشار: این شهر بدون مرز و حد مشخص و قاعده معین و بخصوص بدون یک پلان هادی توسعه یافته و بزرگ شده است. من با آرشیوتکت مقتدر بروی این شهر کار کرده‌ام متأسفانه مقامات رسمی ایده مشخصی در مورد شهرسازی این شهر نداشتند. مانند همیشه قیدوبندهای زیادی وجود داشت و این قیدوبندها و قواعد خشک عاقبت به برداشتی منفی از حالت کلی شهر می‌انجامد. از طرف دیگر این مسأله در فرانسه نیز برای ما پیش می‌آید.

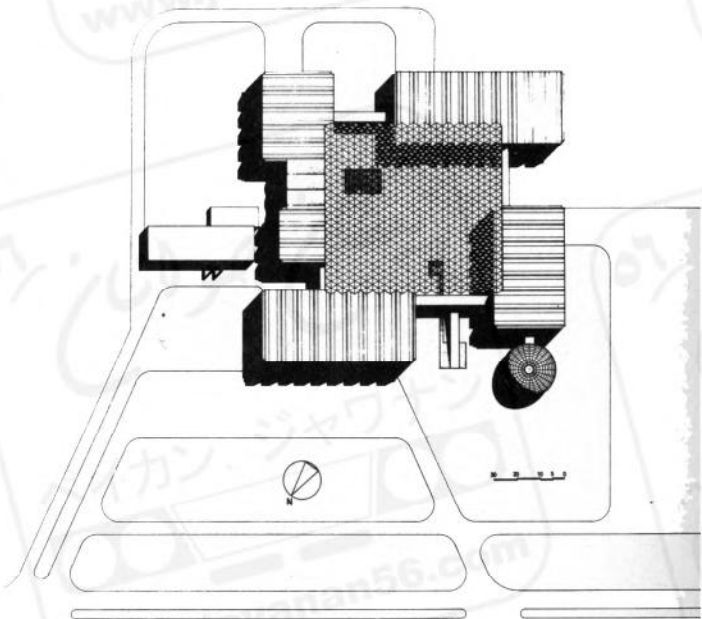
فلاسکی: با در نظر گرفتن عوامل روانشناسی و اقتصادی، آینده ایران که دارای شهرهای قدیمی است از نظر شهرسازی چیست؟ اکوشار: جواب این سؤال بسیار مشکل است. اصلاً تمام مسائل شهرسازی در همین خلاصه میشود اصفهان به یک شهر صنعتی تبدیل میشود. برای حفظ حالت و شخصیت تاریخی آن سعی زیادی میشود، با وجود این اجتناب از اشتباهات معمول مشکل است. اشتباهات اروپا و امریکا را میتوان مشاهده کرد. با رشدی که در اثر وجود واحدهای اقتصادی آزاد که هر یک با قدرت بیشتر تأثیر افزون‌تری بروی شکل شهر می‌گذارند ولود دارد تدوین قواعد و نظومنامه‌ها عادلانه به نظر میرسد.

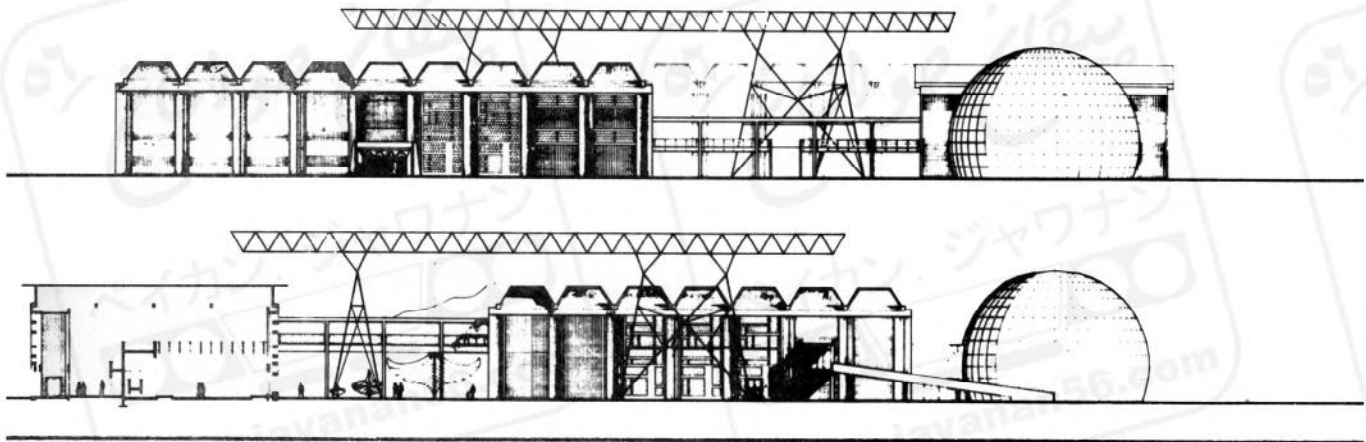
دیبا: مدرسه هنرهای زیبای پاریس دچار تغییرات کلی در سطح تدریس معماری گشته است. این تغییرات بخصوص از سال ۱۹۶۸ که نوعی فرمالیسم (شکل‌گرایی) معماری جای خود را به تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی داده است مشهود است. من فکر میکنم که شما در سال ۶۷ در این مدرسه تدریس میکردید.

اکوشار: من مدت شش‌ماه به تدریس مشغول بودم. از من خواسته بودند که تحولی در آموزش شهرسازی بوجود آورم. دانشجویان فقط یک اطلاعات کلی در مورد اقتصاد و جامعه‌شناسی داشتند و این بزرگترین مشکل بود.

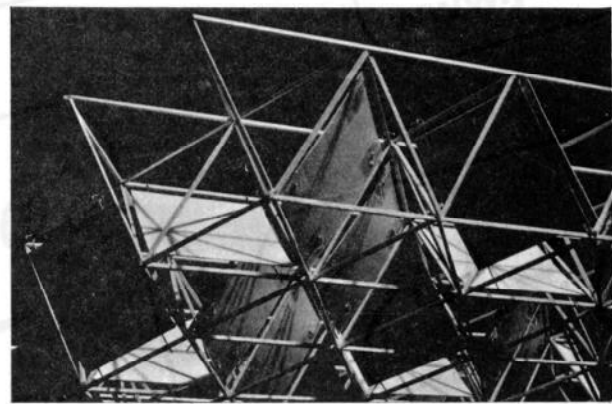
دیبا: در حال حاضر بعد از نوعی عدم تمرکز در مدرسه هنرهای زیبا و تغییراتی در برنامه‌ها، نظر شما درباره تدریس معماری در فرانسه چیست؟

اکوشار: من زیاد در جریان امر نیستم ولی موضوعی که روشن



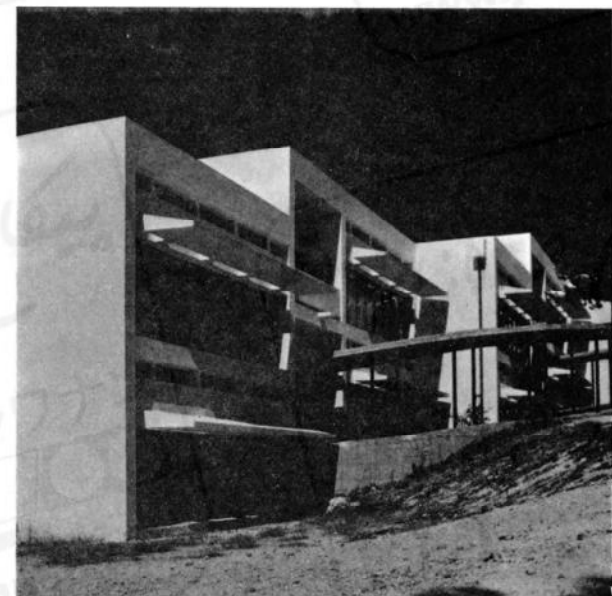


فلامکی: مسأله توسعه شهرها را کنار بگذاریم و یک حالت خاص بازسازی شهری را مورد مطالعه قرار دهیم. اگر از دیدگاه یک فرانسوی کار هوسمن را در پاریس مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، راهی که امروزه باید در این مورد انتخاب کنیم چه خواهد بود.



اکوشار: هوسمن مقدار زیادی با اجتماعات و شرکت‌های صاحب زمین در ارتباط بود. پلانش فاقد پرسپکتیو هستند و زیبایی چشم‌اندازها به هیچ‌وجه حس نمی‌شود. تقریباً هیچ‌گونه خط‌مشی از نظر زیبایی‌شناسی و انسانی وجود ندارد. ساعد سمیعی: برای شهری مانند اصفهان که همه چیز بر مبنای زمین و برای یک زندگی ساده ساخته شده و سطح بهداشت نسبتاً پایین است شما چه چیزی در مدنظر دارید؟

زیادی وجود دارد که کل شهر را تشکیل می‌دهد. و هر قسمت زندگی خاص خود را دارد. هنگامی که از شهر خارج می‌شویم در طول حدود سی کیلومتر باغهای گل تقریباً بکر و دست‌نخورده وجود دارد. گردش در شهر با نوعی کشش و جذابیت توأم است و یک شهرسازی معقول و هشیارانه مشاهده می‌شود. در هر صورت اگر درست فهمیده باشم شما پیشنهاد می‌کنید که باید میراث فرهنگی را حفظ کرد و نو را در کنار کهنه قرار داد تا زندگی موجود به هیچ‌وجه از



اکوشار: اجازه دهید شهر دمشق را که یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان است و همیشه یک پایتخت بوده است مثال بزنم. در مرکز شهر قسمتی وجود دارد که قابل گسترش است و در کنار آن یک شهر ثانوی با حصار و برج و بارویی با شبکه‌بندی یونانی بچشم می‌خورد.

از نقطه نظر اقتصادی حدود بیست کاروانسرا وجود دارد و تمام تجارت بازار به آنها بستگی دارد. اگر این مرکز تجاری را تغییر مکان دهیم با این کاروانسراها چه باید بکنیم؟ شاید مسأله مشابهی برای اصفهان نیز وجود داشته باشد.

دیبا: من سه سال در دمشق زندگی کرده‌ام. بخشهای شهری

بین نرود- اکوشار: کاملاً درست است، همه چیز میتواند در جوار هم ساخته شود.

موضوع اصلی نگهداری عوامل هستند که از نظر اقتصادی، سمبولیک و زیبایی شایان اهمیتند. خود زندگی شهری نیز جزو این عوامل محسوب میشود.

دیبا: این مطلب مرا به فکر برازیلیا میاندازد. در آنجا شهری از هیچ بوجود آورده‌اند، درباره اش بسیار حرف زده‌اند. همه تئوری‌های شهرساز کوستار آرشیکتک نیمیر را خوانده‌اند. همه گفتند که این شهر سرمشق معماری مدرن است و از نظر فضاها و هندسی جوابی به مسائل شهری است. متأسفانه در کنار تمام این موارد مشاهده می‌کنیم که ساکنین شهر متوجه عدم امکان زندگی در آن میشوند. به جنگلها فرار میکنند و شهرهای کوچک و محقر میسازند.

اکوشار: میدانم، همه می‌گویند که برازیلیا یک فاجعه بود و محلات فقیرنشین در کنار شهر توسعه مییابد. اما چیزی که از آن صحبتی نمیشود این است که برازیلیا جزو آن دسته از شهرهای نادری است که توسعه از هر طرف برای آن امکان‌پذیر است و این موضوع مهمی است. برازیلیا شهری جوان است، باید کمی صبر کرد. من متقاعد شده‌ام که رشد این شهر بزودی آغاز خواهد شد.

دیبا: آداب و رسوم مسأله‌ایست که به قلب و روح ایرانیان بستگی دارد. میدانید که تمایلی درازبین بردن هویت فرهنگی

يك چیز صحبت كنم. كنگره بر روی صنعت تمرکز داده شده بود اما صنعت با مردم بوجود می‌آید و این مردم کارگران هستند، برای اینکه این کارگران خوب کار کنند لزوم يك بهداشت عمومی قطعی است. این يك مسأله جهانی است اما در ایران فاصله وحشتناکی بین توسعه صنعتی و بهداشت عمومی وجود دارد. این مسأله‌ای است که باید با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و حل شود زیرا با کیفیت معماری در ارتباط مستقیم است.

کرد (فونکسیونالیته) و سقوط ارزش‌های زیبایی و انسانی. اکوشار: گمان میکنم که همینطور است ولی این معماری به هر حال شکل مشخص خود را در مقابل افراد، مصالح، آب و هوا و غیره خواهد یافت. این عوامل همیشه يك شکل مشخص را تحمیل میکنند. البته آرزو میکنیم که چنین باشد.

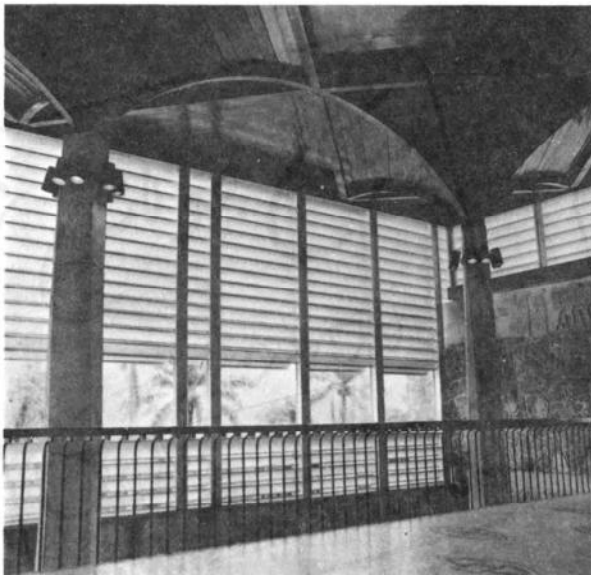
دیبا: در این کنگره از مسائل زیادی صحبت به میان آمد. چه در اجتماعات رسمی و چه در محافل صمیمی‌تر آیا هنوز چیزی وجود دارد که از آن صحبت نشده باشد و بخواهید آنرا مطرح کنید؟ اکوشار: بله میخواستم از

باروك توسعه یافت که مسجد جمعه يك نمونه از آن است. این مورد به منزله سبك گوتیک برای ماست و هیچ ربطی به معماری معاصر ندارد، باوجود این میتوان اصل و منشأ این عوامل را که در حجمها، رنگ‌ها و نسبت‌هایشان بیان میشود ثبت کرد زیرا علی‌رغم تمام ثروت‌های تاریخی باید نگهداری شود.

دیبا: یکی دیگر از جزیانهای جدید معماری چیزی است که به آن «معماری بین‌المللی» میگویند. این معماری ربطی به جهانی بودن معماری که میتواند يك هدف و يك کیفیت باشد ندارد. معماری بین‌المللی مترادف است با معماری صرفه‌جویی، علمی و تعمقی، سرعت در اجرا و عمل

ما وجود دارد و متأسفانه به نظر می‌آید که آداب و رسوم ما از دست میرود. البته در ثوری چاره‌هایی اندیشیده شده است اما در عمل نتیجه غالباً منفی است. باید اندیشید که عوامل و کشتش‌های دیگری که پیرامون ما را تحت‌تأثیر قرار میدهند از همه نیرومندترند: اقتصاد و سرمایه‌داری آزاد، سقوط معنویت در سطح جهانی و کشتش‌های روانی و غیره....

اکوشار: من به شما بعنوان يك آرشیستکت و بعنوان يك باستانشناس پاسخ میدهم. معماری اسلامی دوره‌های بزرگی را شامل میشود. این معماری در دوره قاجار در زمینه‌ای شبیه‌نوعی



کارل شوارتشر

معماری نباید رفع مسئولیت باشد بلکه باید به عنوان
حقی برای جامعه در نظر گرفته شود

اکنون ساختمان چیزی نیست جز یک
احتیاج آنی



سپاس

احسان الله مؤید ۱۵ پرسش با کارل شوانتزر در میان نهاده است

خطر تسلیم شدن به یک دوره اقتصادی معماری

پیشرفت‌های نادری در تاریخ بشری صورت گرفت.

۴- آیا معماری در آینده تحت تسلط تکنیک قرار خواهد گرفت یا بعکس؟

۴- خطر تسلیم شدن به یک دوره اقتصادی، معماری را تهدید میکند. ساختن بناهایی که هر روز بر تعداد و عظمت آنها افزوده می‌شود وجود سرمایه‌های بیشتری را ایجاب میکند.

این خواسته که عملیات ساختمانی با سرعت هرچه بیشتر به انجام رسد، کیفیت و وجود و ارزش فرهنگی معماری را کاهش میدهد.

بازدهی یک ساختمان همیشه در درجه اول قرار میگیرد. مشتری و اجتماع خواهان «تولید یک حد-اکثر با حداقل پول است». این مسأله را نباید بوسیله صنعت یا تولیدهای توده‌ای حل کرد. این تسلط اقتصادی، موجب تسلط تکنیک نیز میگردد. تشکیلات وسیعی با روش خود که هنر را از جنبه تکنیکی آن مینگردند برنامه‌ها و بودجه‌های گزافی را صرف ساختمانی میکنند که به خواسته‌های تازه تکنیک پاسخ گوید. در مورد معماری سهیل‌انگساری شده است. راستی بالاخره معماری در آینده چه خواهد شد؟ تا بحال معماری یک هنر بشمار میرفت ولی امروز حالت برزخ را پیدا کرده است یک برزخ کامل. ستون دوریک به‌عنوان یک سمبل معماری جای خود را به‌احتیاج یک معماری پیچیده داده است.

های اطلاعاتی یا موشکها را بوجود می‌آورد. در آینده ما باید گامهای کوچکی به جلو برداریم. در حال حاضر ما این احساس را نداریم که مواد جدید ما را به افکار تازه‌ای هدایت کنند.

(ب. فولر) شخصیتی است گیرا که افکار ما را به سوی امکانات تکنیکی هدایت میکند.

۴- اصل مشخصه معماری پنجاه سال گذشته چیست؟

۲- مشخصات عمده معماری پنجاه سال اخیر عبارتند از: تقلیل واحدها، توسعه ساختمان‌های پوسته‌ای، تقلیل بارها نسبت به حجم‌های موجود، بالا بردن احتیاجات به انرژی نسبت به اهمیت ساختمان‌ها.

۴- این معماری چه پیشرفت یا تغییری در زمینه‌های اجتماعی و انسانی بوجود آورده است؟

۳- واضح است که خانه مسکونی در این پنجاه سال پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در اروپای مرکزی داشته است. ساختمان مدارس و بیمارستان‌ها هم توسعه قابل توجهی را دارا بوده است.

بالاخره شرایط کار در کارگاهها و ادارات تغییر زیادی در جهت مثبت، کرده است. تشکیلات تفننی یکی از مسائل تازه اختصاصی اجتماعی است. از اینقرار بعداز بیگاری قرن نوزدهم در مدت پنجاه سال انسان به یک کارگر آزاد تبدیل شده است. و علی‌رغم تزلزلی که دو جنگ جهانی بوجود آورد،

۱- الف: لوکوربوزیه، مینرواندر روهه و گروپيوس بدون تردید از مهم‌ترین معمارانی هستند که به نسل جوان قبل و بعد از جنگ دوم جهانی نیرو بخشیدند و آنها را برای توسعه یک معماری جدید آماده ساختند.

ب: برای من لوکوربوزیه به سبب اندیشه‌ها، شخصیت و افکار پیوسته و متوالیش. هنگامی که تحصیل میکردم و زمانی که معمار جوانی بودم، شخصیت مستقیمی بود که مرا مجذوب کرده بود. آن توانگری که خالق یک شخصیت باشد برای یک مرد جوان یک ایده آل است. طریقه تفکر و نحوه حل یک مسأله از طرف لوکوربوزیه امیدوار کننده و آرامش بخش بود.

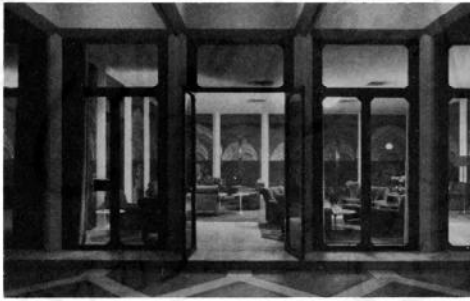
امروزه تأثیر «پیرمرد بزرگ» بوسیله معماری کتونی جذب شده است. این تأثیر دیگر در جزئیات محسوس نیست بلکه در مجموعه افکار معماری به چشم میخورد و ناخودآگاهانه به عنوان نقطه آغاز افکار نوینی که در اجتماعات جدید بوجود می‌آید حفظ میشود. از سالهای ۱۹۲۰، از باهاوس و از دوره پیداری بعد از ۱۸۷۰ چه برجای مانده است؟ چیزی نه کمتر و نه زیادت از آنچه در دوره‌های دیگر، افکار هادی در جزرهای زاویه‌دار تکوین سبک توسعه یافتند. این پیشرفت آهسته‌ساختن است که معلول تمایلات گوناگون است و با زحمت در جستجوی نتیجه‌ای دلیرانه است نباید در انتظار این توسعه اخلاقی باشد که مثلاً تکنیک

مصاحبه مؤید با شوانتزر

۱- تعدادی از آرشیوهای مشهور جهان در طی پنجاه سال گذشته معماری معاصر را شدیداً تحت نفوذ خود قرار داده‌اند.

الف) کدامیک از آنها به نظر شما مهم‌ترین بوده و به چه علت؟

ب - بطور کلی، اثر آنها روی شما چه بوده است؟ اثر آنها امروز چگونه است و چه مقدار از نفوذ آنها در آینده باقی خواهد ماند؟



طرحی از شوانتز

سفات آتیش - پائیلیا



رائٹرهدید میگذند شوانترز

۵- تکنیک پیشرفت تکن‌دهنده‌ای در پنجاه سال گذشته داشته است، مکان تکنیک در ترکیب معماری و هنر و مهارت مهندسی چیست؟
۵- پیشرفت‌های فنی همان پیشرفت‌های اقتصادی است که ساختمان با بهای نازل را هم شامل میشود البته نه آن هنر ساختمان قرن نوزدهم. مهندسی که عاقلانه میاندیشد باید با يك روش‌سنجیده مصالح کمتری بکار برد و بیشتر و با قیمت کمتری بسازد.

۸- چرا معماری مدرن بطور نسبی مورد قبول قرار گرفته است؟

۸- من گمان میکنم که معماری مدرن به‌علت نیرویی که از آن برخوردار است با وجود پیشرفتهای مادی این قرن و موانع موجود، کاملاً خود را تحمیل کرده است، کیفیت این معماری دیگر از خواسته‌های ما پیروی نمیکند اما شکی نیست که وجود دارد.

۹ و ۱۰ در کداهیک از تغییرات اخیر زندگی شهری شما موارد استفاده از توری‌های جدید را می‌بینید؟

تجربه طراحی شهرکها بصورت ناتمام و غیر تکمیل، تقریباً در همه جا پیاده شده است (شهرک‌هایی با در نظر گرفتن نواحی فرهنگی، مسکونی و تفریحی) آیا به نظر شما این تجربه جوابی به مشکلات فعلی معماری خواهد بود؟

۱۰۹ توری‌های تازه شهر-

سازی به‌کندی راهی برای نفوذ به شهرسازی کنونی میباشد. زیرا سیستم اجتماعی که هنوز وجود دارد دیگر نماینده افکار ما نیست. بدین‌جهت موفقیت‌های بدست‌آمده هم جزئی خواهد بود. دموکراسی راهی نیست که به‌سرعت به‌نتیجه برسد بلکه به‌آهستگی و در داخل کسترش میباشد. فقط اعمال انفرادی

۶- موقعیت و نقش زنان و کودکان در ساختمانهای معاصر چیست؟

۶- مکان زن در معماری میتواند روحیه «بیسودگی» را در آن وارد کند. او میتواند زیبایی خواهی را به‌عنوان عملکرد اصلی معماری در زندگی مرد بگنجاند.

۷- آیا خلاقیت معماری محدود و منحصر به تعداد معدود آرشیستکت خواهد شد در حالیکه بنای يك ساختمان محتاج تعداد زیادی متخصص است؟ آیا در این مورد نظری دارید؟

۷- دیگر نمیتوان معماری را اثر يك فرد دانست. اعمال مربوط به معماری اکنون دارای وسعت و مسئولیتی است که از مرز نیروهای خلاقه يك نفر خارج است. کار جمعی، دخل و تصرف در کار فردی و برنامه‌ریزی کارها بوجود آورنده بنا را از حالت انفرادی خارج کرده است. با وجود این باید شخصیتها

معماری یک هندریشه‌مار و میرفت، ولی امروز حالت یک برزخ را پیدا کرده است

۱۳- بوسیله تمرکز، این بخت بلندی است برای شهرسازی شهرهای ما.

۱۴- آیا حفاظت از شهرها و محلهای تاریخی که قسمتی از میراث فرهنگی بشریت را تشکیل میدهند، احتیاج به وسایل و طرق تکنیکی و سازمانی بیشتری در مقایسه با امکانات زمان حاضر خواهد داشت؟ این طرق چه خواهد بود؟

۱۴- من فکر میکنم که تاکنون کارهای مثبتی انجام شده است. ما باید نسبت به خردمان امیدوار باشیم. تمام کوششهایی که برای حفظ و حراست میراث فرهنگی انسان میشود نباید نیرو-های دائمی را که صرف بدست آوردن مدارک جدید می‌شود فلج کند. به نظر من درحال حاضر برای حفظ بناهای قدیمی بیشتر کوشش میشود تا برای گسترش یک معماری جدید که بخاطر مطالعه اسرار تاریخ رها شده است. ترس از ورشکستگی، جنبشی در نیروی خلاقه دنیای مدرن بوجود می‌آورد.

۱۵- نقش جامعه‌شناسی در انقلاب اخیر شهرسازی چیست؟
۱۵- جامعه‌شناسی مسلماً تا حدی نقشی تعیین‌کننده در گسترش تازه شهرسازی داشته است. ولی این نقش منحصراً در اختیار جامعه‌شناسی نیست. آمار، مطالعه در روش زندگی، ریاضیات و غیره از زمینه‌های علمی هستند که امروزه در کنار جامعه‌شناسی در برنامه‌های ساختمانی در شهرسازی قرار میگیرند. بهمین جهت است که ما باید روش‌هایی کامل‌تر و پیچیده‌تر از آنچه که جامعه‌شناسی به ما بدهد بکار بریم.

۱- دموگرافیک: صفت مربوط به دموگرافی یا آمار میزان تولد، مرگ و میر، ازدواج، طلاق و غیره می‌باشد.

یا وحشی، نیرومند است زیرا متضمن احتیاجات اساسی زندگی است. ایجاد هرگونه ممنوعیت یا تدوین هر قاعده‌ای که بوسیله اشخاص متخصصی اعمال شود برخوردها و کشمکش‌هایی بوجود می‌آورد. زیرا آنها در محیط پیشرفت جبری زندگی نمیکنند. بدین سبب است که باید سرچشمه‌های شهرسازی خود رو را کشف کرد و آنها به راهی درست هدایت کرد. همیشه درجات بیشتر وجود خواهد داشت ولی تکامل آنها باید در یک ساختمان اجتماعی پیشرفته صورت گیرد.

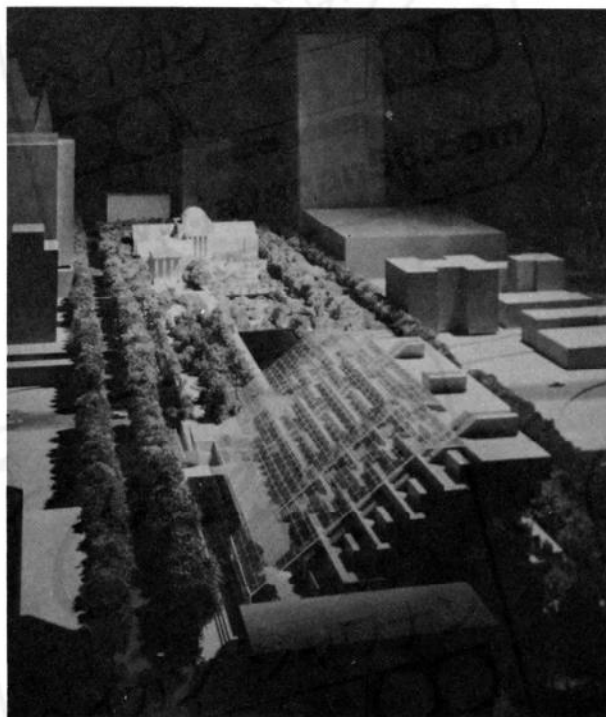
به هر حال در آنجا است که ما باید به دنبال یک راه برای زندگی حقیقی باشیم نه آنکه راه خود را با یک روش اداری (بوروکراسی) تعیین کنیم. مقام ساختمان کمتر از زندگی نیست بلکه یکی از شرایط آن است.

تا به امروز در ساختمان پیش‌بینی آینده صورت نمیگرفت ولی از زمان جنگ تاکنون ساختمان چیزی نیست جز یک احتیاج آنی.

۱۴- آیا کوریه‌های جوروانه اخیر در مورد شهرسازی دارای یک مشخصه واقع‌بینانه و مستقل می‌باشند و یا باید آنها را خیال‌پرورانه فرض نمود و اگر چنین است به چه علت؟

۱۲- خیال‌پردازی (اوتوپیی) همیشه عامل توسعه محدود و موقتی بوده است. خیال‌پردازی نیروی محرکه توسعه است و عدم آن یعنی حذف این نیروی محرکه. هیچ توسعه‌ای بدون یک هدف کشف نشده امکان‌پذیر نخواهد بود. بهمین جهت است که لزوم آزمایشات و تجربه‌ها ثابت میشود حتی اگر به عدم موفقیت انجامد.

۱۳- تاثیر افزایش آمار دموگرافیک و عوامل مزاحم در مقدار زمین تشخیص داده شده به هر نفر در طرح جامع شهری چیست؟



و نمونه‌ها و تجربه‌ها میتواند تغییراتی بوجود آورد.

سیستم‌های اطلاعاتی و سرعت آنها در متقاعد کردن مردم نقش اساسی در این زمینه دارد. دخالت روشهای مختلف تولید روشنایی به خودی خود تحقیقاتی را در مورد برنامه‌های جدید ساختمانی بوجود می‌آورد.

هنگامی که خواسته‌ها و احتیاجات شخصی وجود نداشته باشد، برای معمار یک احساس انجام وظیفه بوجود می‌آید. معماری نباید فقط یک رفیع مسئولیت باشد بلکه باید به عنوان حقی برای جامعه در نظر گرفته شود.

۱۱- آیا شما راه‌حلی برای کنترل عمومی صور مختلف و ابتدائی زمین‌خواری (مانند واگذاری زمین از طرف دولت به مردم و یا معانت از سفته‌بازی بر سر مسئله زمین، پیش‌بینی میکنید؟
۱۱- شهرسازی خلق الساعه

کنز و تاتنگه

با پیشرفت‌های روزافزون، خصوصیت شهری
تبدیل به خصوصیت بین‌المللی می‌شود
وقوف بر سنت نکته‌ی مهمی است اما وقوف
بر سنت به مفهوم تکرار چیزی ثابت نیست
سنت به مفهوم تقلید تاریخ نیست، ما باید سنت
بیافرینیم
تهران به مفهوم یک ساختمان هر چیزی
می‌تواند باشد غیر از ایرانی
تاتنگه:



کنزو تانگه



در این گفت و گو منصور فلامکی، داراب دیبا وسینا ریحانی، تانگه را به بحث گرفته اند

تانگه: حالا فهمیدم؛ بله هر شهر به مقتضای تاریخ خود خصوصیات ویژه خود را دارد، ولی بطور کلی امروزه این نوع خصوصیت دارد خیلی خیلی معمولی میشود و اغلب شهرها دارند مانند یکدیگر میشوند و خیلی شبیه شده اند؛ ولی هنوز شهرها دارای چیزی میباشند که شهر باید داشته باشد، یعنی خصوصیت ویژه آنها.

ریحانی: آیا در کار خود بر این خصوصیت تأکید میکنید؟
تانگه: بله، ولی در رابطه با مقیاس کار، این خصوصیت متفاوت است. مثلا، در تمام جهان ساختمان بزرگراهها یکسان است، این نوع خصوصیت تکنولوژیک، مقیاس عظیمی دارد، که میتوانیم آنرا مقیاس فوق بشری بنامیم؛ در سرتاسر جهان، در این مقیاس معیار خاصی نداریم و نمیتوانیم هم داشته باشیم. مردم خصوصیات خود را دارند، بنا بر این همواره شهرهایشان هم از حیث مقیاس انسانی، خصوصیات خود را دارند، مثل خانه های افراد یا تجمع این خانه ها...

برای مثال، در تهران خانه های فردی خیلی نزدیک به هم ساخته میشوند و بین آنها یک حیاط بوجود می آید. این نوع تجمع خصوصیت سنتی خود را دارد، همانطور که در بحث گذشته، «بیوستکی و تغییر» مطرح گردید. اما در این مقیاس، در مقیاس بشری، می بایست تاحدی بیوستگی داشته باشیم، بیوستگی و تداوم سنتی، زیرا افراد بشر نمیتوانند به این تندی تغییر کنند، اما در مقیاس فوق بشری، احتمالا سنتی نداریم و به این خاطر که ما در حال پیشروی و ترقی هستیم و هیچ سنتی نداریم، بنابراین

ریحانی: آقای تانگه نظر شما در مورد شخصیت خصوصیت شهری چیست؟
تانگه: این سؤال جامعی است؛ منظور شما از شخصیت خصوصیت شهری چیست؟
ریحانی: مثلا افراد مختلف نامهای مختلف دارند، شهرهای مختلف نامهای متفاوت دارند، همینطور بخش های مختلف شهر هم نام و خصوصیت ویژه خود را دارند.
تانگه: ایران؟
ریحانی: نه بطور کلی هر جا.

تانگه: هنوز منظور اصلی شما را نمیفهمم.
ریحانی: بسیار خوب سعی میکنم توضیح دهم.
تانگه: متشکرم

ریحانی: افراد اسمهای مختلفی دارند مثل جان و جورج و غیره. چشم انداز برخی از شهرها قسمت هایی دارد که میتوانید آنها را بازشناسید، درست مانند آن جورج و یا کس دیگر. آنچه که میخواهم بدانم این است که آیا شما فکر میکنید یک شهر، در رابطه با ویژگی های جغرافیا و اقلیم و غیره، دارای این خصوصیت مشخصه باشد، یا مانند بسیاری از قسمت های شهرهای نوین رو به یکسان شدن و یکپارچه شدن برود؟

فقدان هویت و شخصیت مشهود است، و به این دلیل ما داریم شخصیت خودمان را از دست میدهیم. شما میتوانید اثرات آنرا روی مردم، فرهنگ و معماری شان ببینید. مثلا تهران به مفهوم يك ساختمان هر چیزی میتواند باشد غیر از ایرانی؛ همه ارزشهای معنوی از بین رفته است، میهمان نوازی، و اوقات فراغت دیگر وجود ندارد. فکر میکنیم شما هم در ژاپن با همین مسأله مواجه شده اید.

تانگه: بله، ما نیز همین مسأله را در ژاپن داریم، هنگامیکه تمدن غربی آمد بیشتر شهرهای ما به سرعت اروپائی و امریکائی شدند. ما بسرعت داریم خصوصیت ژاپنی خود را از دست میدهیم، اما همانطور که قبلا گفته ام، هنوز برخی ساختمان های کوچک با مقیاس بشری احتمالا نوعی تداوم سنتی را حفظ خواهد کرد.

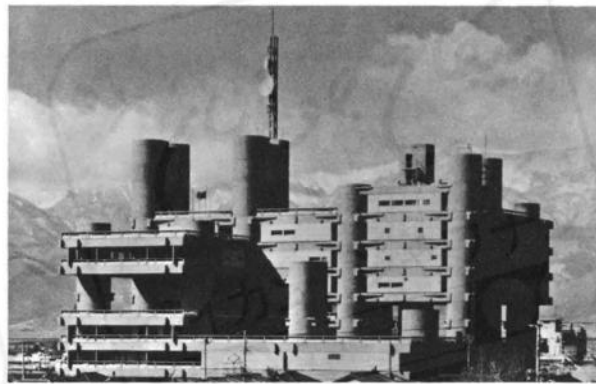
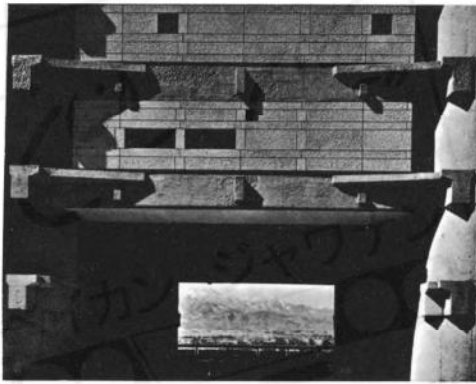
در مورد ساختمانهای سر به فلک کشیده، مسکن جمعی یا بزرگراهها که همه جدیدند و تاریخی نیستند، و در سراسر جهان یکسان اند هیچ سنتی نمیتوانیم داشته باشیم، مگر در مورد چیزهای جدیدی که ما قبلا پدید آورده ایم. فکر میکنم وقوف بر سنت نکته مهمی است، اما وقوف بر سنت به مفهوم تکرار چیزی ثابت نیست.

دیبا: بله، البته، زندگی در بیست سال گذشته با چنان سرعتی دگرگون شده که برای شیوه زندگی ما و رابطه اش با گذشته جایی نمانده است. عبارتی دیگر زندگی اجتماعی تغییر کرده؛ ما سریعتر کار میکنیم و تحرکها همه کارآمد شده است. بایستی خود را با رشد روزافزون روندهای روانی

خصوصیت بین المللی میشود. ریحانی: ساختمانهای سنتی ژاپن بالوار ساخته میشود که مادهای گرم و براحتی شکل پذیر است. چگونه میتوانید برخی از ساختمانهای خود را، که با بتون و بر مینای ساختمان های سنتی ساخته شده اند با مفهوم سنتی این ساختمانها پیوند دهید؟

تانگه: بله، حتی در ژاپن هم ساختمانهای چوبی، دارد خیلی پر خرج میشود و مواد اولیه آن نیز رو به کمیابی است. و از طرفی ساختمانهای بتونی کم هزینه تر میشود، ولی ایجاد فضای خانه های چوبی در خانه های بتونی غیر ممکن است. اگر در مورد چهارچوب ساختمانی چوبی، یعنی ساختمان ستون و تیرهای آن، بتوانیم از مصنوعات بتون قالبی یا پیش فشرده استفاده کنیم، ممکن است بنای مزبور شباهت ساختمانهای سنتی گردد، ولی اساساً با همان خصوصیت نخواهد بود، بتون خصوصیت خود را دارد، اما برخی از جزئیات اتصال آنها همانند هستند. اکنون در الجزیره مشغول ساختن يك دانشگاه بزرگ میباشیم. در این مورد کوشش کرده ام که ستونها خیلی قطور باشند بطوریکه پله ها و آسانسورها داخل آنها قرار گیرد. ما این برجهای بتونی را بقدری قطور ساختیم که از معیارهای خانه سازی خارج بود. نخست هر برج را به تنهایی ساختیم، و آنها را بابتونهای قالبی پیش فشرده کامل کردیم، اتصالات آنها همان حالت تیر و ستون ساختمانهای چوبی را دارد، هر چند مقیاس آنها خیلی متفاوت است.

دیبا: آقای تانگه، در ایران بعلت تنش که ماهیت غربی دارد،



کارکردهای آن بیش از این است. شهر يك وحدت آلی است. نحوه سازمان‌یابی این سه کارکرد خیلی مهم است. این سه کارکرد مستقلا وجود ندارند.

این سه باید با هم سازمان یابند و یا باهم تصور گردند والا در غیر این صورت شهر کار نمی‌کند. این گونه سازمان راه، می‌توانم استروکتور بنامم. شهر به استروکتور نیاز دارد، و در عین حال نیازمند کارکرد است، و نیازمند آنست که این کارکردها را سازمان دهد.

برای مثال از دیدگاه کارکردی در يك ساختمان مدرسه، هرکلاس برای آموزش خیلی مهم است، ولی عقیده داریم که راهروها چندان مهم نیستند. کاستن اندازه راهرو در طراحی يك کارکردی تواند بود، اما برعکس، من می‌خواهم راهروها را مهم بدانم، فقط راهرو-هائی که اجتماع ارگانیک مدرسه را بهم پیوند می‌دهند، بدون آنها کلاسها و هریک از دانش آموزان يك کلاس نمیتوانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند، دانش‌آموزان نمیتوانند با هم غذا بخورند و یا معلم را ملاقات کنند، بنابراین يك راهرو، فقط يك راهرو نیست، بلکه مکانیسم ویژه‌ای تلقی می‌گردد که میتواند مدرسه را به يك اجتماع ارگانیک تبدیل کند. در شهر هم همینطور است: مثلا در مقیاس عظیم ساختمان بزرگراه یا آمد و رفت زیاد، یا قطارها شهرهای مختلف را بهم وصل میکنند، ملت‌ها را نزدیک میکنند، سپس ملت‌ها بدل به اجتماعات میشوند. در شهر، بزرگ راه یا آمد و رفت زیاد، یا قطارها شهرهای مختلف را بهم وصل

با دانستن این مطلب این بحث پیش می‌آید که میتوانیم مسأله تغییر شکل و جوابگوئی به نیازهای روزمره را در این دوفضای حل کنیم، ولی درباره نظام سوم که قاطع‌تر است، چه توانیم کرد؟

تانگه: نظام سوم کدامست؟
فلامکی: مجموعه قواعد، روابط و روندهای داخلی در حوزه-های تولید صنعتی.

تانگه: عقیده‌دارم اساساً يك شهر سه کارکرد عمده دارد، ولی

های تولیدی در شهرها، نظریه‌های گوناگونی ابراز شده است. ما همیشه قادریم، و یا بایست باشیم، که مسأله شهر را در بحث راجع به امور سکونت و تفریحات، حل کنیم. همانطور که میدانیم، منطق روند تولید صنعتی و توسعه خاص آن بکلی از منطق مسکن و مساله دوفت آزاد در چهارچوب شهرها مجزاست. ما نظریه‌هایی مانند «بمدهای تطبیقی» و نظائر آن را میدانیم که در طول تجربه‌ها هیچیک درست درنیامده‌اند.

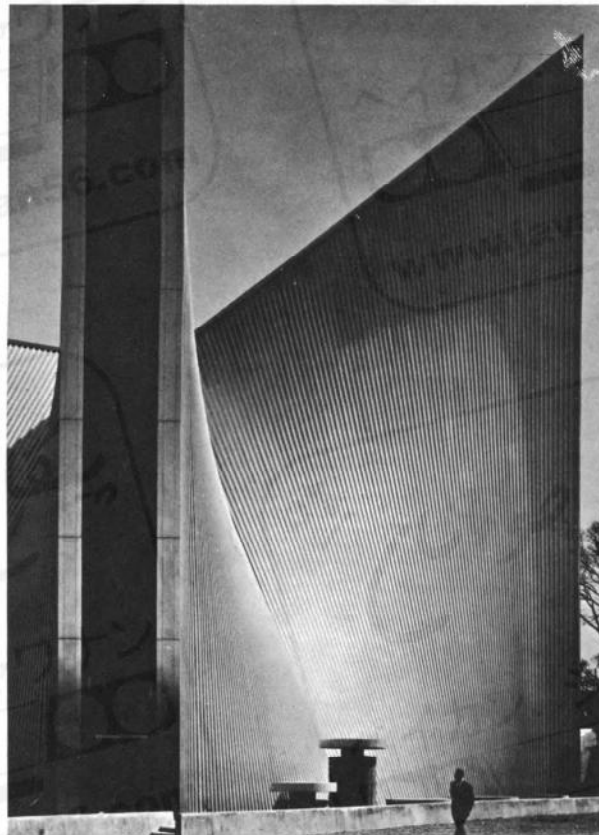
جدید هم‌کام‌سازیم. من فکر میکنم که سنت نمیتواند سبب گردد که معماری يك لحظه اضطراری در سنت‌گرائی باشد.

تانگه: معمولا گونه‌ای از تغییر را مبینیم، پیوستگی و تغییر این گونه فرآیند پویا ممکن است توالی واقعی سنت باشد. اگر آن سنت فقط تداوم باشد، نمیتواند گسترش یابد. بایستی سنت راه، با خلق روش زندگی نو برای جامعه معاصر گسترش دهیم. شما در گذشته فرهنگ عظیمی داشته‌اید، در ۲۵۰۰ سال پیش. اکنون دوره جدیدی دارید شاید بتوانید شیوه زندگی کامل معاصر را برای جامعه و تمدن فعلی بیافرینید، سپس میتوانید سنتی خلق کنید. سنت به مفهوم تقلید تاریخ نیست، ما باید سنت بیافرینیم.

ریحانی: در واقع منظور شما این است که آنچه امروز می‌سازیم، برای اخلاف ما سنت است یا خواهد بود.

تانگه: نه، مثلا ایران باستان را در نظر بگیرید، این تمدن بزرگ را بدون سنتی برپا کردند. اکنون هم این احتمال هست که نوع کاملا تمدن جدیدی خلق کنید. این سنت واقعی است. مطمئنم که در ژاپن نوعی سنت داشته‌ایم، ولی فکر میکنم که راه ما تکرار سنتمان نیست. با گذشت تاریخ، ژاپنی‌ها فرهنگ خود را می‌آفرینند؛ این است راه توالی سنت ما. اگر کسی پدیده نمی‌آفرید، هرچیز به سرعت زوال می‌یافت. سنت را باید همواره زنده داشت.

فلامکی: در مورد رشد شهرها و مسائل درونی آنها، ترکیب و هماهنگ کردن سکونت، تمدد جسم و جان (تفریحات) و فعالیت-

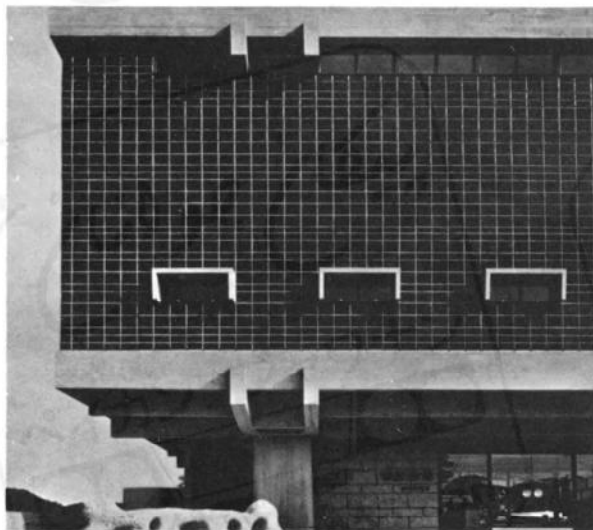


میکنند، ملتها را نزدیک میکنند، سپس ملتها بدل به اجتماعات می-شوند. در شهر، بزرگراه خیابانها و میدانها، مکانیسمی هستند که شهر را به یک اجتماع آلی تبدیل میکنند.

فکر میکنم که هر خانه هم عنصر مهمی در شهرهای ماست، اما اینکه چگونه میتوانیم این خانهها را به خانه دیگری بوندیم، خیلی مهم است. من میتوانم خیابانها، میدانها و راهروها را فضاهای ارتباطی بنامم. فقط از راه فضاهای ارتباطی میتوانیم یکدیگر را ملاقات کنیم، تبادل افکار نمایم. میتوانیم از خانه خود در جامعه گسترده تری شرکت

ریحانی: از شهر پویا نا-بردید، آیا شما این سازمان(شهر) را با پویا کردنش متلاشی نمیکنید؟
تائنه: معذرت میخواهم، آن حرفهایم اشتباه بود. قبلا درباره برنامه سکنا جهانی بشر صحبت کردم. نه درباره ایران یا ژاپن، توکیو... برخی از کشورهای درحال توسعه احتمالا افزونی جمعیت زیادی دارند، و برخی از آنها نیز منابع کافی برای خانه سازی و شهرسازی ندارند. کشورهای دیگر گاه بیش از حد لازم منابع مهابرت، تکنولوژی و غیره دارند. مثلا در مورد غذا، برخی کشورها ذخائر غذایی دارند و میتوانند به این کشورها کمک

ساخته و با مهابرت و تکنولوژی انتقال دهیم تا در سطح بین المللی بتوانیم معماری و یا تجهیزات شهری را مبادله کنیم. عقیده من این است که برای انتقال شهر و سکناگاه بشری به چنین سازمانی نیازمندیم ایران هم رشد جمعیت دارد، ولی در عین حال صاحب منابع کافی است، از اینرو دلواپس ایران نیستیم. ما نسبت به ایران خیلی امیدواریم، ولی مثلا در یک کشور جنوب آسیا به این همیاری بین المللی و این سازمان درست مانند غذا نیازمندیم. اما هیچکس زیاد فکر مسکن نیست، حتی در ژاپن، که رشد جمعیت چندان زیاد نیست، و در مقایسه با



نمائیم، بنابراین فضاهای ارتباطی بسیار حائز اهمیت است. من مایلیم که این شبکه فضاهای ارتباطی را یک استروکتور بنامم.

یک شهر بایستی کارکرد-های گوناگونی داشته باشد. کارکردها باید هویت و خصوصیت خود را داشته باشند، اما موضوع مهم سازماندهی، یا کاهش استروکتور بین کارکردهای گوناگون است. بنابراین ما به دو برداشت کار-کردی و استروکتور نیاز داریم. در سیام (کنگره های بین المللی معماری) لوکوربوزیه را در مورد اهمیت استروکتور مجاب کردیم، ولی هیچ کس دیگر اهمیت آنرا نمیدانست، بلکه فقط درباره کار-کردهای شهر صحبت میکردند، ولی کارکرد فی النفسه نمیتواند وجود داشته باشد.

کنند.

در این مورد در سراسر جهان سازمانهایی داریم که برای کشت جهانی مواد غذایی برنامه-ریزی میکنند، اما در مورد مسکن و خانه، که قبلا متذکر شدم، در بیست و پنج سال آینده ما به تعداد خانههایی بیش از آنچه در ۲۵۰۰ سال گذشته ساخته ایم، نیازمندیم، زیرا جمعیت در این مدت دو برابر میشود. این بدان معناست که باید بیش از آنچه تاکنون طی تاریخ خانه ساخته شده در ۲۵ سال آینده خانه ساخته شود.

فقط برخی کشورها با بحران سکونت انسان روبرو میشوند، و برخی کشورها با کمبود مسکن مواجه خواهند شد. در این صورت، نیاز به نظامی داریم که بوسیله آن بتوانیم مواد و عناصر و دیگر اجزاء

دیگر کشورهای آسیایی از منابع کافی برخورداریم.

دینا: با توجه به مسأله زندگی معاصر، فکر میکنید آموختن چه چیزهایی برای دانشجویان مدارس هنری و معماری ضروری است، و از دیدگاه انسانی، ما چه چیزهایی میتوانیم به آنان عرضه کنیم؟

تائنه: من درست امسال در دانشگاه بازنشسته شدم، از اینرو مایل نیستم راجع به آموزش صحبت کنم، ولی در سطح بین المللی سؤال مهمی است. همانطور که اکنون گفتم، رشد جمعیت زیاد است، و در بیست و پنج سال آینده جمعیت جهان دو برابر خواهد شد. این بدان معناست که برخی کشورها احتیاج به خانه سازی زیادی در هفت تا ده سال آینده خواهند داشت. از اینرو در سطح جهانی به متخصصان،

معماری، متخصصان مهندسی بیشتری برای کمک به معماران نیاز خواهیم داشت، از اینرو در این مورد آموزش معماری خیلی خیلی حائز اهمیت است. معماران از این پس باید تماس های بین المللی بیشتری داشته باشند. تنها به يك کشور قناعت نکنند، این کافی نیست، معماران بایست جهان بینی گسترده تری داشته باشند. برخی فکر میکنند که چون ساختمان و توسعه، طبیعت را خراب میکند، باید رشد اقتصادی و ساختمان و توسعه متوقف گردد. در برخی کشورها عقاید بر این است، ولی در دیگر کشورها، مردم میدانند که به ساختمانهای فراوانی نیاز دارند

و همچنین به توسعه و رشد اقتصادی نیازمندند. بنابراین بایستی تنوع جهانی عقاید، شیوه زندگی یا معیارهای اقتصادی یا موقعیت های سیاسی را درك کنیم. در عین حال با هم همکاری کنیم، و این امر بعد از این خیلی مهم است.

دیبا: بنابراین فکر میکنید که باید به دانشجویان، این معرفت جهانی را بدهیم، تا بتوانند مسائل واقعی کشورشان و همه جهان را درك کنند، اما چیز ضروری تری در تشکل این افراد هست، و آن ضرورت احساس طراح بودن در آنان است. آنان بایستی در زمینه پدیده های انسانی حساس باشند، بایستی در

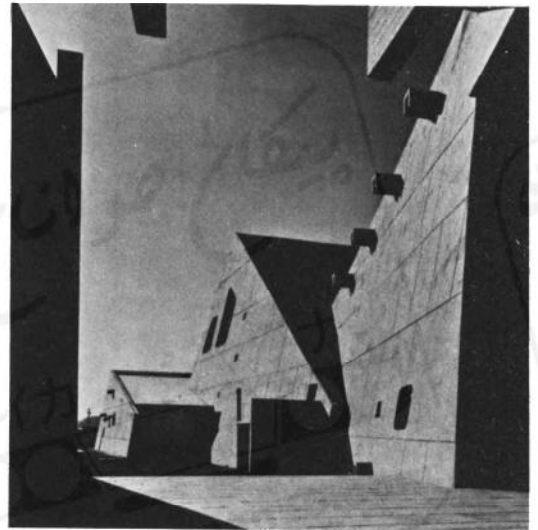
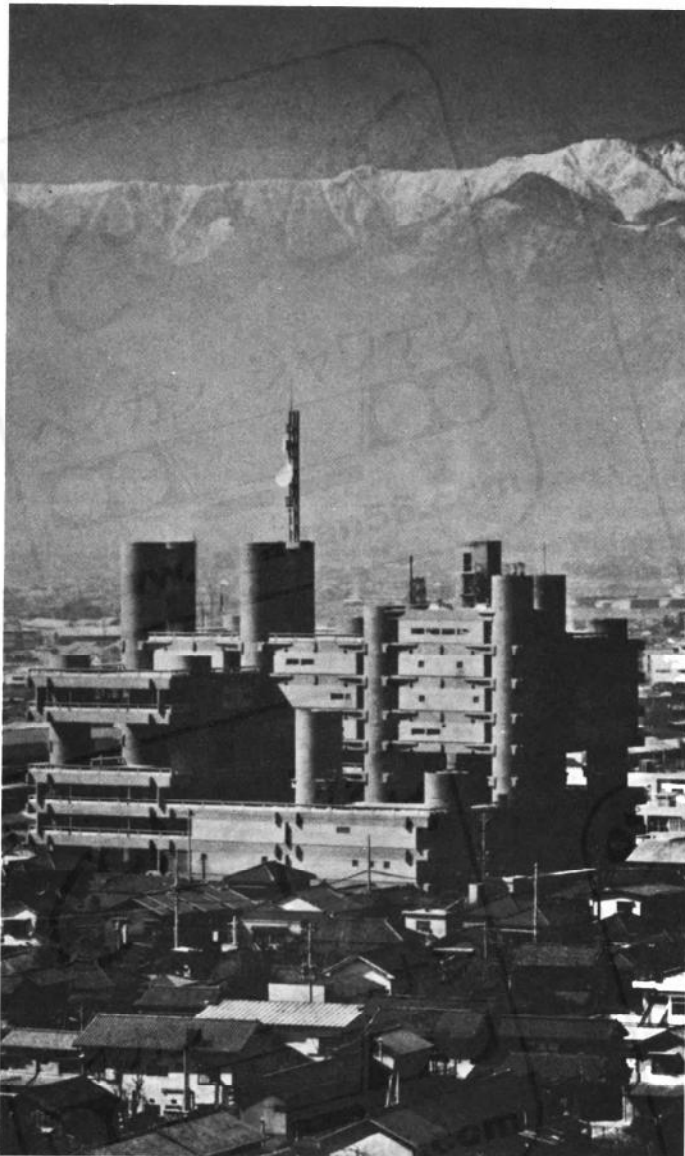
دانشگاهها و مدارس هنری انسانیت بیاموزند.

ما این مسأله را در ایران داریم: کمیت بدون کیفیت. دیگر امثال «لوکوربوزیه» را نخواهید یافت؛ ما مانند کارخانه، طراحان بی احساس بیرون میدهیم. همه چیز مادی به نظر میرسد و ارزش معنوی وجود ندارد.

تانگه: بله معتقدم که غیر از کمیت، کیفیت هم خیلی مهم است، و در این باره مطمئنم، اما این کیفیت حاصل درك عمیق حقیقت کشور انسان و همراه با کل جهان است. دیبا: شما سعادت مؤانست با لوکوربوزیه را داشته اید. می-

توانید بگوئید از این مرد چه آموخته اید، زیرا او یکی از استادان معماری است.

تانگه: مستقیماً چیزی نیاموختم، اما مدت ها وی را تمجید میکردم. چندین بار او را ملاقات کردم و از او چندین چیز یاد رفتم. ولی توضیحش مشکل است. من تقریباً همه چیز را از او آموختم، بنابراین نمیتوانم بگویم کدام نکته مهمتر است، و چه چیزهایی آموخته ام، من همه چیز را آموختم.



I think your first problem is one of regional planning, people go where industry goes. The system transportation you choose, and the size of the cities, these are your first problems for these determine, whether you're going to have forty cities of a million each, and this is going to determine density, and many other things. This is very critical to the country in your state of transitions regional national planning of the distribution of people, business, industry and transportation is the number one problem. For you might solve some problems at that level without letting them come down to the smaller level of building a community for example if you end up with Tehran being ten million people and two more cities with five million people you will have very complicated things to solve but this is the first thing, the second thing is what happens when you come to design community. My feeling is what you will be doing, you will be building relatively high densities. I think it was Ungers who said that you could build quite high densities without going more than three stories high is correct and new types of housing can be developed in this climate, which are quite dense with two, three or four stories, and then you have your big city, and then you always have high density there. I think that in those conditions my concepts surrounding habitat are relevant and I think the only way you can tackle all the different types of problems is with prototypes, because you have got to build the prototype, I mean to say, here is a piece of land, outside Shiraz or Isfahan and we are going to build three or four thousand housing units, we are going to build schools, towns centers, etc. For example for three or four thousand residential units, fifteen thousand people. I am doing one in Baltimore now, which is for fifteen thousand. It's a minimum size for schools, shops and public services.

Q: What do you think are the essentials for young art & architectural students to learn ?

SAFDIE: A heavy question, there is no simple problem if you are talking about architectural students there are so many things you have to give them, first you have to help them think in terms of solving building problems. I don't even



like the words art & architecture, I just say building problems forget the art part.

Q: Why don't you think there is art involved ?

SAFDIE: The art comes out as a by product, it's not an end in itself, the art is a result not the objective. Big difference, so I think you have to explain to him and help him to learn to solve building problems you also have to teach him that he has responsibilities, to the community that is a very big lesson not to an individual or a small group, you also have to teach him craftsmanship, I mean all the architects who came out of the American School, in the last ten years who could not hold a pencil, could talk fantastic, but couldn't even draw a line, what is the use of that?

You have to give them the crafts. It's like a surgeon, he has to know where to cut and where to saw, I mean the draftsmanship.

network, off which are private entrances to the various houses. These pedestrian streets also lead to playgrounds on the roofs of some of the units and larger playgrounds on the terraced hill slopes.

The average size of the units is three bedrooms, creating a gross density of 40 units per acre or over 200 people per acre. Inclusive in this density is the open space, parks and commercial facilities.

"Habitat Puerto Rico" will be built by Development Corporation of Puerto Rico for a cooperative to be organized by the Administracion de Fomento Cooperativo. Development Corporation of Puerto Rico will build a highly mechanized housing factory which would be capable of producing five prefabricated modules per day or between two to three houses per day. The capability of this plant could be doubled or even tripled at a later date. Special prefabricated components, such as fiber glass bathrooms and prefabricated kitchens, would be manufactured as well. A special plant will be set up for these products which could be exported independently or in the total housing module to surrounding areas. For example, it is contemplated to barge these units to the Virgin Islands where they would be assembled to form a community there.

"Habitat Puerto Rico" would demonstrate the potential of industrialized housing and also will show the possibility of evolving a vernacular architecture particular to local climate and culture as well as creating high density construction utilizing both flat and hilly sites and still provide families with the amenities of the single family detached housing with the added advantage of an intimate community.

CONSTRUCTION COST SUMMARY

The average unit size is three bedrooms - 1,060 square feet. The total construction cost per unit including all site development, improvements and community buildings - approximately \$14,000 with land development and financing costs. The sale price for the co-operative unit is approximately \$17,000, the maximum allowable within the 221-D3 moderate income housing programme (221-D3 programmes provide 3%, 40 year mortgage for families of moderate income, thus making the monthly payment for a 3-bedroom house including all maintenance

vehicle traffic cross pedestrian networks. A network of pedestrian streets is located one and one half floors above the car

costs approximately \$95.00.

SPONSOR: Administracion de Fomento Cooperativo.

DEVELOPER-BUILDER: Development Corporation of Puerto Rico.

ARCHITECT: Moshe Safdie, Montreal, Canada.

CONSULTING ENGINEERS: Conard Engineers, New York - Los Angeles

We can start by talking about the architects role in a changing society.

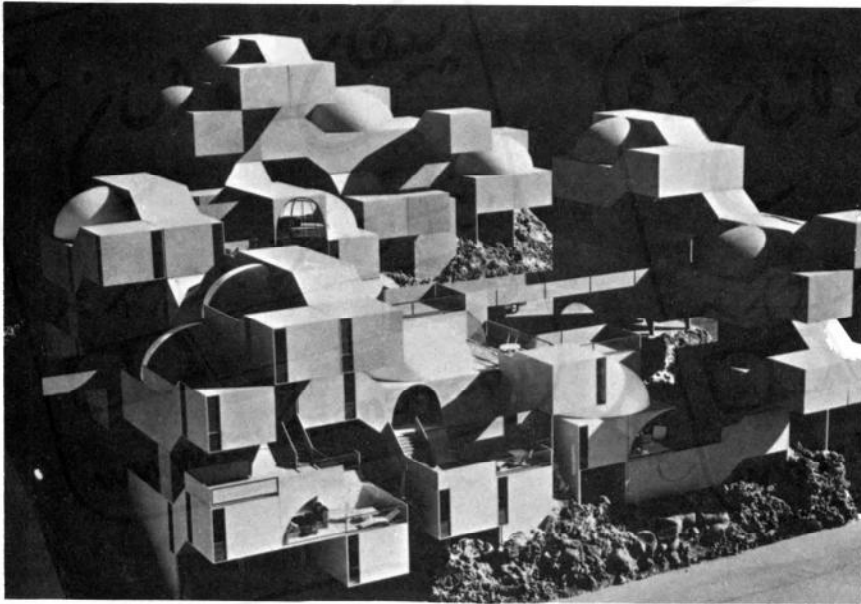
Safdie: Every architect has to give an answer to himself to some question in ideology, for example I work in the United States, and I consider the United States, and I consider the United States a completely as open society as you can find any where, and certainly one which I consider to be as democratic as they come, and yet every time I have a project, I have a moment of truth, I had one project in Washington in 1968, where they wanted me to do a demonstration

housing project. When I came with the designs, they said this looks too good for poor people even if it doesn't cost much, the people will criticize us, why are we doing such good things for poor people, so please change this and please change that and we need terraces, and so on. Even in such cases as this society "American Society" which certainly the decision making mechanism of government you must interpret the voice of the people even though it is a bureaucracy that may be speak five years to act on the voice of people, I resigned from the project though I liked it. It is easy for me to resign because I had another project or two major projects. I have resigned from several projects in the past ten years, may be fifty percent of them because I could not accept the terms of reference, as I found them unacceptable to my personal morality and ethics. Now how I would react if I had only worked in one place, and taking that position would mean I had no work at all its hard to say.

I haven't been through that test because I have worked in other places. So its a difficult question, which everyone has to answer for themselves, in some countries the risks are higher because if you alienate yourself you might not have any work at all, so then you have to choose, be-

RECORDING OF MEETING HELD BETWEEN

M. Safdie M. Falamaki,
D. Diba S. Reyhani



Puerto Rico conditions and within the unit construction costs of moderate housing programs. A module shape was developed based on a split level arrangement

with inclined end walls. This module permits for the arrangement of split level house plans of one, one and a half, and two levels without any space being lost for free standing stairs as in the case of "Habitat '67" in Montreal. Further, the configuration of the exterior

walls permits for a window design in which the upper half is louvered with opaque material permanently shading the lower half which is glass open to the view. The modules are grouped to form a variety of housing type ranging in size from one to four bedrooms. The principle of the housing plans is the court or patio. Each house has its own private garden court located on the roof of the house below which is surrounded by the living, dining and bedrooms and in which shade is provided by the cantilever ring of

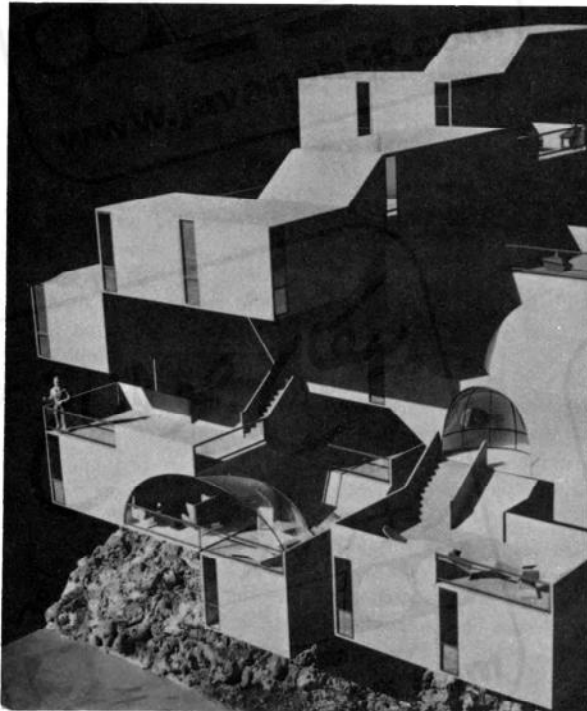
house units above. Each house is conceived as a self contained entity with complete privacy, visual and acoustic, the walls and floors of adjacent houses are duplicated to achieve perfect sound separation. The grouping of the modules provides for cross ventilation through each house and most rooms.

CONSTRUCTION COSTS

"Habitat Puerto Rico's" first application will be in a moderate housing cooperative program under the housing section title 221 (d) (3). To build "Habitat" within the allowable costs for this moderate income housing program, many technical and design modifications were made from the first "Montreal Habitat". For example, the weight of the module was reduced from 90 to 22 tons; its dimensions were modified to permit for central plant location for better amortization; the mechanical and electrical systems were simplified; the number of precast concrete elements was reduced and the structural system simplified; thus bringing down the unit costs to less than one-eighth of the Montreal costs per square foot.

THE SITE

The site for "Habitat Puerto Rico" is a steep hill in the San Patricio area in San Juan. It is typical of many hilly sites which, up to now, have not been used for housing construction and which in many cases were levelled to permit conventional construction. By utilizing the sloped site to achieve greater density and better living amenities this project would be a prototype demonstrating the potential utilization of similar sites on the island and elsewhere. In developing the total community a number of criteria were set as objectives: To minimize the dependency of elevators, 80 percent of the housing in the project are accessible from ground with mechanical means. A network of roads spiraling up the hill permits for parking of the car at close proximity to the house. All parking for the community at the rate of one space per house is provided under cover in the space created under the house as they were grouped on the hill slopes. Substantial areas of the hill were left untouched to preserve the natural vegetation and to create parks and green areas for the community's use. Another objective has been to achieve the total separation of pedestrian and car traffic. Nowhere in this project will



recognizable in space; each dwelling has a garden which is located on the roof of the unit under it. The system also permits perfect acoustic and visual separation. Walls, ceilings, and floors of adjacent dwellings are duplicated resulting in two separate layers of concrete with an air space between them thus achieving perfect acoustic separation. Similarly, planters and rails are designed to provide privacy between neighbouring terraces.

In adapting the Habitat Building System special provisions were made for Israeli conditions. Adequate thermal insulation will be provided in the external walls. A newly designed rotating dome shaped window will make it possible for the tenant to enclose his terrace garden with a dome shaped shutter for shade in the summer, or with a dome shaped glass window in winter, converting the terrace to a greenhouse interior room. With this system maximum sun protection in the summer and maximum sun absorption in the winter will be possible.

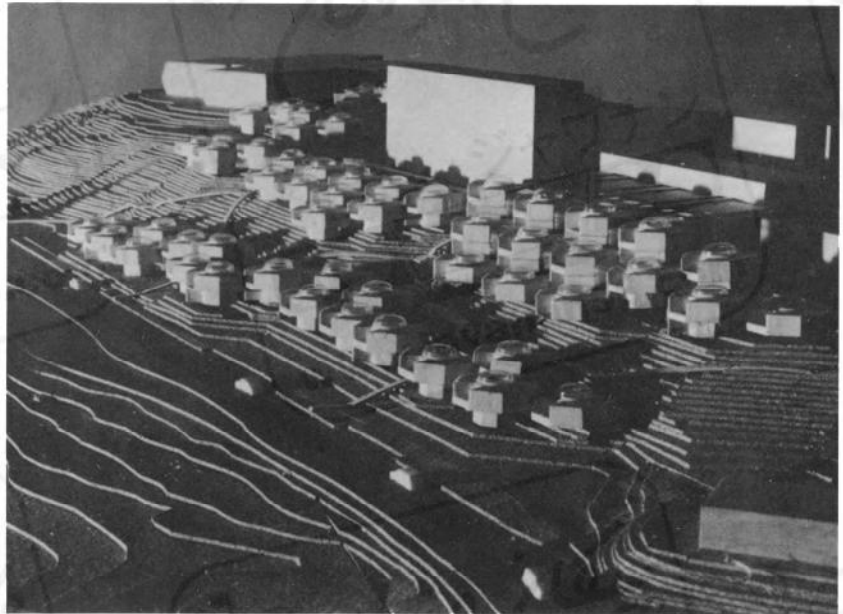
The design is based on two basic elements: a concrete box element and a thin shell dome element. The combination of both results in a variety of house type ranging in size from one to four bedrooms.

The Feasibility Study commissioned by the Ministry of Housing has now been completed and ascertains that:

- 1- The project is economically feasible. Dwellings can be produced with this system at the compatible market cost per dwelling, exclusive of site work and land cost, at an average dwelling size of 85 square meters.
- 2- The project is technically feasible, utilizing materials presently manufactured in Israel.
- 3- A factory with a capacity ranging from 600 to 1200 units per year could be adequately amortized. Some special equipment for the plant will have to be imported.
- 4- The building system is adaptable to various sites, ranging from flats to steep slopes; to various climatic regions of the country, and to various densities, from the lowest to the highest presently being built in Israel.

It is anticipated that, once approvals are given, a factory could be operational within one year's time, with the first unit

being erected one or two months thereafter.



FACT SHEET FOR "HABITAT PUERTO RICO" FOR PRESS RELEASE

"Habitat Puerto Rico" will utilize a total factory production of housing modules. Prefabricated, prefinished housing units will be manufactured in a central plant serving the entire island. The prefinished module will have all components, bathroom, kitchens, windows, mechanical and electrical systems installed in the factory, and would be trucked or barged to various sites for assembly. The housing module will be 430 square

feet in area, and forms part of a total housing unit, up to three modules in size. The typical module cast in concrete, would have two and three inch walls, four inch slabs and weigh approximately 22 tons. It would be 12 feet wide to permit for highway shipping. A complete assembly line would be organized in the plant to permit for the efficient and systematic prefinishing of the housing units.

DESIGN CONCEPT

In developing "Habitat Puerto Rico" the aim was to develop a particular design which would specifically suit the particular local climatic and living-habit requirements. The basic program was to reproduce the living amenities of "Habitat

'67" as built in Montreal in context of



MOSHE SAFDIE

BIOGRAPHY

MOSHE SAFDIE

Born in Haifa, Israel, on July 14, 1938. Moved to Canada in 1954. Entered McGill University School of Architecture in 1955 and graduated in 1961. Since that time has been actively involved in professional practice.

1961 - 1962

With Van Ginkle & Associates, Architect/Planners, Montreal.

1962 - 1963

With Louis I. Kahn, Architect, Philadelphia, Pa.

1963 -

Section head, architect/planner with the Canadian Corporation for the 1967 World Exhibition - Design of the Master Plan for the 1967 World Exhibition, and Habitat '67 proposal.

1964 -

Commission to execute Habitat '67; started private practice with office in Montreal.

ISRAEL HABITAT Proposal of an Industrialized Building System for Application in the State of Israel

The Habitat concept is both a building system and an environmental system. It has evolved over a number of years with the aim of improving the living environment of mass housing, and introducing industrialized techniques thus reducing industrialized techniques, thus reducing the cost and labor content, and making it possible to meet demands at a faster rate.

As an industrialized building system, it essentially differs from the conventional panel type pre-fabricated forms of construction currently used in Europe and Israel. Unlike those systems, the Habitat System is based on the factory production of a total housing package. A space-cell - a three-dimensional module, forming a portion of the house and containing within it bathroom, kitchen, electrical and mechanical work, and interior finishes - is produced on an assembly line, in a centralized factory, and is distributed by truck for assembling on various sites.

Under this system, a high degree of mechanization is possible, not only of the structural shell, but introducing assembly line and industrialized procedures to the non-structural portion of the houses, which in the present construction methods are undertaken conventionally on the site. Ninety percent of all construction work, excluding site work, is undertaken in the factory as compared with 30% of other methods. This system also lends itself to the training of unskilled labor in the factory, and to a substantial reduction of skilled labor man-hours per square foot of construction.

Continually, the principle of Habitat System has been to provide the amenities of the single family house, regardless of the density being built, as well as to make possible the integration of non-residential facilities within the community with the results of a better neighborhood. Each dwelling in Habitat is therefore, in a sense, a separate house regardless of whether it is on the 2nd or the 12th floor. It is serviced by pedestrian streets, and not by corridors or staircases, which are separated from vehicular traffic and parking. Each dwelling is

back.

A lot of years have gone by, and a lot of things have happened. This country is now in the process of resurrecting a lot of things that are worth while so you have to choose and pick up what were valuable in the past, things which can survive today. This doesn't refer to the big monuments. It refers to the small details, like planting plants, a way of watering, a way of making a garden, a way of using the roofs. Like you did many centuries ago, and were lost. The main thing is that human beings should be happier in a newly created architecture is built for people, people have to live in it so that is your main duty as architects.

FALAMAKI:

You know the problem starts at our university. Another problem is the culture which is not really model culture and it is not really Persian. I will give you an example, the famous city of Isfahan. Renovation done in this city shows that, Isfahan was built on a 16th century French model and an Italian model after by Shah Abbas. Well, this is a problem that we don't know anything about, and it's impossible for anybody to speak about Isfahan of four centuries ago. We can not say that, it is a copy, because at the same time we are talking about its glories. Now if the university takes some of the responsibility about the educational program it has to change some of its own structures.

REYHANI:

Most certainly the change which industrialisation will bring to this country should go together with the education. It is quite obvious then we would not call it industrial revolution. It will automatically become an evolution. So it can not work as fast as we really want it to work. So opportunities should be given to all to participate.

SERT:

The work of the architect or the city planner is a teamwork. You have to have people who can do this and other people who can do that, engineers, people who can do all the utility systems. The architect is a member of the team, and he has to have the proper education to work with the others.

REYHANI:

Our architectural schools in Iran are very young, and people who have taught and people who are now teaching; they are all foreign educated, an education not familiar with the Iranian culture and tradition. So education at our colleges becomes force on students who have

becomes forced on students who have different background to that of their

teachers, then we see here that education gets the secondary position. So the important thing becomes having and holding a position rather than teaching which should energized.

SERT:

Unfortunately the school of architecture have been going through a terrible

crisis all around the world even in the best schools. We went through a crisis at Harvard and in the School of Design, I do believe like you, that schools should be much closer to life, much closer to the things that are heppening. Schools are always lagging behind of course, it is a special world, the world of the university, the world of schools which has been sort of kept aside in a way. I do think they should have a more active participation and they should have more to do with life in general.

REYHANI:

We have this energy, we can research at our schools if we are given a change, for this movement towards industrialisation. So why do we have to import this, it's really back of recognition by our own people.

SERT:

I think that when a country has something that is good there is no need of importing, but I am not a person that believes too much in frontiers and borders. This country has many talented architects. I was impressed when I went to your school. Eleven years ago, I also had many Iranians in my own class at Harvard, and they are talented people. Some countries do not produce oranges, and other don't produce wine. This country has produced architecture and there is nothing to prevent its continuing.

DIBA:

I am very much concerned about what is taught today at art and architectural schools". I always believed that this kind of studies need certain preparation and inspiration. An artist should above all be an honest man, meaning one should be strong and competent. This requires a strong feeling for art as far as form and techniques is concerned which can only

learn to a certain extent, but when we consider sensitivity and intelligence, that's another matter. These senses can not be taught, only waken.

SERT:

I think he should be helped to develop himself. You knew if he is no good, he can't be much, the man has something within him, which could be developed and if he has not any feeling for art, why try make him an artist, encourage him to find his own line.

and there is no mathematical formula to help us resolve them. In this Congress lived in the 19th century over loaded with superficial things, but now we do not need them. Certain things are not rational and can be very agreeable to live with.

DIBA:

That was certainly the reason you chose Antoni Gaudi to write a book about.

SERT:

Well yes, Gaudi was completely different to what we had been doing ourselves during that period, the early work with friends like Gropius and so on. I saw Gaudi in my youth when I was a student, and I was completely against his architecture, because maybe his helpers were my professors. So, many years after living in the states, I went back to Spain and I found some of my friends had taken wonderful pictures of Gaudis' works in colour, that I had not seen before. So I discovered new forms trying to find new answers to many problems. This was a completely different Gaudi than what we had heard about.

DIBA:

Today in Iran we are experiencing a new transition in architecture. Imported-westernized culture and form has stood opposed to our cultural heritage. Here we are talking about a synthesis but apparently nothing will be cleared by this confrontation; in one hand we have tendency to accept the westernized approach to civilization, and form, and in the other hand we have the traditionalists, who strongly follow their past glories.

This phenomenon is seen all in
This phenomenon is seen in all of our art form and not many people can follow this. I mean the artists and the architects.

Our difficulties are to understand this synthesis and to translate this abstract concept into an art form. The confrontation occurs in cultures of many countries like Spain, Japan, Greece who share this problem with us.

SERT:

Well, you will find many influences in the Mediterranean countries in general. The Arabs stayed in Spain for 700 odd years, and that was a long time, of course there is a lot of good things they have left behind, their technique of planning, and tile work etc. Which is still had stayed a little longer. What happened in

this particular case in Spain was that America was discovered, and then everybody went to look for gold, and forgot all other things, so beginning of disaster.

When I was a student we hated the Al Hamra buildings, but today when I go and see it, it has a wonderful pool as you enter, plants and so on, which makes it a wonderful building. It is far superior to European building of the period. It is far superior, because what is important in a building facade, they were placed as holes in the wall to look at the most important parts of the landscape, the courts were sheltered against the sun, all of these came from the east.

DIBA:

How could we describe the real face of contemporary architecture? Spain, like Iran, has this international architecture, by this I mean an architecture based on uniformity. With no individuality or cultural identity. This is going towards quantity, in this architecture there is no more sensitivity, good will, research or intelligence which is necessary and essential to give birth to human and good architecture.

SERT:

You have young talented people here, there are also young talented people in Spain too, but many of these people have not yet got the chance to show themselves; they have not had the opportunity. Bruno Zevi who was talking in the panel this afternoon was saying that in Italy and in Switzerland constantly there are open competitions and at least young people have the chance of participating. For instance, the City Hall in Boston was built as a result of a competition, not that there are many competitions in the United States, there are very few. There are much more in Europe. So three young professors from Columbia University, who nobody knew, won the prize. They had a very interesting design, and winning the competition changed their lives. It was an open door, that is why I think Bruno Zevi suggested that the Congress perhaps should suggest open competition in its resolution.

DIBA:

What is the role of this Congress? and what can these talented man do for us, these are the questions I am asking myself; as these problems are complex,

we mostly hear personal experiences and we can't but reach indirect solutions.

SERT:

You cannot, you know, I did the same thing when I was your age; we used to expect too much from a Congress. A congress is a meeting of people who come from different lands. I think it is important because you have people from Japan, England, United States, France, and this country. This is very important, for these people have different experience, who are gathered together, perhaps we can talk, talking together with your people.

It would be useless if we did not talk. We can exchange some views and we can

It would be useless if we did not talk. We can exchange some views and we can say well, you know we tried this but we made a mistake. I did not work or we tried this other thing and we believe this is better. We can tell you about our experiences, now it is up to you to decide, of course, this is your country and you have much more knowledge of the problems than us outsiders. Mostly the problems are general to everybody. They are general to mankind, people are different in one way and they are very much the same in another. As people to begin to travel, to mix, and internally to begin to travel, to mix, and internally they tend to become more of a general family.

FALAMAKI:

Problems are universal, we know very well the process of the industrialization has its own logic and has a direction, we as architects can not control. This is in one hand, and in the other hand are the standards that you speak about, of better living and working conditions, and most important the environment where we live. Consistency of traditional values and culture of the people is a great problem. As Persians we just cannot accept any pathological imported experiences from a different European or American culture, so what can be the alternative.

SERT:

I think you will have to get away from everything, and rediscover your own values. See what happens; this is a country that has lived for many centuries, you have a culture that dates far

are shops and an arcade. Today houses are not like in the past where they were just blocks where people lived in the middle empty spaces. Houses are surrounded by activity, they become part of life. Therefore, you would not want a heavy travelled road to cut through a place like that that would be the last thing.

Persons coming back from work can choose to go and do many things to relax. Your beautiful traditional gardens, roof gardens etc, in old times, were very beautiful. You could go up on the roof knowing you had the open sky, the cool of air and the plants around you.

Now these have to be re-established in your new housing. It is a tradition to have a lovely garden in this country. This is something that modern technology can bring you also. What you are talking about is a certain continuity and you are right. You can't uproot the people from the ways they have been living and put them in an inhuman kind of environment means that people are meant to live in contact with the air, with the sun, with the breeze, to be able to go out at night, to be able to be in a garden, to be able to sit near the flowers and trees, a brook, a fountain or water. These are supposed to be places where people can gather, talk and walk. What happens in lots of these cities is that happens in lots of these cities is that the people no longer walk, the noise is so strong in the streets and they are so dangerous that people do not walk in them for pleasure any more.

There was a balance in life when people cultivated the land. There was a certain movement from the house to the fields. Now this has changed and a new balance has to be established. There has to be a balance because of our system, our human body, our minds, our way of working, thinking and resting works the balance in our lives. This balanced environment is an environment where the machines do not take everything over. Where machine can help, so you can recuperate.

DIBA

Functionalism rationalized architecture, and this was an answer to a deep psychological needs of the time. Gropius who was the pioneer of functionalism supplied the rational and economical answers. Iranians have always had a

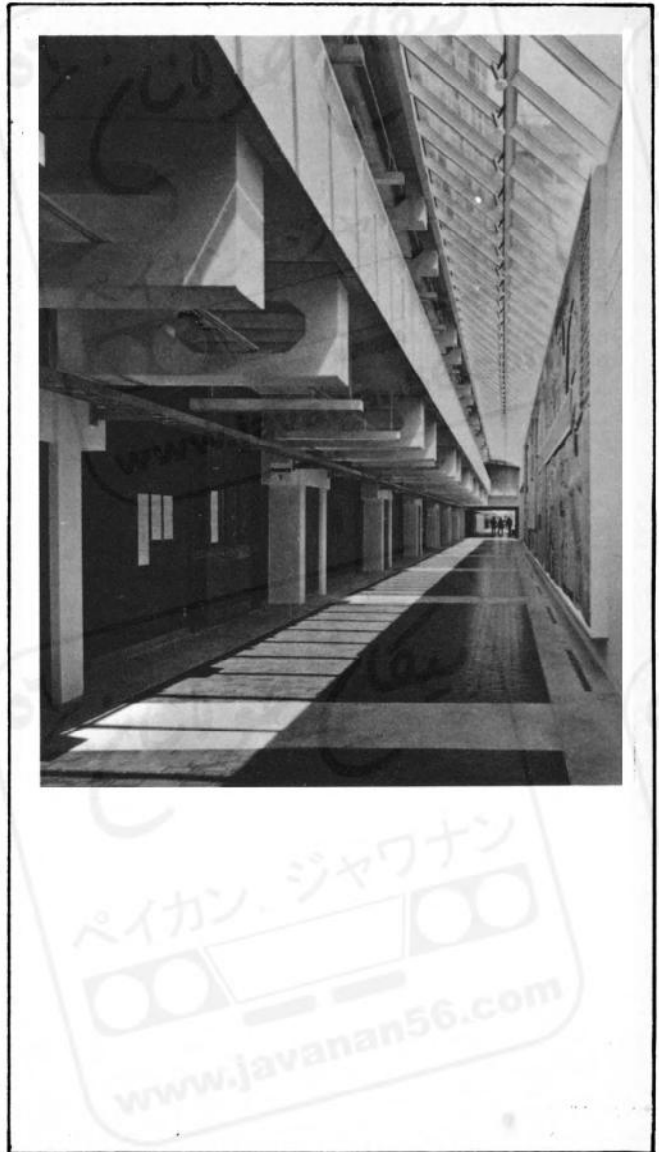
strong lyrical sense, which is quite different to that of Europeans. When subjectivity is taken away, they become deprived and unable to express their inner selves.

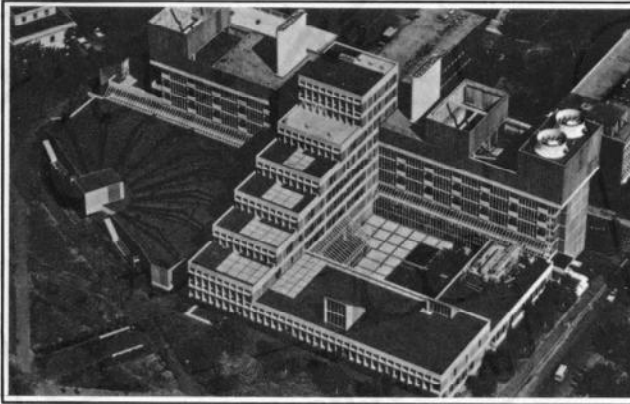
SERT

We all change in the course of our lives; our ideas change, the world around us changes, we see new things, we learn new changes, we see new things, we learn new lessons. When you practice architecture you are continuously learning, like when you practice medicine, etc; So what happens now is that many of the things that we saw rather black and white, cut and dry when we were very young in the 20's are not the same. Rationalism

in architecture is a term that has been used and misused, we take work with used and misused, we take work with modern architecture, that I have never taken the term very seriously. I am more interested in the human condition, and everything that is human. In my mind is rational. By just calling things rational, because they were purely practical, you cannot add anything to it, so it is not practical. The men that lived in caves in the early stages, when they made those beautiful pots, they did not do it for rationalism, adding a handle instead of the funnel is not purely rationalistic neither is architecture rationalistic.

Adding too many superficial things we





Today some people realise this fact and even in the U.S. today there is a reaction against the abuse of cars. In the city of Cambridge for instance, where I live in Boston; students have laid down on the roads to prevent the people in the city from cutting down trees, beautiful old trees, just to enlarge a road to accommodate more cars. There are already those among the people in general, young and old, who have reaction against the abuse of the car. The use of the car is something universal, and I am sure all of you use it. What we should not do is to abuse it.

We have to watch that the industrialization process does not work against the people. It has to work for the majority

of the people. In the U.S. lots of people benefit by industrialization. Without industries and manufacturers, we could not have a refrigerator in the house which is absolutely essential to people and mass production has made it possible for people with even a modest income to have this comfort at their homes. So there is a good side to industrialization, and bad side like the car, and the land which you can use, but not abuse. You can industrialize a country so you can benefit by it. You needn't abuse it.

You don't want more machines that you can take care of, like you don't want more of a garden than you can water; "take care of". Houses today are smaller and garages bigger, sometimes for two cars, even bigger than the living room in the house, and still where do you live, you don't live in the garage, you live in the living room. So all of these things have become an absurdity, because they have been distorted, and that is why industrialization has to be done with a sense of measure.

REYHANI

These are all on the physical side of life. What I think is more important is on psychological and social side of life. When one comes to one's apartment from a hard day's work; what I am interested in is how one can relax and relieve the tension and mind and perform one's duty towards family and oneself. We can leave machine out, by designing for it and using it as it should, at our service.

We do not use our legs much today. As you know physical exercise is one way of releasing tension the way we are going now, the future generation will turn into monsters with big heads and short legs.

more sense and less machines. We certainly do not want to make the same mistakes as Europeans did; terrace houses each side of a road, with a little front and back garden. Green spaces, communal spaces, circulation spaces and amenities should be part of every design. These are where we meet our neighbors and communicate without work being involved, these are the places where we can relieve our tension, to be able to be natural, no complexes etc: You have to live part of your every day life with nature.

We can design and have even nature to obey us. So use it for this very important cause; our building bylaws in Iran do not encourage this and we do not have qualified opinion on the decision-making panel, the university can help if given these problems to tackle and research on.

SERT

This country has the advantage of learning from the mistakes other countries have made. Now you should not make old mistakes if you are going to make mistakes, make new ones.

You are quite right in saying you know what happened when they built houses on both sides of the road and then the road becomes a noise channel, and becomes uninhabitable. In Paris today all around the river, around the "Siene" It was very beautiful before. They used to sell old books and people used to walk around, people used to fish, now there is a series of cars, hundreds and thousands of cars one after the other. Beautiful apartments that were so valuable only twenty years ago, today nobody wants them, because you can't live in them any more. If you open a window you have too much noise, if you close it you can't breathe. You would have to have double glazing to insulate yourself from the noise.

They have become unlivable. That means that today in the streets, in the important streets which was a desirable location for a building 30 years ago is no longer a desirable location because the street is no longer a street, it's an expressway. If you have these roads with four or five lanes and crossing at high level, it is like a river dividing the city. The pedestrians will have to cross a bridge to get to the other side. low, we know that this is too expensive. So the houses on these roads should turn their backs on these roads, and not their fronts. I believe in housing being an active part of the city.

Housing is really much more than houses. In New York there is a school which forms part of a housing state where there



the industrialization process will take place here. The main thing with the industrialization growth is to be aware that industry can produce many good things that can help man, but industry is only a tool. What is important is to set the principle for the standards of life that people should have in the country, what the people have the right to have. They have the right to have trees near them, and they have to have spaces where they can move. You don't have a house on the road with hundreds of cars passing by or great expressways that cut the capital, the country in pieces and so on. The cars make things easy in many ways but the cars are not only used, they are abused today. I am old enough to remember Paris with horse carriages in 1914, just before the first world war the roads in France were relatively small, also many of the more advanced European countries were the same. This invasion, this mass production of cars, and the abuse of the car in the cities creates all the hazards, all the accidents. The number of people who die in a year's The number of people who die in a year in the United States alone, is 50,000 persons in one year, killed in motor accidents, not by hazards, just in motor accidents.

Now that the number of cars are ever increasing and I think there are over 90 million in the U.S., (population being 230 million in that country), this means that there is an abuse of the cars especially when you try to put the car into congested areas; it becomes much more dangerous because besides having many cars you have many people. Many people try to cross the roads, children coming back from school and so on. So when you get to a certain density of populations you begin to build high buildings, then have to consider that you have to do something at the base of the buildings that allows for movement, allows for trees, for water, and other things that

people have to live with, also allowing for safety.

The cars now have expressways but the expressways are not tied to parking systems. It's important to have parking facilities when you leave the expressway, this should be part of the same design. The automobile covers about 350 square feet, which is the space of a very large room in fact it is practically half a house.

**RECORDING OF MEETING
HELD BETWEEN
JOSE LOIS SERT DARAB DIBA
MANSOUR FALAMAKI
SINA REYHANI**

REYHANI:

We will open our discussion by considering the problems of industrialization in Urban Development, and its effects on human habitation. We all know what contractors did in Europe during the industrial revolution, and what architects created later, so called machine live in. Forgetting all about the amenities and green spaces, they put all their efforts on the dwelling itself and not so much on the human contact.

The hard and vast concrete surfaces create tension in urban life, and realising their social and psychological effects on people who return from a hard day's work to these machines, they are again boxed in. Corridors and stairs are the only link to that hard concrete base, which doubles their tension; so we have kids breaking windows and getting to all sorts of mischief.

I am emphasizing the frustration which these machines bring to human life. Now this will affect us in Iran. We are trying to live in an atmosphere which we are not familiar with. Having not created this ourselves, we have adopted it and changed our tradition into a new way that our society is not used to. Ours is a society which has been suddenly awakened to this revelation.

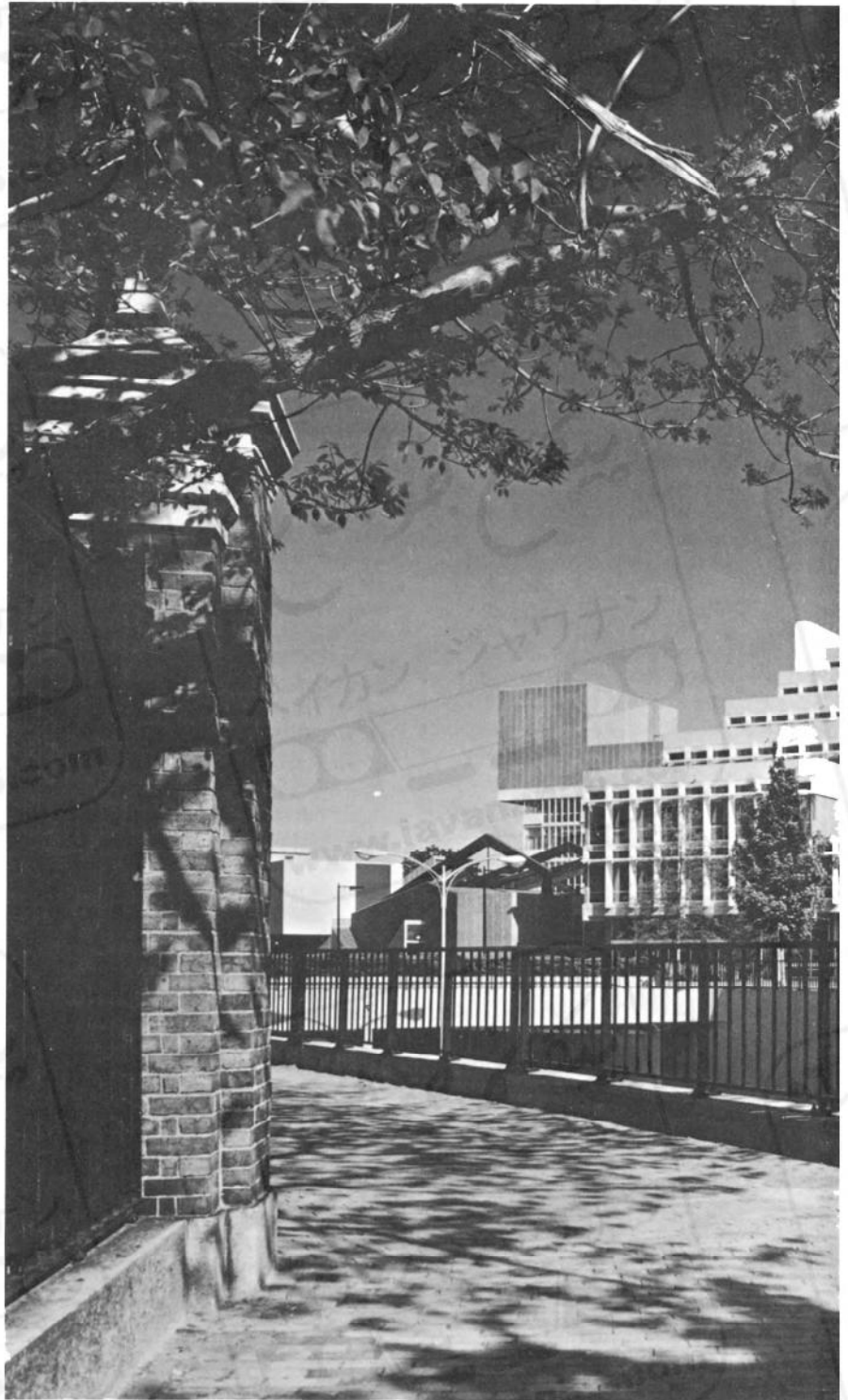
The machine has brought a different scale to our lives. As Iranians we are not really familiar with the machine. Let's take the car for instance. Transition from carriages, riding donkeys or horses to a car has taken place very quickly and suddenly so we really do not understand it, we just use it as a means for getting around.

Surely future has confusion for us if we don't plan and organize this transition. we have to train our decision makers, and use less and less foreign help to strengthen a trust and to recognize our own talent and ability.

SERT

The closeness of change which is happening here is also taking place in many other countries. In some countries it

has come before and in others it will possibly come afterwards. Now how fast will this happen in Iran is difficult to tell. I don't know the country well enough, and I have not been given any figures to help me either, so I don't know how fast



SERT, JOSE LUIS

Fernand Leger, Alexander Calder, and his Catalan compatriots John Miro and Pablo Picasso.

Meanwhile, in 1929 Sert opened his own architectural office in Barcelona and helped to organize a group of local architects that soon became affiliated with the International Congresses for Modern Architecture (CIAM). It was in 1929, moreover, that he attended a meeting of CIAM for the first time, at its second congress, in Frankfurt, Germany, where Walter Gropius and Alvar Aalto were also present. Stimulated by the lively exchange of ideas with his colleagues, Sert contributed prominently to the dissemination of the avant-grade principles of that far-flung organization, of which he served as president from 1947 to its last congress in 1956.

Sert's Barcelona group was a part of an association of Spanish architects that, like the CIAM, insisted on the importance of the role of the architect in city planning

and renewal. A statement of principles quoted by Knud Bastlund in Jose Luis Sert (1967) included the objective: "To bring architecture to its natural expression related to actual technical, social and economic conditions from which it is now divorced, is the basis of the program that . . . the group proposes to carry out,

coordinating our efforts and encouraging teamwork". On April 14, 1931, the day of the proclamation of the Spanish Republic, the Barcelona group moved into its first meeting hall. From the beginning its fortunes were tied to the young, ill-fated government, which embarked on a public works program for the whole country. On one of its major projects, the redevelopment of Barcelona, Sert worked first in collaboration with Le Corbusier and Jeanneret in Paris in 1932 to diagram a master plan and then, from 1933 to 1935, with the local Catalan group to make studies and designs for rezoning, eradication of slums, and other specific goals. In a related project he prepared a study in 1934 for the construction of a proposed leisure city near Barcelona.

By 1937, when Sert designed the Spanish Pavilion for the Paris Exposition, his country had become embroiled in civil

war. Constructed of prefabricated materials over a painted steel frame, his building, with its movable partitions, served as an effective showcase for stage performances, photographs, sculptures, and paintings that in many instances revealed to the outside world the current struggle of the Spanish people. Picasso's Guernica mural and Miro's Catalan Peasant in the Revolt, for example, were among the paintings for which Sert provided a setting. Sert's work and similar experimental efforts had come to an end at the outbreak of the civil war in June 1936, just after the completion of Casa Bloc, a Barcelona residential development of 200 dwellings and social service facilities. With the collapse of the Republican government in 1939, he moved to the United States.

"Sert is one of the strongest proponents of the Mediterranean mentality in contemporary architecture", S. Giedion wrote in his introduction to Bastlund's study. The influence of his Mediterranean origins became evident soon after he left Spain

in the wide-ranging work in urban planning for South America cities that he undertook as a partner of Town Planning Associates, a firm that he helped establish in New York City in the early 1940's. In collaboration with Paul Lester Wiener and Paul Schulz he designed a series of pilot plans and master plans in Central and South America to bring about "a closer relationship between buildings and people".

Town Planning Associates enlisted the services of a New York engineering firm in its projects as well as the advice of local architects and engineers. Sert and his colleagues surveyed the entire region began and took great care to avoid destroying natural features of sites by poor development, as had happened repeatedly in some South American projects. Mountain streams for instance, were integrated into towns as landscaped relief. Parkways became the organizing spines of city sectors. Pedestrians enjoyed private paths that concluded as quiet cul-de-sacs. Decentralized city sections were provided with churches, shopping facilities, libraries, theatres, and playgrounds.

Among the first clients of Town Planning Associates was the Brazilian govern-

ment, which commissioned studies for a new town of some 25,000 inhabitants, Cidade dos Motores (City of Motors), to be built on a clearing in the jungle about twenty-five miles from Rio de Janeiro. Plans for the town, which was to be constructed over a period of ten years, provided for two factories, modern farms, recreation areas, and residences. As reported in the *Christian Science Monitor* (November 23, 1946), "Its designers say it will be the first complete city in the world planned in accordance with modern scientific, sociological and industrial principles".

In another project, for the city of Chimbote on a desert coastline of Peru, Sert's firm employed a scheme of groupings of patio houses in varying scales from the small, family dwelling to the civic center. The Chimbote plans, prepared in 1948, have since been applied repeatedly in developing African and Asian countries. The patio style of building around an open court is an integral part of Sert's Mediterranean manner. He was not the only modern architect to favor that style, but he was a prime mover in readapting it for contemporary needs.

Other new communities that Town Planning Associates blueprinted included two towns in the Orinoco Valley of Venezuela commissioned by United States Steel. Sert also took part in designing master plans for the Colombian cities of Cali, Medellin, and Tumaco and, in consultation with Le Corbusier from about 1949 to 1953, helped to develop a master plan for Bogota. Engaged as a consultant to the National Planning Office of the Cuban government in 1955, Sert worked on a redevelopment plan for Havana that was to serve as a model for other cities of that country. Also in 1955 he was commissioned by the United States State Department to design the buildings for the American Embassy in Baghdad, Iraq.

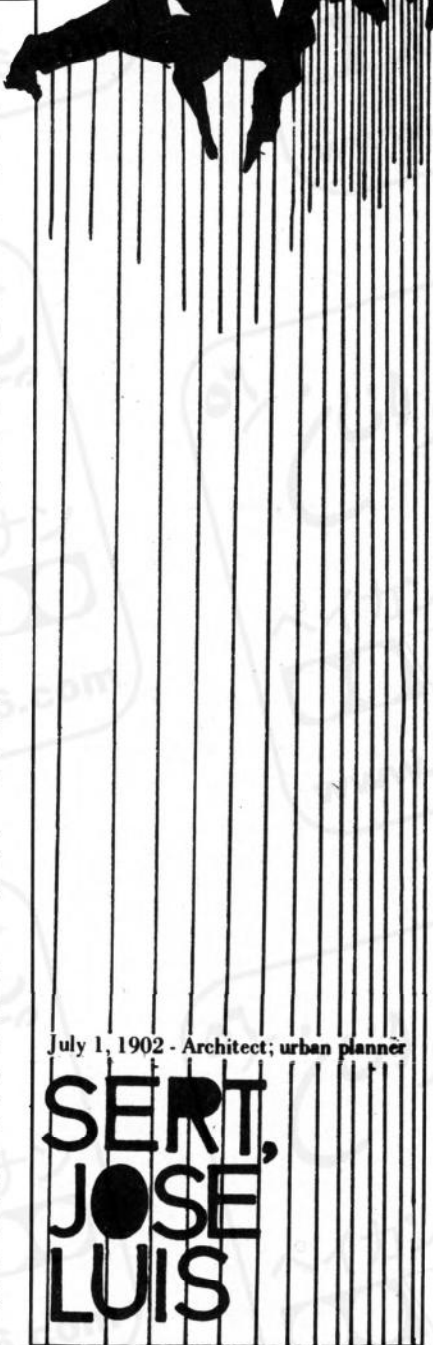
Although Sert's academic experience had been limited to a year, in 1944-45, as professor of city planning at Yale University, he was chosen in 1953, to succeed Joseph Hudnut as professor of architecture and dean of the faculty of the Graduate School of Design at Harvard University. By the appointment of Harvard's President Nathan M. Pusey, in 1957 he also became consultant on technical problems in the university's long-



So influential and far-reaching is the work of Jose Luis Sert that the social awareness and concepts of artistic collaboration that he brought to the practice of architecture have become almost commonplace. His early development coincided with the dawning of a new era in art and architecture, a time of revolutionary ferment that called upon the architect to use building techniques and designs and urban planning to help solve the problems of dehumanizing industrialization. Sert has been instrumental in moving architecture away from isolated attention to single buildings and toward the shaping of entire cities, and in a step further he has treated college campuses and even museums, such as the one he designed for the Foundation Maeght in France, as microcities.

For the whitewashed walls and rough-concrete of his building, their patios and courtyards, sculpted "parasols", splashes of bright color, and textures of tile, Sert is indebted to his Spanish background, upon which he has drawn repeatedly in resourceful application to sites as remote as Chimbote in Peru, Baghdad in Iraq, and Cambridge in Massachusetts. From 1953 to 1969 he was professor of architecture and dean of the Graduate School of Design at Harvard University. He still has an architectural office in Cambridge.

José Luis Sert was born on July 1, 1902 in Barcelona, Spain to Francisco and Genara (López) Sert. A devotion to art seems to have been part of his Catalan heritage. One member of his family was a patron of the architect Antoni Gaudí, and his uncle was the painter José Maria Sert, best known in the United States for his murals at the entrance of the RCA building at Rockefeller Center in New York City. Jose Luis Sert himself began his career as a painter, expressing an inclination that may account in some measure for his abiding appreciation of the relationship between architecture and



July 1, 1902 - Architect; urban planner

**SERT,
JOSE
LUIS**

the visual arts, painting and sculpture. As a student from 1921 to 1928 at Escuela Superior de Arquitectura in Barcelona, Sert became occupied with social as well as aesthetic concerns. He joined a student protest movement against the beaux-arts training, which ignored housing and community architectural needs arising from problems of post-World War I industrialization. On a trip to Paris in 1926 he had the opportunity to read the early books of the Swiss architect Le Corbusier, who was then living in France. Excited by the daring ideas in *Vers une architecture (Toward a New Architecture and Urbanisme)*, Sert took the books back with him to Barcelona, where they incited him and his fellow students at the academy in a co-operative effort toward the development of a contemporary architecture. One result of their work was the exhibition in 1929 at the Dalmau Galleries in Barcelona of plans for a resort community on the Costa Brava, a project that demonstrated Sert's interest in both urban design and

the integration of the visual arts and architecture.

At the invitation of Sert and his fellow students Le Corbusier visited Barcelona in 1927 to lecture on his theories on the building of "the city of tomorrow". A year or two later, having completed his study at the academy and obtained his M. Arch. degree, Sert went to Paris, where he became part of an international group of experimental architects gathered at Le Corbusier's atelier on rue de Sevres. Under the "direction of Le Corbusier and his cousin, Pierre Jeanneret, he worked there on the second set of plans for a League of Nations building. Frequenting the Cafe de Flore in the evening, he discussed the new aesthetic order with artists who were to be his lifelong friends;

Only through the communication spaces we can meet each other, exchange ideas; we can participate from our own houses to a wider society, so communication spaces are very important. I like to call this kind of network of communication spaces, a structure.

A city should have various functions. Various functions should have their own identity, their own character, but the important thing is to organise, or minimise the structure between different functions. So we need two approaches; functional and structural. At the C.I.A.M. Le Corbusier was convinced about the importance of it. They only talked about functions of the city, but function can not exist on its own.

Reyhani Yesterday you mentioned a mobile city, would you not destroy this organisation by mobilising it ?

Tange Excuse me, yesterday I talked about a world wide human settlement programme, not only in Iran, and not in Tokyo. Some developing countries, might have huge population increase; some of these countries do not have enough resources to build houses or cities for themselves. Other countries who have more than enough material, know how, technology and so on; like food for instance, some countries have food shortages, other countries can send food to them. We have organisations all over the world; food farming is very, very important to us, so international programmes are organised, but in the case of housing or settlement, which I mentioned yesterday, we



ecture to be a compulsory moment of traditionalism.

Tange

Usually, we see some sort of change; continuity and change. This sort of dynamic process, may be a real succession of tradition. If that tradition is only continuity, tradition can not be developed. We should develop the tradition by creating a new way of life for the present contemporary society. You had, a great culture before, some 2,500 years ago. You have now a new age, maybe you can create a contemporary, completely new way of life for the present society; for the present civilization, then you can create a tradition. Tradition does not mean to imitate history, we should create a new tradition.

Reyhani

In fact what you mean is, or should be, tradition for our successors.

Tange

No. For instance, taking for example Persia. They created this great civilization without any tradition. You can have this possibility right now, to create a completely new kind of civilisation. This is real tradition.

I am sure in Japan we had some sort of tradition, but I think to repeat our tradition is not our way. As the history grows, Japanese people create their own culture; this is the way to succeed our tradition. If nobody created anything, everything very quickly would decay. Tradition should always be vitalised.

Falamaki

There are several theories about growth of the cities and inter problems of the cities, the combination of the habitation, recreation of body and spirit (amenities) and productive activities.

We are always able, or we are supposed to be able, to resolve the problem of the city when we are speaking about

habitation and recreation matters. As we know the logic of the industrialising process is completely independent from the logic of housing and the problem of free time. We know the theories of gradual conform and other theories which do not work. Knowing this, I wonder if we are able to resolve the problem of change in these two systems, and we can do with the third one, which is more decisive.

Tange

What is the third one?

Falamaki

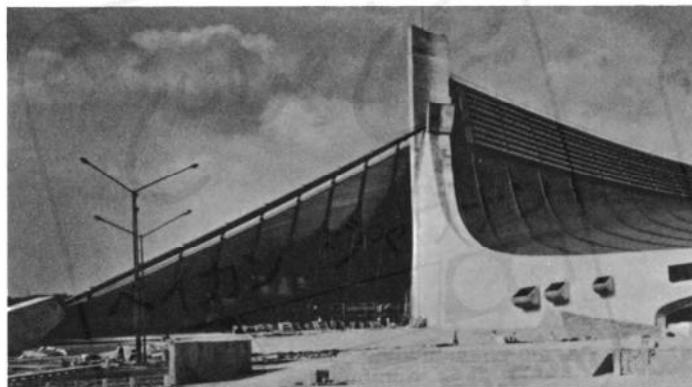
The third one is the productive industrialising systems.

Tange

A city has basically three functions. I believe this, but a city has more than three functions. A city is some organised unity. How these three functions are organised is very important. The three functions do not exist independently. The three functions should be organised, or else should be thought together, otherwise the city does not work. This kind of organisation, I can call structure. City needs structure; city needs function at the same time. A city needs structure which can organise these functions. For instance, in a school building,

from a functional point of view, each classroom is very important for the education, but corridors are not so important we believe. To minimise the corridor space, may be functional in design, but now on the contrary I like to put importance on corridors, only the corridor which organises the schools organic community, otherwise, classrooms or each student of a class can not communicate with each other. Students cannot eat together or meet the teachers, so a corridor is not only a corridor, it becomes a special mechanism which can make the school an organic community. It is the same in a city, on a huge scale for instance, highway-structure, or mass transit, or trains are connecting different cities together; bringing the nations closely connected, then nations become communities. In the city the highway, streets or the plazas are the mechanism which makes the city an organic community.

I think each house is also a very important element in our cities, but how can we connect these houses together is very important; without clustering, an individual house can not be a member of the city, member of the community, so structure of the city is the means of communication. I can call streets, plazas or corridors spaces of communication.



ment. For instance, housing for individuals or clustering of houses has its own character.

For instance, in Tehran you have the individual houses built very close to each other, creating an inner court yard. This kind of clustering has its own traditional character, so yesterday in the discussions we had "Continuity and Change", but on this scale, on this human scale, we might have some continuity, we might have some traditional continuity because human beings can not be so quickly changed. On the super human scale, maybe we do not have any traditions. We are always progressing, advancing always progressing, advancing always progressing, advancing therefore, we would not have any traditions; so it becomes international.

Reyhani

Japanese traditional building construction is in timber, a material which has warmth and softness. How can you relate some of your buildings, which are built in concrete, on the same principle of post and lintel of which Japanese traditional timber was used?

Tange

Yes, even in Japan wooden structures are becoming very, very expensive. The raw material of this kind is becoming very, very rare; therefore, concrete structure is becoming more inexpensive, but finding the same atmosphere is not possible in concrete structures. Concerning the framework of wooden structure, post and beam structure, if we can use prestressed or precast concrete structure, maybe similar expression will come out, but not essentially the same character. Concrete should have its character, but some detail in the connections are similar.

I am now building a huge campus building in Algeria. In this case, I am trying to have very huge columns, inside which are the staircase

Diba

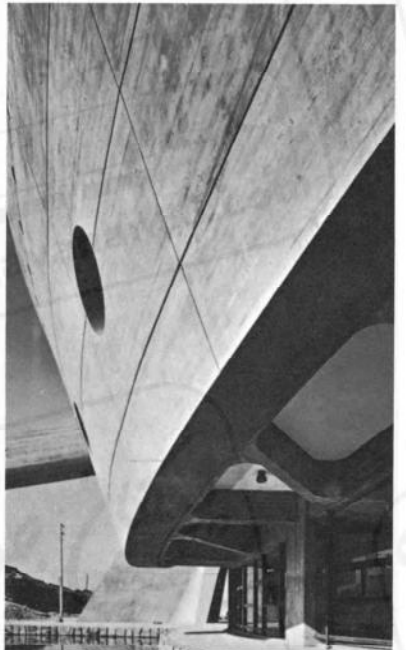
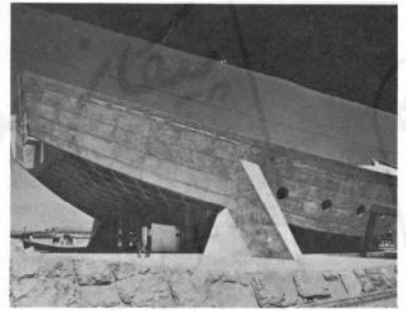
Tange

Diba

and elevators. We put this concrete tower at so much aspan, sliding some structure. We built first each tower independently, this we can make complete by the prestressed, precast concrete. The way connections are made has the same sort of post and beam feeling to wood structures, although the scale is quite different.

Mr. Tange, in Iran there is a loss of identity and personality due to tension that has come from the West, so we are losing the real personality of ourselves. You can see the effects on people, their culture and architecture. Let us take Tehran for instance, it is not any more Iranian, it can be anything. All the spiritual values are gone, the hospitality, the times we had for ourselves, they have all gone. I think you have faced the same problem in Japan. Yes, we are experiencing the same in Japan, when western civilisation came most of our cities were quickly Europeanized, or Americanized. We are losing very fast our Japanese character, but just as I have said before, still some sort of traditional continuity. In high rise buildings, mass housing or the highways which are new and have no history; they are the same all over the world, and we can not have any tradition, only new things which we invent. I think to succeed the tradition, only new things which we invent. I think to succeed the tradition does not mean to repeat the same things.

Yes of course. Life in the last 20 years has changed so rapidly that our way of living has nor more bearing with the previous form. The social life has changed, we work faster and movements are different, we have to challenge with the everyday growth of new psychological trends. Tradition cannot force archi-





tion and cultural value of architecture. Turnover is foremost. 'Maximum production, minimum finance', demands the mandate of society. This problem must not be solved by industrial means, i.e. by mass production. The domination by finance imposes a technique. Ever growing organizations with their cybernetic methods necessitate programmes and construction budgets which made continual demands on technique. Architecture is neglected. What then will archi-

tecture become? Until now it has been thought of as an art, today it is an environment and an integrated one. The Doric column as symbol of architecture has been replaced by the need for a complex architecture.

5 Progress in technique is progress in economy and low-cost construction and not in the art of construction of the 19th century. The rational engineer must use less material adequately, construct more and at a low cost.

6 The position of woman in architecture could bring back the 'unnecessary' element. She could encourage the desire for beauty as the true function of the architect in the life of man. She should, for her children's sake, fight against the monotony of the 'little boxes' and an architecture which achieve only the banal.

7 Architecture can no longer be the work of one man. Its tasks have achieved a size and responsibility which are beyond the forces of the individual. Team-work the various individual tasks and the programming of work have made and will continue to make the architect himself

more and more impersonal. Personalities, an elite, are however necessary to lead, group and delegate individual tasks and supply a creative solution.

8 Modern architecture, in accordance with its capabilities, rate of development and the obstacles placed in its path during this century, has so far made itself felt. Its quality leaves to be desired but it exists; there can be no doubt about that.

9/10 New theories on urbanism only gradually infiltrate into urbanism itself because the existing social system does not correspond to the new ideas. Success as a result can only be partial. Democracy does not move quickly but develops slowly from within. Only individual action, examples and experience can bring about change. News and its rapid persuasive ability is the instrument of progress in this domain. The invention of all methods which enlighten will automatically give rise to a search for new construction programmes. When no spontaneous desire exists, the missionary spirit of the architect is grafted to no avail. Architecture must not become a mission, society must demand it as a right.

11 Spontaneous or wild urbanism is vigorous because it replies to the elementary needs of life. Each restriction and regulation by non-specialists creates conflict, because they do not arise from a vital spontaneous process.

For this reason the sources of spontaneous urbanism must be explored and directed to ingenious channels. There will always be many degrees of parallel development. Their integration must be planned in an elevated social structure. It is

here that we must look for the new way of life and not want to rule it bureaucratically. Construction is not inferior to but a condition of life. Until now it has not looked to the future but, since the war, has had to fulfil an urgent need.

12 Utopia is always a question of development in time. It is the driving force of development. To eliminate it, would be to suppress this driving force. No development is possible without an unknown goal — this is why experiments are necessary even if they lead to failure.

13 By concentration. It is the chance for the urbanization of our cities.

14 Until now I think we have at times had too much success. We should also have more confidence in ourselves and the efforts to safeguard humanity's cultural patrimony should not paralyse those forces which are essential for the new documentation. I think that more effort is expended on safeguarding existing constructions than on the development of a new architecture. The latter has been abandoned to the speculation and 'miracle' of history. The fear of irreparable loss has stunted the creative of the modern world.

15 Sociology has certainly a definite effect on the new development of urbanism. It does not however deserve all the merit. Statistics, the study of behaviour, mathematics, etc. are sciences which should today be placed alongside sociology in an attempt to reach sound urban construction plans. Sociology alone is of little help, it is too often concerned too late which points which would have been useful at the beginning of planning.

Methods more complex than sociology should therefore be used.



**The Chamber of Commerce,
Lower Austria**

Our objective was the erection of a building in which benefits of significance to the national economy could be derived. We needed workshops and rooms where people could be trained in more than sixty trades, from lathe-operator to entrepreneur: our requirements included a school, display areas, offices and a centre for meetings as stipulated in an original brief.

Paragraph 61, section 2 of the law pertaining to the Chamber of Commerce clearly defines our area of responsibility: promotion of culture and the arts, practical training and education, as well as economic expansion through film and the applied arts.

The institute's raison d'être like that of the Lower Austrian Chamber of Commerce, is the provision of all forms of training needed in the various trades and professions. In order to do so effectively, it must offer a range of subjects and facilities which stand in proper relation to the host of professional opportunities, economic requirements and the multifariousness of human nature itself.

Professional training facilities are not only an indispensable pre-requisite for the efficiency of the national economy, but it is also the life blood of every enterprise and gives the individual employees intellectual, social and material encouragement. They are an essential factor in economic planning for the future. In the final analysis, it is the intellectual, rather than material capital which determines an enterprise's success, and due recognition of this fact constitutes the basic weapon in the institute's drive.

3.M.W Parking

**BMW PARKING GARAGE,
MUNICH**

The Task Involved

In view of the economic development over the last few years, many enterprises have come to appreciate the need to provide adequate parking facilities for their employees, if they are to entertain any hopes of retaining them.

The BMW Motor Co. Ltd. in Munich was confronted with the problem of clearing a site that had been previously used as a surface parking area and was now designated for the future administration building, and of providing a multi-storey parking garage for the 1,600 vehicles thus displaced within the shortest time possible. This project was part of BMW's overall plan to provide parking

facilities for 4,500 employees' cars.

A suitable site, some 6,500 sq. m., was conveniently located on the southern lot with approach routes from both the Mittlerer Ring and the Dostlerstrasse, the height of any building being restricted to 13m.

Following intensive studies that did not fail to include a survey of the local traffic situation — in particular the traffic dis-

charged — it was decided to design a garage for 1,600 cars based on the d'Humy system with a total of four ramps serving seven storeys.

Given nineteen months planning and building time, it took some seven months to elaborate the plans, whilst obtaining official permission was a gradual operation that lasted from August 1969 to May 1970. Eleven companies were invited to tender as general contractors, the procedure being completed within two months. The best bid was submitted by a joint venture comprising Messrs. Hinteregger of Neufahrn near Munich and Hochtief of Munich. The lump-sum contract offered a price of DM 4,626.10 per car space, one of the conditions being that the project would be completed by the end of May 1970.

Faced with such a deadline, prefabrication was an inevitable choice and Dipl.-Ing. W. Gehm co-operated with the construction companies to provide the most suitable answer. A reliable solution had to be found for the large clear spans resulting from the parking configuration where the vehicles were to move in areas free of supporting columns. Particular value was to be attached to an expression of utility in design and the prefabricated system was to be accentuated.



BMW MUSEUM MUNICH

The museum establishes an intellectual link between plant, product and public.

In a fittingly appealing programme, all the available multi-media facilities (films, slides, exhibits, lighting and sound effects, actions, etc.) Should be utilized in a show prepared by fully qualified experts lasting for about eight to twelve minutes. Furthermore, the inclusion of cultural events in the programme could make the museum a permanent feature of the arts in Munich, as well as ensure the optimum fulfilment of its information and advertising functions. At the same time, this would arouse the interest of a specific sector of the public in BMW products, and the motor-car and technology in general.

Up-to-dateness implies that the show must always keep abreast of time. Programmes could be presented featuring a subject of current interest such as "BMW and progress", "the motor-car and winter-sports", "fashion and the motor-car", "the car and hunting" or "the motor-car and safety". The organization, presentation and architecture should bear witness to progressive technology in keeping with the BMW image.

Enclosure and insight

The fact that building is closed to the outside world implies a particular feeling of tension prior to a visit whilst the ports at entrance level grant a preview of the experience awaiting one. In contrast to the transparent entrance area which has been laid out in an open and inviting manner, the deck area has been encased like a container in order to direct the visitor's attention to the profound experience of the exhibition.

Impressive interior

A total multi-media show with optimum spectator activations is transmitted by means of acoustic, visual and real stimuli. Using lighting, sound and projection effects, spectator attention can be intensified without the relation to the real display object in the exhibition area being lost. The separation of wall and construction has a surprising effect; however, the functional intentions behind this measure become apparent immediately one recognizes the display purpose behind the curved areas. The transection of interesting spatial forms gives rise to surprisingly dynamic effects which do particular justice to the building having been devoted to the display of motor-vehicles and permit effective, variable exhibition possibilities.

The round areas of the individual display decks add increasingly to the effectiveness of the motor-car display and offer the greatest degree of variability.

Pre-determined routing

Without being aware of the fact, the visitor is led through the museum. An escalator leads from the entrance hall up to the upper display decks. Travelling upwards, a good view is obtained of the other display areas at varying heights and an overall impression of the whole exhibition is gained. On the top deck (4 and 5) a show is presented involving the panorama projection of films and slides, as well as sound and lighting effects, onto the inner wall of the room. Following the illusionary experience of a moving motor-car and its relation to the environment and man, the visitor is led, in all comfort, along the decks and



down linking ramps to the other display areas past various cases.

This highly concentrated manner of display as experienced by the visitor guarantees the transmission of a compressed brief message to the visitor. The variegated physical stimulation of the visitor activates his psychic receptiveness as well. The combination of picture, reality and action on the part of the visitor is meaningfully complemented. For the first time in his life, he is confronted with an unaccustomed formal institution, as offered by the spatial effect and the multi-media show, and he proceeds to absorb what is offered in a more intensive manner.

Unaccustomed experiences are offered from unconventional angles. The contents are presented to the spectator in novel circumstances and, unlike his institutionalised viewing habits, he enjoys new visual experiences.

Technical facilities

Projection area
A steel projector stage is located in the central column of the roof construction. It can accommodate the film and slide projections needed for panorama or any other pictures, as well

as the requisite control equipment. It can be lowered to working level for servicing.

Acoustics

Loudspeakers can be affixed to all ceilings and walls in the requisite number.

Air-conditioning

The requisite temperature and humidity are maintained in the exhibition area by means of a simple inflow/outflow system. Incoming air is fed into the interior through clearly visible air conditioning ducts, the piping being incorporated as a design element in the architectural concept of the interior. The foul air is withdrawn (in part) via appropriately designed grids at the entrance hall level or via the central column. The entrance hall is heated by convectors.

Lighting

Light tracks for spotlights have been installed on the undersides of the decks and roof with multiple circuits, thus ensuring the flexibility of position and switching needed for exhibitions.

Exhibition design

Display design can be effected by different artists within the framework of the basic concept and its implementation.

through the ports in the other shell, of the busy traffic on the Mittlerer Ring and Lerchenauer Strasse. Thus, a still closer relationship from the abstract world of the exhibition with real everyday life is established. Moreover, for the company's employees, the museum has become a focal point of prestige thinking with respect to their own successful achievements. The grounds added emphasis to this company — product — public relationship. The attractiveness of the areas, its layout and programme offer the visitor a lasting memento that is closely linked with the company name and BMW's progressive image.

The Museum and its Function

Entrance area

The museum entrance is linked to the foyer of the training area and is located on the same level as the main entrance hall in the administration building, there being a link via a so-called "contact" and discussion-zone".

Display area

An escalator conveys the visitor direct from the museum entrance up to decks 4 and 5 in the upper exhibition areas. The latter is completely sealed off and is thus best suited for the projection of panorama pictures, films or slides on to the inner wall. Ramps lead from the two upper decks to lower display decks 1-3, a spiral ramp leading down from deck 1 back to the entrance hall past display cases.

Emergency exits

A fire exit on deck 5 opens onto a steel stairway which leads to the terrace on the management building and thence on to the Dotterstrasse.

Storage areas

Provision has been made for the storage and maintenance of the exhibits two floors below the entrance hall. A lift leading from the storage area to the entrance hall level ensures direct contact with the museum display areas. The cars can be

driven up the ramps to the display locations.

Sanitary areas

A flight of stairs located behind the escalator on the ground

floor leads to the public toilets one floor below.

Open areas

Further to the green areas around the museum building, there are open areas which can serve as additional display areas (trial runs, waiting areas for company visitors, special displays, etc.).

The building's significant form

The distinctive shape should attract the public's attention to the building and encourage them to pay a visit. The enclosed bowl is designed to arouse curiosity as to the contents.

vis-a-vis their own performance.

Content

The functional space of the motor car

Roads

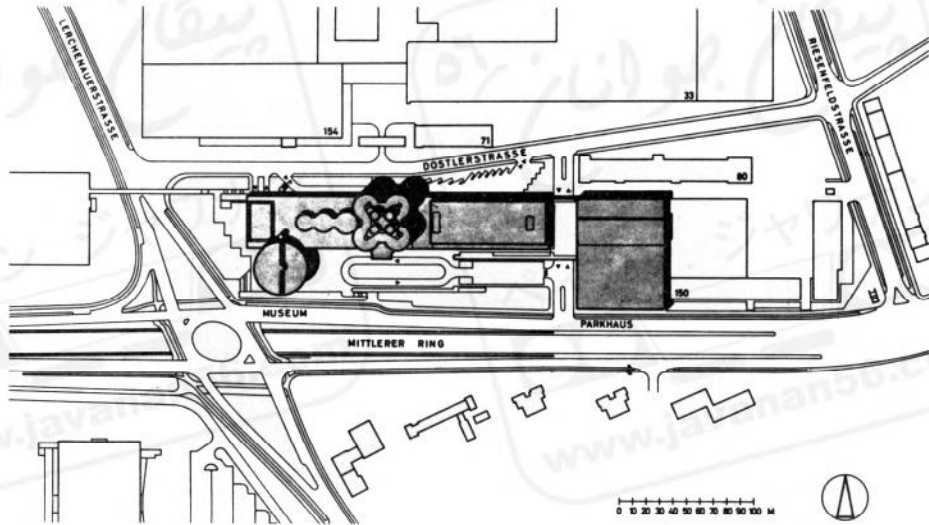
The ramps leading to the individual decks and display areas as the motor car's original functional area. The building, as through predestined, is sited immediately adjacent to the Mittlere Ring — Lerchenauer Strasse intersection in the midst

of dense urban traffic, thus emphasizing the relationship between the museum's contents, and the roads and traffic.

The Museum in Operation

The coupling of the museum with the training areas is to be integrated as a pole of activity in BMW's Public Relations programme, thus contributing significantly to BMW training and advertising. In future the museum will serve as the starting and finishing point or meeting point for all plant visits. An appropriately attractive and up-to-date programme should appeal to a wider public than before, and anybody visiting the plant should be encouraged to pay regular visits to the museum on special occasions. Moreover, the museum should also boost the employee's prestige





A NEW TYPE OF MUSEUM FOR MOTOR VEHICLES AND MOTORS

Urban Location

The museum overlooks the intersection of two

The museum overlooks the intersection of two main traffic arteries, the Mittlerer Ring and Lerchenauer Strasse, in the area covered by pedestrians visiting the Olympics site. Public transport is available at the underground railway station, Lerchenauer Strasse/Oberwiesenfeld Olympia, a few minutes' walk away from the museum. People arriving by car use in the parking garage west and cross the bridge over the Lerchenauer Strasse, passing the greenery in

front of the training area straight on to the museum. Guests of honour and coaches take the driveway leading up to the main entrance to the administration building. Pedestrians can take the steps leading up from the public pavement direct to the museum.

Assimilation with the overall building fabric on the Petuelring. The museum is an integral part of the BMW office complex on the Petuelring and abuts directly onto the training and educational area. The museum's specific location in liaison with the training area permits a clear demarcation with respect to other parts of the administration building, should circum-

stances so require. On special occasions, individual areas within the administration building (e.g. executives' dining hall, roof patio, basement dining area, and the main entrance hall) can be linked up with the museum and training facilities, with a minimum of disruption, to serve as contact zones during talks, press conferences and receptions.

Ideal basic concept

The functional spaces of a motor-car are the traffic routes it follows: roads, bridges and parking areas. By virtue of its very position on the Petuelring Lerchenauer Strasse intersection, in the midst of the dense city traffic, the BMW museum is predestined to emphasize the essential relationship between the motor-car, roads and traffic. The extremely restricted site available to the lay-out of the museum gave rise to a special solution in which a new display environment was developed akin to the functional space of a motor car. Both the building's form and the lay-out inside bear witness to these progressive endeavours.

The continuation of the "road" as the motor-car's functional environment within a traffic structure, enclosed in a street, was

B.M.W. museum (munich)

the primal architectural concept. The aim was not the simple creation of parking areas for motor cars thus setting a static scale of museum values, but to lend the automotive medium a greater sense of efficacy in a suitably action-oriented environment with multi-media effects to ensure the memorableness of the occasion. The significantly emotive shell-shaped structure cut-off from the outside world rouses - curiosity and interest, whereas the glimpses provided in the glazed base provide a challenging contact and a relationship towards the content.

Inside the museum, the visitor takes an escalator to the top deck where he is confronted with a panorama picture of a moving motor-car projected on to the shell wall. The projection establishes an intensive relationship with the motorcar as a "vehicle" and means of conveyance. The pleasure of driving is enjoyed before experiencing the means for so doing, the BMW motor car or motorcycle, set out in impressive individual displays. Following this, the visitor moves downwards along gently sloping ramps from deck to deck past the display of motor cars, engines

and other gadgets, of which he caught a glimpse as he took the escalator upwards. The interesting, transecting spatial forms create surprisingly dynamic effects which do particular justice to the building having been devoted to the display of motor vehicles. Unusual experiences are offered from unusual angles. The spectator with his institutionalised viewing habits is confronted with a new visual experience. Fully programmed lighting and sound effects permit a formal statement in compressed form.

The architect's fundamental layout concept for this new type of museum permits a series of various display forms using different programmes for the panorama projections and display techniques on the decks and shell wall which, by virtue of its curved surface, is parti-

cularly well-suited as a medium of association with the banking and dynamic performance of the cars exhibited. The relationship thus established with the vehicle (a BMW product) - road - space - and simulated panorama is heightened by the glimpses afforded,



residential and nonresidential areas of the community.

The institutional boulevard formed by Riverside Avenue, 19th Avenue, and the 10th Avenue bridge, in addition to meeting basic functional requirements, should create an "identity street" and front door orientation for adjacent institutions, residential areas, and the Community Centrum.

Development projects for portions of these design districts, or for areas which relate to the design corridors, should be evaluated in light of the internal unity within districts and the design character of the adjacent corridor.

Pedestrian walkway system (continuation)

be provided to link all principal development areas. The basic system is conceived of a grade-separated system — separated from all major trafficways. This grade-separated system would be supplemented by grade level routes for pedestrian movement designed to accommodate the more leisurely, recreational, and more fluid movements in areas of less intensive development or with more scenic characteristics.

The accompanying illustration shows the major elements of the grade-separated and grade level routes proposed for the Cedar-Riverside community. The high capacity, weather-protected segments are intended to link the East and West Bank Campuses of the University of Minnesota and to provide a focus and active heart for the Community Centrum. All major In addition to the above, significant amounts of small-scale pedestrian streets, squares, and plazas will be included within residentially developed portions of the new community. To further increase the amount and variety of open space, efforts will be made to develop as many roof-top gardens, balconies, and patios as possible.

The accompanying illustration showing the open space system illustrates one of the primary objectives in the provision of open space: to link and interconnect open spaces to maximize their usability and benefit to both the pedestrian, the driver, and all new-town in-town residents and visitors.

OPEN SPACE

Open space— in the sense of space that is open and available for the use and enjoyment of people — has received primary consideration in the development of the Cedar-Riverside new community. Emphasis has been placed upon maximizing the utility of open space areas through the development of multipurpose facilities, the linkage of open spaces to provide continuous walkways or movement channels, and the careful placement of activities in relation to open space.

Open space will be of four basic types. One will include the linear plaza-level open areas associated with the grade-separated pedestrian system. These will include the open and enclosed plazas associated with the Community Centrum and each residential neighborhood. These linear open areas will provide landscaped and hard-surfaced passive and active open areas in proximity to the most intensive pedestrian activity areas.

The second type of open space includes the existing and proposed active recreation areas associated with the major institutions, such as the athletic fields related to the university and Augsburg College, and those proposed to be expanded or newly developed adjacent to the river.

A third type of open space includes the passive pedestrian, cycling, and vehicular-oriented open areas that are associated with the major street right-of-way corridors, the river gorge, and similar areas within the community. residential, commercial, and institutional areas are connected by grade-separated segments of the pedestrian walkway system.

In order to provide this type of major walkway system in an area of such intensive development, it is proposed that facilities be located generally on top of large, low structures (primarily parking) at elevations that would permit facilities to be extended across streets without interruption. Close coordination in the planning of such structures in the pedestrian system will permit the major walkways to be extended through a series of landscaped, roof-top plazas, on or adjacent to which a variety of recreational, community, cultural, and other amenities and services may be placed.

DESIGN DISTRICTS AND CORRIDORS

In addition to the functional requirements described by other elements of the Cedar-Riverside Planning Framework, several significant design considerations have been described on the accompanying Planning Framework illustration.

The design districts delineate areas which would possess certain unifying characteristics. These characteristics (scale, materials, etc.) should be emphasized in the design to enable each district to have its own character, yet still maintain the unity between districts within the new community. The "river park" area is one district which should capitalize on and enhance the amenity of this river-related area and provide the open space continuity along the river both within and outside of community boundaries.

Relating the river to other design districts, both residential and nonresidential, are two major "River Park Connections". These connections, or corridors, should both psychologically and functionally interconnect the river corridor and the

people oriented to the residential, institutional, recreational, and commercial facilities within the new-town in-town should be accommodated by a combination of grade-separated pedestrianways and automated people-mover system and should not depend upon the automobile. Many of the residents of the new community, of low or moderate income, will be highly dependent upon public transportation for access to jobs, education, and to cultural, social, and economic opportunities. The distribution system should serve all parts of the community and link it with the fast-link transit system serving the metropolitan area.

2. The pedestrian and mechanical-movement systems should accommodate the movement of people from the major parking concentration to reduce traffic congestion and conserve development space within the new community. This system must be able to move people efficiently and conveniently from these major parking areas to all major destinations include the University of Minnesota, Augsburg College, Fairview and St. Mary's Hospitals, the community center, major residential concentrations.

CYCLING SYSTEM

The cycling system as noted on the attached Planning Framework illustration has two components; the major bikeway system and the recreational system.

Both components of the cycling system require a clearly defined bicycle path. The basic difference is that the recreational system is primarily related to the lower river area and is intended to provide a scenic parkway for cyclists, while the major bikeway system is intended to accommodate the majority of the bike movements in the community.

The major bikeway system has been designed to accommodate movements between major activity areas in the new community and destinations outside of the community boundaries. This will not preclude cyclists from using other streets and areas for biking to reach

individual buildings and destinations but is intended to provide maximum separation of the major bicycling movements from the significant auto, transit, and pedestrian movements.

The major system is considered an at-

grade bike facility with clearly defined paths separated from other movement systems. It should also include special signing and lighting, and perhaps special pavement. These major bikeways will be developed in conjunction with street right-of-way or other movement systems.

PEDESTRIAN WALKWAY SYSTEM

One of the most significant elements of the new community plan is the system of pedestrianways linking all major portions of the community. The primary objectives of the pedestrian system are (1) to provide grade-separated connections between all major activity areas within the new community, (2) to provide for weather-protected walkways for all major pedestrian movements, and (3) to design the major walkway system so that it will link all activities and become actively utilized as a focus for both residential and nonresidential development.

Following the fine start made by the University of Minnesota in providing pedestrian plazas and walkways in connection with the West Bank Campus, the new community plan proposes that a complete system of pedestrian walkways

CEDAR-RIVERSIDE



visitors to be attracted daily to this area.

2. It must provide the principal source of community and public services.
3. It will also serve as locations for specialized services, such as retail, entertainment, and recreation, etc.
4. It should contain limited but significant regional facilities, including elements of regional government, theatrical, musical facilities, etc.
5. It must provide limited motel-hotel accommodations and conference facilities for nearby institutions.
6. It should be the principal center of communication for the community.
7. It should contain a significant number of residential facilities to help provide a people-oriented environment and to link the Centrum to nearby residential neighborhoods.

VEHICULAR CIRCULATION AND PARKING

The vehicular circulation and parking system proposed for the Cedar-Riverside community is based on widely accepted principles for thoroughfare and parking planning, and the current plans of the various public agencies concerned with the implementation of the community's major street system. The following principles have guided the development of the Cedar-Riverside circulation and parking systems:

1. Efficient, convenient, comfortable, and safe travel as the primary objective of all transportation systems.
2. A system of thoroughfares organized according to hierarchy of streets. Traffic should be separated in this hierarchy by trip purpose and destination.
3. An efficient transportation system, providing direct connections between the community and other nearby activity centers.
4. Area-wide through traffic needs should be served by major arterials. These routes should not penetrate the Community Centrum and not conflict with internal movements.
5. Areas around major highway inter-

changes should be closely controlled with respect to access and development to assure the best use of that area and to assure that adequate design capacities for each roadway are maintained.

6. Off-street parking should be provided by all traffic generators in relation to their individual requirements. Major arterials should be thought of as land access facilities and carriers of traffic, not as supplementary parking areas to serve adjacent properties.

7. Parking facilities for major commercial and institutional concentrations should be located in a position to intercept traffic flows from outside of the community.

8. Design and location of major residential parking facilities should consider multiple use by commercial and institutional parkers.

There are several well-defined major traffic flow patterns in the Cedar-Riverside community that must be accommodated by the thoroughfare system. First, there is the intensified use of Washington Avenue and Cedar Avenue to accommodate growing traffic to Cedar-Riverside from 1-35W and the Minneapolis central area. Second, there is the recognized traffic flow pattern along a north-south crescent-shaped alignment on Riverside Avenue projected north along 19th Avenue. Third, there will be a major amount of site destined traffic from the south of the community.

In addition to these patterns, there will continue to be heavy use of the Cedar Avenue-Trunk Highway 12 interchange area, as the density of proposed land-uses intensified activity of this area. This general area should become the location for major parking space concentrations which serve to intercept the major traffic flows and provide parking facilities for both institutional, commercial, and residential users.

The thoroughfare system is indicated on the accompanying framework illustration. The arterial streets generally consist of Cedar-Washington Avenues in the north-south direction, Riverside Avenue/19th Avenue/10th Avenue bridge, 6th Street, 20th Avenue, and Trunk Highway 12. These streets should be four-lane traffic carriers with controlled access points. The institutional and commercial parking space concentrations are generally

located in close proximity to these arterial streets, with major parking areas between Cedar Avenue and 19th Avenue and near the modified split-diamond at Trunk Highway 12 and Cedar Avenue.

Collector streets, a part of the overall street system, include the extension of West River Road (1) to the extension of the 6th Street arterial at Riverside Avenue, (2) to 19th Avenue above the river bluff, and (3) along the Mississippi River, below the river bluff. The pattern of access points and parking concentrations is also shown on the attached Planning Framework illustration.

TRANSIT

The plan for Cedar-Riverside anticipates the development of an automated, internal transit circulation and distribution system. Major land-use areas and activity centers have all been arranged to focus upon this internal distribution system. In addition, development plans have also indicated ways to connect this internal distribution system to the major, metropolitan fast-link transit service. The interface between the internal system and the larger transit system is intended to relate Cedar-Riverside to the entire community (including university campuses) and, in turn, to the metropolitan area.

A station stop of the metropolitan fast-link transit system is proposed to be located within the Cedar-Riverside community. People arriving in the new community via this station must have attractive and efficient ways of moving to their destinations over distances of up to 3,000 feet. The best way for this movement to be accommodated is through the provision of an effective, grade-separated automated movement system.

Existing transit facilities are located along Highway 12 as a surface bus system. The long-range system at present contemplates the possibility of two alternate corridors moving through the new community. These alternative corridors, as indicated on the transit system framework illustration, will interface with the proposed internal distribution system.

The automated circulation-distribution system in Cedar-Riverside helps achieve two significant objectives:

1. Movement of large numbers of



INTRODUCTION

INTRODUCTION

The Planning Framework for Cedar-Riverside —an urban residential-institutional community with a significant art/cultural base adjacent to the University of Minnesota and within a few blocks of downtown Minneapolis — is described here. The purpose of this framework is to guide the public and private redevelopment of this Central Minneapolis new-town in-town.

Cedar-Riverside is being developed under the sponsorship of the city's continuing urban renewal program and of a federal Title VII new community commitment to Cedar-Riverside Associates, the principal landowner and developer.

The framework is based on plans prepared for the area by the Minneapolis Housing and Redevelopment Agency and the City of Minneapolis and extensive planning activity sponsored by Cedar-Riverside Associates. The framework is presented in terms of a series of inter-related system plans, each of which is being used to guide decisions regarding the development of specific parts of the community as these are made. The framework is also being used as a basis for the coordination and review of individual projects and proposals.

PREDOMINANT FUNCTIONS AND LAND-USE

The overall form and function of the Cedar-Riverside new community is dictated largely by its location and the existing features within or near the site. The community boundary is established by freeways and the Mississippi River. Land in the new community will be devoted largely to institutional (existing), residential, and open space use. Approximately 100 of the 340 acres in the community will be used for housing and supporting commercial facilities.

Primary development objectives of the Planning Framework include:

1. To develop cohesive residential neighborhoods surrounding the institutional/commercial core of the community. These neighborhoods are to be large enough to provide a wide variety of housing with respect to type and cost, and adequate neighborhood services and facilities. Each residential neighborhood is to be directly or indirectly related to the major open space areas of the community and the Mississippi River.
2. To provide a centrally-located, conveniently-accessible community center. The Community Centrum will provide a

rich, compatible mixture of community, cultural, commercial, and residential activities. It will be conveniently accessible by both pedestrian and vehicular movement systems.

3. To establish distinct, clear development areas and boundaries for all major existing and proposed activities. These major activity areas will allow for proper expansion of the existing major institutions in keeping with their own long-range plans.
4. To preserve, enhance, and enlarge the open space adjacent to the Mississippi River and river gorge.

The Cedar-Riverside new community will house some 30,000 persons in approximately 12,500 dwelling units. These residences and expanding existing institutions will be supported by the Community Centrum, providing approximately 1.5 million square feet of commercial and 150,000 to 200,000 square feet of community service and cultural space. The Centrum must accommodate several functions:

1. It must serve as the principal source of goods and commercial services for the community and for some 50,000 employees, students, and

unity. Above grade plazas will connect with walkways to achieve separation of vehicular and pedestrian traffic. By closely coordinating the parking structures and pedestrian systems, it is possible to extend the walkways through a series of landscaped rooftop plazas on or adjacent to which recreational and community activities will be located.

Open space. Open space in Cedar-Riverside will assume several forms. These include the linear plaza-level open areas associated with the grade-separated pedestrian system; existing and proposed active recreation areas associated with major institutions, such as the University athletic fields; pedestrian, cycling and vehicular-oriented open areas associated with the river gorge; pedestrian streets, squares and plazas within residential neighborhoods. Open space along the Mississippi River will be enlarged and enhanced.

Climate and site considerations. Amenities and limitations of site have been carefully considered. Broad climatic considerations, optimum orientation, views, and noise factors generally direct location, size and shape of structures. Prime emphasis is placed on creating a

harmonious and healthful environment. **Arts.** Because Cedar-Riverside is already uniquely rich in cultural activity, design objectives as related to the arts stress preserving existing energy and variety. The arts plan comprises a mixture of old and new, formal and informal spaces with some older structures retained as integral parts of new development. The open space network, comprising parks and the plaza system, also becomes arts-related space through provision of outdoor performance areas, display areas and informal gathering places.

V MAJOR INNOVATIONS

Many of Cedar-Riverside's innovations include those in urban design concepts. They are the result of new applications of technology, of trying new approaches, of combining programs. These include:

Construction methods and materials. Fire-proof reinforced concrete, both cast-in-place and precast techniques, are the principal structure techniques. Wall cladd-

ing and finishing materials are a combination of new techniques and older, more traditional materials, with strong consideration given to long-term maintenance and upkeep.

The combination of the urban renewal program with the new communities program. In Cedar-Riverside the urban renewal plan serves as a community goal statement, setting minimum standards for development, while the New Communities program provides financial continuity and allows the private developer to undertake long-range planning. This combination assures the development of a comprehensively planned community and encourages the utilization of newer forms of technology.

Economic integration in housing. To achieve full economic and social integration, subsidized and unsubsidized apartments are integrated within the same buildings, eliminating architectural distinction or discrimination. This concept has proven its workability in the first stage of development, Cedar Square West. With one year into operation there is a waiting list of 500 households of all income levels for Cedar Square West apartments.

Transition between old and new Cedar-Riverside. The continued vitality of an old community throughout the planning, design, relocation and construction stages of a new community will undoubtedly be one of the private developer's greatest contributions to the future administration of government renewal programs. Through incentives provided by the private developer such as subsidized rents and rehabilitation assistance, commercial and artistic tenants were attracted into the community. Gradually the community revitalized itself and only gradually are changes being made. Several historic structures are being preserved and are being dedicated to community uses. It is hoped that the delightful ambiance that has become a part of Cedar Avenue will be preserved and enhanced as the new community development process continues over the next 17 years.

Arts planning. With the encouragement and assistance of the private developer,

many cultural organizations have made their homes in Cedar-Riverside. These include a major opera company, a 20-year old community theatre company, two dance companies, an improvisation group and an outdoor street theatre. In addition to these formally organized groups are many individual artists, craftsmen, and several theatres. It was necessary to find some coordinating mechanism to help them plan for their future in Cedar-Riverside. Through a matching grant with the National Endowment for the Arts the private developer was able to hire an arts planner to be solely responsible for arts planning and programming within the new community. Results of these efforts have been included in the Cedar-Riverside Planning Framework.

Energy systems. In the first stage of development a centralized hydronic (high temperature, hot water) system provides heating and cooling. A centralized solid waste energy conversion system is being investigated for future stages of development.

VI IMPLEMENTATION

The Cedar-Riverside New Community is three years into development. Cedar Square West, the first stage of 10 two-year development stages, was opened for occupancy in April 1973. With almost 2,000 residents, about 80% of the 1,299 dwelling units are rented. Heterogeneity of population and households has been achieved. Cedar Square West is not only economically diverse but well integrated socially and economically.

The first link in the pedestrian walkway system has been built, separating vehicular and pedestrian traffic. A linear public plaza with parking underneath serves as the main street of Cedar Square West with social and commercial services available on it.

plan in 1968. Concurrently, the private developer was acquiring property and working with its multidisciplinary planning team in the evolution of planning objectives for planning objectives for Cedar-Riverside.

The combined result of these efforts was an urban renewal plan which serves as a guide, setting minimum standards for renewal, rather than a master plan for renewal. The Cedar-Riverside Urban Renewal Plan forms the basis for the Cedar-Riverside New Community Plan.

Because of its inner city location, falling within a number of political jurisdictions and overlapping programs, and because both the private developers and institutions are engaged in expansion activities, it became necessary to create an effective development-management approach. With a good precedent started by the urban renewal discussions, these cooperative discussions were formalized in 1973 in a HUD 701 Community Planning and Management program. The program provides for a regular forum for Minneapolis agencies, Federal and regional agencies, utilities suppliers, and Cedar-Riverside institutions, residents, merchants, churches and developers. As a result of these discussions, redevelopment has not been limited by property ownership but rather a superior urban design has been achieved that could not have been accomplished individually.

II PLANNING CONTEXT

A—

Neighborhood setting: Within Cedar-Riverside's 340 acres is the largest educational/medical complex in the Upper Midwest. These institutions include the West Bank Campus of the University of Minnesota, St. Mary's Hospital, Fairview Hospital, St. Mary's Junior College and Augsburg College. All expanding within limits set by the Urban Renewal Plan, these institutions together with a low-rent senior citizens housing complex and 56 acres of natural parkland comprise 240 acres, leaving 100 acres for private development. However, because of early public, private and institutional cooperation, these separate entities are tied together into a cohesive urban design in which circulation, housing, open space and transit is sensitive to the entire community.

B—

Total environment: Cedar-Riverside is located in the center of the Twin Cities

Metropolitan Area, has immediate access to the interstate highway system and is within walking distance of downtown Minneapolis. The high density nature of the development is consistent with its urban location and with efforts to regenerate downtown Minneapolis by attracting people of all incomes to live in the inner city. Also, by taking up heavy institutional demand for rental housing, adjacent neighborhoods are less threatened by spill-over demand. Cedar-Riverside New Community provides an alternative urban environment for those who prefer the amenities and convenience of inner-city living.

III SOCIAL AND ECONOMIC CONSIDERATIONS

By 1990 the Cedar-Riverside New Comm-

unity will house 25,000 people in 12,500 dwelling units. Approximately half of these units are being made available for people of low and moderate incomes. Subsidized units are integrated into buildings with market rate and higher cost apartments. It is estimated that a majority of new town residents will work or study at the Cedar-Riverside institutions, creating a work/residence community. Provision of major services such as education, health, day care, recreation and public safety have all received primary consideration. The private developer has been working with public, private and institutional interests to create the most advanced social services delivery systems. In Cedar Square West, the first stage of the Cedar-Riverside New Community to be built, many of these services are already operational.

In addition to the broad economic mix and integration of dwelling units, a variety of life styles is being encouraged. Alternatives include rental, cooperative or condominium options, building heights ranging from 4 to 40 stories, and a variety of interior architectural designs. Dwelling units are designed to maximize views and many have natural through-ventilation. The pedestrian walkway system increases dwelling liveability and pedestrian mobility. Both the design of exterior space at plaza and ground levels and design of interior dwelling unit space optimize private space and social space usage.

Existence of cultural activities already in

the community rounds out the tone of the community as a center for the production of knowledge, medical and educational services, and the arts.

IV PROGRAM AND SIGNIFICANT DESIGN FEATURES

Evolving planning objectives are translated into design features in the Cedar-Riverside New Community Plan. Because of the unique public, private and institutional management-development approach, planning and design will be an ongoing process. Major design features of the New Community include:—

Land Use. By 1990 the Cedar-Riverside New Community will house 25,000 people in 12,500 dwelling units. A Community Centrum of over 2.5 million square feet will serve as the principal source of commercial services for residents and others. The Centrum also includes offices space, larger recreation space uses, significant cultural, service and community spaces, and a hotel. Five cohesive residential neighborhoods will surround the Centrum. Each will be self-sustaining in terms of neighborhood-level social and retail services. Neighborhood population will range from 4,000 to 8,000.

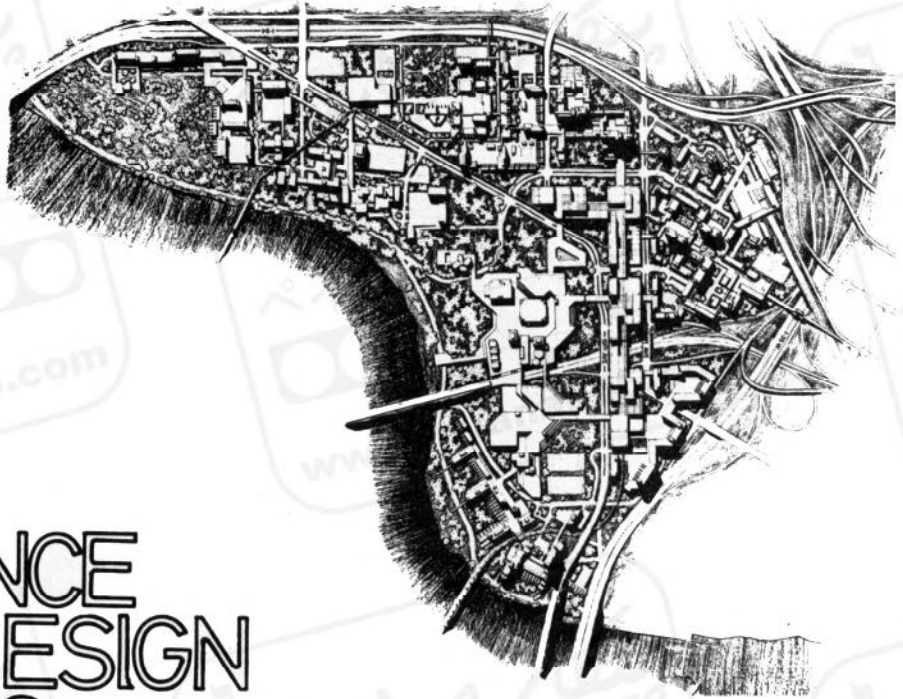
Vehicular circulation and parking. Overall vehicular circulation is confined to a system of major streets needed to provide access to movement through the area. Traffic is separated according to purpose and destination, with major arterials not conflicting with internal movements. Parking facilities for major commercial and institutional concentrations are located to intercept traffic flows from outside the community. In the neighborhoods central covered parking structures serve resident parking needs. The roofs of the parking structures serve as plazas interconnecting with the larger walkway system.

Transit. Major land-use areas and activity centers have been arranged to anticipate development of an automated

internal transit circulation and distribution system. The internal system will interface with the larger Metropolitan Area transit system.

Pedestrian circulation. A system of plazas and walkways will link all major public and private areas in the comm-

SIXTH BIENNIAL HUD AWARDS FOR DESIGN EXCELLENCE URBAN DESIGN CONCEPTS



CEDAR-RIVERSIDE

NEW COMMUNITY, July 1, 1974

Ralph Papson Assoc. Inc. Architects - Planners

Cedar-Riverside, the first HUD-designated New Community within a city, is located about a dozen blocks from downtown Minneapolis, Minnesota. Rich in history, culture, and parkland, it is the home of five major educational and medical institutions. Cedar-Riverside is being re-developed over the next 17 years to house 25,000 people in 12,500 apartments. Half of the housing is being made available to people of low and moderate incomes and is integrated with in the same building as higher cost

units. High quality commercial, cultural and community facilities and services will make Cedar-Riverside a self-sustaining urban New Community. Although only 100 acres of the 340-acre community is available for private development, early cooperation among pub-

lic agencies, institutions and private developers has achieved a cohesive community plan which is not limited by individual property boundaries.

1. PUBLIC AND PRIVATE MANAGEMENT APPROACHES

Cedar-Riverside's 118-year old history has had a significant impact on the public and private management approaches shaping the New Community. Also, all five Cedar-Riverside institutions have roots in the community dating before the turn of the century.

Cedar-Riverside shared the first pioneer years of Minneapolis growth and immigrant neighborhood life, reaching the peak of its vitality soon after the turn of the century. The next several decades were characterized by population loss, deteriorating housing, social, and eco-

nommic conditions. Cedar-Riverside was identified as ready for renewal as early as 1934. In the late 1950's and early 60's two critical decisions were made that affected the future of the community: two major freeways would cut through the neighborhood virtually creating an island of 340 acres, and the University of Minnesota would expand into Cedar-Riverside and carve out 85 acres for its ultimate use.

In 1963 concerned residents, merchants and institutions in Cedar-Riverside combined their efforts and requested the Minneapolis City Planning Commission for help. In two significant reports the problems and opportunities of the neighborhood were analyzed. These reports stimulated a 2-year discussion among community members concerning land use concerning land use and goals, resulting in the Cedar-River side urban renewal

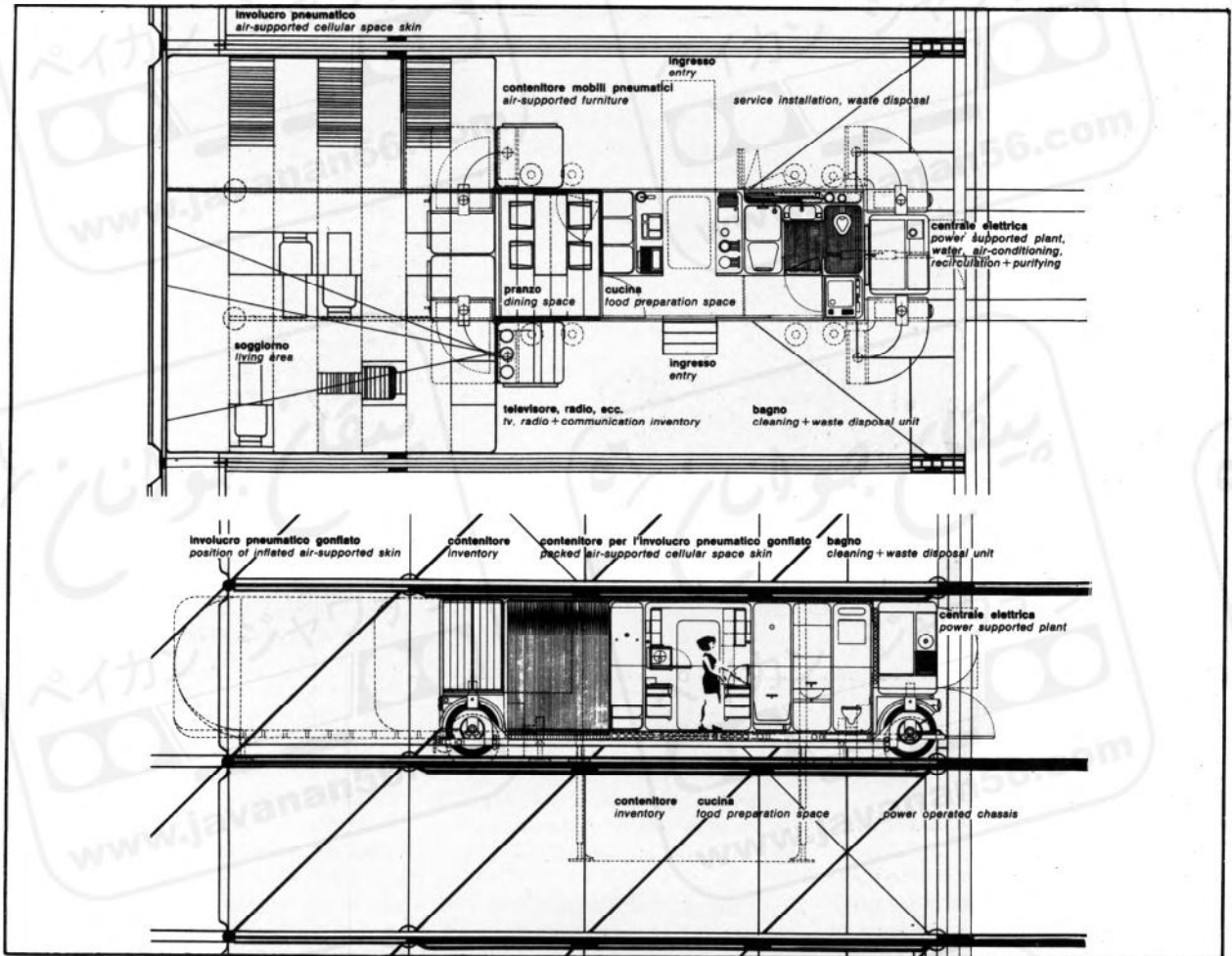
tions and the public, and university programmed teaching machines are available at libraries, offices and factories.

Air control is located at the beginning of the industrial section, providing passenger transport connection from the community raft to the termination and

into a logical and coherent interrelationship for industries, whose individual space displacement may fluctuate according to the needs of the raft. This would be controlled by an industrial managers office, equivalent to that of the city manager. Manufacturing and assembly lines are

and fertilizer factories are controlled by the city manager's office.

The lower modulations of the conveyance grids will go down as natural ground level. These will have user restriction limited to farm vehicles and those industrial and mining operations which rely on earth processing. The surrounding



departure flight decks. Express monorail services operate from the air terminal to and from the main interchange stations. Running parallel, and at a lower level, the freight monorails run direct to the industrial or inventory sectors, as do the automatic postal transports, forming a conveyor system to automatic sorting depots on all rafts. Air control supervises vertical take-off, aircraft servicing; maintenance deployment being alongside passenger travellers as the only underground installations, other than the municipal shelters.

The industrial raft is linked by bridges to the community raft and is subdivided

contained within the superstructure over the inventories and distribution. They are supplied with raw materials by the monorail freight system, which also ships out the manufactured products. Above, and at the level of the pedestrian decks are the administration facilities, in video contact with each part of the raft, and canteen and restaurant facilities.

In a central location, is an area allocated to the heavily shielded nuclear power plant, together with the water filtration plant, supplying the heat, water and sewage disposal for the whole community. The sewage and industrial waste plants, with their associated salvage, conversion

countryside would be redeployed for long term land reclamation and amenity areas with facilities accessible to private vehicles.

This is our city. We have not sensationalised. All that we have described is feasible today. We are not saying that this is the city of the future, but rather one of the possibilities deserving serious consideration. Of one thing we are certain. The huge uncontrolled and sprawling chaos that we now call city is choking our civilization. If we do not act now, in spite of all the seemingly insuperable difficulties, we shall soon reach a state where action is no longer possible".

yet separation, of industrial areas from living and administrative centres over the communication routes, fulfil the priorities necessary for the rapid circulation of an increasingly mobile population.

A speculation, no more on how this could be effected on a national (and implyably international) scale might be the superimposition of major conveyance ways on existing circulation patterns,

and the re-orientation of established communities along these lines. Conveyance ways are based on the composition of a triangular grid of 10 kilometer base, for major and secondary dynamics, modulating down through sub-systems to form an intricate communications system, discernable at both local and national level.



A city with a population of 1,000,000 inhabitants would stretch over two grid apexes forming the transfer ways between major links and the sub-systems. Cities would be coaxial with the throughways and at a higher level, and would be compacted linear developments connected to the industrial rafts, which may develop tangentially to the road system within the triangulations. By projecting whole communities into the air, with their supporting facilities, individual complexes or single buildings may grow or diminish as required. The raft form allows for close and particularised environmental (temperature/humidity) control.

The enormous expense of building off the ground would be minimized by long term leavies, whereby local industry at low level might subsidise wholesale stor-

age, in turn subsidising retail and service organisations, with education and housing at the higher levels, being the least penalised

Triangulated space structures might hold the suspended decks of modularly coordinated assembly, at a minimum height of perhaps 100 m above the vehicular throughways. Throughways would ram throughways. Throughways would ramp up and down from major to secondary ways without intersection. Degrees of vehicle conveyance would be segregated by the varying level of each communication way, the remaining space between the lowest deck and the ground level being used as multi-storey parking. The main superstructure would support a monorail system which provides commuter and freight supply interchange

service with other cities. In parallel with this system are video controlled monovehicles running in opposite directions round an unbroken track, linking pedestrians to industrial sections and providing a general internal service, which is further supplemented by moving ways of varying speeds, arranged in series.

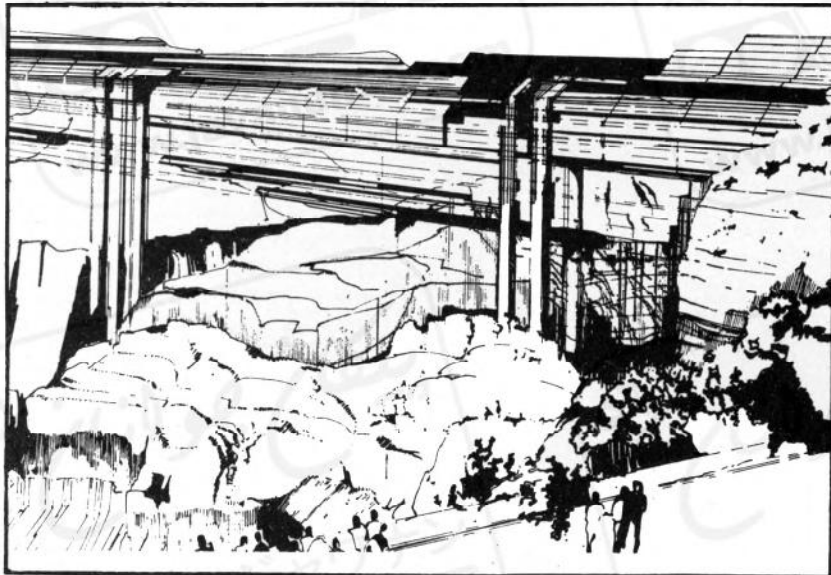
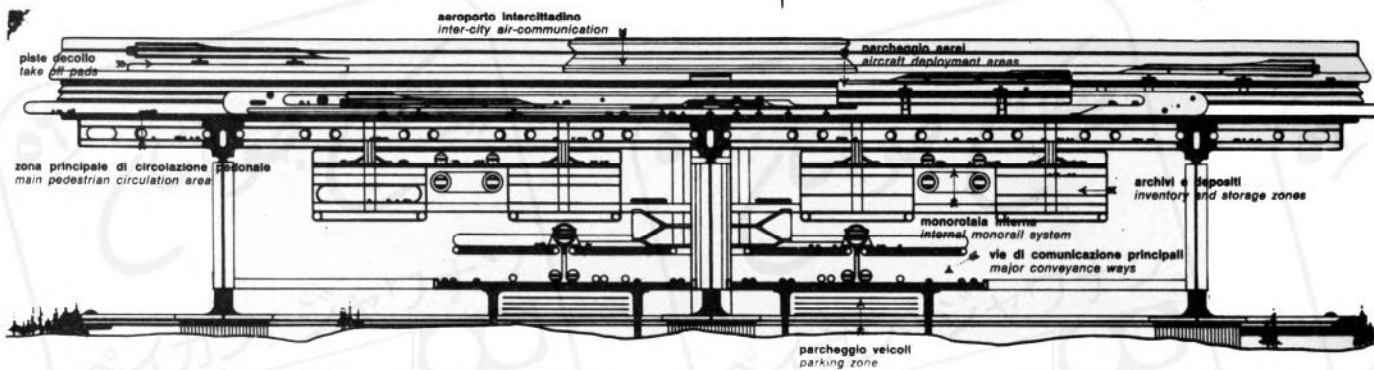
The space between the monorail and the lowest deck is allocated to utilities, services, and equipment rooms. The monorails themselves are housed in pods hung from underside of the superstructure, whereas the express interservice, for passenger convenience, would require the motorised vehicle to straddle the rail. The monorail itself is supported on masts in the centre of conveyance ways. Above the monorail are levels devoted to the inventories, distribution and sales organis-

ations. These make up the superstructure and are terminated in two pedestrian decks, or promenades, with recreation and eating facilities. These extend as arms, maintaining level, into the industrial-zones. Along one perimeter of this level are tiers of maisonettes and flats, some with their own private outdoor spaces with only south or western orientation. Vertical circulation is by express lifts connected to a system of escalators leading to the travelling ways and the monorail, and down through the structure to the parking areas and transit ways.

Organisation is by the facilitation of growth patterns, allowing sectors of business, government, civic and state agencies, and service groups, to develop, interpenetrate, grow and decline by natural requirement. All the centralised communications; post, radio and t.v., video-phone and computer linkage are located here. Heliports are centrally positioned and flight zones are located over the safety strips in the expressway system. The cultural complex, including archives, museums, galleries and exhibition areas is closely integrated along with facilities, promotional organisations, embassies and consulates, information bureaux and business zones. Cinemas, theatres and concert halls would mingle with sport (internal) facilities, and entertainment. Parallel and above these, extend the housing areas, of tiered decks of multi-level streets — replacing the now prevalent high/low development — across from the hospitals and their associated research and teaching facilities.

A number of fully serviced space-frame structures accommodate the needs of the transient work force, the floating communities of short term businessmen, workers and students. They are housed in autonomous, mobile, expandable dwelling units, which are hoisted into position via a central "umbilical" service tube within the frame, whose arms radiate to support and service the dwellings, which are owned or hired by the inhabitants, and parked in rented space within the multi-story structure, to be towed away-like caravans when required.

Main educational facilities are closely related to, and share the facilities of, the university, while others are located within the housing complexes. An extension of the university onto the industrial raft serves as a technological research and teaching centre. Full video hookups are exploited on all channels between all channels between all teaching organisa-



and under space not reserved for structures. Moving conveyance-ways for pedestrians and vehicles of variable speeds provide the main transport method within the confinements of support structures with major transport-lines in the form of vacuum tube trains connecting continents and circling the earth in more directions.

CONTINUOUS URBANISM would consist of band grid structures formed around zones for recreation and pleasure both of which equipped with environmental control. Band structures would be 1 km wide and would function on input-output principle, the base suspended over the earth surface would carry the survival systems of life support, the power, energy and inventory needed for such a project.

Next in order would come distribution layers of stores and shops with living areas dominating the upper zones with full supporting functions such as hospitals, schools and cultural activities. The earth's surface outside the confinements of man's support structure could be conserved and cultivated with the least possible disturbance to nature. This could on an automatic basis with conveyance lines spanned around the world to bring produce to man.

AUTONOMOUS VEHICLE HOMES

A proposal to meet the needs of floating populations which will be an accepted part of the city life in the future: multi-storey structures providing support facilities for "vehicle homes". The vehicle home would be hoisted into the space allotted. Service plug-in connection and space expansion could then be carried out. The basic "vehicle home" would consist of a power operated chasis supporting a field ABS container which is divided up into a cleaning and waste

disposal space, food preparation space, and various inventory containers holding air-supported furniture and an air-supported cellular space skin (of translucent vinyl coated nylon fabric sealed to one end of the container with a zip-fastener device and connected to compressed air supply lines. connected to compressed air supply lines.

PLANNING ON A NATIONAL SCALE

"... The first essential is planning on a national scale. Leaving parochially minded regional administrators to envisage the future is disastrous. An overall definition of conveyance systems by speed zoning and super-imposed loading, and the raising of compacted cities and towns above these systems as rafts, will allow their separate yet interdependent functions to develop. The close relation,

ARTICLE

CONTINUOUS URBANISM

«CONDENSED VERSION»



ARTICLE
"CONTINUOUS URBANISM"
(condensed version)

Should mankind not achieve world unity by the turn of this century and thereby enabling him to turn what limited resources are remaining to his advantage...

sources are remaining to his advantage,

and reach equilibrium between industrial growth and population, survival of man on this planet will be in grave danger. The consequence of economic growth at all cost to raise living standards are now being felt, warn signals are to be seen in all parts of the world. Technological advances are not interrelated with another or the ecological and biological systems.

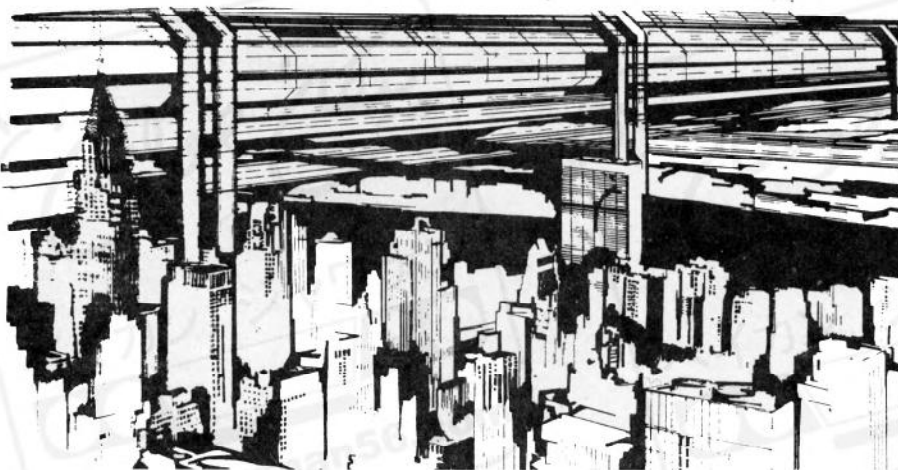
The reasons are both economical and political, man's insatiable drive for

more, his instinctive urge to outbetter his fellow man as individual, group or nation are at the roots of our civilization.

With world population reaching eight billion before the year 2000, living standards will recede and a degeneration of man is to be expected if environmental pollution is unchecked. The very basic elements of life which our forefathers took for granted, clean air, water, nature and wild-life, will deplete before our children's children are born. It is right to assume that a family in Calcutta should enjoy the same living standards as a family in Stockholm. This and more might be possible if mankind were to live at a higher density, together and sharing the benefits of technology and survival systems. This could be realised by circling the earth over land and sea with a continuous urban belt some 100 km wide

made up of interlocking sections 1 km wide, approx. 10 km apart, which can be enlarged as required. Outside the confinements of this man support structure nature would recover the earth and provide a safety factor (balance between man and technology).

CONTINUOUS URBANISM would house the world's population and would require a revolutionary new architecture on a technology level with space research as we know it today. To provide the necessary adjustments between one technology and another space divisions will be needed to allow for unequal acceleration in development, this would occur particularly to transport systems which would be hung and suspended from static structures and planned to expand between



English Section

Art & Architecture



شکوه و زیبایی دفتر، محل کار، منزل و یا اداره خود را با محصولات بینظیر شرکت‌های ریتس و افراشته تضمین کنید

تولیدات شرکت نوباف ایران

- × انواع موکت‌های نمدی
- × انواع نمدهای مخصوص اتومبیل
- × انواع لایه لباس
- × انواع اهل لباس
- × پارچه های بافته نشده
- × پتو

نمایندگیهای خارجی شرکت‌های افراشته و ریتس

- × نمایندگی کارخانجات کاغذ دیواری کمیسه پلاستیک (می فر) انگلستان
- × کارخانجات کاغذ دیواری کاورول انگلستان
- × کارخانجات کاغذ دیواری مک گریگر انگلستان
- × کارخانجات کاغذ دیواری ملودی انگلستان
- × کارخانجات کاغذ دیواری نرن انگلستان
- × کارخانجات کاغذ دیواری بوئل دوما فرانسه
- × کارخانجات کاغذ دیواری بال موندی هلند
- × کارخانجات کاغذ دیواری سکپا ایتالیا
- × کارخانجات پارچه جان لوئیز انگلستان

ریتس: میدان فروردی تفتاب: ۲۳-۳۴۴۰۳۰۰۳ ۱۳-۸۳۸۶۱۰

شرکت‌های ریتس و افراشته نمایندگی بزرگترین کارخانجات موکت نمدی و پارچه های پرده ای و مبلی در ایران

کارخانه صنعتی

البرز



سازنده دکوراسیون آشپزخانه و تجهیزات دفتر و باغیچه

صنایع البرز برای دکوراسیون و مبلمان دفاتر

صنایع البرز برای تأسیس آشپزخانه‌ها

صنایع البرز برای سلف سرویس

کارخانه صنعتی البرز باطرحهای مختلف و پدیددهای نو برای انجام سفارشات: آرشیتکها، مهندسان مشاور و پیمانکاران محترم آماده می باشد.

نمایشگاه: خیابان پهلوی شمال پارک ساعی تلفن: ۶۸۳۸۷۲-۲۸۲۰۳



ایران زپ

عرضه می‌نمایند:

PEGULAN

Europäisch in Rang und Programm

نماینده انحصاری در ایران:
شرکت ایران زپ با مسئولیت محدود
خیابان هلالی اول تخت طاووس شماره ۴۱ تلفن ۶۲۸۸۸۴

● کف پوش پگولان:

برای آشپزخانه و حمام

● موکت پگولان:

در انواع، نمادی، کبرییتی، پرزدار در رنگهای متنوع و مدروز

● موکت پگولان:

با معرفیت جهانی از نظر مرغوبیت جنس پشرو صنایع موکت آلمان



قلم‌های رسامی TG معروفیت جهانی دارند

مراکز پخش و فروش:

● شرکت سهامی نقش‌آور (نماینده انحصاری قلم‌های T.G)
 خیابان شاهرضا جنب خیابان ویلا شماره ۲۸۴
 تلفن: - ۸۳۳۸۱۰

● شرکت پاسکال
 خیابان شاهرضا ایستگاه بهرامی جنب هتل تهران پالما
 تلفن: ۶۴۱۳۷۳ - ۶۴۴۹۴۱

● شرکت افشین
 خیابان حافظ چهارراه تخت جمشید شماره ۶۸
 تلفن: ۳۱۳۷۱۱-۶۶۰۶۳۶

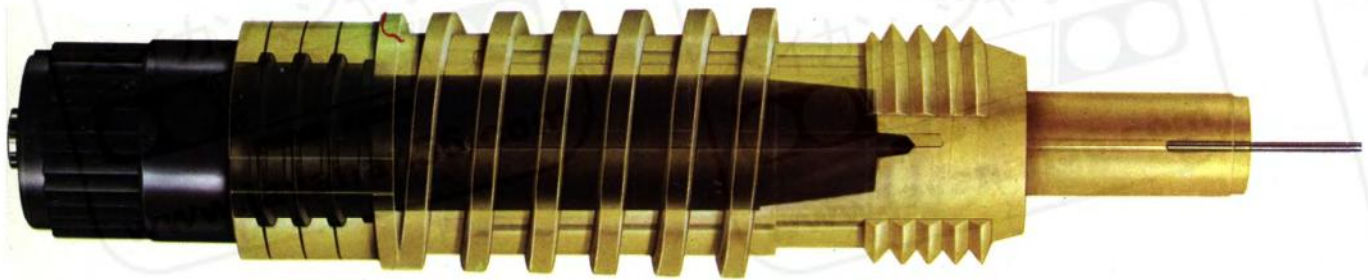
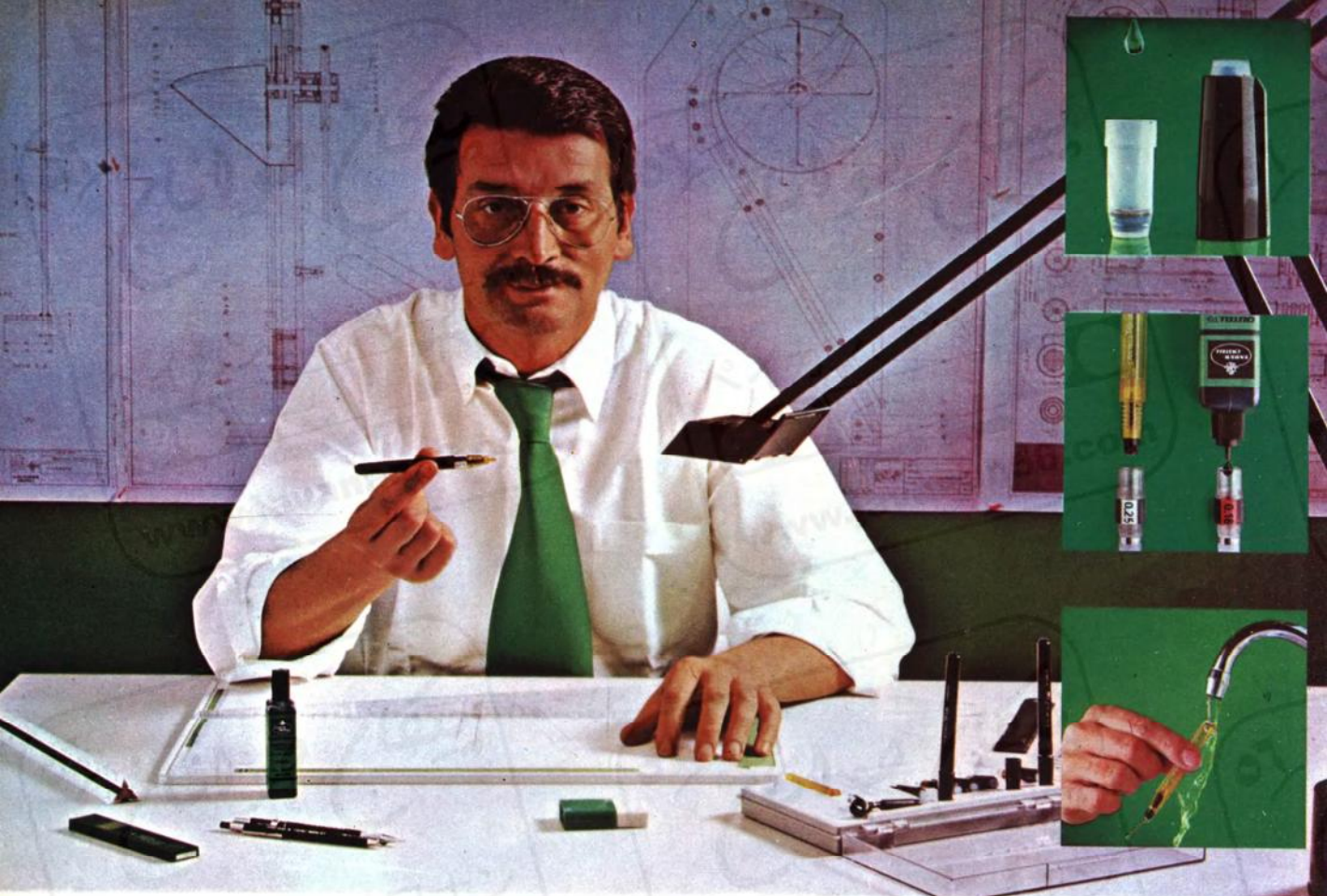
● بازرگانی آراء
 خیابان شاهرضا رسیده به میدان فردوسی شماره ۳۴۴
 تلفن ۸۳۳۹۹۳

● بازرگانی رزمجو (فروشگاه گیتی)
 خیابان سعدی رسیده به مخبرالدوله پاساژ گوهر
 تلفن ۳۰۵۴۸۴

فروش: در سایر فروشگاه‌های لوازم التحریر و لوازم مهندسی



TG



مر کب در پنج دور حلقه تنظیم، کنترل میشود. و ریزش قطرات
نابهنگام آن مهار می گردد.

با چنین تکنیک فنی منحصر بفرد، قلم های **TG** فابر کاستل
آلمان میتوانند بطور مطمئن و روان مورد استفاده قرار گیرند.

Sicherheit für Tuschefluß

Guarantee for constant ink flow

Une assurance d'écoulement regulier multipliée par 5

Garantizada la fluidez de la tinta

Equilibrio di alimentazione garantito 5 volte

5x

قابل توجه مهندسين - مهندسين آرشيتكت -

كارخانجات - شركت‌هاى ساختمانى و مؤسسات تزئيناتى

كارخانه فورميكا استخوانى توكلى اولين و تنها كارخانه فورميكا سازى در ايران ميباشد كه محصولات آن تحت ليسانس سوئد و مطابق استاندارد Nema آمريكا تهيه شده و با ۲۰ سال تضمين بازار عرضه ميگردد.

فورميكا توكلى داراى اندازه استاندارد ۱۲۲×۲۴۴ سانتيمتر و ضخامت يك ميليمتر ميباشد و در دو نوع مات و شفاف در رنگها و طرحهاى مختلف ساخته ميشود.

فورميكا استخوانى توكلى در برابر حرارت - رطوبت آب - اسيدها و خراشيدگى مقاوم بوده و در سا زندگى مدرن امروز کشور نقش عمده‌اى دارد.

موارد مصرف فورميكا : ميزهاى اطلاعات، سالنهاى كنفرانس، هتله‌ها، حمام، آشپزخانه، دفاتر كار، كابين‌ها، دکوراسيون، مصارف صنعتى، مبل سازى و موارد بسيار ديگر ميباشد.

مرکز پخش و فروش: تهران - خيابان بوذرجمهرى غربى، ساختمان ۱۳۰ طبقه چهارم شركت سهامى خاص تخته فشارى و فورميكا سازى توكلى تلفن ۵۲۱۴۲۵ - ۵۲۳۸۳۲ نشانى كارخانه: تبريز - تلفن ۶۴۲۰۴۷ - ۶۴۱۷۱۰



فورميكا استخوانى



طرح ویژه «رادمتالیک» Radmetallic



برای آشپزخانه آپارتمانها

رادمتالیک تنها سازنده آشپزخانه فلزی با رنگ پخته (کوره‌ای) می‌باشد که اخیراً با بررسی امکانات و خصوصیات ساختمانی آپارتمانها و با استفاده از تجارب و نظرات متخصصین صاحب نظر، طرح ویژه‌ای را ارائه نموده است. این طرح برای نصب سرویس آشپزخانه در آپارتمانها با مشخصات استاندارد و کاهش فوق‌العاده هزینه و نصب تنظیم‌گردیده و همیشه آماده اجرا می‌باشد.

رادمتالیک بزرگترین تولیدکننده کابینت‌های آشپزخانه همواره برای پدیده‌های نو پیشگام بوده و امکانات اجرایی این طرح ویژه را با بر خورداری کامل از کارخانجات خود فراهم کرده است.

رادمتالیک آرزو مند است این همکاری که مورد استفاده خانواده‌ها قرار گرفته مورد توجه مهندسین و شرکتهای ساختمانی نیز قرار گیرد و موفق گردد. خدمات ارزنده دیگری را در زیباسازی آشپزخانه‌ها انجام دهد.

نمایشگاه شرکت صنعتی و تولیدی رادمتالیک
فرح شمالی مقابل کلانتری ۴ تلفن ۸۵۲۱۳۳-۸۳۹۰۸۰

www.javanihan56.com



شرکت سهامی وارسا شما معرفی میکند

این چکش خودکار توانسته است تاکنون احتیاجات گروههای بیشماری را که با سازندگی سروکار دارند مرتفع سازد. این دستگاه میتواند بنحو حیرت آوری با گلوله جاشنی طلایی داخل خود در مدتی کمتر از ۳۰ ثانیه عمل اتصالات را روی آهن تا قطر ۱۵ میلیمتر و بتن خیلی سخت میخی را فرو برد و پیچی را بهیچاند و آهن را به آهن و با به تنون و چوب و هر کدام را بیکدیگر اتصال دهد.

شما در هر رشته‌ای تحصیل نموده و تجربه دارید و شما که متخصص در هر فن و حرفه‌ای در سازندگی می‌باشید میتوانید برای نصب لوله‌های آب و فاضل آب، سقف کاذب، در و پنجره، پله و نرده و همچنین سهولت و تسریع در نصب شوفاز سانترال و نصب دستگاه تهویه و کندن کانالهای تهویه مطبوع و در امور الکتریکی برای نصب ترانسفورماتورهای انتقال فشار قوی و کار گذاشتن دستگاههای برقی و الکتریکی و بالاخره برای کلیه امور نصب مورد استفاده قرار دهید.

دستگاه اسپیت ماتیک از جاشنی‌های مختلف و باندازه‌های گوناگون استفاده مینماید و عمل خودکار آن گلوله‌ای را در محل مورد نظر وارد میسازد و آنرا برای میخکوبی و پیچ و یا هرگونه نصبی آماده و مهیا میسازد و در اجرای کلیه این کارها بهیچوجه به اطراف خود صدمه‌ای نمی‌زند.

نشانی: خیابان کریم‌خان زند خیابان سنائی خیابان دوم پلاک ۲۳
تلفن: ۸۲۹۴۷۳-۸۲۹۰۷۹

اتمسفر

بزرگترین واحد
سازنده دستگاههای تهویه مطبوع
در خاورمیانه

فن کویل اتمسفر

چیلر اتمسفر

هواساز اتمسفر

برج خنک کننده اتمسفر

پکیج یونیت اتمسفر

رادیاتورهای فولادی اتمسفر



اتمسفر

شرکت کارخانجات صنعتی

تهران - خیابان شاهرخ - میدان فردوسی شماره ۳۳

تلفن: ۸۲۵۴۳۹ - ۸۲۸۸۰۹ - ۸۳۲۶۰۰ کارخانه: ۲۶۶۶ - ۲۴۴۱-۰۴۴۱

ARCHITECTURAL

FREEDOM

MAKER

ساخت ماکت
برای پروژه‌های معماری و صنعتی

ساخت ماکت

خیابان کورش کبیر شماره ۵۰۰ تلفن ۶۴۱۸۳۱ از ۵ تا ۸ بعد از ظهر

PERMUTIT U.S.A

PIONEER AND LEADER IN WATER AND WASTE
TREATMENT IS PLEASED TO ANNOUNCE
THE APPOINTMENT OF MR. HOCHÉ
AS THEIR REGIONAL MANAGER (MIDDLE EAST)

Mr. Hoche will be permanently residing
in Tehran Iran.

He is available for any technical
assistance and can be reached at the
offices of Permutit's representative;

IRANSAF COMPANY

114, Zafar Avenue P. O. Box 3114 Tehran, Iran,
Telephones : 891804, 892315 and 892392



آوارده و تحویل فوری



شرکت هاماراگ

نمایندگی جدید خود را معرفی میکنید

کارخانه اسفالت سازی SIM

کامپلیرتی کارخانه اسفالت سازی الکترو نیک در دنیا

با قدرت تولید از ۷۰ الی ۳۰۰ تن در ساعت

در سه نوع . تمام اتوماتیک

. نیمه اتوماتیک

. و مکانیکی

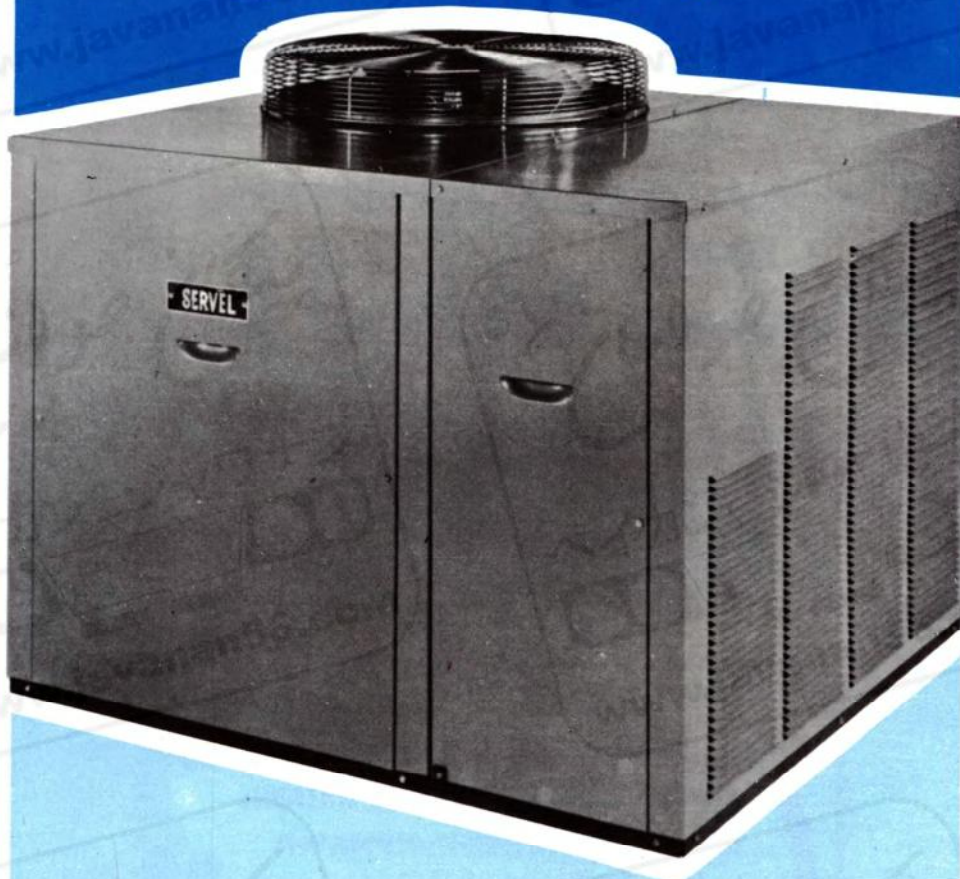
نیانده اختصاصی در ایران : شرکت سهامی خاص **هاماراگ** تهران : خیابان تخت طاوس شماره ۵ ساختمان آرک تلفنهای ۸۳۱۷۵۳۴۵۵

SERVEL

"A Great Name in Air Conditioning"

گروه صنعتی آردل تقدیم میکند:

تهویه مطبوع ار کلاس رول
(سیستم انزوریشن)
با کندنسره‌های هواخنک
سوخت: گاز مایع یا گاز لوله کشی



● AY - بدون دودکش. ضد زنگ، این دستگاه شامل: یک چیلر ACB
بعلاوه یک هیتر است. پمپها و کنترلیهای این دو قسمت مشترک هستند
و در سراسر سال با تهویه گرم و سرد هوای منزل را مطبوع
نگه میدارند.

● مدل‌های AY در ظرفیتهای ۳ و ۴ و ۵ تن سرد و گرم.

● مدل‌های ACB در ظرفیتهای ۳ و ۴ و ۵ تن سرد و گرم.

● مدل‌های RTC در ظرفیتهای ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵ تن سرد و (گرم و سرد)

● مدل SF ۱۲۰ تن سرد

نماینده انحصاری: گروه صنعتی آردل

آدرس: عباس‌آباد - دریای نور - کوچه یازدهم ساختمان آردل تلفنهای: ۶۲۴۲۸۱ - ۶۲۴۲۸۲



افراد متخصص و کارآمد به خدمات مدرن بانکی نیاز دارند

شما گرگ مدیر، پزشک، قاضی، مهندس، پیشه ور... هستید
بتوانید از بانک تجاری ایران و هلند برای انجام خدمات بانکی مورد نیازتان
استفاده نمائید تا با فرصت کافی با مورتخصصی خود برسید.
● صورت حسابهای روزانه

با استفاده از دستگاههای مجهز کامپیوتر صورت حسابهای روزانه با هر تغییری
که در حساب شما صورت میگیرد برایتان بطور رایگان ارسال میگردد تا دقیقاً " در
جریان تغییرات حساب خود باشید.
● دستورات مستمر

برای پرداخت های مستمر نظیر اجاره بها و اقساط ماهانه میتوانید فقط یکبار
دستورات لازم را معادله و مطمئن باشید که این پرداخت ها بطور اتوماتیک توسط
کامپیوتر صورت خواهد گرفت.
● کارت شناسایی پس انداز

با افتتاح حساب پس انداز در بانک تجاری ایران و هلند کارت شناسایی
مخصوص به شما داده میشود تا هر موقع بخواهید بتوانید از هر یک از شعب این بانک
پول برداشت نمائید.
● پس انداز اتوماتیک

هر کسی میخواهد پس انداز داشته باشد ولی مشکلات روزانه اغلب باعث
میشوند پس انداز کردن فراموش شود.
پس انداز اتوماتیک بانک تجاری ایران و هلند کافیست مبلغی را که میخواهید
بطور مرتب پس انداز نمائید به بانک اطلاع دهید تا ماهانه بطور اتوماتیک از
حساب جاریتان مبلغ مورد نظر برداشت شده و بحساب پس اندازتان واریز شود.



بانک تجاری ایران و هلند
MERCANTILE BANK OF IRAN AND HOLLAND



برای استفاده از خدمات فوق ویا کسب اطلاعات بیشتر میتوانید
کوپن زیر را پر کرده و با داره توسعه بازرگانی بانک تجاری ایران
و هلند صندوق پستی ۱۵۲۲ تهران ارسال نمائید.

اسم _____

شغل _____

آدرس و تلفن _____

تئودولیت، نیو



رصد خانه ، تلسکوپ دور بینهای چشمی...

کارل زایس پینا

کارل زایس پینا زایس اصلی عظیم ترین کارخانه اپتیک جهان با بیش از ۱۳۵ سال سابقه



دستگاههای نقشه برداری و فتوگرامتری
تلسکوپ های نجومی
و پلانیتاریوم

نماینده انحصاری

اکوت

۶۶۱۸۳۸ - ۶۶۱۸۸۷

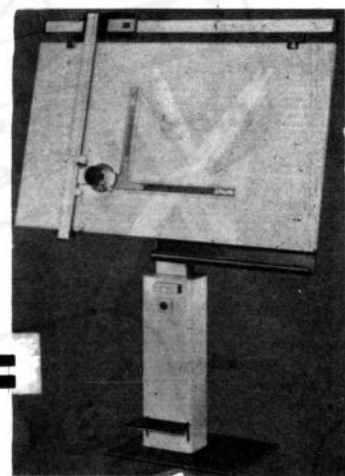
شماره ۱ نادری کوچه شاهرخ پلاک ۱۷ تلفن ۶۴۲۴۵۱ و ۶۴۶۸۶۷ دفتر مرکزی جدید عباس آباد میدان نفت ساختمان اخوت تلفن ۴-۸۵۳۶۹۲

MUTOH

موتو

درافتینگ ماشین اتوماتیک

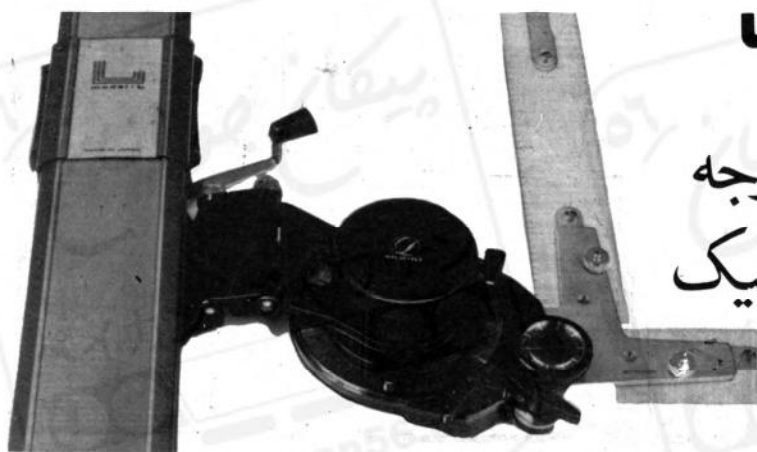
با حساسیت زاویه یک ثانیه



UNIC

انواع میزگردان ۳۶۰ درجه
و درافتینگ اتوماتیک یونیک

ساخت فرانسه



اکوت

۶۶۱۸۳۸ - ۶۶۱۸۸۷

دفتر مرکزی عباس آباد میدان نفت ساختمان اخوت تلفن ۴-۸۵۳۶۹۲

شماره ۱ نادری کوچه شاهرخ پلاک ۱۷ تلفن ۶۴۲۴۵۱ و ۶۴۶۸۶۷

شرکت

ریکولد

طرح و اجراء

تأسیسات تهویه مطبوع

حرارت مرکزی

سردخانه

تأسیسات بهداشتی و آبرسانی

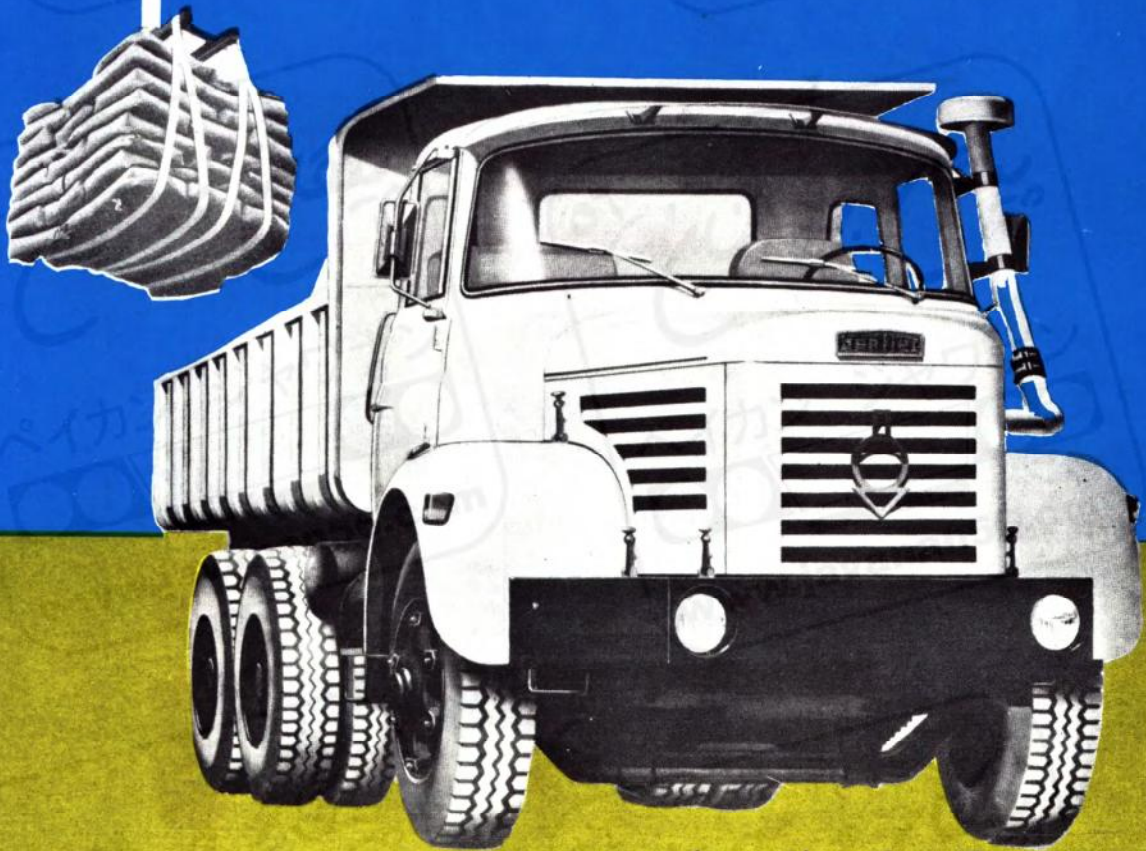
تأسیسات برق و تلفن



تهران - شاهرضا - اول و بلاکچه مراغه ساختمان ۱۱۶ طبقه دوم - تلفن ۸۳۹۸۴۲

شرکت سی.دی.اف باربری مصالح و کالاهای ساختمانی

قابل توجه شرکت‌های ساختمانی. مهندسان مشاور. آرشیکتها



- برای اینکه هیچگاه با مشکل سیمان روبرو نشوید
- برای اینکه سیمان مصرفی به هر مقدار بموقع در سرکار شما آماده باشد
- برای اینکه برای حمل کالاهای ساختمانی بخصوص سیمان در سرکار و در هزینه شرکت خود صرفه‌جویی نمایید

با ما مشورت کنید

شرکت ما با تجهیزات کامل آماده حمل سیمان و کالای ساختمانی شما به هر نقطه ایران است.

شرکت سی.دی.اف
میدان ۲۵ شهر یور خیابان سینا شماره ۲۰ طبقه زیر تلفن ۸۳۳۸۸۱



اگر در کار خود به ارتباطات درست معتقدید، سیستم تلفن دکمه‌ای مایهترین است

VB-350D

برای کار با ۲ الی ۵ خط خارج - و قابل ارتباط
با ده (یا بیشتر) تلفن دکمه‌ای - یک یا دو ارتباط
آنی داخلی - با امکانات دکمه Paging با صدای بلند
در هر تلفن - لامپ اشغال اینترکام داخلی - لامپ
برای کلیه خطوط خارج - موزیک‌هاکس - ولوم
کنترل برای تنظیم صدا - کلید انتقال بوق برای روز
و شب و - بسیاری مزایا و امکانات دیگر.



VB-340D

شبه سیستم ۲۵۰
است ولی برای کار با
دو خط خارج و ۶ تلفن
دکمه‌ای و یک ارتباط
آنی داخل.

اگر برای دفتر کار خود دنبال سیستم تلفن مناسبی هستید بدون تردید تلفن دکمه‌ای ساخت ناسیونال دستگاهی است که واقعاً بدرد شما می‌گورد. این سیستم در مواردی که لازمست خطوط تلفن بین افراد مختلفی رد شود قابلیت و کارائی خود را نمایان می‌سازد. طرح آن بسیار زیبا و استفاده از آن بسیار آسان است. این سیستم از نظر مقایسه با دستگاه‌های مرکزی معمولی بمراتب اقتصادی‌تر و ارزاندمان بیشتری برخوردار است. سرویس خوب و نصب صحیح این دستگاه‌ها، تخصص ما است.

MAZDAK



شرکت سهامی مزدک (عام)
شماره ۶۶ خیابان مریض‌اندوه، خیابان کوروش کبیر
تهران - نشانی تلفن‌رازی ۴۴۶۶ نشانی ۲۱۲۸۷۱
تلفن : ۷۲۱۴۰ - ۷۲۵۴۰ - ۷۲۵۴۱ - ۷۲۵۸۶

National National
Button Telephone

دژپاد

اولین تولید کننده قفسه‌های فلزی باز شو و تأسیسات انباری در خاورمیانه

مشاور مشکلات انباری شما
(طراح و اجرا)



MANUFACTURER OF STEEL SHELVES
STORAGE RACKING SYSTEMS
& HANDLING EQUIPMENT

کارخانه صنعتی دژپاد تولید کننده:

- ۱- انواع راک و باکس یاکت برای نگهداری مواد در هر نوع بسته بندی با ظرفیت و تحمل بارگیری مختلف.
- ۲- قفسه بندی برای قطعات ماشین آلات و ابزار.
- ۳- قفسه بندی سبک برای ملزومات و قطعات کوچک بصورت انبارهای چند طبقه.
- ۴- راکهای سنگین و کانتیلورهای یکطرفه و دوطرفه برای نگهداری مواد اولیه سنگین و نگهداری بشکه
- ۵- انواع وسائل حمل و نقل قطعات ساخته و نیم ساخته مختلف داخلی کارخانه و انبار از قبیل نرده بان، نقاله های دستی و چرخ دار، سبدهای پالتی، میز کار و غیره
- ۶- انواع پالت های فلزی و چوبی و جعبه های فلزی و پلاستیک در ابعاد مختلف
- ۷- انبارهای عظیم با فورک لیفت های نصب شده روی ریل در ارتفاع های زیاد
- ۸- قفسه های سبک و ظرفیت و باز شو مخصوص کتابخانه ها - فر و شگاهها - و سوپرمارکتها

نمایشگاه و فروشگاه مرکزی: خیابان سپه جنب استخر شماره ۲۲۲ تلفن ۶۴۲۱۸۲-۶۶۶۵۶۷ کارخانه: جاده کرج - کیلومتر ۱۸ تلفن ۹۷۷۰۱۸-۹۷۸۰۴۹-۹۷۵۶

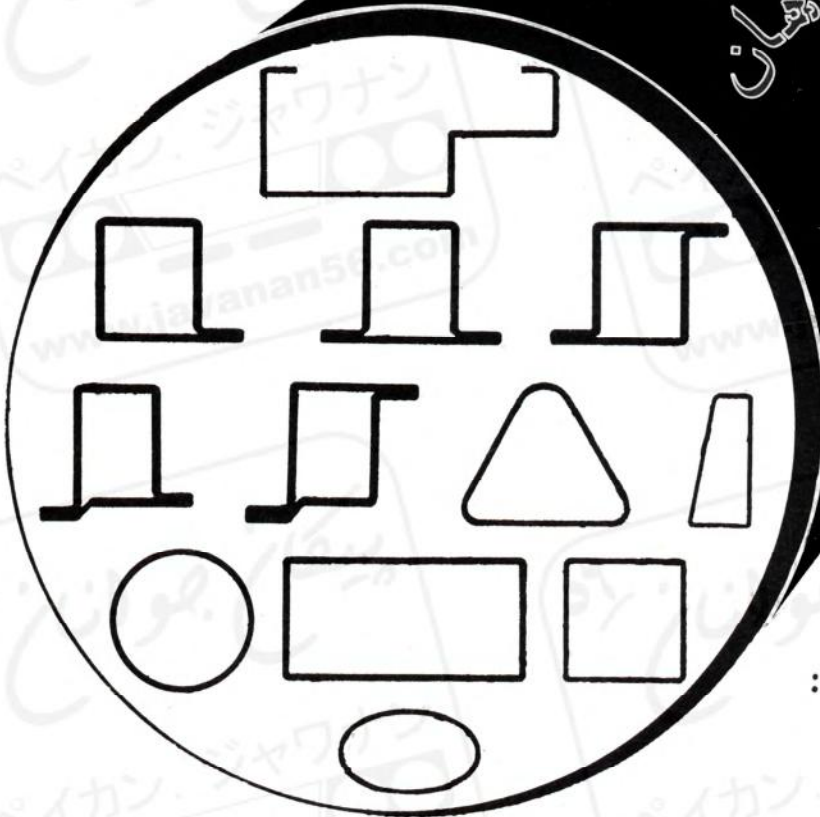
Central Office No. 222 Ave. Sepah Teheran Iran Tel. 666567-642182 Telegram 6656



SEPHAN INDUSTRIAL GROUP
Tube & Profile

شرکت گروه صنعتی سپاهان
یکی از بزرگترین سازنده و تولید کننده انواع
لوله و پروفیل در خاورمیانه.

لوله و پروفیل سپاهان



پروفیل سپاهان برای مصارف:

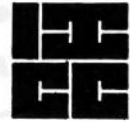
- درب و پنجره
- اسکلت و پوشش ساختمانها
- برجها و دکلها
- پله و نردهها
- سالنهای کارخانجات و جایگاههای ورزشی و اماکن عمومی
- گلخانه و سایر پروژههای صنعتی و ساختمانی دیگر.

دفتر مرکزی: خیابان سیهبذ اهدی چهارراه تخت جمشید شماره ۱۰۸ تلفن: ۸۲۰۵۸۰-۸۲۸۹۷۸

نقانی- دفتر اصفهان: خیابان شاه عباس - ساختمان اطباء تلفن ۲۶۹۴۵

کارخانه: اصفهان کیلومتر ۲۵ جاده یزد

itcc review



journal of the international
technical cooperation centre
i.t.c.c.

● **Special issue: Housing for the emerging nations**

● **Discussion and examination of existing experience in solving problems of housing in developing nations**

● **PART A - 15 papers by leading experts: \$ 7.00**

● **PART B - 27 papers by leading experts: \$ 10.00**

ITCC Tel-Aviv, 200 Dizengoff st., P.O.B. 3082
Israel

انتخاب مشروط

ما کلیه امور تبلیغاتی، از چاپ و انتشارات گرفته تا تهیه فیلم و طرح‌های عظیم بازاریابی و ترویج فروش را در چهار چوب استانداردهای علمی به انجام می‌رسانیم. در صورتیکه ما تولید محصولات و یا خدمات شما بانیروی واقعی «تبلیغات» بپردازیم شناسانده شود، با سازمان پل تماس بگیرد.

ما

MARKETING
PUBLIC RELATIONS
ADVERTISING AGENCY

56, ESFANDIARI ST.
ROOSEVELT AVE.
TEHRAN IRAN.

TELEPHONE 836741

تماس با ما کار کوچکی است
که نتایج عظیم به همراه دارد

سازمان تبلیغات پل

تهران - خیابان روزولت - بالاتر از میدان ۲۵ شهریور
خیابان اسفندیاری - شماره ۵۶ - تلفن: ۸۳۶۷۴۱



MEMBER OF INTERNATIONAL ADVERTISING ASSOCIATION

شرکت صنعتی

شرفاز کار

تولیدکننده :

✓ **دیگهای چدنی**

بظرفیت ۲۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ کیلوکالری

✓ **رادیاتورهای چدنی**

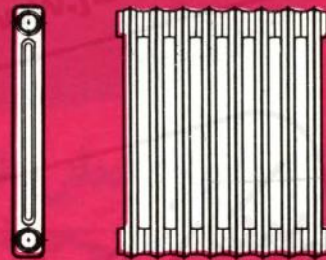
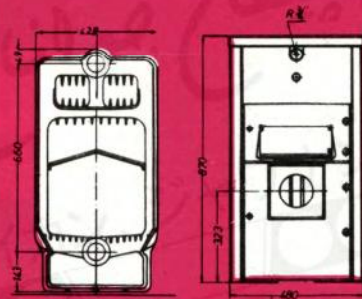
درهفت مدل

✓ **وان چدنی لعاب چینی**

برنگهای مختلف

✓ **زیردوشی چدنی لعاب چینی**

در دو مدل



شرکت صنعتی شرفاز کار

دفتر : تخت جمشید چهار راه روزولت تلفن ۲۸-۸۳۹۳۲۶



شرکت ایران مهسا



در و پنجره آلومینیوم

ظرفیت تولید

۲۰۰ واحد در روز



آدرس دفتر مرکزی : خیابان شاه عباس خیابان الوند شماره ۱۶ تلفن دایره فروش ۸۳۶۶۱۹

تأیید مرغوبیت ویژه



هاویلوکس



مرغوبیت ویژه رنگ هاویلوکس از طرف مؤسسه استاندارد اردو تحقیقات صنعتی ایران تأیید، و هاویلوکس اولین و تنها رنگ استاندارد شده ایران اعلام شد.

هاویلوکس اولین و تنها رنگ استاندارد شده ایران

بالاتر از هاویلوکس رنگی نیست

pars
metal

پارس متال



پارس متال
تولید کننده لوله و اتصالات
چدنی فاضل آب

خمايان و يلا شماره ۳۳۳ تلفن ۸۳۱۰۶۷-۹

«سرامیک، پدیده‌ای زیبا در خدمت هنر معماری»

گفت و شنود.

با توجه باینکه از دیرزمان سرامیک در صنعت معماری ایران از شاهکارهای هنری ایرانیان بوده و جهانیان را به تحسین از معماری و طراحی این صنعت واداشته است تصمیم گرفتیم گفت و شنودی با آقای مهندس محمود مرشدمدیرعامل شرکت سرامیک البرز «اولین و بزرگ‌ترین سازنده سرامیک در خاورمیانه» داشته باشیم. آنچه در زیر می‌آید ماحصل این گفت و شنود است.

تاریخ تأسیس کارخانه سرامیک البرز:

ساختمان کارخانه سرامیک البرز در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ در زمینی به مساحت ۱۰۰،۰۰۰ متر مربع در شهر صنعتی البرز شروع شد و ظرف مدت دو سال با همکاری و زحمات شبانه‌روزی مهندسين ایرانی و متخصصین ژاپنی با علاقمندی و نظارت مستقیم آقای مهندس مرشد تکمیل و از اوائل سال جاری، آماده بهره‌برداری گردید. محصولات سرامیک البرز در انواع و ابعاد مختلف با رنگهای بی نظیر و طرحهاییکه با ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی شکل گرفته طبق استانداردهای بین‌المللی تهیه و بی‌بازار عرضه میگردد. ظرافت، مرغوبیت، ثبات رنگ و استحکام سرامیکهای تولیدی جلوه‌گر مجدد هنر بومی ایران خواهد شد. آقای مهندس مرشد اضافه نمودند که کاربرد صحیح تکنیک بخاطر هنر نه‌هنر بخاطر تکنیک در پیشرفت و تکمیل صنعت سرامیک قدم بر میدارد و امیدوارند که بهره‌گیری از نیروی خلاقه مهندسين و طراحان ایرانی و استفاده از سوابق ممتدی که در این صنعت از دیرباز وجود دارد عظمت گذشته صنعت سرامیک را مجدداً احیاء نمائیم.

مشخصات فنی تولیدات سرامیک البرز:

در سطح استاندارد جهانی تولید می‌شود.
در بیش از ۱۲۰۰ درجه حرارت پخته می‌شود.
جذب آب آن کمتر از یک درصد می‌باشد.
در مقابل عوامل جوی (سرما، گرما، رطوبت) مقاوم است.
یک لعاب براق، دولعاب براق، لعاب‌مات آنتیک در رنگهای متنوع و ثابت تولید می‌شود.
ضد اسید می‌باشد.
باسانی بصورت تایل ۳۰×۳۰ سانتیمتر نصب می‌شود.
و بالاخره مهمترین تحقیقی در مورد غلظت نصب آن بعمل آمده این امکان را بپا می‌دهد
که آنرا با چسب نصب کرده و تنها زیرسازی سیمانی برای نصب و استفاده از چسب کافی
است و حتی روی دیوارهای گچی یا دیوارهای باقطعات گچی پیش ساخته نیز می‌توان از این
روش استفاده نمود، که این امکان بالاترین مزیت سرامیک البرز خواهد بود.

ابعاد سرامیکهای البرز:

۲×۲ سانتیمتر ۲×۴ سانتیمتر ۲×۵ سانتیمتر $۲/۵ \times ۴$ سانتیمتر ۴×۴ سانتیمتر
سرامیک با ابعاد ۵×۵ و $۷/۵ \times ۷/۵$ و ۱۰×۵ نیز در برنامه تولید کارخانه بود که
آقای مهندس مرشد اظهار امیدواری نمودند در نیمه اول سال آینده بازار عرضه گردد.

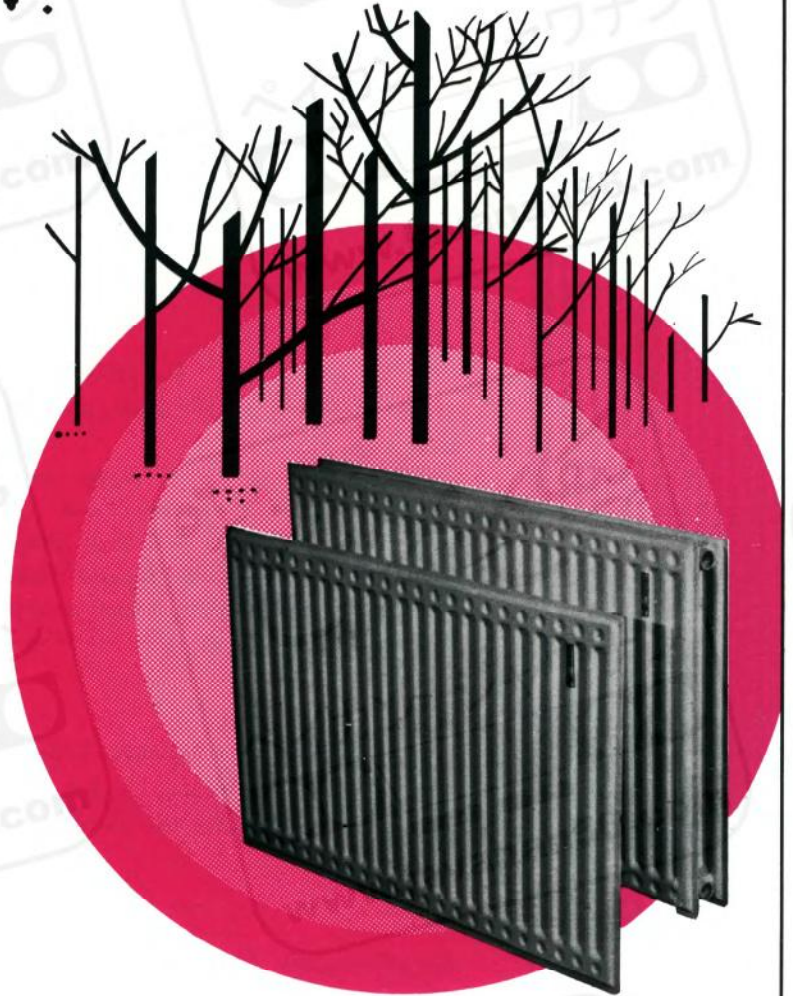
موارد مصرف سرامیک البرز:

انواع سرامیک البرز که در طرح، اندازه و رنگهای مختلف و بانظارت متخصصین
ایرانی و ژاپنی تولید می‌گردد در کلیه واحدهای ساختمانی مورد مصرف داشته و برای
کف، دیوار، نمای داخلی و خارجی ساختمانها و همچنین تزئینات داخلی، آپنما، دیوارهای
استخر و برای تهیه تابلوهای سرامیکی مخصوصاً در مواردی که کف باید ضد اسید باشد بکار
می‌رود. در پایان گفت و شنود مهندس مرشد که از پیروان احیای هنر ملی و معماری اصیل ایرانی
هستند از دوستان و همکاران خود آقایان آرشیتکتها و مهندسين ساختمان تقاضا نمودند
این صنعت ملی را یاری داده و هرگونه طرح، یا فکر جدیدی در کاربرد این صنعت دارند یا
ایشان در میان گذاشته و در جهت توسعه و تکمیل آن همکاری فرمایند.

ما به کلیه دوستان و همکاران خود توصیه می‌نمائیم از نمایشگاه کارخانه سرامیک
البرز واقع در تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - نرسیده به چهار راه ثریا - ساختمان ۱۱۸ طبقه
چهارم (تلفن‌های ۳-۸۳۵۷۲۱) بازدید بعمل آورند تا ضمن آگاهی از زحماتی که در احیای
این صنعت قدیمی شده با طرحهای جدید سرامیک نیز آشنا شوند.

حداکثر حرارت در حداقل جا

با پانل رادیاتورهای
مدرن و زیبای
کارخانه آژیر

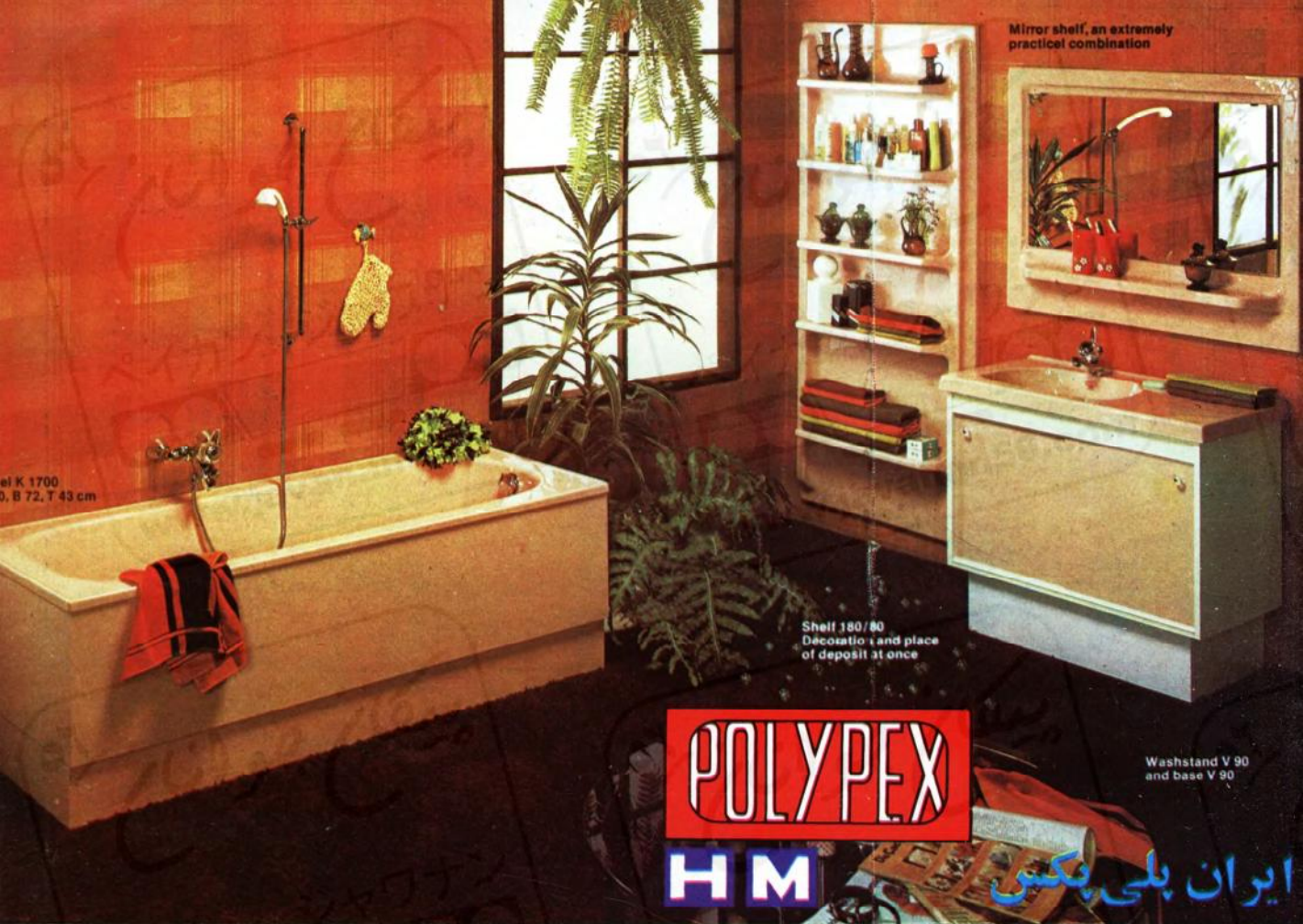


همگام با کشورهای پیشرفته صنعتی در
کاربرد مدرنترین وسائل در ساختمانها
پانل رادیاتور را عرضه میکنیم

پانل رادیاتور آژیر

- زیبا و دکوراتیو است
 - پاکیزه ساختن آن بسیار آسانست
 - جای زیادی را اشغال نمیکند
 - برای واحدهای کوچک مسکونی ایده آل است
 - در ۳ مدل و ۱۰۴ اندازه تهیه میشود
 - با هر دکوراسیونی هم آهنکی دارد
- کارخانه آژیر : کیلومتر ۱۱ جاده سوده تلفن ۳۹-۹۶۳۸۳۸
دفتر مرکزی : بولوار الیزابت نبش کاخ شمالی - ساختمان شماره ۳ تلفن ۶۲۱۹۳۸





Mirror shelf, an extremely practical combination

el K 1700
D, B 72, T 43 cm

Shell 180/80
Decosatio and place
of deposit at once

Washstand V 90
and base V 90

POLYPEX

HM

ایران پلی پکس

جدیدترین پدیده صنعت در لوازم بهداشتی و ساختمانی را عرضه مینماید.



با توجه به پیشرفت صنعت پتروشیمی و متجاوز از ۱۵ سال تجربه بین المللی کارخانجات پلی پکس در ممالک پیشرفته جهان، لوازم بهداشتی پلی پکس از بهترین و ممتازترین مواد اولیه توأم با مدرنترین روشهای تولیدی ساخته میشود.

معصولات بهداشتی ایران پلی پکس نسبت به معصولات مشابه خود دارای معاسن و مزایای زیر می باشد:

- سطح صاف و شفاف
- تنوع و زیبایی در رنگها
- متجاوز از سی برابر مقاوم در مقابل ضربه
- متجاوز از نود درصد بیشتر حرارت آب داخل خود را محفوظ نگاه میدارد
- عایق الکتریسته
- مطلقاً بدون خطر پوسته شدن رنگ، شکنندگی و زنگ زدن
- حتی در مقابل آبجوش هم فرم اولیه خود را نگاه میدارد.

شرکت ایران پلی پکس (سهامی خاص)

تهران - خیابان ایران نوین - ساختمان آچاچی ۱۱۰ - تلفن: ۶۴۸۹۱۸

CERAMICO

نموداری ارزنده از هنر اصل کاشی سازی در ایران

سرامیکو

سرامیک های تولیدی

سرامیکو

در رنگهای مختلف با ابعاد

یک اندازه و لعابی شفاف

تهیه میگردد که در مقابل عوامل

گرم و سرما مقاوم بوده و ساختمان

شایبانی خاص میدهد

سرامیکهای ضد اسید لعاب دار

سرامیکو

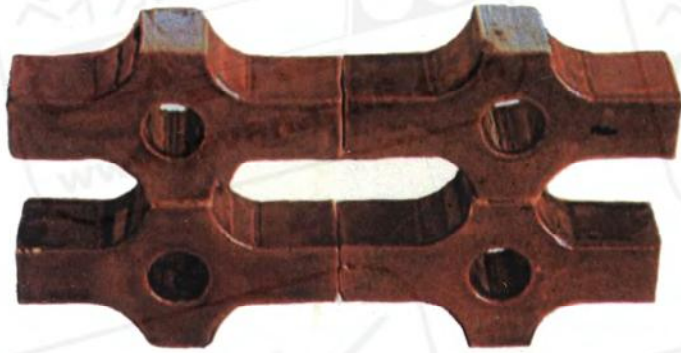
حصاره و چکیده از صد ها نوع خاک

زرخیر ایران تهیه شده و بدست

کارگران زحمتکش ایرانی و تحت نظر

مهندس ورزیده و با سلیقه خاص

ایرانی تولید میگردد .



سرامیک روبنا شماره ۱۰۰۸



سرامیک روبنا شماره ۱۰۱۰



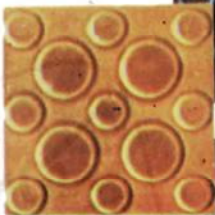
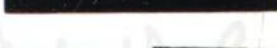
سرامیک روبنا شماره ۱۰۱۲



سرامیک روبنا شماره ۱۰۱۴



سرامیک روبنا شماره ۱۰۱۶





ABGUINEH S.A.



پروژه تهران آپارتمانه

کارخانه و شهر صنعتی البرز (تزوین)

تولیدات: شیشه جام، شمشیر، ایمنی، طلای، لعابی، رنگی، مسلح، دوپل، ضد گلوله و تزئینی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان سیهید زاهدی، کوچه شریف، شماره ۸. تلفن: ۸۳۴۰۶۱۰۳

اداره فروش شیشه های ایمنی (سکوریت): تهران، شاهرضا، خیابان فرصت، کوچه بهیمان، شماره ۱۲. تلفن: ۸۲۵۴۳۱

آدرس تلگرافی: آبشینکو

تلکس: ۲۶۶۷

ماشینهای حساب الکترونیکی توشیبا

پرفروشترین ماشین حساب در ایران

مدل BC-1003P

۱۰ رقمی نواری،

چهار عمل اصلی، یادکمه درصد، اتوماتیک



مدل BC-0808B

۸ رقمی، برق و باتری



مدل BC-601L

۶ رقمی، جواب تا ۱۲ رقم،

برق و باتری



دارای مجهزترین

سرویس در ایران



مدل BC-602L

۶ رقمی، جواب تا ۱۲ رقم

برق و باتری یادکمه درصد



ماشین حساب الکترونیکی توشیبا

نمایشگاه و مرکز سرویس :

تهران - خیابان ایرانشهر - شماره ۹۰/۴ - تلفن ۸۳۳۰۱۱/۱۶



اولین تولید کننده
شیرهای
بهداشتی
و ساختمانی
در ایران

شرکت تولیدی ایران والونو (سهامی خاص)

دفتر فروش: خیابان فردوسی جنوبی پاساژ فردوسی تلفن ۳۰۴۴۱۶
آدرس کارخانه: خیابان مازندران کیلومتر ۱۷ خیابان سازمان آب منطقه ۳ تلفن ۷۸۴۹۴۱-۲

SHERKATE TOWLIDI IRAN VALVE NOU
(SEHAMI KHASS)

Manufacturer of Standard Valves
(Sanatary & Industrial)

WORKS: 12 KM Mazandaran Road
Tel: 784941 - 2

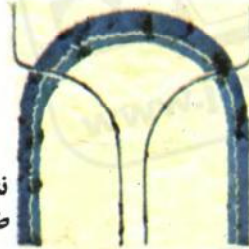
OFFICE: Ave Ferdowsi- Passage Ferdowsi,
Tel: 304216



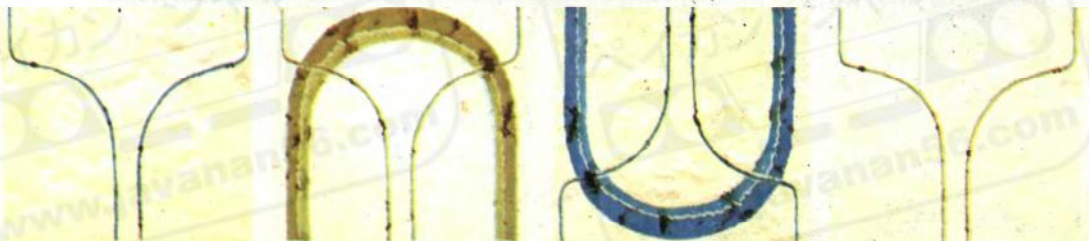
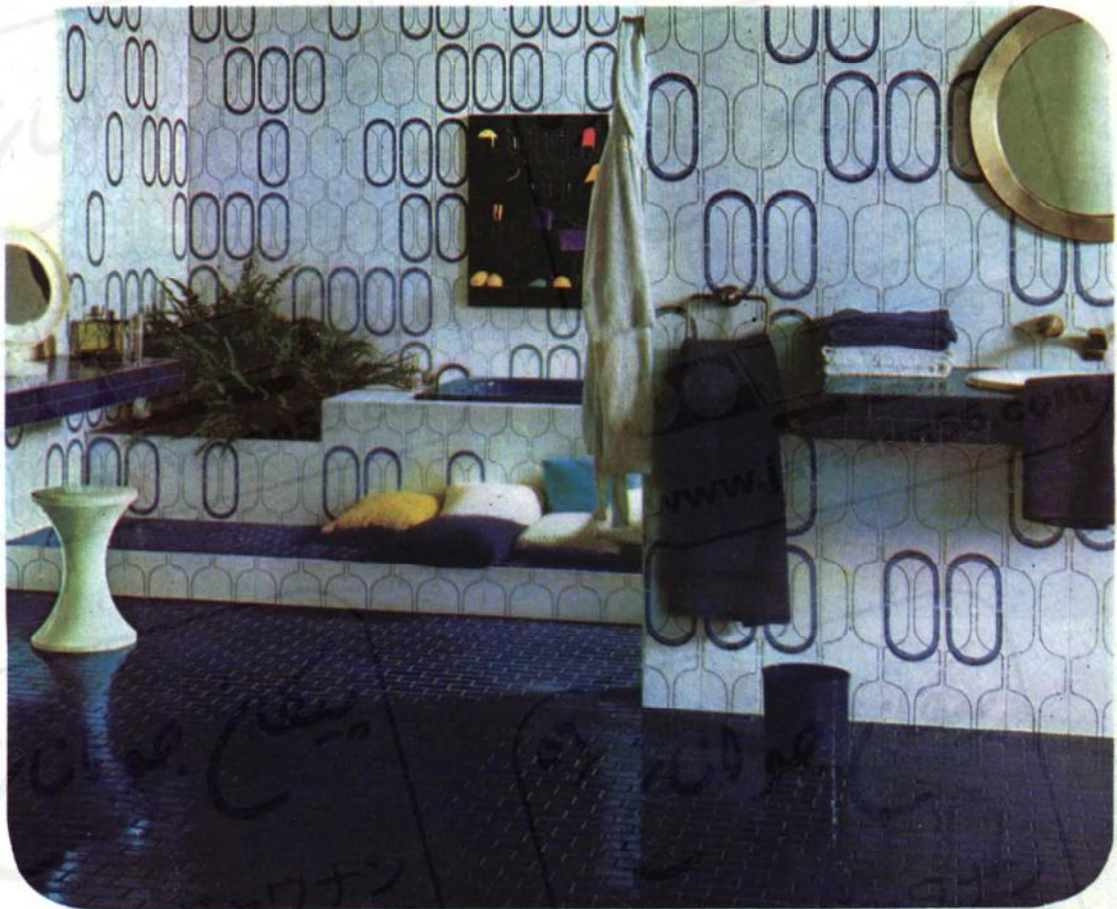


شکوه و زیبایی کاشی را، در کاشی های سراباتی فرانسه به بینید.

CÉRABATI



نشانی: خیابان کاخ شمالی بالاتر از بلوار المیزاب شماره ۷۸
طبقه سوم تلفن های ۶۵۲۰۳۳ - ۶۵۹۹۴۲



ARCEAU bleu B

ARCEAU brun A

ARCEAU bleu A

ARCEAU brun B

وینیلکس



DUNLOP SEMTEX LIMITED (U.K)



Vinylex

شرکت سهامی بخش لیتولوم ایران

تهران - چهارراه کاج - تلفن ۶۴۷۰۷۰ - ۶۴۱۰۴۰



EQUIPLUS-SYSTEM



سیستم اکی پلوس EQUIPLUS از بست های مختلفی تشکیل شده که می توان با آن به آسانی هر نوع ویتزین یا پارتیشن از شیشه - آئینه - صفحات پلاستیکی - تخته و غیره را ساخت در این سیستم بست ها بدون بکار بردن چسب - میخ یا پیچی بیکدیگر اتصال پیدا میکنند .

نماینده انحصاری در ایران

شرکت رفک با مسئولیت محدود خیابان خواجه نصیر طوسی ۳۲۲ تلفن ۷۵۴۴۶۱



مسجد جامع نطنز

عکاس: صمد ذواشفاق

تاریخ: مردادماه ۱۳۵۴

از اقدامات مجله هنر و معماری در نشر و

انتشار عکسهای بناهای تاریخی ایران



شرکت پلاکش

اولین تولیدکننده اورگنر - ساختمان پرنام کوپل پلاکش در ایران.
کوپل پلاکش یک چهاره و دو چهاره با فرمها و اندازه های مختلف در خدمت هنرمندانی.

شرکت پلاکش، خیابان پهلوی جنب سینما امینابزر کوچه فرسید شماره ۷ تلفن ۸۹۰۳۰۳ - ۸۹۳۷۵۸